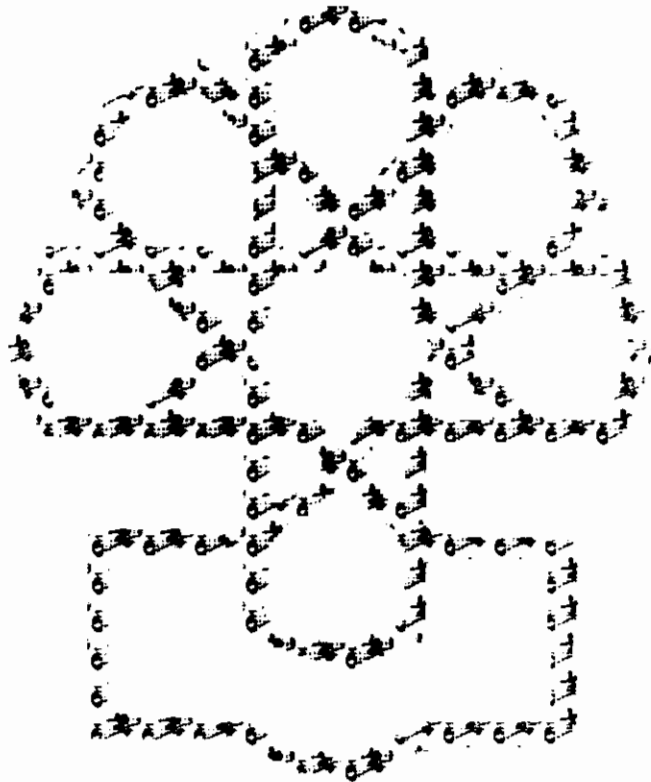




## نظام تأمین اجتماعی (۵)



معاونت پژوهشی  
خرداد ۱۳۷۹

کار: گروه تحقیق  
مسئول گروه: دکتر جمشید پژویان

کد گزارش: ۲۸۰۵۳۷۱

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه واحد اسناد و اطلاع‌رسانی  
شماره: ۱۲۹۴۴  
تاریخ: ۷۹ / ۹ / ۲۲

در این کتاب سعی شده است که یک مطالعه از شرایط رفاهی و اقتصادی چند زیر گروه عمده از جوامع شهری و روستایی صورت گیرد. در مباحث اجرایی سیستم‌های حمایتی که بخش بسیار مهمی از نظام یا سیستم تأمین اجتماعی را تشکیل می‌دهد، یکی از حساس‌ترین مراحل مسئله شناسایی گروه فقیر است. اصولاً و غالباً گروه فقیر را در کجا و بین چه گروه‌های از جامعه می‌توان بیشتر یافت. آیا زیرجامعه یا زیرگروه‌های وجود دارند که بخش عمده‌ای از افراد یا خانواده‌های آن فقیر باشند و آیا علائم مثبت‌ای برای تمیز این زیرگروه یا جامعه‌ها از دیگر گروه‌ها وجود دارد؟ در صورتی که بتوان یک یا چند گروه یا قشر از جامعه را شناسایی نمود که بخش غالب خانوارهای آن فقیر بوده و قابل شناسایی نیز باشند، در مرحله اجرایی حمایت از فقرا موفقیت بزرگی خواهد بود.

در بسیاری از جوامع خانوارها و گروه‌هایی را با بعضی از صفات مشخص کرده و آنها را آسیب‌پذیر می‌شناسند، مثل خانوارهای بدون سرپرست، زنانی که شوهر آنها را ترک نموده یا طلاق داده و یا شوهر آنها فوت نموده باشند. خانوارهای که سرپرست آنها یا یکی از اعضا خانوار معلول باشد، افراد مسن و از کار افتاده‌ای که زیر پوشش بیمه‌ای مناسب قرار ندارند، بیکاران و... البته شناسایی افراد لازم‌الحمایه فقط از طریق این صفات یا چند صفت مشترک صورت نگرفته و معمولاً مراجعه مأمورین تأمین اجتماعی و بررسی از نزدیک نیز صورت می‌گیرد. ولی هرچه قدر یک صفت یا ترکیب چند صفت قابل اثبات بتواند تعداد بیشتری از افراد فقیر را آشکار نماید هزینه شناسایی و فعالیت‌های مددکاری کمتر خواهد بود.

برای آشکار کردن بعضی از صفات فقرا به دو صورت می‌توان عمل نمود. نخست این که با توجه به امکانات و دسترسی آماری به زیرگروه‌های جامعه وارد شده و سعی در شناسایی زیرگروهی نمود که درصد بالایی از فقرا را در خود داشته باشد. این تقسیم‌بندی یا تجزیه جامعه به زیرجامعه‌ها می‌تواند براساس یک یا چند صفت صورت گیرد. ولی به هر حال هرچه قدر تقسیمات جزئی‌تر شده و با ترکیب صفات نمونه کوچک‌تر شود از کفایت آماری کاسته خواهد شد. در روش دوم به این صورت می‌تواند عمل شود که پس از استخراج خط فقر برای کل جامعه یا جامعه‌های بزرگ‌تر (مثل شهر و روستا) گروه زیرخط فقر را جدا نموده و با مطالعه صفات غالب آنها مبادرت به شناسایی نمود. در این مورد نیز علاوه بر مسئله کفایت آماری برای زیرجامعه فقیر ارتباط صفات یافته شده برای فقرا و زیرجامعه‌هایی که این صفات را مشترک دارند مسئله دیگری است. مثلاً اگر در مطالعه افراد زیرخط فقر مشخص شد که صفت غالب فقرا سن بالا می‌باشد هنوز قدم عمده‌ای در کاهش هزینه شناسایی برداشته نشده است، چون امکان را در این صفت غالب مثلاً ۵۵ درصد از کل ۱۲ درصد افراد زیر خط فقر باشد و این تعداد نسبت به گروه افراد مسن حتی ۳۰ درصد آنها را نیز

تشکیل ندهد. به عبارت دیگر در یک فراخوان افراد مسن به عنوان گروه فقیر این نکته وجود خواهد داشت ۷-۸ درصد آنها فقیر نیستند و الزاماً هزینه بالایی بررسی مستقیم وجود خواهد داشت.

به هر حال نباید استفاده از هر دو روش را جهت شناسایی صفات فقرا نادیده گرفت و در هر صورت اطلاعات پویایی در این مطالعات وجود دارد. ما در این کتاب با توجه به امکانات آمادگی و محدودیت‌های دیگر مبادرت به اجرای چند مطالعه با هدف بررسی اقتصادی، مطالعه چگونگی توزیع و استخراج حظ فقر برای اقشاری از جامعه خواهیم نمود. از آنجا بر مجموعه این طرح و کتاب‌های منتشر شده از آن شامل بسته اجرایی نمی‌شود. در این کتاب اصول و روش‌ها معرفی شده و تصویری از شرایط رفاهی و اقتصادی چند زیرجامعه شاخص ارائه می‌شود. در یک طرح اجرایی لازم است که زمینه مناسب‌تر آماری برای افزایش کفایت آماری مطالعه فراهم شده و با جزئیات بیشتری به این مهم پرداخته شود.

یکی از طبقه‌بندی‌های مهم در جامعه تفکیک آن برحسب شغل سرپرست خانوار است.

شاید می‌شود که کارکنان دولت بسیار فقیر هستند یا کارفرمایان همگی در رفاه به سر می‌برند. در فصل اول بررسی اقتصادی و استخراج درصد فقرا به سبب مشاغل صورت گرفته است. یکی از باورهای جامعه وضعیت نامناسب مستأجرین است، به طوری که در مثال‌ها، حتی فکاهی‌ها از شرایط بد اقتصادی و رفاهی در شهرستان صحبت شده و مالکین را این تصور می‌کنند.

در فصل دوم کتاب سعی شده است که به این سؤال پاسخ داده شود و مضافاً توجه خاصی به افراد غیر مالک شده و راه‌حلی برای حمایت مسکن افراد نیازمند پیشنهاد شود.

در عمده جوامع توجه خاصی به خانوارهایی که سرپرست آنها زن هستند صورت می‌گیرد. در نتیجه این سؤال مطرح است که آیا خانوارهایی که سرپرست مرد ندارند در چه شرایط و نیازی به سر می‌برند آیا وجود سرپرست زن تغییری در الگوی مصرف یا آسیب‌پذیری خانوار ایجاد می‌کند؟ ما در فصل سوم با تفصیل بیشتری به مطالعه خانوارهای با سرپرست زن پرداخته و شاخص‌های استخراج شده برای آنها را با شاخص‌های مشابه خانوارهای با سرپرست مرد مقایسه می‌کنیم. فصل پنجم و آخر این کتاب به بررسی شرایط رفاهی و فقر گروهی از جامعه می‌پردازد که آنها نیز براساس باور جامعه در معرض آسیب‌پذیری قرار دارند. بازنشستگان که به علت نداشتن صدای بلند سیاسی معمولاً در کنار قرار می‌گیرند. در طی سال‌های گذشته با مستمری‌های بسیار پایین و سیر نزولی از دیدگاه دریافت واقعی روبرو بوده‌اند. این سؤال مطرح است که آیا مستمری جزئی بلاننشستگان آنها را به زیر خط فقر منتقل نموده است یا خیر. بالاخره در این فصل انتهای بررسی از شرایط اقتصادی و رفاهی کسانی که خارج از پوشش بیمه‌ای هستند صورت گرفته و با گروهی که تحت حمایت بیمه‌ای هستند مقایسه می‌شوند.

## فصل اول: بررسی وضعیت اقتصادی شهرنشینان و روستاییان کل کشور به تفکیک مشاغل

### مقدمه

یکی از عمده‌ترین زیرگروه جوامع شهری و روستایی تقسیم‌بندی آنها برحسب مشاغل است. قرار گرفتن سرپرستان و اعضای خانوار در گروه‌های مختلف شغلی متأثر از عوامل مختلف می‌باشد. ثروت فامیلی، سرمایه انسانی، سوابق خانوادگی و اجتماعی، زمینه‌های سیاسی، وقایع تصادفی و توانایی‌های فردی از آن

جمله می‌باشند. از دیدگاه عده‌ای از مردم و حتی مسئولان مملکت و سیاست‌گذاران شاغل بودن و قرار گرفتن در یک شغل اجتناب از فقر خانوارها را تضمین می‌کند. از سوی دیگر عده‌ای به خصوص صاحبان مشاغل دولتی و دستمزد و حقوق بگیران شکایت از درگیری با فقر را دارند. نکته مهم دیگری نیز در رابطه با بیکاران است. در واقع تعریف بیکار بسیار دشوارتر از تعریف شاغل است. هر چند که اینها دو روی یک سکه هستند. به عبارت دیگر معلوم نیست کسی که خود را بیکار می‌خواند و در منزل نشسته است یا روزی چند تلفن تعدادی معامله سودآور انجام می‌دهد را می‌توان بیکار دانست یا کسی که صاحب ثروت زیادی است که به شکل انواع دارایی نگاه‌داری شده و از محل هر یک از این دارایی‌ها درآمدی به دست می‌آورد و دولتی کار دیگری انجام نمی‌دهد. را چه می‌خوانیم.

هدف ما در اینجا تجزیه و تحلیل شرایط اقتصادی خانوارها بر حسب شغل سرپرست خانوار است. در این تجزیه و تحلیل ضمن مطالعه‌ای از الگوی مصرف هر شغل سعی در تخمین خط فقر نموده و چگونگی توزیع درآمد را محاسبه می‌کنیم. سؤال اصلی ما این است که آیا شغلی وجود دارد که اکثریت یا درصد قابل توجهی از آنها زیر خط فقر باشند یا شغلی که فاقد فقیر بوده یا درصد افراد فقیر آن قابل توجه نباشند. با این بررسی سعی در کمک نمودن به مسئله بسیار مهم شناسایی گروه فقیر را داریم که از طریق بعضی از صفت‌ها بتوانیم آنها را تفکیک نماییم.

در مرحله نخست جهت انجام این مهم باید جامعه را به زیر گروه‌هایی از مشاغل تفکیک کنیم. برای صورت دادن این کار از طبقه‌بندی پنجگانه مشاغل مرکز آمار ایران سود جستیم. مرکز آمار ایران وضعیت شغلی افراد را به پنج شکل عمده تقسیم‌بندی نموده است که عبارتند از:

- ۱- کارفرمایان؛
- ۲- کارکنان مستقل یا مشاغل آزاد؛
- ۳- کارکنان بخش دولتی (مزد و حقوق بگیران بخش دولتی)؛
- ۴- کارکنان بخش خصوصی (مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی)؛
- ۵- بیکاران و کارکنان فصلی و فامیلی.

### کارفرمایان<sup>۵</sup>

بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در مناطق شهری کشور ۴/۶ درصد و در مناطق روستایی ۳/۸ درصد از کل شاغلین را کارفرمایان تشکیل می‌دهند. بعد خانوار برای میانگین جامعه شهری در این گروه شغلی ۲/۵ نفر و در روستا ۸/۵ نفر است. در بیستک‌های پایین درآمد بعد خانوار در روستا در حدود ۵/۶ و در شهر ۶ نفر می‌باشد.

در این بررسی تأکید اصلی روی چگونگی توزیع درآمد (بر اساس هزینه کل) و بررسی یک سری از شاخص‌های توزیعی و یافتن درصد زیر خط فقر در شهر و روستا به تفکیک مشاغل است. در کنار این بررسی نگاه مختصری خواهیم داشت به وضعیت سبد مصرفی این خانوارها و ترکیب آن بر این اساس ابتدا سهم مشاغل هشت گروه کالای اساسی که با توجه به طبقه‌بندی مرکز آمار ایران مشخص شده‌اند در جدول زیر آورده می‌شود. این سهم‌های هزینه‌ای برای میانگین شهر و روستا می‌باشند.

۵ کارفرما بر اساس تعریف مرکز آمار ایران کسی است که عمده‌ای از درآمد فعالیت‌های شغلی خود حداقل از طرف مردم و حقوق بگیران در دسترس داشته باشد.

جدول ۱-۱-۵- سهم هزینه هشت گروه کالای اساسی

از هزینه کل - کارفرمایان ۱۳۷۴

میانگین روستا	میانگین شهر	گروه کالایی
۴۷	۲۹	خوراک و دخانیات
۱۲	۱۰	پوشاک
۱۱	۲۶	مسکن
۱۰	۷	لوازم منزل
۴	۴	بهداشت و درمان
۸	۱۶	حمل و نقل
۲	۳	آموزش و تفریح
۶	۵	سایر

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق\*

این جدول نشان می‌دهد که میانگین دو جامعه شهری و روستایی چگونه درآمد واقعی (کل هزینه) خود را صرف هشت گروه کالای اساسی کرده‌اند. براین اساس مشخص می‌شود که در شهر خوراک و مسکن بیشترین سهم هزینه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند و بعد از آنها حمل و نقل با سهم هزینه‌ای ۱۶ درصد قرار دارد. در روستا وضعیت متفاوت است. خوراک و دخانیات حدود نیمی از کل هزینه‌ها را به خود اختصاص داده است و پوشاک، مسکن و لوازم منزل بعد از آن قرار دارند. در بررسی در طول بیستک‌ها مشخص می‌شود که در شهر بیستک‌های پایین درآمدی وضعیت هزینه‌ای مشابه بیستک‌های پایین درآمدی روستایی دارند. به طوری که خوراک نیمی از هزینه فرد را به خود جذب کرده است هر چند که مسکن نیز سهم هزینه‌ای بالایی دارد. به مرور که در طول بیستک‌های درآمدی حرکت می‌کنیم سهم هزینه‌ای خوراک کمتر و سهم هزینه‌ای حمل و نقل بیشتر می‌شود. در روستا نیز حرکت در طول بیستک‌ها منجر به کاهش قابل توجه سهم هزینه‌ای خوراک می‌شود اما توزیع هزینه کل عادلانه‌تر بین سایر گروه‌های کالایی توزیع می‌شود. براساس اطلاعات بودجه خانوار در سال ۱۳۷۴ مشخص می‌شود که یک فرد شاغل در گروه کارفرمایان (میانگین) در جامعه روستایی در سال ۱۵۸۰۴۵۳ ریال هزینه کل دارد. این هزینه برای فرد شهری ۳۲۲۶۳۱۶ ریال می‌باشد.

به منظور بررسی وضعیت توزیع و فقر درآمد از روش ضرایب توزیعی و روش ماتریس ارزش‌های غذایی استفاده می‌شود.

در سال ۱۳۷۴، ۶۰۴ درصد از کارفرمایان شهری زیر خط فقر بوده‌اند و خط فقر ریالی برای این گروه ۳۷۲۶۳۳ ریال می‌باشد. این درصد زیر خط فقر برای کارفرمایان ساکن روستا ۷ درصد است و خط فقر ریالی برای این گروه ۳۷۲۲۴۲ ریال می‌باشد.

به منظور نشان دادن وضعیت توزیع درآمد از ضرایب توزیعی جینی، تایل و آتکینسن استفاده می‌شود. علاوه بر این جدول جداگانه‌ای برای بررسی سهم‌های هزینه‌ای ارائه خواهد شد. بدین معنی که جامعه را به

\* محاسبات گروه تحقیق بر اساس داده‌های خود فرد حاصل از مرکز آمار ایران می‌باشد

سه گروه درآمدی ۴۰ درصد اول و دوم و ۲۰ درصد فقیر تقسیم کرده و سپس سهم هزینه‌ای هر گروه درآمدی محاسبه می‌شود.

جدول ۲-۱-۵- ضریب توزیعی برای شهر و روستا- کارفرمایان ۱۳۷۴

THL	ATK20	ATK15	ATK10	ATK5	Jini	
۰.۳۰۲	۰.۵۶۱	۰.۵۰۸	۰.۴۴۲	۰.۳۶۱	۰.۴۲۲	هزینه کل - روستا
۰.۳۵۸	۰.۵۷۵	۰.۵۲۸	۰.۴۶۸	۰.۳۹۰	۰.۴۵۲	هزینه کل - شهر

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

ضرایب توزیعی برای کارفرمایان نشان می‌دهد که در این گروه شغلی وضعیت توزیع درآمد به شدت نامناسب است و این نامناسب بودن توزیع درآمد برای جامعه شهری بیشتر می‌باشد. ضرایب ۴۰ درصدها بانگامی دیگر به مسئله توزیع درآمد پاسخ می‌دهد. جدول زیر سهم‌های هزینه‌ای ۴۰ درصد اول، دوم و ۲۰ درصد غنی و همچنین نسبت  $\frac{D_1}{D_4}$  را نشان می‌دهد.

جدول ۳-۱-۵- سهم‌های هزینه‌ای برای شهر و روستا- کارفرمایان ۱۳۷۴

$\frac{D_1}{D_4}$	سهم ۲۰٪ غنی	سهم ۴۰٪ دوم	سهم ۴۰٪ اول	
۱۵/۶۲	۰/۴۸۵	۰/۳۶۳	۰/۱۵۲	هزینه کل - روستا
۱۷/۴۴	۰/۵۱۷	۰/۳۴۰	۰/۱۴۲	هزینه کل - شهر

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

سهم هزینه‌ای نیز نشان می‌دهند که وضعیت توزیع در شهر نامناسب تراز وضعیت توزیع در روستاست. ۴۰ درصد اول در شهر فقط ۱۴ درصد از کل هزینه‌ها را به خود اختصاص داده است و این در حالی است که ۲۰ درصد ثروتمند بیش از نیمی از درآمد (هزینه کل) را نصیب خود کرده است و به این ترتیب نسبت هزینه دهک آخر به اول ۱۷/۵ برابر است.

### کارکنان مستقل\*

این گروه افرادی هستند که حقوق بگیری در استخدام خود ندارند و خودشان نیز مزد و حقوق بگیری نیستند. براساس برآورد مرکز آمار ایران در شهر ۲۷/۸ درصد و در روستا ۹ درصد از کل شاغلین را کارکنان مستقل تشکیل می‌دهند. بعد خانوار به طور میانگین در شهر برای این گروه ۲/۲ نفر و در روستا ۵/۷ نفر است که در بیستک‌های پایین درآمدی بعد خانوار هم در شهر و هم در روستا به مرز ۷ نفر هم رسیده است.

\* کارکن مستقل بر اساس تعریف مرکز آمار، کسی است که طی ۷ روز قبل از مراجعه مأمور آمارگیری مرز و حقوق بگیری در استخدام نداشته باشد و خود نیز مرز و حقوق بگیری

جدول ۴-۱-۵- سهم هزینه هشت گروه کالای اساسی از هزینه

کل-کارکنان مستقل ۱۳۷۴

میانگین روستا	میانگین شهر	گروه کالایی
۴۳	۳۳	خوراک و دخانیات
۱۳	۱۰	پوشاک
۱۵	۲۷	مسکن
۸	۷	توازه منزل
۵	۵	بهداشت و درمان
۹	۱۰	حمل و نقل
۲	۴	آموزش و تفریح
۵	۴	سایر

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

جدول بالا سهم هزینه‌ای برای هشت گروه کالای اساسی را برای کارکنان مستقل شهری و روستایی در سال ۱۳۷۴ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که در هر دو گروه خوراک بیشترین سهم هزینه‌ای را به خود اختصاص داده است. بعد از خوراک مسکن و پوشاک و حمل و نقل قرار دارند. البته در شهر سهم هزینه‌ای مسکن به مراتب بیشتر از روستاست و در روستا این سهم هزینه‌ای خوراک است که با بقیه سهم‌ها اختلاف قابل ملاحظه‌ای دارد. آموزش و تفریح کمترین سهم از هزینه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

در شهر و در روستا هرچه از بیستک‌های فقیرتر به سمت بیستک‌های غنی‌تر پیش می‌رویم مشخصاً از سهم هزینه‌ای خوراک کاسته شده و به سهم هزینه‌هایی مانند حمل و نقل و بهداشت و درمان افزوده می‌شود. به خصوص در بیستک بالای درآمد حمل و نقل سهم قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. مورد بعد این که در شهر سهم هزینه‌ای برای مسکن حول و حوش میانگین برای تمام گروه‌ها می‌باشد اما در روستا به سمت بیستک‌های بالای درآمدی که حرکت می‌کنیم از سهم هزینه‌ای مسکن کاسته می‌شود.

به طوری که این سهم در بیستک اول ۲۲ درصد است و تا بیستک آخر تا ۹ درصد کاهش پیدا کرده است. که می‌تواند به دلیل افزایش هزینه کل و کوچک شدن این سهم در گروه‌های پردرآمد باشد. سهم هزینه‌ای بهداشت و درمان نیز در بیستک آخر هم در شهر و هم در روستا سهم به نسبت قابل توجه ۸ درصدی را به خود اختصاص داده است.

بر اساس نتایج آماری مرکز آمار ایران هر فرد روستایی که در گروه کارکنان مستقل قرار می‌گیرد به طور متوسط سالانه ۱۴۰۴۷۶۵ ریال هزینه کل دارد و این رقم برای یک فرد شهری ۲۱۶۱۳۱۲ ریال می‌باشد. در اینجا بر پایه ماتریس ارزش‌های غذایی خط فقر به صورت ریالی و همین‌طور درصد زیر خط فقر در گروه کارکنان مستقل تخمین زده شده است.

در سال ۱۳۷۴، ۱۳/۳ درصد از گروه کارکنان مستقل در روستا زیر خط فقر قرار دارند و خط فقر ریالی برای این گروه ۵۴۴۸۴۰ ریال می‌باشد. در شهر ۷/۱۵ درصد زیر خط فقر هستند و خط فقر در این گروه ۶۶۱۰۶۷ ریال می‌باشد. با استفاده از ضرایب توزیعی می‌توان وضعیت توزیع درآمد را در این گروه نشان داد.

جدول ۵-۱-۵- ضرایب توزیعی برای شهر و روستا- کارکنان مستقل ۱۳۷۴

THL	ATK20	ATK15	ATK10	ATK5	Jini	
۰/۲۵۱۹	۰/۴۶۲۲	۰/۴۱۴۲	۰/۳۵۷۶	۰/۲۹۰۹	۰/۳۷۸۱	هزینه کل - روستا
۰/۲۴۵۳	۰/۴۷۲۳	۰/۴۲۳۱	۰/۳۶۴۵	۰/۲۹۴۸	۰/۳۷۸۷	هزینه کل - شهر

ماخذ: محاسبات گروه تحقیق

ضرایب نشان می دهند که برای کارکنان مستقل در شهر و روستا توزیع درآمد تقریباً یکسان است و چندان هم مناسب به نظر نمی رسند (هر چند که در مقایسه با سایر مشاغل از توزیع درآمدی مناسب تری این گروه برخوردار است). در ادامه سهم های هزینه ای برای ۴۰ درصدها بهتر می توانند وضعیت توزیع را نشان دهند.

جدول ۵-۱-۶- سهم های هزینه ای برای شهر و روستا- کارکنان مستقل ۱۳۷۴

$\frac{D_1}{D_2}$	سهم ۲۰٪ غنی	سهم ۴۰٪ دوم	سهم ۴۰٪ اول	
۱۱/۳	۰/۴۸	۰/۳۳	۰/۱۹	هزینه کل - روستا
۱۱/۳	۰/۴۵	۰/۳۷	۰/۱۷	هزینه کل - شهر

ماخذ: محاسبات گروه تحقیق

جدول ۵-۱-۶- نشان می دهد که در روستا در شرایطی که ۴۰ درصد فقیر جامعه تنها ۱۹ درصد از کل هزینه ها را به خود اختصاص داده است، ۲۰ درصد ثروتمند جامعه ۴۸ درصد از هزینه کل را جذب کرده اند. این مطلب در شهر نیز همانند روستاست یعنی ۲۰ درصد ثروتمند جامعه حدود نیمی از کل هزینه ها را به خود اختصاص داده اند و نسبت هزینه دهک آخر به دهک اول ۱۱/۳ برابر است.

#### مزد و حقوق بگیر بخش دولتی\*

سومین گروه خانوارها به تفکیک مشاغل کارکنان بخش دولتی هستند که در روستا از کل پرسشنامه ها ۱۹ درصد و در شهر ۱۹ درصد متعلق به این گروه است.

بعد خانوار در شهر ۵۰۳ نفر و در روستا ۵۰۸ نفر می باشد و حداقل بعد خانوار برای این گروه در روستا و شهر حدود ۳۰۵ نفر و حداکثر آن ۶۰۸ نفر است.

همانند گروه قبل وضعیت سهم هزینه ها روی کالاهای اساسی مورد بررسی قرار می گیرد.

جدول ۵-۱-۷- نشان می دهد که تفاوت های قابل ملاحظه ای در سهم هزینه ها برای کارکنان بخش دولتی در شهر و روستا وجود دارد. همین طور در بین دهک های درآمدی. در این گروه از شاغلان، خوراک و دخانیات در شهر سهم هزینه ای ۳۵ درصدی دارند مسکن بعد از آن ۲۸ درصد هزینه ها را به خود اختصاص داده است.

\* کارکن بخش دولتی ماه تعریف مرکز آمار ایران کسی است که در بخش دولتی فعالیت دارد و مزد و حقوق نقدی، غیر نقدی دریافت می کند



جدول ۷-۱-۵- سهم هزینه هشت گروه کالای اساسی

از کل هزینه کل - کارکنان بخش دولتی ۱۳۷۴

میانگین روستا	میانگین شهر	گروه کالایی
۵۰	۳۵	خوراک و دخانیات
۱۲	۹	پوشاک
۱۴	۲۸	مسکن
۷	۷	نوازه منزل
۵	۶	بهداشت و درمان
۶	۹	حمل و نقل
۲	۳	آموزش و تفریح
۴	۴	سایر

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

به این ترتیب در شهر این گروه کالا روی هم ۶۳ درصد از کل هزینه را تشکیل داده‌اند. سهم هزینه مسکن در شهر در طول بیستک‌های درآمدی حول و حوش میانگین حرکت می‌کند در صورتی که برای هزینه‌ای مانند حمل و نقل این سهم برای بیستک اول ۳ درصد و برای بیستک آخر ۲۰ درصد است که نشان از لوکس بودن این گروه کالایی دارد و به جای آن سهم هزینه خوراک تا ۲۲ درصد کاهش یافته است. برای سایر هزینه‌ها هم سهم‌ها در طول بیستک‌ها حول و حوش میانگین می‌باشند. در روستا با افزایش درآمد از سهم هزینه مسکن کاسته شده است. اما کاهش هزینه خوراک چندان قابل ملاحظه نیست. افزایش هزینه حمل و نقل فقط در بیستک آخر قابل توجه است و برای بیستک‌های قبل در اطراف میانگین می‌باشد. هزینه پوشاک نیز در روستا در طول بیستک‌ها مشخصاً افزایش می‌یابد به گونه‌ای که از ۳ درصد برای بیستک اول به ۱۴ درصد برای بیستک آخر می‌رسد، که بیانگر لوکس بودن این گروه کالایی است.

در این گروه هر فرد روستایی به طور متوسط سالانه ۹۰۷۷۹۹ ریال و هر فرد شهری ۱۶۱۵۱۹۵ ریال هزینه دارد. خط فقر برای کارکنان دولتی در روستا ۴۴۴۴۰ ریال و در شهر ۵۹۵۰۹۴ ریال می‌باشد و بر این اساس ۱۳۲۵ درصد در روستا ۱۸/۱ درصد در شهر زیر خط فقر قرار دارند. در مقایسه با دو گروه قبیل مشخص است که در این گروه شغلی تعداد بیشتری زیر خط فقر قرار دارند.

جدول ۸-۱-۵- ضرایب توزیعی برای شهر و روستا - کارکنان بخش دولتی ۱۳۷۴

THL	ATK20	ATK15	ATK10	ATK5	Jini	
۰/۲۶۱۷	۰/۵۱۹۶	۰/۴۶۵۳	۰/۴۰۰۰	۰/۳۲۲۱	۰/۳۹۲۹	هزینه کل - روستا
۰/۲۸۲۱	۰/۵۳۱۴	۰/۴۹۰۰	۰/۴۳۲۵	۰/۳۶۰۳	۰/۴۳۲۵	هزینه کل - شهر

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

سهم ۴۰ درصد‌های اول، دوم و ۲۰ درصد غنی در شهر و روستا نشان می‌دهند که وضعیت ۴۰ درصد فقیر

هم در شهر و هم در روستا بسیار نامناسب است و گروه‌های میانه و ثروتمند فاصله قابل ملاحظه‌ای با گروه فقیر دارند این مطلب در نسبت  $\frac{D_1}{D_2}$  نیز خود را نشان می‌دهد. در شهر یک فرد ثروتمند در دهک آخر درآمدی ۱۵ برابر بیشتر از یک فرد فقیر درآمد دارد. ملاحظه می‌شود که ۲۰ درصد آخر جامعه شهری و روستایی نیمی از هزینه کل جامعه را به خود اختصاص داده‌اند که این برای کارکنان بخش دولتی که مزد و حقوق بگیر دولت هستند قابل توجه است.

#### مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی\*

این گروه از مشاغل کارکنان در بخش خصوصی هستند. براساس پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط مرکز آمار ۵۰۶ درصد از کل شاغلین در روستا و ۲۸/۵ درصد در شهر را مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی (در سال ۱۳۷۴) تشکیل داده‌اند که بزرگ‌ترین گروه شغلی را شامل می‌شوند بعد خانوار برای این گروه در روستا به طور متوسط ۶۱ نفر و در شهر ۵۴ نفر می‌باشد. بعد خانوار برای بیستک اول درآمدی این گروه در روستا ۶۰۸ و در بیستک آخر ۴/۵ نفر است در شهر در بیستک اول بعد خانوار ۶۰۸ و در بیستک آخر ۳/۶ نفر است. به منظور بررسی سهم هزینه هشت گروه کالایی اساسی از جدول زیر استفاده شد.

جدول ۹-۱-۵- سهم هزینه‌ای هشت گروه اساسی از

هزینه کل - کارکنان بخش خصوصی ۱۳۷۴

گروه کالایی	میانگین شهر	میانگین روستا
خوراک و دخانیات	۲۴	۵۱
پوشاک	۹	۱۳
مسکن	۲۷	۱۱
لوازم منزل	۶	۸
بهداشت و درمان	۴	۵
حمل و نقل	۱۱	۶
آموزش و تفریح	۳	۲
سایر	۵	۵

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

جدول بالا نشان می‌دهد که برای این گروه از مشاغل نیز در روستا و شهر خوراک بیشترین سهم هزینه‌ای را جذب کرده است. در روستا سهم هزینه‌ای خوراک اختلاف قابل ملاحظه‌ای با سایر گروه‌های کالایی دارد و این در صد بالای سهم هزینه‌ای در گروه‌های پایین درآمدی تا ۶۰ درصد کل هزینه‌ها را به خود اختصاص داده است و برای ثروتمندترین در این گروه به ۴۰ درصد رسیده است. هزینه صرف شده روی پوشاک در روستا در گروه‌های پایین ناچیز می‌باشد و هر چه به سمت گروه‌های میانی و بالای درآمدی پیش می‌رویم به

\* مزد و حقوق بخش خصوصی که ما در اینجا می‌بینیم و حقوق (معدی، غیر معدی) برای افراد با مؤسسات خصوصی کار می‌کند

این سهم افزوده می شود. هزینه مسکن عکس پوشاک است. در گروه های پایین مسکن سهم هزینه ای بالایی را به خود اختصاص داده است به طوری که در دهک اول درآمدی مجموع هزینه خوراک و مسکن ۷۸ درصد از کل هزینه ها را به خود اختصاص داده اند. اما در دهک آخر جامعه روستایی مجموع هزینه خوراک و مسکن ۵۲ درصد از کل هزینه هاست و بقیه درآمد صرف حمل و نقل، لوازم منزل، بهداشت و... شده است. در شهر با وضعیت کم و بیش متفاوتی روبرو هستیم. سهم هزینه ای خوراک و مسکن تقریباً برای تمام گروه های درآمدی اختلافی بیش از ۱۰ درصد ندارند. هزینه مسکن برای گروه های درآمدی مختلف حول و حوش میانگین می باشد و در مورد خوراک دهک اول جامعه شهری ۴۷ درصد را صرف خوراک می کند و دهک آخر ۲۷ درصد. هزینه حمل و نقل در شهر به خصوص برای دهک های ثروتمند درآمدی مشخصاً سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است.

سهم هزینه ای حمل و نقل در شهر برای دهک آخر ۱۸ درصد می باشد. سهم هزینه ای پوشاک نیز حول و حوش میانگین در تمام گروه های درآمدی دور می زند.

در گروه کارکنان بخش خصوصی در روستا میانگین هزینه سرانه سالانه یک فرد ۲۸۱۴۴ ریال و در شهر ۱۹۷۵۱۸ ریال است. خط فقر ریالی برای روستاییان ۴۹۶۹۹۹ ریال و برای شهر ۴۴۲۵۰ ریال می باشد و بر این اساس ۱۹/۳ درصد از جامعه روستایی ۱۱/۰۳ درصد از جامعه شهری گروه کارکنان بخش خصوصی زیر خط فقر قرار دارند. در صد زیر خط فقر برای این گروه نشان می دهد که در مقایسه با کارکنان بخش دولتی روستاییان بیشتری زیر خط فقر قرار دارند. ولی در صد زیر خط فقر شهر نشینان کمتر شده است.

ضرایب توزیعی جینی، اتکینس و تایل می توانند نشان دهنده وضعیت توزیع درآمد در گروه کارکنان بخش خصوصی باشند.

جدول ۱۰-۱-۵- ضرایب توزیعی برای شهر و روستا- کارکنان بخش خصوصی ۱۳۷۴

THL	ATK20	ATK15	ATK10	ATK5	Jini	
۰/۲۸۲۱	۰/۵۳۱۵	۰/۴۷۸۰	۰/۴۱۳۲	۰/۳۳۵۳	۰/۴۰۴۱	هزینه کل - روستا
۰/۲۹۹۱	۰/۵۱۸۴	۰/۴۶۹۱	۰/۴۰۹۲	۰/۳۳۶۳	۰/۴۱۱۱	هزینه کل - شهر

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

ضرایب توزیعی در جدول شماره ۱۰-۱-۵ نشان می دهد که وضعیت توزیع در شهر بهتر از روستاست. اما در اینجا نیز مشخص می شود در مقایسه با کارکنان بخش دولتی وضعیت توزیع در روستا بدتر و در شهر بهتر است. سهم ۴۰ درصد های اول و دوم و ۲۰ درصد غنی دید بهتری از نظر وضعیت توزیعی خواهد داد.

جدول ۱۱-۱-۵- سهم هزینه ای برای شهر و روستا- کارکنان بخش خصوصی ۱۳۷۴

$\frac{D_1}{D_n}$	سهم ۲۰٪ غنی	سهم ۴۰٪ دوم	سهم ۴۰٪ اول	
۱۴	۰/۵۰	۰/۳۷	۰/۱۶	هزینه کل - روستا
۱۴/۹	۰/۴۸	۰/۳۹	۰/۱۶	هزینه کل - شهر

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

جدول بالا نشان می‌دهد که در شهر و روستا ۲۰ درصد ثروتمندترین جامعه نیمی از هزینه کل را جذب کرده‌اند و سهم ۴۰ درصد فقیرترین جامعه تنها ۱۶ درصد است و هزینه کل دهک آخر به دهک اول حدود ۱۴ برابر بیشتر است.

در مقایسه با گروه کارکنان بخش دولتی به نظر می‌رسد گروه متوسط درآمدی از وضعیت بهتری برخوردار دارند.

#### کارکنان فامیلی، فصلی و بیکاران<sup>۵</sup>

این گروه آخرین گروه از زیرمجموعه مشاغل است، که هنگام مراجعه مأمور مرکز آمار خود را بیکار معرفی کرده‌اند و طیف گسترده‌ای از افراد در مشاغل تعریف نشده را شامل می‌شوند و همین دلیل انتظار توزیع نامناسب درآمد و اختلاف‌های قابل توجه بین گروه‌های فقیر و ثروتمند را داریم.

از کل پرسشنامه ۱۲۴ درصد را در روستا ۱۸/۶ درصد را در شهر در این گروه قرار دارند. بعد خانوار برای روستا به طور متوسط ۳/۴ و برای شهر ۳/۷ می‌باشد. که مشخصاً از بعد خانوار سایر مشاغل کمتر است. در روستا در گروه‌های میانی درآمدی اندکی بعد خانوار بیشتر می‌شود. در شهر یک روند مشخص از بعد خانوار نزدیک ۲ نفر در بیستک اول تا ۲/۶ نفر در بیستک آخر وجود دارد. همانند گروه‌های فنی مشاغل از جدول سهم‌های هزینه‌ای استفاده می‌کنیم.

جدول ۱۲-۱-۵- سهم هزینه‌ای هشت گروه کالای اساسی

از هزینه کل - بیکاران و کارکنان فصلی ۱۳۷۴

گروه کالایی	میانگین شهر	میانگین روستا
خوراک و دخانیات	۲۹	۵۰
پوشاک	۷	۹
مسکن	۳۹	۱۸
نوازم منزل	۵	۶
بهداشت و درمان	۶	۷
حمل و نقل	۷	۵
آموزش و تفریح	۲	۱
سایر	۴	۵

محد. محاسبات گروه تحقیق

از جدول بالا ملاحظه می‌شود که سهم هزینه در این گروه برای شهرنشینان متفاوت از گروه‌های قبل است. به طوری که مسکن به طور متوسط ۳۹ درصد از کل هزینه‌ها را به خود اختصاص داده است. با نگاهی به بیستک‌های درآمدی متوجه می‌شویم که سهم هزینه مسکن از ۴۶ درصد برای گروه فقیر به ۳۷ درصد برای گروه غنی رسیده است. به طور کلی مسکن در تمام گروه‌های درآمدی سهم بسیار قابل ملاحظه‌ای را به خود اختصاص داده است.

<sup>۵</sup> این دسته فامیلی را می‌توان تقسیم کرد به بیکاری موقت، بیکاری دائمی، بیکاری فصلی، بیکاری حتمی، بیکاری موقت و بیکاری دائمی. این دسته را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: بیکاری موقت و بیکاری دائمی.

بعد از مسکن، خوراک قرار گرفته است با سهم هزینه‌ای متوسط ۲۹ درصد، که در طول بیستک‌های درآمدی نیز حوال و حوش میانگین دور می‌زند. در مورد هزینه پوشاک در شهر سهم هزینه‌ای از بیستک‌های اول با سهم هزینه‌ای ۲ درصد شروع شده و به تدریج زیاد شده و تا ۸ درصد می‌رسد. در سایر هزینه‌ها نیز سهم‌های هزینه‌ای برای بیستک‌های درآمد مختلف، اضراف میانگین است. هر چند که در مورد هزینه‌های بهداشت و درمان و حمل و نقل گروه آخر درآمدی سهم‌های هزینه‌ای بالایی دارند. برای بهداشت و درمان ۱۲ درصد و برای حمل و نقل ۱۳ درصد سهم‌های هزینه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند و تا اندازه‌ای نشان می‌دهد که در شهر، گروه‌های آخر (ثروتمند) بیکار وضعیت کاملاً متفاوتی با گروه‌های کم درآمد بیکار دارند. اما در روستا این تفاوت حداقل در سهم هزینه‌ای به چشم نمی‌آید. بالاترین سهم هزینه‌ای را خوراک با سهم هزینه‌ای ۵۰ درصد به خود اختصاص داده است و بعد از آن مسکن، پوشاک، لوازم منزل و بهداشت و درمان قرار می‌گیرند برای روستاییان در طول گروه‌های درآمدی، تفاوت‌ها قابل توجه است. به طوری که دهک اول ۵۶ درصد از هزینه‌هایش را به مسکن اختصاص داده است و مجموع هزینه‌های مسکن و خوراک دهک اول ۸۹ درصد از هزینه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. اما برای دهک آخر جامعه روستایی گروه بیکاران، خوراک ۴۶ درصد و مسکن ۱۳ درصد سهم هزینه‌ای دارند. به طور کلی به نظر می‌رسد که گروه‌های پایین درآمدی جامعه بیکاران روستایی جزء کم درآمدترین افراد هستند که فقط توانایی استفاده از کالاهای بسیار ضروری را دارند اما در گروه‌های بالاتر درآمدی سلیقه مصرفی به سمت خانوارهای با درآمد متوسط میل می‌کند.

در این گروه از مشاغل به طور متوسط هزینه سرانه سالانه در روستا ۹۴۲۲۵۰ ریال و در شهر ۲۳۴۶۷۸۸ ریال است. براساس ماتریس تغذیه خط فقر در روستا ۸۷۳۸۹۵ ریال و در شهر ۴۰۹۸۷ ریال می‌باشد و درصد زیر خط فقر روستایی ۳۱،۲ درصد و در شهر ۱۳،۲ درصد است. ملاحظه می‌شود که درصد زیر خط فقر در روستا بالا و در شهر کمتر از حد انتظار است.

همانند گروه‌های قبلی با استفاده از ضرایب توزیعی، اتکنیس و تایل و سهم هر یک از گروه‌ها می‌توان وضعیت توزیع درآمد در این گروه مشخص کرد.

جدول ۱۳-۱-۵- ضرایب توزیعی برای شهر و روستا- بیکاران و کارکنان فصلی ۱۳۷۴

THL	ATK20	ATK15	ATK10	ATK5	Jim	
۰/۳۶۹۵	۰/۷۳۴۲	۰/۶۶۷۸	۰/۵۷۶۳	۰/۴۶۰۹	۰/۴۵۹۳	هزینه کل - روستا
۰/۳۶۰۲	۰/۶۲۸۴	۰/۵۷۲۲	۰/۵۰۰۸	۰/۴۱۱۴	۰/۴۵۱۷	هزینه کل - شهر

ماخذ: محاسبات گروه تحقیق

ضرایب توزیع نشان می‌دهد که تا چه اندازه وضعیت توزیع درآمد در این گروه نامناسب است به خصوص در روستا با کمک گرفتن از سهم‌های هزینه‌ای وضعیت توزیع درآمد مشخص تر می‌شود.

جدول ۱۴-۱-۵- سهم‌های هزینه‌ای برای شهر و روستا- بیکاران

وکارکنان فصلی ۱۳۷۴

$\frac{D_1}{D_2}$	سهم ۲۰٪ غنی	سهم ۴۰٪ دوم	سهم ۴۰٪ اول	
۲۴/۲	۰/۵۱	۰/۳۶	۰/۱۳	هزینه کل - روستا
۲۰/۶	۰/۵۱	۰/۳۵	۰/۱۴	هزینه کل - شهر

محد. محاسبات گروه تحفین

جدول بالا نشان می‌دهد که هم در شهر و هم در روستا برای این گروه شغلی بیش از نیمی از هزینه را گروه ثروتمند جامعه به خود اختصاص داده‌اند و سهم ۴۰ درصد فقیرترین در هر گروه شهری و روستایی حدود ۱۴ درصد است.

از طرف دیگر ملاحظه می‌شود که اختلاف هزینه سرانه سالانه فقیرترین گروه و غنی‌ترین گروه چه در شهر و چه در روستا قابل توجه می‌باشد.

در این قسمت از بررسی چهار گروه شغلی مطرح شده را در کنار هم قرار می‌دهیم. نمودارهای ۱-۱-۵ و ۲-۱-۵ هزینه سرانه سالانه برای دهک‌های درآمدی در پنج گروه شغلی و برای شهر و روستا را نشان می‌دهند. نمودار ۱-۱-۵ نشان می‌دهد که بالاترین هزینه سرانه سالانه برای تمام دهک‌ها متعلق به گروه کارکنان است. بعد از آن گروه کارکنان بخش خصوصی قرار دارند برای گروه بیکاران و کارکنان بخش دولتی وضع متفاوت است یعنی ۲-۱-۵ دهک ششم بیکاران پایین‌ترین گروه هزینه‌ای هستند اما از دهک هفتم به بعد بالاتر از گروه کارکنان دولتی قرار می‌گیرند.

برای شهر نمودار ۲-۱-۵ نشان می‌دهد که گروه کارمندان دولتی در تمام دهک‌ها پایین‌ترین سطح هزینه سرانه سالانه را دارند. بعد از کارکنان بخش دولتی به پایین‌ترین هزینه مربوط به کارکنان بخش خصوصی است. هر چند که در دهک آخر، هزینه‌ای برابر با کارکنان مستقل پیدا می‌کنند. کارکنان مستقل در دهک‌های اول تا ششم بالاترین هزینه سرانه سالانه را به خود اختصاص داده‌اند اما بعد از دهک ششم این بیکاران در شهر هستند که بالاترین هزینه سرانه را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول زیر درصد زیر خط فقر در شهر و روستا برای پنج گروه شغلی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۵-۱-۵- درصد زیر خط فقر در شهر و روستا برای

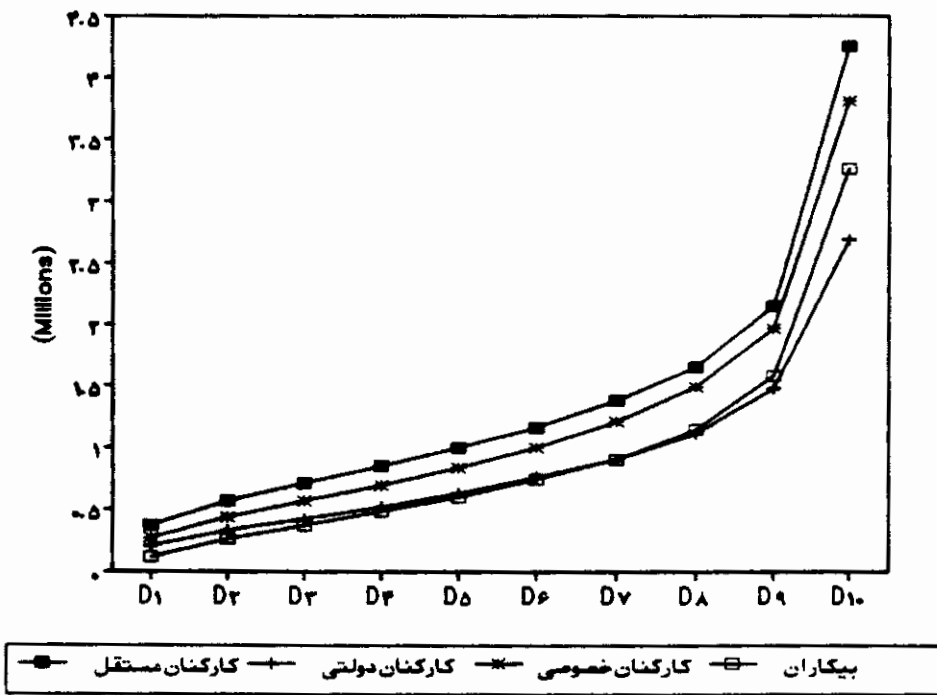
پنج گروه شغلی - ۱۳۷۴

درصد

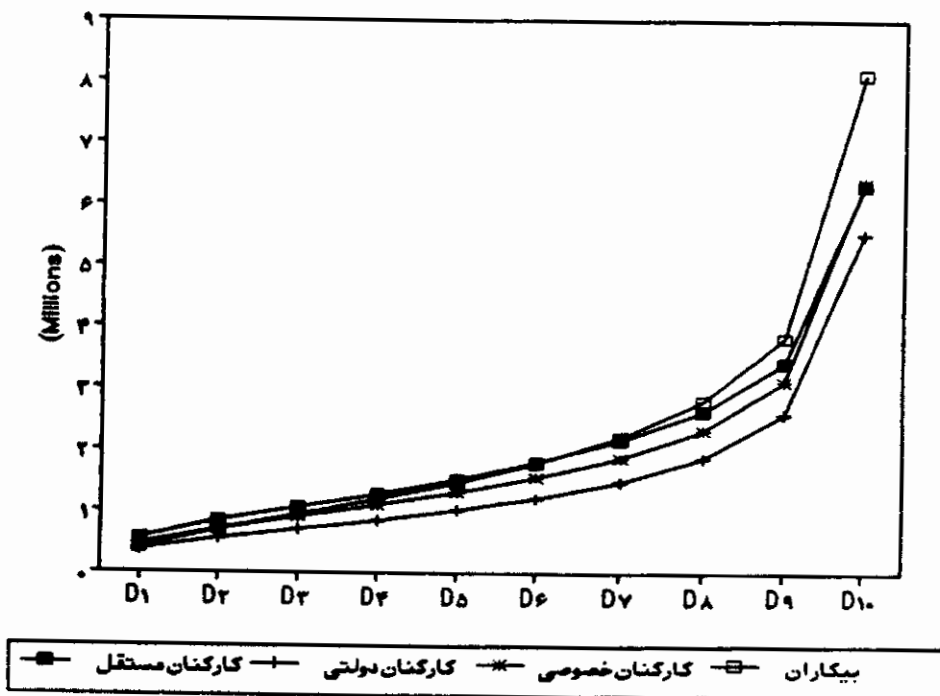
بیکاران	کارکنان خصوصی	کارکنان دولتی	کارکنان مستقل	
۱۳/۲	۱۱/۰۳	۱۸/۱	۷/۱۵	زیر خط فقر شهری
۳۱/۲	۱۹/۳	۲۷/۵	۱۳/۲۵	زیر خط روستایی

محد. محاسبات گروه تحفین

نمودار ۵-۱-۱- مقایسه هزینه سرانه سالانه برای گروه‌های شغلی جامعه روستایی کل کشور



نمودار ۵-۱-۲- مقایسه هزینه سرانه سالانه برای گروه‌های شغلی جامعه شهری کل کشور



ملاحظه می‌شود که در شهر بیشترین درصد زیرخط فقر مربوط به گروه کارکنان دولتی است و کمترین درصد به گروه کارفرمایان اختصاص دارد. در روستا نیز بیکاران و کارکنان فصلی با درصد زیر خط فقر ۳۱-۲ درصد بالاترین درصد زیرخط فقر را دارند و کمترین درصد زیر خط فقر متعلق به گروه کارفرمایان است.

### تغییرات در وضعیت توزیع درآمد و فقر مشاغل (۱۳۶۴ و ۱۳۷۶)

یک بررسی از تغییرات در وضعیت فقر و توزیع درآمد مشاغل پهنجگانه به صورت یک مطالعه مقطعی می‌تواند تصویری بهتری از شرایط اقتصادی خانوارها برحسب زیر گروه‌های شغلی را فراهم نماید. از آنجا که در زمان آغاز مطالعه آخرین اطلاعات و آمار موجود بودجه خانوار سال ۱۳۷۴ بود و همچنین به علت این که در این سال به عنوان پایه بیشترین تعداد نمونه جمع‌آوری شده بود ما بررسی اولیه را براساس آمار سال ۱۳۷۴ صورت دادیم ولی برای مقایسه به علت طولانی شدن دوره تحقیق و در دسترس قرار گرفتن آمار سال ۱۳۷۶ از آمار این سال به عنوان آخرین اطلاعات موجود استفاده می‌کنیم.

از سوی دیگر به علت این که تعداد نمونه سال ۱۳۶۴ نسبت به سال‌های دهه شصت بیشترین است پایه مقایسه مقطعی را نیز سال مذکور قرار داده‌ایم.

مقایسه وضعیت توزیع بین مشاغل در شهر

در جدول ۱-۵ ضریب جینی و سهم ۴۰ درصد اول و دوم و ۲۰ درصد ثروتمند (دهک‌های نهم و دهم) مشاغل را برای کل هزینه خانوار در دو سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۶ نشان می‌دهیم.

جدول ۱-۵-۱-۱۶- مقایسه توزیع درآمد (هزینه) در شهر سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۷۶

$\frac{D_1}{D_n}$	۲۰ درصد آخر	۴۰ درصد دوم	۴۰ درصد اول	ضریب جینی	
۱۷/۲	۰/۵۰	۰/۳۵	۰/۱۴	۰/۴۳۳	کارفرما ۶۴
۱۷/۲	۰/۶۲	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۴۵۷	کارفرما ۷۶
۱۵	۰/۴۷	۰/۳۷	۰/۱۶	۰/۴۰۳	کارکن مستقل ۶۴
۱۱/۰۳	۰/۵۵	۰/۲۳	۰/۲۲	۰/۳۸۰	کارکن مستقل ۷۶
۱۲/۸	۰/۴۶	۰/۳۷	۰/۱۶	۰/۳۸۷	کارمند دولت ۶۴
۱۶/۱	۰/۶۱	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۴۳۹	کارمند دولت ۷۶
۱۵/۶	۰/۴۹	۰/۳۶	۰/۱۶	۰/۴۱۲	کارمند خصوصی ۶۴
۱۲/۷	۰/۵۷	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۳۹۹	کارمند خصوصی ۷۶
۲۱/۱	۰/۵۲	۰/۳۵	۰/۱۳	۰/۴۵۳	بیکاران و... ۶۴
۱۹/۳	۰/۵۱	۰/۳۵	۰/۱۴	۰/۴۵۰	بیکاران و... ۷۶

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

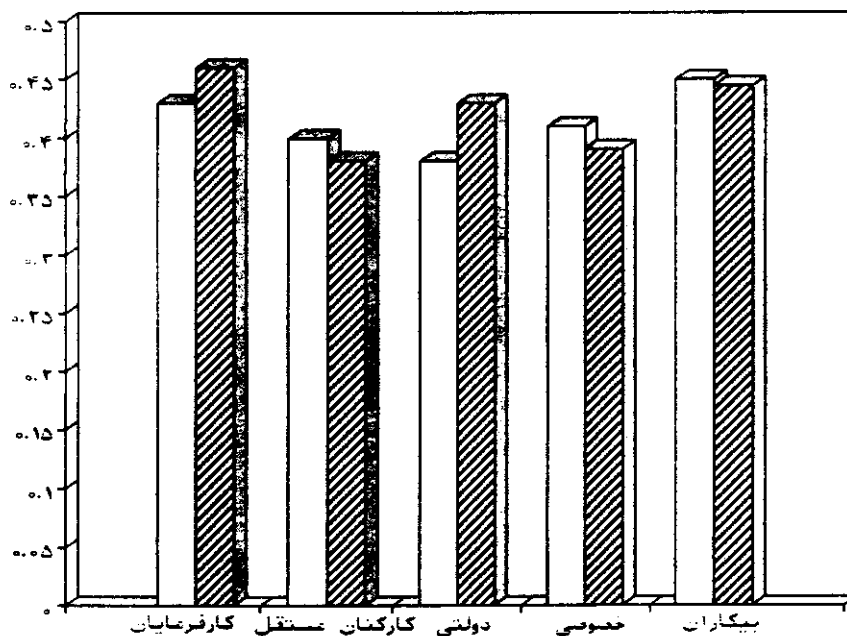
مقایسه شرایط توزیع هزینه‌ها بین کارفرمایان در طول دوازده سال از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۶ نشان می‌دهد که هزینه‌های کل بین این گروه‌ها برابرتر شده که به قیمت بدتر شدن وضعیت ۴۰ درصد دوم کارفرمایان و به



نفع ۲۰ درصد آخر یا ترو تمند و ۴۰ درصد اول یا فقیر تر است. این در شرایطی است که نسبت هزینه در ده درصد ثروتمندترین این شغل به ده درصد فقیرترین آنها تغییری نگرده است. توزیع هزینه‌ها برای کارکنان مستقل به طور محسوسی بهتر شده که از نظر تغییرات مشابه کارفرمایان وضعیت توزیع برای کارکنان مستقل علاوه بر حرکت در جهت مخالف بیشتر به نفع ۴۰ درصد نخست درآمدی است به طوری که فاصله دهک اول (فقیرترین او دهک آخر اعنی ترین) به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر شده است (از ۱۵ برابر در سال ۱۳۶۴ به حدود ۱۱ برابر در سال ۱۳۷۶ رسیده است).

شرایط توزیعی برای کارمندان دولت در فاصله سال‌های مورد مقایسه نامناسب‌تر شده در اینحالت نیز صدمه به ۴۰ درصد دوم (یا متوسط جامعه کارکنان دولت) بیشتر بوده و سهم آنها به طور چشمگیری کاهش یافته است. (از ۳۷ درصد در سال ۱۳۶۴ به ۲۱ درصد در سال ۱۳۷۶ رسیده است). هر چند سهم هزینه ۴۰ درصد نخست درآمدی کارکنان دولت در فاصله ۱۲ سال بیشتر شده اما فاصله فقیرترین آنها (دهک اول) و غنی‌ترین کارمندان دولت (دهک دهم) بیشتر شده است. به طور کلی وضعیت توزیع هزینه‌ها برای کارمندان بخش خصوصی مشابه وضعیت کارکنان مستقل ثبت شده است. تنها گروهی که سهم ۴۰ درصد دوم در طی دوازده سال مورد مقایسه تغییر ننموده است، گروه بیکاران، کارکنان فصلی و فامیلی است. و نی برای این گروه توزیع هزینه‌ها با افزایش در سهم هزینه ۴۰ درصد اول و کاهش در سهم ۲۰ درصد آخر بهبود کمی یافته است.

نمودار ۳-۱-۵- مقایسه ضریب جینی برای پنج گروه شغلی در شهر سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۶



در مجموع طی دوازده سال یعنی از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۶ برای کلیه مشاغل غیر از بیکاران که سهم هزینه ۴۰ درصد دوم ثابت مانده است شرایط توزیعی برای این گروه بدتر شده است. این نکته بسیار مهمی در وضعیت توزیع درآمد در جامعه می باشد. به نظر می رسد که به هر حال سیاست های حمایتی موجود (هر چند ناکافی) و برنامه یارانه ها توانسته است تا حدودی شرایط دهک های پایین را بهبود بخشیده یا حداقل از بدتر شدن آن جلوگیری نماید و گروه های ثروتمند نیز قادر بوده اند که در طی این دوره سهم بیشتری را از کیک (کل درآمد می یا هزینه ها) به خود اختصاص بدهند. در حالی که این متوسط جامعه است که صدمه را تحمل نموده است و در این میان صدمه به گروه متوسط کارمندان دولت بیشترین است. نمودار ۱-۳-۵ مقایسه ضرایب جینی مشاغل پنج گانه را برای دو مقطع ۱۳۶۴ و ۱۳۷۶ تصویر می کند. در اینجا آشکار است که توزیع برای دو شغل کارفرمایان و کارمندان دولت نامناسب تر و برای سه شغل دیگر بهتر شده است.

#### وضعیت توزیع بین مشاغل در روستا

با وجود تفاوت عمده در وضعیت مشاغل در روستاها نسبت به شهر جهت هماهنگی مرکز آمار ایران طبقه بندی مشابهی را برای روستاها پیشنهاد نموده است. به هر حال باید توجه داشت که فعالیت اصلی در روستاها کشاورزی است و همچنین کارکنان دولت در روستا نسبت به شهرها بخش کوچک تری را تشکیل می دهند. در حالی که کارکنان قضایی در این بخش باید قابل توجه باشند. جدول ۱۷-۱-۵ مشابه جدول ۱۶-۱-۵ که برای شهر تنظیم شده برای روستا شرایط توزیع پنج شغل مورد نظر را مقایسه می کند. در اینجا نیز علاوه بر ضرایب جینی سه هزینه ۴۰ درصد اول و دوم و ۲۰ درصد آخر و همچنین نسبت هزینه دهک دهم به اول استنداده شده است.

جدول ۱۷-۱-۵- مقایسه توزیع درآمد (هزینه) در روستا سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۷۶

$\frac{D_1}{D_{10}}$	۲۰ درصد آخر	۴۰ درصد دوم	۴۰ درصد اول	ضریب جینی	
۱۲/۸	۰.۴۶	۰.۳۷	۰.۱۶	۰.۳۹۲	کارفرما ۶۴
۱۳/۴	۰.۵۸	۰.۲۲	۰.۱۹	۰.۴۱۳	کارفرما ۷۶
۱۱/۳۲	۰.۴۵	۰.۳۷	۰.۱۷	۰.۳۷۳	کارکن مستقل ۶۴
۱۰/۳	۰.۵۴	۰.۲۳	۰.۲۳	۰.۳۶۵	کارکن مستقل ۷۶
۹/۱۱	۰.۴۲	۰.۳۸	۰.۱۹	۰.۳۳۶	کارمند دولت ۶۴
۱۱/۱	۰.۵۴	۰.۲۴	۰.۲۲	۰.۳۷۱	کارمند دولت ۷۶
۱۱/۴	۰.۴۵	۰.۳۸	۰.۱۷	۰.۳۶۹	کارمند خصوصی ۶۴
۱۲/۶	۰.۵۶	۰.۲۳	۰.۲۱	۰.۳۱۹	کارمند خصوصی ۷۶
۲۱/۷	۰.۵۲	۰.۳۴	۰.۱۴	۰.۴۵۲	بیکاران و... ۶۴
۲۴/۴	۰.۵۳	۰.۳۴	۰.۱۳	۰.۴۷۲	بیکاران و... ۷۶

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

نمودار ۱-۴-۵ مقایسه ضرایب جینی مشاغل پنج گانه را برای دو مقطع ۱۳۶۴ و ۱۳۷۶ تصویر می کند. غیر از کارکنان مستقل، ضرایب جینی برای کلیه دیگر مشاغل افزایش یافته است که نشانه بدتر شدن

وضعیت توزیع برای آن مشاغل است. بیشترین افزایش در بین مشاغل در روستا نیز به کارمندان دولت مربوط می شود که در اینحالی وضعیت ۴۰ درصد دوم یا به تفسیری متوسط جامعه است که نامناسب تر شده است.

هر چند که ضریب جینی در نمودار ۴-۱-۵ تصویر لازم از تغییرات توزیع هزینه کل (درآمد) را برای مشاغل روستائیان نشان می دهد ولی برای پی بردن به نحوه جابه جایی ها در هزینه کل گروه های شغلی مطالعه تغییرات در سهم هزینه گروه های درآمدی کمک می نماید. چنانچه در بالا اشاره شد این اطلاعات را در کنار ارقام ضریب جینی در جدول ۱۷-۱-۵ می آوریم. از نظر جهت تغییرات سهم هزینه ۴۰ درصد دوم تشابه کامل بین شهر و روستا وجود دارد. به این صورت که غیر از شغل پنجم یا بیکاران و کارکنان فصلی و فامیلی سهم هزینه ۴۰ درصد دوم (از دهک ۵ تا دهک ۹) برای دیگر مشاغل کاهش یافته است. در مورد سهم هزینه گروه که درآمد ۴۰ درصد اول نیز تغییرات شغل پنجم منحصر است. سهم هزینه ۴۰ درصد کم درآمد همه مشاغل در فاصی ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۶ افزایش یافته غیر از بیکاران و... در یک مورد کتبه پنج شغل در روستا وضعیت مشابه دارند. آن جهت تغییرات سهم هزینه ۲۰ درصد آخر (دهک نهم و دهم) است که در همه موارد این سهم در سال ۱۳۷۶ نسبت به ۱۳۶۴ افزایش یافته است. نسبت هزینه ده درصد عنی ترین به ده درصد فقیرترین برای همه مشاغل غیر از کارکنان مستقل افزایش یافته که شانه ریاد شدن شکاف درآمد بالا و پایین درآمدی جامعه روستایی می باشد.

نمودار ۴-۱-۵- مقایسه ضریب جینی برای پنج گروه شغلی در روستا سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۶



## شرایط فقر بین مشاغل

هدف اولیه از مطالعه زیر گروه‌های اجتماعی، جستجو برای یافتن بعضی از علائم و شواهد جهت شناسایی گروه‌های زیر خط فقر است. به عبارت دیگر چنانچه قبلاً نیز عنوان شده است، یکی از مهم‌ترین مسائل در مسیر اجرای یک طرح جامع تأمین اجتماعی که شامل سیستم حمایتی نیز می‌باشد، شناسایی گروه فقیر است. اگر در این مسیر مابه یک زیر جامعه‌ای برخورد نماییم که بخش قابل توجه آن فقیر بوده و با علایم مشخصه قابل شناسایی باشند، بدیهی است که هزینه اجرایی این امر بسیار کاهش خواهد یافت. در اینجا به دنبال این هدف مهم مبادرت به استخراج درصد فقرای مشاغل در شهر و روستا می‌کنیم. این مهم را برای دو سال اخیر ۱۳۷۴ (به علت گسترده بودن اطلاعات و آمار) و سال ۱۳۷۶ که آخرین اطلاعات موجود است، صورت می‌گیرد.

روش استخراج خط فقر مشابه گذشته است، برای پنج گروه شغلی کارفرمایان، کارکنان مستقل، کارکنان بخش دولتی، کارکنان بخش خصوصی و بیکاران در صد افراد زیر خط فقر در شهر و روستا را محاسبه نموده و در جدول ۱۸-۱-۵ نشان می‌دهیم.

جدول ۱۸-۱-۵- درصد افراد زیر خط فقر مشاغل پنج گانه در شهر و روستا (درصد)

مشاغل	شهر		روستا	
کارفرمایان	۶۴	۶۳	۷	۹۷
کارکنان مستقل	۷۱۵	۷۹	۱۳۰۲۵	۷۱
کارکنان بخش دولتی	۱۸۱	۱۴۶	۲۷/۵	۲۲
کارکنان بخش خصوصی	۱۱۰۳	۸۱	۱۹/۳	۱۲۱
بیکاران - کارکنان فامیلی	۱۳۰۲۳	۱۱۰۲	۳۱/۲	۳۲۵

منبع: محاسبات گروه تحقیق

مطالعه جدول ۱۸-۱-۵ چند نکته را در مرحله نخست آشکار می‌کند. به نظر می‌رسد که حتی کارفرمایان شهری و روستایی نیز می‌توانند فقیر باشند. این مطلب هر چند می‌تواند در نگاه اول سؤال برانگیز باشد، ولی با توجه به تعریف مرکز آمار ایران برای کارفرمایان می‌توان انتظار داشت که بین کارفرمایان مناطق فقیرنشین نیز فقیر یافت شود و به خصوص در روستا این امر محتمل‌تر می‌تواند باشد که اطلاعات جدول ۱۸-۱-۵ نیز چنین پیامی را می‌دهد. نکته دیگر تفاوت فاحش بین درصد فقرای گروه مشاغل بیکاران - کارکنان فامیلی و فصلی در شهر و روستا می‌باشد که با توجه به تعریف این بخش از مشاغل و ساختار روستا می‌تواند قابل انتظار باشد. درصد فقرای کارکنان بخش دولتی در روستا نیز اختلاف قابل ملاحظه‌ای با درصد فقرای شهری دارد. نخست باید این نکته را در نظر داشته باشیم که به علت تعداد کم کارکنان دولت در سطح روستاها و در نتیجه در نمونه، کفایت آماری برای این گروه پایین می‌باشد. در مرحله بعد اگر درصد فقرای کارکنان بخش دولتی در روستا بالا باشد نباید شگفت‌انگیز جنوه نماید چون انتظار می‌رود که کارکنان دولتی در روستاها از پایین‌ترین رده‌ها و رتبه‌های کارمندان دولت باشند. در نتیجه با توجه به درصد قابل ملاحظه

فقر کارکنان دولت در شهر نیز قابل انتظار است که وقتی باین ترین سطح این شغل در یک جا تجمع نمایند فقرای بیشتری نیز داشته باشند.

جدول ۱۸-۱-۵ نشان می دهد که هر چند در سال ۱۳۷۶ نسبت به ۱۳۷۴ از درصد فقرای کارمند دولت در شهر کاسته شده است. ولی این گروه بیشترین درصد فقرا را دارا می باشند. اگر کارکنان دولت به علت ثابت بودن نسبی سطح دستمزدها و حقوق نسبت به دیگر گروه ها در صد فقر بالاتری دارند قابل قبول است و اگر در سال ۱۳۷۴ که نرخ تورم حدود ۵۰ درصد را تجربه نموده به درصد فقرای کارکنان بخش دولتی بیشتر از سال ۱۳۷۶ است که نرخ تورم کمی بیشتر از ۱۷ درصد بوده حتی تعجب سازد ما شاهد همین اختلاف قابل توجه در درصد فقرای کارکنان بخش خصوصی که آنها نیز حدوداً دستمزدها و حقوق ثابت دارند بین این دو سال در شهر هستیم. مطالعه درصد فقرای دو گروه کارفرما و کارکنان مستقل که توانایی بیشتر تطبیق درآمدهای خود را با توجه به تورم دارند، برای دو سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۶، این نکته را آشکارتر می کند.

چنانچه قبلاً نیز اشاره شد بیشترین درصد فقر در بین مشاغل روستایی به گروه بیکاران، کارکنان فامیلی و کارکنان فصلی مربوط می شود. در مرحله طرح اجرایی می توان با استفاده از یک آمار گسترده سری زمانی و حتی مطالعه میدانی ضمن تأیید درصد بالای فقر این گروه علائم دیگری را نیز شناسایی نموده که در نتیجه آن شناسایی بخش قابل توجه فقر فقیر روستایی به سادگی صورت گیرد.

#### نتیجه

مطالعه وضعیت اقتصادی و رفاهی مشاغل پنج گانه در شهر و روستا حاوی اطلاعات مهمی است که می تواند راه گشای سیاست گذاران باشد. اطلاعات و آمار نشان می دهند که شرایط توزیع درآمد (هزینه) درون مشاغل مختلف غیر از کارمندان دولت بین شهر و روستا اختلاف فاحش نیست و فقط شرایط توزیع کارکنان دولت در شهر است که به مقدار قابل ملاحظه ای بدتر از توزیع درآمد بین کارکنان دولتی روستاها می باشد. در طی دوازده سال اصولاً شرایط رفاهی و توزیعی ۴۰ درصد دوم (متوسط) جامعه غیر از گروه بیکاران - کارکنان فامیلی و فصلی نامناسب تر شده است. در مورد دو گروه دیگر یعنی ۴۰ درصد اول و ۲۰ درصد آخر چنین توافقی وجود ندارد. گاه نحوه یا سهم هزینه این گروه بهتر و گاه بدتر شده است.

هر چند که یک راهنمای کمی و منسجم اجرایی از مطالعه شرایط فقر مشاغل در شهر و روستا که بتواند آشکارا درصد قابل ملاحظه فقر در یک شغل را نشان دهد نداشته ایم. ولی درصد فقر بالای ۳۰ درصد گروه بیکاران - کارکنان فامیلی و فصلی روستاییان قادر به انعکاس علامت های مشخص برای شناسایی است. به طور کلی درصد فقر بین کارکنان دولت نامناسب است که با نرخ بالاتر تورم بدتر می شود. این نکته قابل پیش گویی نشان می دهد که تطبیق درآمد و حقوق اسمی کارکنان دولت با درآمد و حقوق واقعی آنها با توجه به نرخ تورم نقش بسیار مهمی در کاهش فقر جامعه دارد.

## فصل دوم: رفتار اقتصادی خانوارها و نحوه تصرف مسکن

### مقدمه

با توجه به نحوه سکونت خانوارها می تواند چند سؤال مهم مطرح باشد. آیا نحوه سکونت مسکن در فقر و آسیب پذیری خانوارها مؤثر است؟ رفتار اقتصادی خانوارهای مائک، اجاره نشینی و سایر موارد از

سکونت چه تفاوتی دارد؟ آیا واقعاً مالکیت مسکن یک امنیت ایجاد می‌نماید؟ آیا بین مالکین، فقیر نیز پیدا می‌شود، یا عمده فقرا را باید بین مستأجرین و سایرین جستجو نمود. در این بخش سعی می‌شود که در چند قسمت به سؤال‌های فوق و شاید سؤال‌های دیگر پاسخ داده شود.

نخست یادآور می‌شویم که آمار و اطلاعات به صورت کاملاً خام از مرکز آمار ایران تهیه شده و براساس روش و الگوریتم فصل‌های گذشته برآزش شده‌اند. جهت مطالعه نحوه سکونت خانوارها ما تقسیم‌بندی زیر را از تقسیمات مرکز آمار ایران به دست آورده‌ایم. مرکز آمار ایران خانوارها را بر حسب نحوه سکونت به شش گروه زیر تفکیک نموده است.

۱- ملکی عرصه و اعیان:

۲- ملکی اعیان:

۳- اجاری:

۴- در برابر خدمت:

۵- مجانی:

۶- سایر.

با توجه به این که تفکیک جزئی خانوارها تعدادی نمونه در هر گروه را کاهش داده و در نتیجه برآزش‌های آماری و بهینه بودن نمونه مورد سؤال قرار می‌گیرد. تفکیک تریق را به سه گروه زیر جمع‌بندی نموده‌ایم.

۱- مالکین (شامل: ملکی عرصه و اعیان - ملکی اعیان):

۲- اجاره نشینان:

۳- سایرین (شامل: در برابر خدمت - مجانی - سایر).

هر چند که از نظر کیفیت مسکن وضعیت روستائینان در شرایط بسیار نامطلوب‌تر از شهرنشینان قرار دارد، ولی اصولاً مسئله مسکن یک مشکل شهرنشینی است. ادعای فوق عمدتاً به دو دلیل متکی است، نخست این که به هر صورت در روستا به عنوان سرپناه مشکل اساسی وجود ندارد و اجاره نشینی در سطح پایین‌تری است و دوم در جریان گذر تاریخی رشد و توسعه، روستاها خالی شده و جمعیت شهرنشینی است که مرتب در حال افزایش بوده و مسکن یک مشکل اساسی تلقی خواهد شد. در نتیجه ما مطالعه خود را در سطح شهرنشینان ادامه می‌دهیم.

پس از تقسیم‌بندی فوق از نحوه سکونت خانوارها مادرت به برآزش هر یک از گروه اطلاعات فوق براساس بیستک‌های و دهک‌های هزینه‌ای نمودیم. هر کجا که کفایت آماری وجود داشت از بیستک‌ها استفاده نمودیم و در جاهایی که انحراف‌ها به علت کمبود نمونه زیاد می‌شد به جمع‌بندی آمار و استفاده از دهکی روی آوردیم. برآزش آماری برای مالکین، اجاره نشینان و سایرین به شاخص‌های اقتصادی تبدیل شده و در زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

### مقایسه سه گروه خانوارهای مالک، اجاره نشین و سایر جامعه شهری

در این قسمت برای دادن یک تصویر از شرایط اقتصادی سه گروه فوق به مقایسه هزینه‌های خانوارها در این گروه‌ها می‌پردازیم. نخست جدول ۱-۲-۵ را برای مقایسه متوسط‌ها تشکیل می‌دهیم. در این جدول هزینه

کل، خوراکی، مسکن و پوشاک سه گروه خانوارهای مالک، اجاره نشین و سایرین را برای متوسط جامعه مقایسه کرده ایم.

جدول ۱-۲-۵- مقایسه هزینه های متوسط زیر گروه های جامعه شهری ۱۳۷۴

توضیح	مالک	اجاره نشین	سایر
هزینه کل	۲۱۱۶۰۷۰	۱۹۶۷۸۹۲	۲۱۹۰۵۹۵
هزینه خوراک	۶۶۸۹۸۵	۶۹۷۹۱۱	۷۱۴۳۵۸
هزینه مسکن	۶۵۴۸۵۴	۴۶۶۵۱۱	۶۱۸۳۷۷
هزینه پوشاک	۱۸۲۵۲۴	۲۰۰۷۷۱	۲۰۶۸۰۴

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

جدول فوق تصویر بهتری از شرایط رفاهی سایرین که در واقع عمدتاً شامل ساکنین مجانی است می دهد. به طور متوسط این گروه بیشتر از هر دو گروه دیگر هزینه کل، هزینه خوراکی و پوشاک انجام می دهند. که می تواند یک شاخص برای وضع بهتر این خانوارها تلقی شود. مالکین به طور متوسط هزینه خوراک و پوشاک کمتری را در دو گروه دیگر دارند. هر چند هزینه کل متوسط آنها بیشتر از اجاره نشینان است. ولی این فرونی عمدتاً به وسیله مالکین مسکن می باشد که یک رقبه تحمیلی برای مالکین محسوب می شود. به عبارت دیگر عمدتاً رقبه هزینه خوراک و پوشاک بیشتر از هزینه مسکن است و در این صورت به نظر می رسد که به صورت متوسط مالکین شهر نشین نه تنها وضع بهتری از دو گروه دیگر ندارند بلکه می توان ادعا نمود که از رقبه کمتری نیز برخوردار هستند.

جدول ۲-۲-۵ را برای دو گروه فقیر و غنی تقسیم بندی فوق از جامعه شهری تشکیل می دهیم. شرایط اقتصادی فقر نسبت به متوسط جامعه برای مالکین، اجاره نشینان و سایرین متفاوت است.

جدول ۲-۲-۵- مقایسه هزینه های فقیر و غنی زیر گروه های شهری ۱۳۷۴

توضیح	مالک	اجاره نشین	سایر
هزینه کل فقیر	۳۵۵۷۳۱	۳۲۱۱۵۲	۳۱۹۹۳۱
هزینه خوراک	۱۵۷۵۷۱	۱۵۳۴۷۹	۱۴۳۰۶۸
هزینه مسکن	۱۲۹۸۹۳	۱۰۴۸۸۴	۱۱۵۰۴۵
هزینه پوشاک	۱۱۷۴۶	۱۰۳۷۱	۱۲۶۸۸
هزینه کل غنی	۹۳۸۰۳۱۳	۸۵۷۱۴۲۵	۹۴۱۶۷۱۴
هزینه خوراک	۱۸۸۲۹۱۵	۱۹۸۹۵۲۶	۱۸۴۲۴۳۴
هزینه مسکن	۲۴۵۷۰۶	۱۷۰۳۹۸۱	۲۰۲۷۰۵۱
هزینه پوشاک	۷۴۴۶۶۴	۸۹۹۰۰۳۷	۹۷۷۷۲۴

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

۱ محاسبات گروه تحقیق به سبب عدم دسترسی به داده های دقیق در این صورت گرفته است

به عبارت دیگر سایرین فقیر نسبت به دو گروه دیگر از نظر هزینه کل، خوراک و مسکن بدتر هستند. فقط هزینه پوشاک آنها بیشتر از دیگر گروه‌هاست. می‌توان ادعا نمود که فقرای مجانی شبس یا ساکنین در قبال خدمت (که گروه سایرین را تشکیل می‌دهند) فقیرتر از فقرای اجاره نشین و مالک هستند. ثروتمندان سایرین در شرایط رفاهی بهتری از نظر هزینه کل که انجام می‌دهند قرار دارند. هر چند ثروتمندان اجاره نشین نسبت به دو گروه دیگر بیشتر خرج خوراک می‌کنند. ولی هزینه کل آنها از سایر گروه‌ها کمتر می‌باشد. این نکات در جدول ۲-۲-۵ قابل مشاهده هستند.

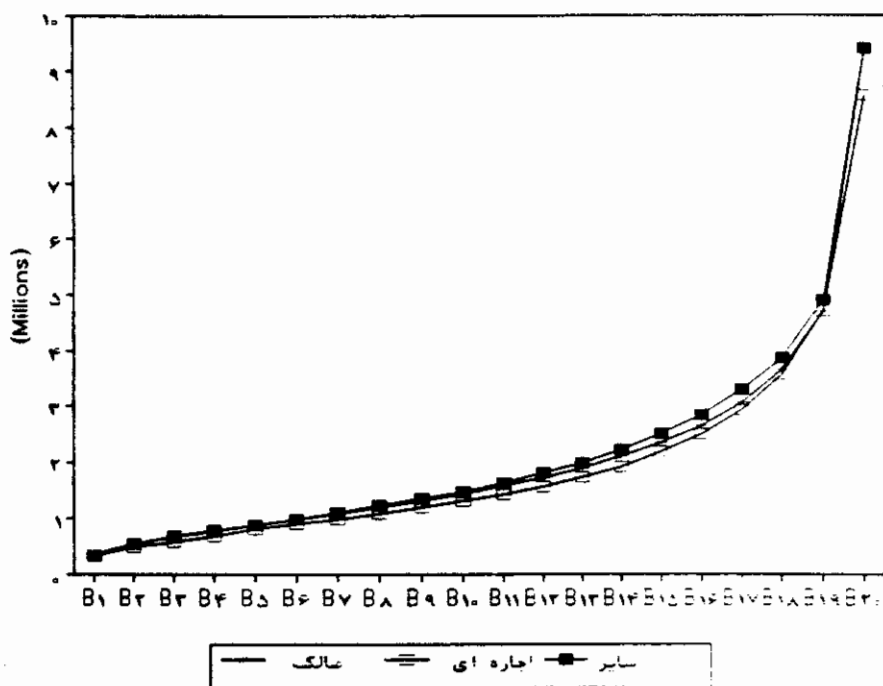
نمودارهای ۱-۲-۵ و ۲-۲-۵ را برای مقایسه هزینه‌های کل و خوراکی سه گروه مالکین، اجاره نشینان و سایرین به صورتی ترسیم نموده‌ایم که مقایسه با توجه به توزیع درآمد (هزینه) این گروه‌ها باشد و به عبارت دیگر مقایسه برای بیستک‌های هزینه صورت گرفته است. نمودار ۱-۲-۵ که هزینه کل این زیرمجموعه‌های شهرنشینی را نشان می‌دهد به خوبی بالاتر قرار گرفتن منحنی هزینه کل سایرین را برای اکثر بیستک‌ها غیر از چند بیستک اول تصویر می‌نماید. به هر حال هزینه کل سه گروه مالک و اجاره نشینان و سایرین نزدیک یکدیگر حرکت نموده و برای بیستک آخر هزینه مالکین و سایرین بیشتر از گروه اجاره نشین می‌شود. نمودار ۲-۲-۵ که هزینه خوراک سه گروه خانوار فوق زار سه نموده است نزدیک‌تر بودن هزینه‌های خوراکی این خانوارها را نشان می‌دهد.

هر چند هزینه‌های مطلق می‌توانند گویای واقعیت‌هایی از شرایط اقتصادی خانوارها باشند. ولی سهم هزینه‌ای کالاها تصویر بهتری را منعکس می‌کند. به عبارت دیگر این نکته مهم است که هر چه در مورد مثلاً چه سهمی از کل هزینه خود را صرف خوراک، مسکن یا پوشاک می‌نمایند، پس از تبدیل اطلاعات به آمار بیستکی به شکل دهک و محاسبه نسبت‌های هزینه خوراک، مسکن و پوشاک از کل هزینه سه گروه خانوار، مالک، اجاره نشینی و سایرین به کمک نمودارهای ۳-۲-۵ و ۴-۲-۵ و ۵-۲-۵ سهم هزینه گروه کالاهای فوق را برای سه زیر جامعه شهری مورد نظر مقایسه نموده‌ایم.

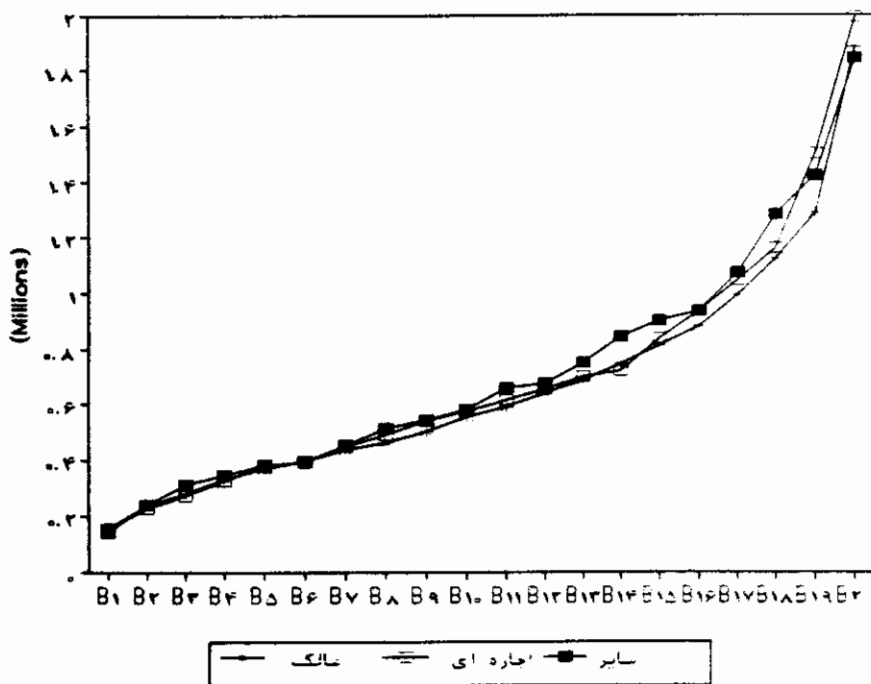
نمودار ۳-۲-۵ سهم هزینه خوراک را از کل هزینه خانوارها نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که غیر از دهک اول کلیه دهک‌های دیگر اجاره نشینی بیشتر از دو گروه دیگر هزینه کل خود را صرف خرید مواد خوراکی می‌نمایند. نمودار ۴-۲-۵ سهم هزینه مسکن از مجموع هزینه‌های خانوارهای مالک، اجاره نشینی و سایرین را رسم نموده است که به نظر می‌رسد که سهم هزینه مسکن کلیه دهک‌های اجاره نشینی کمتر از دیگر گروه‌هاست. کمترین سهم هزینه به دهک اول اجاره نشین مربوط می‌شود. بالاخره نمودار ۵-۲-۵ تغییرات نامنظم سهم هزینه پوشاک را در طول دهک‌ها در ضمن مقایسه برای سه گروه مورد نظر نشان می‌دهد. ولی می‌تواند تقریباً سهم هزینه پوشاک را برای سه دهک نخست اجاره نشینی کمتر و دهک‌های بالاتر را بیشتر از گروه‌های دیگر در نظر گرفت. مالکین ثروتمند یا چهار دهک بالای مالکین سهم کمتری نسبت به دیگر گروه‌ها صرف پوشاک می‌کنند.



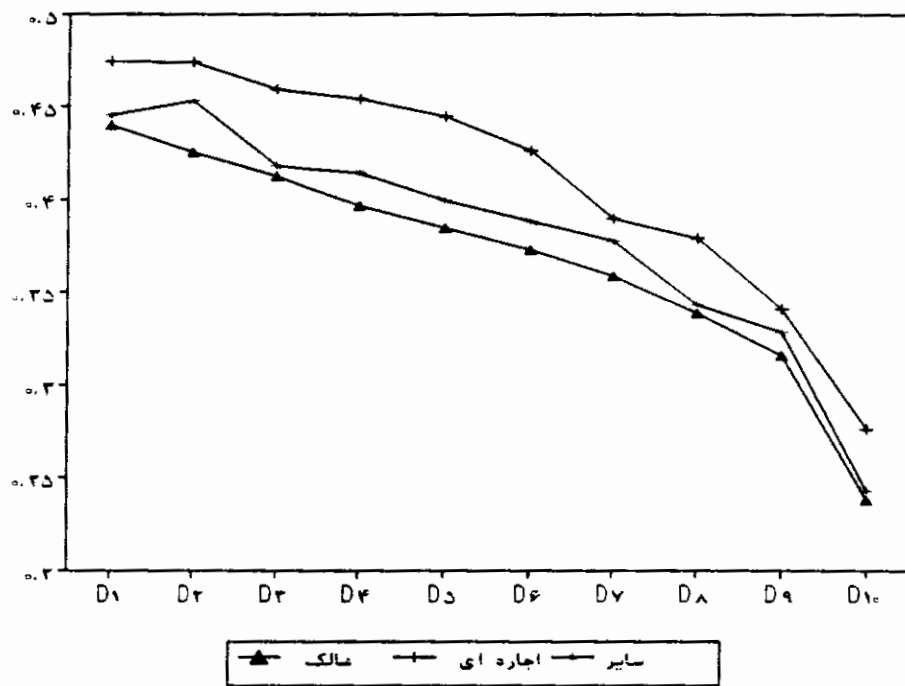
نمودار ۱-۲-۱- مقایسه هزینه کل جامعه شهری کل کشور مالک - اجاره نشین - سایر



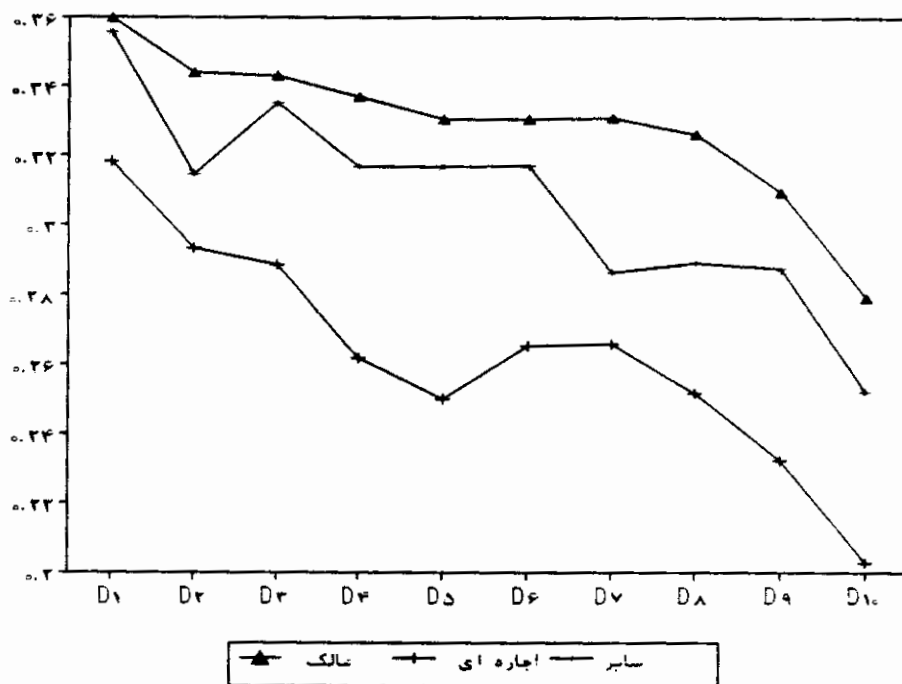
نمودار ۲-۲-۲- مقایسه هزینه کل جامعه شهری کل کشور مالک - اجاره نشین - سایر



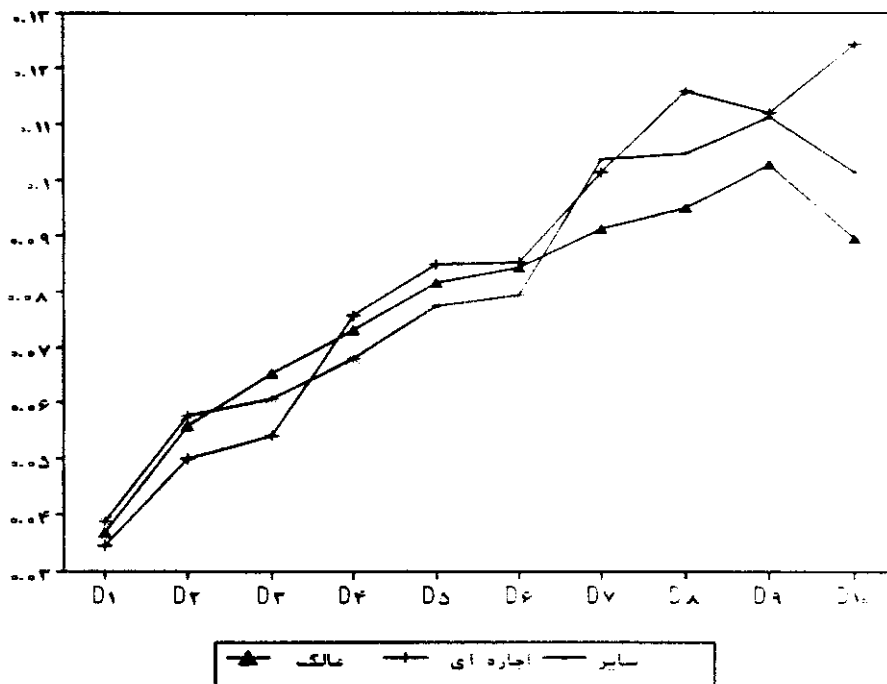
نمودار ۳-۲-۵- مقایسه نسبت هزینه خوراک به کل مالک - اجاره نشین - سایر (شهر - کل کشور)



نمودار ۴-۲-۵- مقایسه هزینه مسکن به کل مالک - اجاره نشین - سایر (شهر - کل کشور)



نمودار ۵-۲-۵- مقایسه نسبت هزینه پوشاک به کل مالک - اجاره نشین - سایر (شهر - کل کشور)



### بررسی وضعیت اقتصادی و معیشتی خانوارهای مالک و غیرمالک شهر

در تقسیم بندی که با توجه به نحوه سکونت خانوارها بر اساس کدهای مرکز آمار ایران ارائه نمودیم گروه های شش گانه فقط دو گروه نخست، مالک محل سکونت خود تلقی می شوند. چهار گروه بعد که شامل اجاره نشینان، ساکنین مجانی، ساکنین در مقابل خدمت و سایر (که غالب این گروه نیز مشاغل رهنی و رهن و جاره می شود) هستند مالک نمی باشند. البته ممکن است بین گروه های غیرمالک کسانی باشند که ضمن داشتن ملک مشخص خود اجاره نشین هستند، ولی این عده قلیل بوده و قابل چشم پوشی می باشند. بر اساس آمار بودجه خانوار سال ۱۳۷۴ که ما مطالعات خود را بر آن قرار داده ایم درصد گروه های شش گانه جامعه شهری بر حسب نحوه سکونت از کل جامعه به صورت زیر گزارش شده است.

- |                     |            |
|---------------------|------------|
| ۱- مکی عرصه و اعیان | ۷۳/۲ درصد  |
| ۲- مکی اعیان        | ۱/۸۹ درصد  |
| ۳- اجاری            | ۱۲/۹۳ درصد |
| ۴- در برابر خدمت    | ۲/۷۵ درصد  |
| ۵- مجانی            | ۷/۶۹ درصد  |
| ۶- سایر             | ۱/۵۴ درصد  |

با توجه به ضقه بندی که مادر مطالعه خود از شش گروه فوق انجام داده ایم درصدهای زیر برای سه گروه مالک، اجاره نشینی و سایرین به دست می آید.

۷۵/۰۹ درصد

۱- مالکین

۱۲/۹۳ درصد

۲- اجاره نشینان

۱۱/۹۸ درصد

۳- سایرین

با توجه به اطلاعات فوق مشخص می شود که اکثریت جامعه را مالکین تشکیل می دهند و می توان ادعا نمود که تقریباً ۲۴/۹۱ درصد از جامعه شهری غیر مالک هستند. در اینجا با تفکیک این سه گروه و به خصوص اجاره نشین ها و سایرین به مطالعه دقیق تری از شرایط اقتصادی این خانوارها از نظر سهم هزینه کالا و کتشی های درآمدی و نحوه توزیع هزینه ها می پردازیم.

الف- مالکین اطلاعات در مندرج در سالنامه آماری سال ۱۳۷۴ نشان می دهد که در جامعه شهری از خانوارها مالک منزل خود می باشند. که در مجموع خانوار را تشکیل می دهند. اطلاعات برگرفته از آمار بودجه خانوار نشان می دهد که هزینه کل سرانه سالانه یک فرد مالک مسکن در بیستک آخر درآمدی ۲۶/۵ برابر یک فرد مالک در بیستک اول درآمدی است که نشان می دهد با وجود یک صفت مشترک که همان مالک بودن است تفاوت می تواند بسیار فاحش و گسترده باشد در بررسی هزینه مسکن نیز برای دو گروه فقیر و ثروتمند مالک شهری مشخص می شود که هزینه فرصت مسکن ثروتمند ۸۹ برابر بیشتر از مالک فقیر است. به منظور بررسی دقیق تر سهم هزینه هشت گروه کالای اساسی برای سه گروه بیستک فقیر، متوسط و ثروتمند در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۳-۲-۵- سهم هزینه گروه کالاهای عمده از کل هزینه

مالکیت شهری - ۱۳۷۴

درصد

گروه کالایی	بیستک فقیر	متوسط	بیستک ثروتمند
خوراک و دخانیات	۴۴	۳۲	۲۰
پوشاک	۳	۹	۸
مسکن	۳۷	۳۱	۲۶
نوازم منزل	۴	۶	۷
بهداشت و درمان	۳	۵	۸
حمل و نقل و ارتباطات	۳	۱۰	۲۳
آموزش و تفریح	۲	۳	۳
سایر هزینه ها	۳	۵	۶

محد محاسبات گروه تحقیق

در بررسی جدول بالا ملاحظه می شود که سهم هزینه ای گروه های درآمدی، تفاوت های اساسی با هم دارند. خوراک و دخانیات برای بیستک فقیر سهم هزینه ای ۴۴ درصدی، برای متوسط ۳۲ درصدی و برای ثروتمند ۲۰ درصدی دارد که نشان دهنده مروری بودن این گروه کالایی است. در حالی که حمل و نقل عکس این حالت را نشان می دهد. برای گروه ثروتمند مسکن با سهم هزینه ای ۲۶ درصد بالاترین سهم هزینه ای است ولی برای گروه های فقیر چنین سهم بالایی وجود ندارد.

مجموع دو سهم هزینه ای مسکن و خوراک برای گروه فقیر ۸۱ درصد برای متوسط ۶۳ درصد و برای

تروتمند ۴۶ درصد می باشد. توجه به وسعت جامعه مورد بررسی و تفاوت های اساسی که در گروه های درآمدی این گروه مالکین شهری وجود دارد. در این جا به طور گذرا وضعیت توزیع درآمد و خط فقر این گروه بررسی می شود.

با توجه به معیار انرژی و کالری دریافتی مشخص می شود که ۰/۹ درصد از مالکین در سال ۱۳۷۴ با خط فقر ریالی سرانه سالانه ۵۷۷۹۳ ریال زیر خط فقر بوده اند که می تواند تا حدودی توجیه کننده تفاوت بین گروه های تروتمند و فقیر باشد در عین حال وضعیت توزیع و سهم بیستک های هزینه ای نیز می تواند این تفاوت را بهتر بیان کند.

جدول زیر ضریب جینی درآمد (هزینه کل) در شهر و سهم گروه های درآمدی از هزینه کل و همچنین نسبت هزینه دهک آخر به اول را نشان می دهد.

جدول ۴-۲-۵- توزیع هزینه کل برای مالکین شهری- کل کشور ۱۳۷۴

عنوان	ضریب جینی	سهم ۴۰ درصد اول	سهم ۴۰ درصد دوم	سهم ۲۰ درصد غنی	$\frac{D_1}{D_n}$
هزینه کل - مالکین جامعه شهری	۰/۴۳۵۶۲	۰/۱۵۳	۰/۳۵۵۷	۰/۴۹۱۱	۱۵/۶

مصدر: محاسبات گروه تحقیق

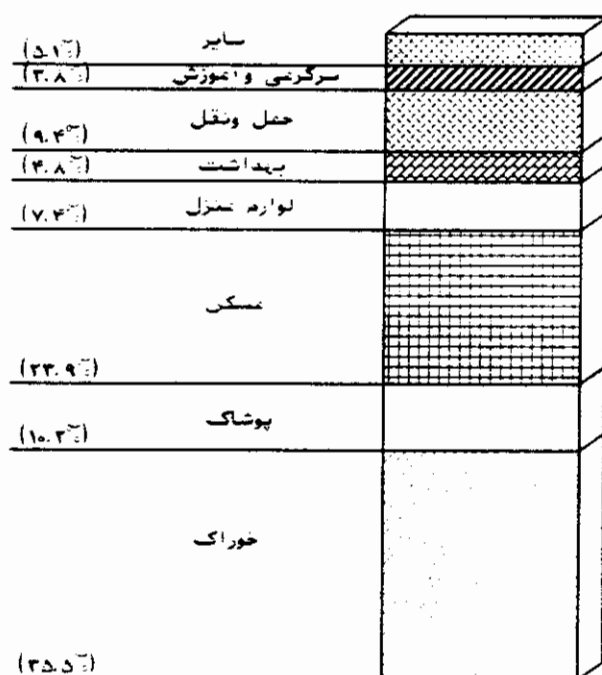
ضرایب نشان می دهند که وضعیت توزیع برای مالکین مسکن نامناسب می باشد و ۲۰ درصد تروتمند این گروه ۴۹ درصد از کل درآمد را به خود اختصاص داده اند.

ب- اجاره نشینان - یکی از باورهای عموم در مورد فقر و نداری اجاره نشینی است. به عبارت دیگر گاه در اظهار نظر ها و نوشته ها به صورتی اجاره نشینی را به عنوان یک شاخص از فقر و آسیب پذیری عنوان می کنند. آنچه که ما در بالا و در مقایسه بین سه گروه مالک، اجاره نشین و سایرین مشاهده کردیم با چنین باور عامی تفاوت فاحش دارد. به عبارت دیگر اگر یکی از شاخص های اولیه رفاه را سطح هزینه خانوارها در نظر بگیریم. در یک برداشت ساده شرایط رفاهی خانوارهای اجاره نشین تفاوت فاحشی با دیگر گروه ها ندارد و حتی به نظر می رسد که وضعیت فقرای آن از دو گروه دیگر بهتر نیز هست. این نتیجه گیری ما را با نگاه به جدول ۱-۲-۵ و ۲-۲-۵ می توانیم عنوان نماییم. به هر حال در این مورد ما در ادامه این بخش مجدداً بحث خواهیم داشت.

ترکیب سهم هزینه ۸ گروه کالاها و خدمات خانوارهای اجاره نشینی شهری را در نمودار ۶-۲-۵ نشان داده ایم. به طور متوسط خانوارهای اجاره نشینی ۳۵ درصد از هزینه خود را صرف خوراک می کنند و ۲۴ درصد بابت هزینه مسکن تخصیص می یابد.

هزینه حمل و نقل و هزینه پوشاک نیز به ترتیب ۹ و ۱۰ درصد از کل هزینه ها می باشد. هزینه تفریحات و آموزش با ۳/۸ درصد کمترین سهم را از سهمیه هزینه خانوارهای اجاره نشین به خود اختصاص می دهد و پس از آن هزینه های شخص قرار دارد که حدود ۵/۱ درصد از هزینه کل می باشد. بالاخره این خانوارها ۴/۷ درصد از هزینه خود را برای لوازم منزل کنار می گذارند.

نمودار ۵-۲-۶- میانگین هزینه‌های اجاره‌نشینان کل کشور جامعه شهری



جدول ۵-۲-۵- سهم هزینه گروه کالاهای عمده از کل هزینه

اجاره‌نشینان شهری- سال ۱۳۷۴

درصد	فقیر یستک	متوسط	غنی یستک
خوراک	۵۹	۳۸	۲۳
پوشاک	۷	۹	۷
مسکن	۱۵.۶	۲۵	۲۸
حمل و نقل	۳	۹	۱۷

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق.

اطلاعات مربوط به سهم هزینه گروه کالاها به طور متوسط مفید است. ولی در این حالت جا برای مقایسه نمی‌گذارد. جهت بررسی و مقایسه وضعیت سبد خانوارها با توجه به گروه‌های عمده کالاهای ۸ گانه جدول شماره ۵-۲-۵ را تشکیل می‌دهیم. در این جدول چگونگی قرار گرفتن سهم چهار گروه خوراک، پوشاک، مسکن و حمل و نقل را در سبد هزینه خانوارهای فقیر، متوسط و غنی اجاره‌نشینان شهری ملاحظه می‌کنیم. ۵۰ درصد از فقیرترین خانوارها حدود ۴۸ درصد از کل هزینه خود را صرف خوراک می‌کنند و ۳۳ درصد به مسکن تخصیص می‌یابد. برای ۵۰ درصد خانوارهای ثروتمند مرتبه این دو کالا از نظر سنگینی مشابه بقیه گروه‌هاست و خوراک با ۲۳ درصد از هزینه بیشترین سهم را می‌برد و سهم هزینه مسکن حدود ۲۰ درصد

می شود. بیشترین درصد تغییرات مربوط به هزینه حمل و نقل است که از حدود ۳ درصد برای سفر به ۱۸ درصد برای غنیا می رسد.

مشاهده تأثیر تغییرات در هزینه کل به عنوان یک تخمین از درآمد دائمی روی هزینه کالاهای عمده فوق می تواند تصویری از اهمیت و ضرورت کالاهای حساسیت هزینه روی این کالاهای نسبت به درآمد (هزینه کل) نشان دهد. ما بر اساس تقسیم جامعه به بیست بخش درآمدی یا بیستکها صادرات به استخراج توانعی نمودیم که تأثیر تغییرات درصدی هزینه کل را روی درصد تغییرات هزینه چهار گروه کالای مورد نظر در جدول ۲-۳ نشان دهد. توانعی که چنین ضرایبی را می دهند در زیر می آوریم:

$$\text{LogF} = 0.90 + 0.79 \text{ LogTC} \quad R^2 = 0.988$$

(0.03) (0.02)

$$\text{LogC} = -0.396 + 1.46 \text{ LogTC} \quad R^2 = 0.97$$

(0.08) (0.05)

$$\text{LogH} = -1.32 + 0.85 \text{ LogTC} \quad R^2 = 0.99$$

(0.02) (0.013)

$$\text{LogT} = -4.57 + 1.53 \text{ LogTC} \quad R^2 = 0.98$$

(0.06) (0.054)

در اینجا TC برای هزینه کل و به ترتیب T, H, C, F برای خوراک، پوشاک، مسکن و حمل و نقل قرار دارند. اعداد داخل پرانتز نیز آماره ارا نشان می دهند.

ضریب معادلات بالا که به صورتی کشش هزینه کالاهای مورد نظر را نسبت به هزینه کل نشان داده یعنی ارتباط و وابستگی این هزینه ها را به درآمد (هزینه کل) توضیح می دهند.

ضریب یا کشش ۰.۷۹ برای حمل و نقل به خوبی آشکار می کند که چگونه هزینه روی حمل و نقل متأثر از سطح درآمد خانوارهای اجاره نشینی شهری است. در مقابل هزینه کالاهای خوراکی که کشش حدود ۰.۷۹ دارد بر شایسته ترین این هزینه را با هزینه کل تصویر می نماید. از این نظر پوشاک و مسکن بین دو گروه کالاهای فوق قرار داشته و حساسیت تقریباً نزدیکی نسبت به تغییرات هزینه کل نشان می دهند.

چگونگی توزیع هزینه ها: یک سؤال مهم در مورد شرایط اقتصادی و رفاهی خانوارها چگونگی توزیع درآمد و هزینه ها بین گروه های مختلف خانوارها بر حسب درآمد یا هزینه است. مجدداً یادآور می شویم که ما هزینه کل را یک تخمین از درآمد دائمی قرار می دهیم، هر چند که می دانیم برای بیستکها یا دهک های هزینه ای بالا به علت پس انداز، بین هزینه کل و درآمدی دائمی یک انحراف وجود دارد. ولی به هر حال این بهترین تخمین می باشد. برای بررسی نحوه توزیع می توانیم از شاخص های متعددی چون سهم هزینه ای گروه های فقیر، غنی، ضریب جینی، ضریب اتکینس و غیره استفاده نماییم که در اینجا ما از دو مورد نخست بهره می گیریم. ۴۰ درصد پایین را فقیر، ۴۰ درصد بعد را متوسط و ۲۰ درصد آخر را ثروتمند جامعه در نظر گرفته و همراه ضرایب جینی برای ۴ گروه کالاهای عمده در جدول شماره ۲-۶ می آوریم.

ضرایب جینی و سهم گروه های مختلف در جدول ۴ نشان می دهند که بهترین توزیع مربوط به هزینه خوراکی است و بدترین توزیع برای هزینه حمل و نقل صورت می گیرد. ضرایب های جینی برای خوراک و حمل و نقل به ترتیب ۰.۳۳ و ۰.۶۴ هستند و نسبت سهم هزینه دهک دهم به اول نیز به همان ترتیب ۹/۱ و

۱۹۹۱ برابر است. هزینه مسکن پس از حمل و نقل بدترین توزیع را نشان می دهد.

جدول ۶-۲-۵- نحوه توزیع هزینه های عمده برای اجاره نشینان شهری - سال ۱۳۷۴

نسبت $\frac{D_1}{D_2}$	سهم ۲۰ درصد آخر	سهم ۴۰ درصد دوم	سهم ۴۰ درصد اول	ضریب جینی	هزینه ها
۱۶/۴۵	۰/۵۰	۰/۳۵	۰/۱۴	۰/۳۰۶	هزینه کل
۹/۱	۰/۴۰	۰/۳۹	۰/۱۹	۰/۳۳۰	هزینه خوراک
۱۰/۴	۰/۴۴	۰/۳۸	۰/۱۷	۰/۳۷۰	هزینه مسکن
۵۵/۸	۰/۵۷	۰/۳۴	۰/۰۸	۰/۵۳	هزینه پوشاک
۷۹/۱	۰/۷۳	۰/۲۰	۰/۰۶	۰/۶۴	هزینه حمل و نقل

مآخذ: محاسبات گروه تحقیق

ضریب جینی برای هزینه کل ۰/۲۳۰ است که با توجه به انحراف هزینه کل از درآمد دایمی در دهک های بالا به صورتی که:

پس انداز + هزینه کل = درآمد دایمی

این ضریب نسبت به ضریب جینی درآمد دایمی واقعی یک تخمین زیرین خواهد بود.

مصرف و توزیع خوراک: کالاهای خوراکی به عنوان مهم ترین بسته از مجموعه کالاهای فقیر و حتی متوسط جامعه اجاره نشینی شهری کل کشور، در اینجا مورد بررسی دقیق تری قرار گرفته است. جدول ۷-۲-۵ برای مقایسه سهم هزینه کالاهای خوراکی اساسی از کل هزینه خوراکی مرتب نموده ایم که وضعیت مصرف سه گروه خانوار فقیر، متوسط و غنی جامعه اجاره نشینی شهری را مورد مطالعه قرار دهیم.

جدول ۷-۲-۵- سهم هزینه کالاهای خوراکی اساسی از کل هزینه

خوراکی اجاره نشینان - سال ۱۳۷۴

گروه کالایی	یستک فقیر	متوسط	یستک غنی
کل برنج	۷/۹	۱۵/۶	۱۸/۴
برنج داخلی	۱/۲	۸/۴	۱۵/۶
نان	۱۳/۳	۳/۳	۱۲/۳
گوشت	۹/۱	۱۴/۴	۱۵/۸
مرغ	۷/۷	۶/۶	۶/۷
لبنیات	۱۲/۴	۹/۷	۸/۲
روغن	۸/۴	۵/۸	۴/۶
قند و شکر	۵/۵	۲/۶	۱/۶
چای	۳/۹	۳/۶	۳/۶

مآخذ: محاسبات گروه تحقیق



سبکترین و در هزینه کالاهای خوراکی در سبد فقرا به ترتیب به نان، لبنیات و گوشت می‌رسد که سهم هزینه‌های آن‌ها همان ترتیب ۱۳/۳، ۴/۲ و ۹/۱ را دارند.

در صورتی که در صد ثروت عمدتاً چهاره‌نشین شهری بیشترین هزینه خوراکی را صرف برنج با سهم حدود ۱۸/۴ درصد می‌کند که از این سهم حدود ۸۵ درصد به برنج داخلی مربوط می‌شود، پس از برنج، گوشت ۱۵/۸ درصد هزینه خوراکی را می‌برد و در مرحله سوم لبنیات است که حدود ۲ درصد سهم هزینه دارد. سهم هزینه نان خوراکی ثروتمند فقط ۱/۳ درصد، از هزینه خوراکی آنهاست. متوسط جامعه با ترتیبی مشابه ۵ درصد ثروت‌مند است. خوراکی خود را پر می‌کنند هر چند سهم هزینه‌ها تفاوت دارد. این گروه نیز بیشترین سهم هزینه را به ترتیب به برنج، گوشت، لبنیات می‌هند که با همان ترتیب سهم‌های ۱۴/۴، ۱۵/۶ و ۹/۷ درصد دارند.

علاوه بر سهم هزینه کالاهای از کشتش درآمدی (هزینه‌ای) نیز برای تعیین اهمیت و ضرورت کالاها استفاده می‌کنیم. این کشتش‌ها را برای چند کالای مهم از مجموعه کالاهای جدول ۷-۲-۵ برای برنج، گوشت، نان، روغن و برنج داخلی به دست می‌آوریم. در مورد لبنیات چون مقادیر قابل استفاده نیستند و در صورت جایگزینی هزینه آن به جای مقدار عدم هماهنگی برای مقایسه پیش می‌آید از استخراج کشتش آن چشم‌پوشی می‌کنیم.

توجهی که می‌توانیم شکل نیز بدیم در زیر می‌آیند:

$\text{LogR} = -2.83 + 0.70 \text{ LogTC}$ (۰.۰۷) (۰.۰۵)	$R^2 = 0.91$
$\text{LogDR} = -8.14 + 1.47 \text{ LogTC}$ (۰.۱۶) (۰.۱)	$R^2 = 0.91$
$\text{LogB} = 2.31 + -0.01 \text{ LogTC}$ (۰.۰۲) (-۰.۰۱)	$R^2 = 0.56$
$\text{LogM} = -4.72 + 0.92 \text{ LogTC}$ (۰.۰۶) (۰.۰۴)	$R^2 = 0.96$
$\text{LogCH} = -3.72 + 0.76 \text{ LogTC}$ (۰.۱۴) (۰.۰۹)	$R^2 = 0.78$
$\text{LogD} = -1.62 + 0.43 \text{ LogTC}$ (۰.۰۴) (۰.۰۲)	$R^2 = 0.95$
$\text{LogSH} = -0.77 + 0.32 \text{ LogTC}$ (۰.۰۳) (۰.۰۲)	$R^2 = 0.89$

در اینجا نیز TC برای هزینه کل درآمد دائمی) و DR، R، M، B، CH، SH به ترتیب مصرف برنج کل، برنج داخلی، نان، گوشت، مرغ، روغن و قند و شکر هستند.

کشتش درآمدی نان ۰.۰۱ تقریباً بدون ارتباط بودن مقدار خرید نان را نسبت به تغییرات درآمد را نشان می‌دهد.  $R^2$  این برآزش آماری ۰.۰۵۶ است که از یک سویی تأیید کننده نتیجه بالاست و از سوی دیگر از نظر اقتصادسنجی رابطه را رد می‌کند. اگر ما به جستجوی یک متغیر مستقل مؤثر باشیم باید این برآزش را رد

کرده و به دنبال جایگزینی متغیرهای دیگر باشیم. در حالی که هدف ما تعیین ارتباط بین مصرف نان و درآمد است که این برآزش به خوبی این مهم را که عدم وابستگی یا ارتباط بسیار ضعیف است را نشان می‌دهد. پس از نان شکر و روغن به ترتیب ضروری‌ترین کالاها از نظر کثرت درآمندی محسوب می‌شوند. برنج داخلی با کثرت حدود ۴۷ الی کمترین کثرت است که مقدار مصرف آن تحت تأثیر قابل توجه تغییرات درآمد قرار دارد. غیر از برنج داخلی دیگر کالاهای خوراکی مورد مطالعه در اینجا کثرت کمتر از واحد دارند.

ج- ساکنین مجانی در مقابل خدمت و رهن (سایر ساکنین)- این گروه از جامعه شهری که با توجه به تعداد پرسشنامه‌های نمونه ۱۱.۹۸ درصد یا حدود ۱۲ درصد از جامعه شهری را تشکیل می‌دهند. عمدتاً یعنی حدود ۷۰.۷ درصد آنها شامل کسانی است که به صورت رایگان در محل سکونت دارند. مقایسه‌ای که با کمک جدول ۱ بین سه گروه مالک، اجاره‌نشین و سایرین انجام دادیم به نظر می‌رسد که سطح رفاه متوسط جامعه سایر ساکنین بهتر از دو گروه دیگر است. البته جدول ۲-۲-۵ نشان می‌دهد که شرایط رفاهی گروه فقیر ساکنین نامناسب‌تر از فقرای مالک و اجاره‌نشین می‌باشد.

نمودار ۷-۲-۵ سطح هزینه کالاهای عمده ۸ گانه را از کل هزینه متوسط جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد. این خانوارها حدود ۳۲/۶ درصد از هزینه خود را صرف خوراک و حدود ۲۸/۲ درصد را صرف مسکن می‌کنند. پس از خوراک و مسکن هزینه‌های حمل و نقل و پوشاک به ترتیب حدود ۱۰/۲ و ۹/۴ درصد از هزینه کل را به خود تخصیص می‌دهند. کمترین سهم متوجه تفریحات و آموزش است که قبل از آن هزینه خدمات شخصی و بهداشت قرار دارند.

مقایسه سهم هزینه چهار گروه عمده کالاها که شامل خوراک، پوشاک، مسکن و حمل و نقل است را در جدول ۸-۲-۵ صورت داده‌ایم. این جدول مشابه جدول شماره ۷-۲-۵ که برای اجاره‌نشینان تشکیل دادیم به دست آمده است. ستون‌ها به ترتیب گروه کالاها، سهم هزینه، درصد فقیر، متوسط و درصد ثروتمند سایر نوع سکونت کنندگان را نشان می‌دهد. خانوارهای فقیر ۴۵ درصد از هزینه خود را برای غذا و خوراک خرج می‌کنند و ۳۶ درصد هزینه مسکن می‌شود.\*

جدول ۸-۲-۵- سهم هزینه گروه کالاهای عمده از کل هزینه

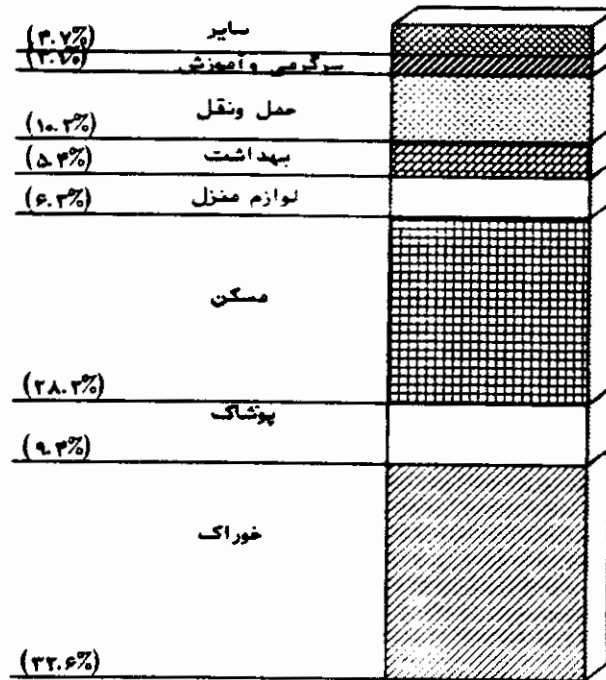
سایر نوع سکونت شهری - سال ۱۳۷۴

کالا	بستک فقیر	متوسط	بستک غنی
خوراک	۴۵	۳۳	۲۰
پوشاک	۴	۹	۱۰
مسکن	۳۶	۲۸	۲۲
حمل و نقل	۳	۱۰	۲۲

ماجد، محاسبات گروه تحقیق

\* یادآور می‌شود که هزینه مسکن در سطح عمده سهم داشته و درصد محل سکونت مجانی یا در مقابل خدمت است

نمودار ۷-۲-۵- میانگین هزینه‌های سایرین کل کشور جامعه شهری



پس از مسکن پوشاک ۴ درصد و بالاخره حمل و نقل فقط ۳ درصد از کل هزینه را می‌برند. فاصله سهم هزینه خوراک و مسکن فشار هزینه‌های خوراکی را برای فقرا نشان می‌دهد. بیشترین سهم هزینه گروه ثروتمند این جامعه حدود ۲۲ درصد است مربوط به هزینه مسکن و عمدتاً هزینه فرصت محل سکونت محالی یا در مقابل خدمت آنهاست.

خوراک و دخانیات ۲۰ درصد سهم می‌برند و با نسبتی حدود ۲۲ درصد که برابر سهم هزینه مسکن است، سهم هزینه حمل و نقل قرار دارد. ترتیب سهم هزینه متوسط جامعه که قبلاً توضیح داده شد عبارت است از خوراک، مسکن، حمل و نقل و پوشاک.

بررسی تأثیر تغییرات در درآمد دائمی (هزینه کل) در هزینه روی کالاهای عمده را برای سایرین در زیر انجام می‌دهیم. نتیجه رگرسیون تغییرات هزینه کل روی تغییرات هزینه خوراکی، پوشاک، مسکن و حمل و نقل را در زیر نشان می‌دهیم:

$$\text{LogF} = 0.94 + 0.77 \text{LogTC} \quad R^2 = 0.98$$

$$(0.03) (0.02)$$

$$\text{LogC} = -3.41 + 1.37 \text{LogTC} \quad R^2 = 0.97$$

$$(0.07) (0.04)$$

$$\text{Logh} = 0.22 + 0.88 \text{LogTC} \quad R^2 = 0.99$$

$$(0.02) (0.01)$$

$$\text{Log}T = -4/92 + 1/59 \text{ Log}TC$$

$$R^2 = 0.98$$

$$(0.07) \quad (0.05)$$

در اینجا نیز TC هزینه کل و T, H, C, F به ترتیب جانشین خوراک، پوشاک، مسکن و حمل و نقل بوده و اعداد داخل پرانتز آماره هستند.

ضرایب یا کتسش‌ها در بالا نشان می‌دهند که خوراک بین مجموعه کالاهای فوق با کتسش حدود ۰.۷۷ ضروری تلقی می‌شود. پوشاک با ضریب نزدیک (۱/۳۷) کالای غیر ضروری و مسکن با کتسش ۰/۸۸ ضروری به نظر می‌رسد. ضریب یا کتسش ۱/۵۹ برای حمل و نقل به خوبی لوکس بودن هزینه‌های حمل و نقل را نشان می‌دهد که با تفاوت درصد این هزینه از هزینه کل فقرا و ثروتمندان هماهنگی دارد. چگونگی توزیع هزینه‌ها: مطالعه و بررسی در مورد نحوه توزیع کالاهای عمده را در اینجا نیز مشابه زیر جامعه اجاره‌نشینان شهری کل کشور انجام می‌دهیم. جدول شماره ۹-۲-۵ در زیر ضرایب جینی، سهم هزینه گروه‌های متفاوت و نسبت هزینه ثروتمندترین گروه به فقیرترین آنها را نشان می‌دهد. هزینه خوراک با فاصله قابل توجهی نسبت به دیگر هزینه‌های توزیع مناسب‌تری دارد، این مهم با ضریب جینی ۰/۳۰۳ و نسبت دهک ده به یک حدود ۸/۵ کاملاً آشکار است.

جدول ۹-۲-۵- نحوه توزیع هزینه‌های عمده برای سایرین ساکنین شهری - سال ۱۳۷۴

$\frac{D_i}{D_n}$	سهم درصد			ضریب جینی	هزینه‌ها
	سهم ۲۰ درصد آخر	سهم ۴۰ درصد دوم	سهم ۴۰ درصد اول		
۱۶/۶	۰/۴۹	۰/۳۶	۰/۱۴	۰/۴۲۳	هزینه کل
۸/۵	۰/۳۹	۰/۴۱	۰/۱۹	۰/۳۱۹	هزینه خوراک
۱۱/۲	۰/۴۴	۰/۳۸	۰/۱۷	۰/۳۷۱	هزینه مسکن
۴۴/۱	۰/۵۴	۰/۳۶	۰/۰۹	۰/۵۰۷	هزینه پوشاک
۱۰۷/۸	۰/۷۳	۰/۲۰	۰/۰۵	۰/۶۷۱	هزینه حمل و نقل

ماخذ: محاسبات گروه تحقیق

ضریب جینی هزینه کل با رقم ۰.۴۲۳ توزیعی نزدیک با آنچه که برای اجاره‌نشینان به دست آوردیم را نشان می‌دهد. سهم هزینه گروه‌های سه گانه مورد مطالعه نیز حدوداً برای دو زیر جامعه اجاره‌نشین و سایرین نزدیک است. توزیع نابرابر هزینه‌های حمل و نقل در مورد سایر شهرنشینان نه تنها مشابه اجاره‌نشینان وجود دارد بلکه نامناسب‌ترین می‌باشد. به طوری که ده درصد ثروتمند این جامعه حدود ۰.۷/۸ برابر ده درصد فقیر هزینه حمل و نقل می‌کند. هزینه پوشاک پس از حمل و نقل نامناسب‌ترین توزیع را نشان می‌دهد.

مصرف و سهم هزینه کالاهای خوراکی: به دلیل اهمیت بیشتر کالاهای خوراکی با استفاده از جدول ۱۰-۲-۵ به بررسی سهم هزینه کالاهای خوراکی اساسی از کل هزینه خوراکی می‌پردازیم.

جدول ۱۰-۲-۵- سهم هزینه کالاهای اساسی خوراکی از کل هزینه

خوراکی برای سایر نوع سکونت شهری - سال ۱۳۷۴ (درصد)

کالاها	بستک فقیر	متوسط	بستک غنی
کن برنج	۸۱	۱۶۵	۲۰۲
برنج داخلی	۲۱	۹۲	۱۶۸
سبزی	۱۲۲	۳	۱۰۵
گوشت	۱۰	۱۴۲	۱۳۱
میوه	۵۲	۶۸	۵۵
لبنیات	۱۳۷	۹۸	۸/۲
زغون	۶۷	۵۲	۴۰۱
قلند و شکر	۵/۸	۲۰۵	۱۰۴
چای	۴۰۴	۳۵	۳/۶

منبع: محاسبات گروه تحقیق

خارج از سهمی فقیر از جامعه سهم ۱۳۷ درصد بیشترین بخش از هزینه خوراکی خود را صرف لبنیات کرده و پس از آن ۲۰۲ درصد را به خرید نان تخصیص می دهند.

پس از دو کالای سبزی و نان بیشترین سهم از هزینه خوراکی برای گوشت خرج می شود. هر درصد غنی جامعه محاسباتی نسبت به ساکن در مقابل خدمت شهری مشابه ثروتمندان دیگر بیشترین سهم هزینه را برنج با حدود ۲۰۲ درصد و پس از آن گوشت و لبنیات به ترتیب با ۱۳۱ و ۸/۲ درصد به خود اختصاص می دهند. از کل سهم برنج بیشترین مربوط به هزینه برنج داخلی است که حدود ۱۶۸ درصد است. ترتیب سهم هزینه برای متوسط جامعه مشابه برنج داخلی است که حدود ۱۶۸ درصد است. ترتیب سهم هزینه برای متوسط جامعه مشابه ثروتمندان است. به این صورت که برنج، گوشت و لبنیات به ترتیب با سهم های ۱۶/۵، ۱۴/۲ و ۹۰۸ درصد سنگین ترین کالاها در سبد این خانوارها محسوب می شوند. بیشترین تغییرات از هر دو جهت به برنج داخلی و نان مربوط می شود. به این صورت که سهم هزینه برنج داخلی از ۲/۱ درصد از هزینه خوراکی فقرا به ۱۶۸ درصد از هزینه خوراکی ثروتمندان تغییر می کند و سهم هزینه نان که برای هر درصد فقیر ۱۲۲ درصد از هزینه خوراک آنها است برای ثروتمندان فقط ۱/۵ درصد از هزینه خوراکی را تشکیل می دهد.

جهت بررسی بیشتر و نوع دیگر از اهمیت کالاهای خوراکی، کشش درآمدی آنها را با در نظر گرفتن هزینه کل برای درآمد دائمی استخراج می کنیم. در زیر نتیجه بر ارزش های اقتصادسنجی روی چند مورد از کالاهای اساسی جدول ۱۰-۲-۵ را می آوریم:

$$\text{LogRO} = -2/90 + 0.71 \text{ LogTCO} \quad R^2 = 0.92$$

$$(0.07) (0.05)$$

$$\text{LogDRO} = -7/45 + 1.37 \text{ LogTCO} \quad R^2 = 0.87$$

$$(0.18) (0.12)$$

$\text{LogBO} = 2.24 + 0.01 \text{ LogTCO}$ (0.03) (0.02)	$R^2 = 0.020$
$\text{LogMO} = -3.52 + 0.13 \text{ LogTCO}$ (0.06) (0.04)	$R^2 = 0.04$
$\text{LogDO} = 1.47 + 0.40 \text{ LogTCO}$ (0.04) (0.03)	$R^2 = 0.90$
$\text{LogSHO} = 0.02 + 0.20 \text{ LogTCO}$ (0.04) (0.03)	$R^2 = 0.73$

ضرایب فوق نشان می دهند که کلیه کشش ها برای کالاهای مورد مطالعه از واحد کوچک تر هستند. کمترین کشش به نان مربوط می شود و بیشترین به برنج داخلی، در مورد  $R^2$  رگرسیون نان همان بحث که قبلاً ارائه نمودیم در اینجا نیز معتبر است. در اکثر مطالعات مشابه کشش برنج داخلی بزرگتر از واحد است در اینجا نیز، با حدود ۱۳۷ از یک بزرگتر است.

### بررسی وضعیت اقتصادی و معیشتی خانوارهای مالک و غیرمالک روستا

در آغاز بحث گفتیم که مسکن یک مشکل شهرنشینی است ولی کیفیت مسکن یک مسئله روستایی. در نتیجه در اینجا که بحث کمبود مسکن و مشکل اجاره نشینی و غیره مطرح است بحث روستایی - ای روستاییان نداریم. گواه این گفته اطلاعات و آماری است که با توجه به آمارگیری سال ۱۳۷۴ از بودجه حواری در روستا به دست آمده است. در زیر درصد خانوارها بر حسب نوع سکونت در روستا نشان می دهیم.

۸۸/۶۱	۱- ملکی عرصه و اعیان
۰/۶۲	۲- ملکی اعیان
۲/۵۱	۳- اجاری
۱/۲۹	۴- در برابر خدمت
۶/۵۵	۵- مجاني
۰/۴۰	۶- سایر

تبدیل آمار فوق به ضقه بندی مورد استفاده ماکه مالک، اجاره نشین و سایر است به صورت زیر خواهد بود.

۸۹/۲۳	۱- مالکین
۲/۵۱	۲- اجاره نشینان
۸/۲۴	۳- سایرین

ابتدا توضیحاتی کنی در ارتباط با گروه مالکین ارائه می شود و سپس با توجه به درصد پایین گروه غیرمالک به خصوص زیر گروه اجاره نشین و احتمالاً بعضی عدم کفایت ها که در آمار و اطلاعات ریزتر وجود دارد. در اینجا فقط به یک مطالعه مختصر از اجاره نشینان و سایرین در سطح گروه کالاهای عمده می پردازیم.

الف- مالکین بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۴ در صد از کل جامعه روستایی صاحب منک

شخصی بوده اند که خیر و بر مصلحت می شوند. همانند آنچه که برای جامعه شهری انجام گرفت ابتدا سهم هزینه گروه کالای اساسی بررسی می شوند و سپس نگاهی خواهیم داشت به وضعیت فقر و توزیع درآمد در سال ۱۳۷۴ برای این گروه.

جدول ۱۱-۲-۵- سهم هزینه گروه کالاهای عمده از کل هزینه مالکین

روستایی - سال ۱۳۷۴ درصد

گروه های کالایی	بیستک فقیر	متوسط	بیستک غنی
خوراک و بهداشت	۵۱	۴۹	۳۹
پوشاک	۳	۱۲	۱۳
مسکن	۲۹	۱۳	۸
توازه منزل	۵	۸	۱۰
بهداشت و درمان	۳	۵	۹
حمل و نقل و ارتباط	۴	۶	۱۲
آموزش و تفریح	۲	۲	۱
سایر هزینه ها	۳	۵	۸

ماجد محاسبات گروه تحقیق

با بررسی جدول ۱۱-۲-۵ مشخص می شود که هر سه گروه شاخص درآمدی خوراک و دخانیات بالاترین سهم هزینه ای را در هر جدا که در طول بیستک ها روندی نزولی دارد. سهم هزینه ای کالاهایی لوکس مانند پوشاک، بهداشت و درمان، حمل و نقل و توازه منزل روندی صعودی در طول بیستک ها دارند. سهم هزینه ای مسکن نیز روندی کاملاً نزولی دارد به طوری که از ۲۹ درصد برای بیستک اول به ۸ درصد برای بیستک آخر رسیده است که نشان از ضروری بودن این گروه کالایی دارد.

بر اساس اطلاعات متدین ارزش های غذایی و روش استاندارد ارزش کالری های دریافتی برای به دست آوردن خط فقر و درصد زیر خط فقر، در سال ۱۳۷۴ مالکین در روستا ۲۱/۲ درصد زیر خط داشته اند با خط فقر ریالی ۴۸۱۶۹۶ ریال سرانه سالانه. این درصد بالا زیر خط فقر نشان دهنده این است که صرف داشتن مسکن در روستا نمی تواند موجب کاهش فقر باشد یا شاخصی برای کمتر شدن آن چرا که در مقایسه با سایر انواع سکونت و اجاره نشینان مشخص می شود که اجاره نشینان در روستا درصد زیر فقر کمتری دارند و سایر انواع سکونت هستند که درصد زیر فقر بالاتری دارند. با ارائه ضرایب مربوط به توزیع درآمد از زاویه دیگری به گروه مالکین نگاه می شود.

جدول ۱۲-۲-۵- توزیع هزینه کل برای مالکین روستایی - کل کشور ۱۳۷۴

عنوان	ضریب جینی	سهم ۴۰ درصد اول	سهم ۴۰ درصد دوم	سهم ۲۰ درصد غنی	$\frac{D_{10}}{D_1}$
هزینه کل - مالکین جامعه روستایی	۰.۴۱۵۲۲	۰.۱۵۵	۰.۳۶۶	۰.۴۷۸	۱۵/۷

ماجد محاسبات گروه تحقیق

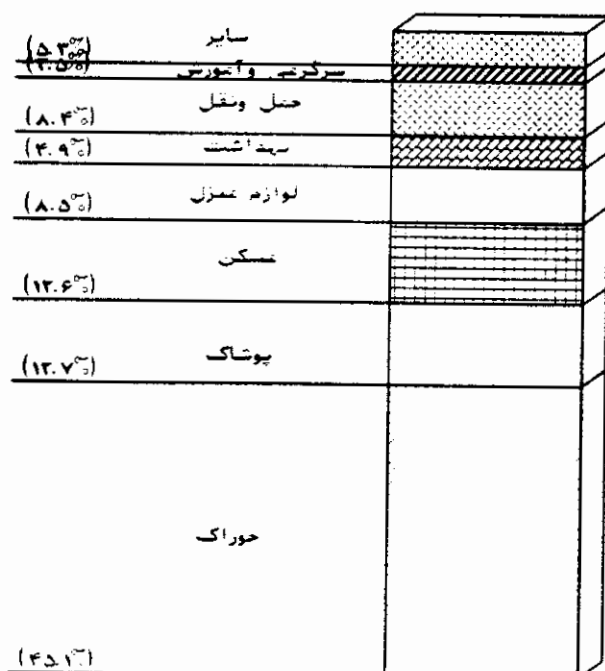
فربیب بالا نشان می دهد که مالکین منزل مسکونی در روستا نیز همانند شهر ر وضعیت توزیع نامناسبی برخوردار هستند به طوری که هزینه سرانه سالانه یک فرد در دهک آخر درآمدی ۱۵/۷ برابر بیشتر از هزینه سرانه سالانه در دهک اول درآمدی است.

ب- اجاره نشینان: نمودار ۸-۲-۵ سهم هزینه گروه کالاهای عمده از کل هزینه را نشان می دهد. خانوارهای روستایی اجاره نشینی به طور متوسط ۴۵ درصد از هزینه خود را برای خوراک و دخانیات تخصیص داده اند. سهم هزینه مسکن و پوشاک حدوداً نزدیک و هر یک ۱۳ درصد می باشد و پس از این دو مجدداً دو گروه هزینه های حمل و نقل و هزینه وسایل خانه با سهم حدود ۸/۴ و ۳ درصد سهم های بعدی از هزینه کل را به خود اختصاص می دهند. سهم متوسط ۲/۶ درصد برای مسکن در روستا خود تپید می کند که در روستا برای اجاره نشینان مسکن هزینه عمده ای نیست.

مقایسه چهار کالای عمده، خوراک، پوشاک، مسکن و حمل و نقل را برای سه گروه فقیر، متوسط و غنی جامعه اجاره نشین روستایی را در جدول شماره ۱۳-۲-۵ نشان می دهیم.

روستاییان فقیر و اجاره نشین نزدیک ۵۳ درصد از کل هزینه خود را برای خوراک مصرف می کنند. در حالی که ۵ درصد ثروتمند همین جامعه ۳۴ درصد برای این منظور تخصیص می دهند. روستاییان فقیر فقط ۳ درصد از کل هزینه خود را خرج حمل و نقل می نمایند، در حالی که ثروتمندان روستا ۲۰ درصد از کل هزینه را بابت حمل و نقل صرف می نمایند. به هر حال مسکن همچنان سهم کمتری از هزینه گروه های مختلف روستایی را نسبت به شهر نشینان به خود اختصاص داده است.

نمودار ۸-۲-۵- ماینگین هزینه های اجاره نشینان کل کشور جامعه روستایی





جدول ۱۳-۲-۵- سهم هزینه گروه کالاهای عمده از کل هزینه اجاره‌نشینان

روستایی - سال ۱۳۷۶ (درصد)

هزینه‌ها	بستک فقیر	متوسط	بستک غنی
خوراک	۵۳	۴۵	۳۴
پوشاک	۴	۱۳	۱۴
مسکن	۲۸	۱۳	۶
حمل و نقل	۳	۸	۲۰

محد. محاسبات گروه تحقیق

چهار معادله زیر نتیجه بررسی آثار تغییرات نگاریتمی هزینه کل در تغییر نگاریتمی هزینه کالاهای عمده بالا را آورده است.

$$\text{LogFR} = 0.62 + 0.845 \text{LogTCR} \quad R^2 = 0.98$$

(۰.۰۳) (۰.۰۲)

$$\text{LogCR} = -0.03 + 0.65 \text{LogTCR} \quad R^2 = 0.94$$

(۰.۱۳) (۰.۰۹۲)

$$\text{LogHR} = 1.68 + 0.58 \text{LogTCR} \quad R^2 = 0.91$$

(۰.۰۶) (۰.۰۴)

$$\text{LogTR} = -3.91 + 1.44 \text{LogTCR} \quad R^2 = 0.95$$

(۰.۱۱) (۰.۰۷)

در اینجا TCR برای هزینه کل روستا و FR، CR، HR، TR به ترتیب هزینه خوراک، پوشاک، مسکن و حمل و نقل روستاییان اجاره‌نشین است.

در بین چهار گروه کالاهای عمده فوق سه گروه خوراک، مسکن و پوشاک با کوشش‌های به ترتیب ۰/۸۴۵، ۰/۵۸ و ۰/۶۵ ضروری بوده و کمتر به تغییرات درآمد پاسخ می‌دهند. در حالی که حمل و نقل کاملاً لوکس به نظر می‌رسد. یک نکته در زمینه هزینه مسکن روستا مطرح است که به نظر می‌رسد بتواند به خوبی کوشش پایین درآمدی (هزینه کل) آن را توجیه نماید. در روستاها تفاوت فاحشی که در شهرها بین انواع مسکن، از نظر اندازه، کیفیت و محله وجود دارد مشاهده نمی‌شود. در نتیجه اصولاً تنوع قیمت و اختلاف زیادی در هزینه مسکن یا اجاره روستا نیست (حداقل به اندازه شهرها) تا به تغییرات درآمد پاسخ دهد.

چگونگی توزیع هزینه‌ها: نحوه توزیع هزینه‌ها بین اجاره‌نشینان روستایی را با کمک جدول شماره ۱۴-۲-۵ بررسی می‌کنیم. این جدول مشابه جدول‌های مربوطه برای شهر ضریب جینی، سهم هزینه چهل درصد اول، چهل درصد دوم، بیست درصد آخر و نسبت دهک دهم به اول را نشان می‌دهد. در مجموع ضرایب جینی توزیع بهتری است به شهر را نشان می‌دهند. در مورد روستاییان اجاره‌نشین هزینه‌های مسکن بهترین توزیع را با ضریب جینی ۰/۲۴۳ دارند و پس از آن هزینه‌های خوراکی قرار دارد که ضریب جینی آن ۰/۳۳۸ است. سهم درصدهای مختلف و نسبت دهک ده به یک نیز با گفته بالا هماهنگ است.

جدول ۱۴-۲-۵- چگونگی توزیع هزینه کالاهای عمده بین روستائیان اجاره‌نشین - سال ۱۳۷۴

$\frac{D_1}{D_2}$	سهم درصد			ضریب جینی	هزینه‌ها
	سهم ۲۰ درصد آخر	سهم ۴۰ درصد دوم	سهم ۴۰ درصد اول		
۱۶/۱	۰.۴۷	۰.۳۷	۰.۱۵	۰.۴۱۲	هزینه کل
۱۰.۹	۰.۴۰	۰.۴۰	۰.۱۸	۰.۳۳۸	هزینه خوراک
۷۰.۶	۰.۵۹	۰.۳۴	۰.۰۵	۰.۵۷۱	هزینه پوشاک
۵.۰۳	۰.۳۳	۰.۴۲	۰.۲۳	۰.۲۴۳	هزینه مسکن
۷۳/۲	۰.۶۸	۰.۲۴	۰.۰۷	۰.۶۱۵	هزینه حمل و نقل

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

نحوه توزیع هزینه حمل و نقل در روستائیان نامناسب‌تر از دیگر هزینه‌هاست و با ضریب جینی ۰/۶۱۵ با فاصله زیادی نسبت به دیگر انواع هزینه قرار دارد. مشاهده می‌شود که ترتیب ضرایب جینی و نحوه توزیع در روستا یا شهر متفاوت است.

سایر نوع سکونت در روستاها: در واقع با توجه به درصد انواع سکونت در روستا می‌توان نتیجه گرفت که بخش غالب این گروه ساکنین مجانی هستند. سهم هزینه کالاهای عمده از کل هزینه متوسط سایرین در روستاها را با نمودار ۹-۲-۵ به نمایش می‌گذاریم.

متوسط جامعه مجانی نشین و ساکن در مقابل حدود روستایی حدود ۴۸ درصد از هزینه کل خود را برای خوراک کنار می‌گذارند و پس از آن به صورت حدوداً نزدیک ۱۲ و ۱۴ درصد به لباس و مسکن می‌دهند. هزینه حمل و نقل این گروه ۸ درصد از هزینه کل است و کمترین سهم را مشابه اجاره‌نشینان به تفریحات و آموزش تخصیص می‌دهند.

مقایسه درصد فقیر، متوسط و درصد ثروتمند جامعه روستایی فوق را در جدول شماره ۱۵-۲-۵ به نمایش می‌گذاریم. درصد فقیر این جامعه ۳۸ درصد از کل هزینه خود را صرف خوراک می‌کنند و ۴۹ درصد را به هزینه مسکن تخصیص می‌دهند و درصد غنی جامعه ۳۶ درصد هزینه خوراک و ۱۴ درصد برای حمل و نقل خرج می‌کنند.

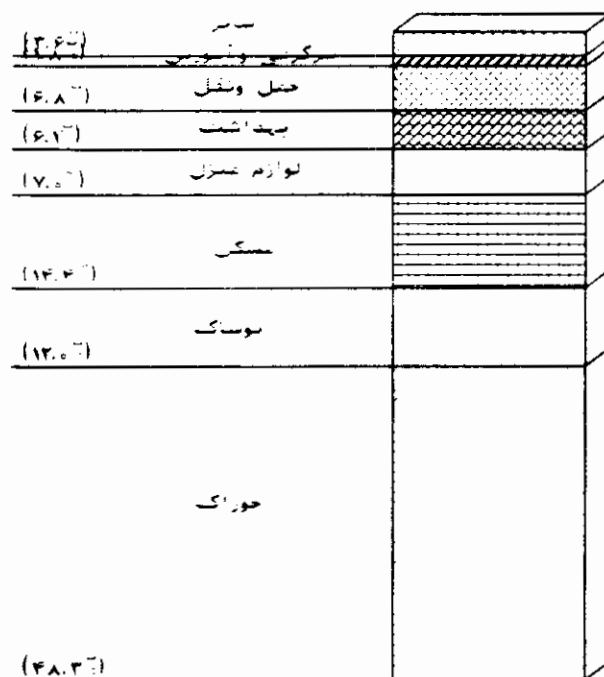
جدول ۱۵-۲-۵- سهم هزینه گروه کالاهای عمده از کل هزینه سایر

نوع سکونت روستایی - سال ۱۳۷۴ (درصد)

هزینه‌ها	بستک فقیر	متوسط	بستک غنی
هزینه خوراک	۳۸	۴۸	۳۶
هزینه پوشاک	۱	۱۲	۱۵
هزینه مسکن	۴۹	۱۴	۹
هزینه حمل و نقل	۳	۷	۱۴

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

نمودار ۹-۲-۵- میانگین هزینه‌های سایرین کل کشور جامعه روستایی



گروه غنی ساکنین مجانی و ساکن در مقابل خدمت سهم هزینه بسیار کمتری از اجاره‌نشینان روستایی را صرف حمل و نقل می‌کنند.

جهت یک بررسی دیگر از اهمیت و ضرورت گروه کالاهای مورد مطالعه مبادرت به برآزش کشش‌های درآمدی (هزینه کل) روی هزینه کالاهای فوق می‌کنیم. نتایج این رگرسیون را در زیر مشاهده می‌نماییم.

$$\text{LogFR} = 0.015 + 0.94 \text{ LogTCR} \quad R^2 = 0.97$$

(0.05) (0.03)

$$\text{LogCR} = -0.49 + 1.74 \text{ LogTCR} \quad R^2 = 0.97$$

(0.10) (0.06)

$$\text{LogHR} = 1.35 + 0.64 \text{ LogTCR} \quad R^2 = 0.96$$

(0.04) (0.03)

$$\text{LogTR} = -3.12 + 1.30 \text{ LogTCR} \quad R^2 = 0.96$$

(0.10) (0.06)

برای کسانی که به طور مجانی یا در مقابل خدمت در روستا سکونت می‌کنند نیز دو گروه از کالاها، یعنی خوراک و مسکن کشش کمتر از واحد دارند و پوشاک و حمل و نقل کشش بزرگ‌تر از واحد را تجربه می‌کنند. به نظر می‌رسد که در مورد مسکن تجزیه و تحلیلی که در بحث اجاره‌نشینان روستایی مطرح نمودیم، در اینجا نیز صادق باشد.

چگونگی توزیع هزینه‌های عمده: شاخص‌های توزیع هزینه کل، خوراک، پوشاک، مسکن و حمل و نقل را در

جدول شماره ۱۶-۲-۵-۱ نشان می‌دهد در اینجا نیز مشابه موارد گذشته، از ضریب جینی، سهم هزینه گروه‌های فقیر، متوسط و غنی جامعه به صافه نسبت هزینه دهک دهم به اول استفاده می‌کنیم. در مورد خانوارهای روستایی که غیر مالک و اجاره‌نشین هستند، خوراک و مسکن با ضریب جینی حدوداً برابر ظاهر می‌شوند، ولی توزیع درون گروه‌ها با توجه به سهم گروه‌ها و نسبت هزینه دهک دهم به اول به صورتی است که در مورد خوراک به نفع فقراست و در مورد مسکن به نفع متوسط جامعه می‌باشد.

جدول ۱۶-۲-۵- چگونگی توزیع هزینه کالاهای عمده برای سایر نحوه سکونت روستایی - سال ۱۳۷۴

$\frac{D_{10}}{D_1}$	سهم درصد			ضریب جینی	هزینه‌ها
	سهم ۲۰ درصد	سهم ۴۰ درصد	سهم ۴۰ درصد		
	آخر	دوم	اول		
۲۱/۱	۰/۴۸	۰/۳۷	۰/۱۴	۰/۴۲	هزینه کل
۱۵/۸	۰/۴۲	۰/۴۱	۰/۱۶	۰/۳۶	هزینه خوراک
۱۳۹/۱	۰/۶۰	۰/۳۳	۰/۰۶	۰/۵۷۳	هزینه پوشاک
۷/۰۷	۰/۳۸	۰/۴۱	۰/۲۰	۰/۳۰	هزینه مسکن
۷۱/۵	۰/۶۶	۰/۲۴	۰/۰۸	۰/۵۹	هزینه حمل و نقل

مأخذ: محاسبات گروه محققان

هزینه حمل و نقل در بحث جینی مناسب‌تر از دیگر هزینه‌ها توزیع می‌شود و پس از آن هزینه پوشاک با ضریب جینی ۰/۵۷ قرار دارد. در مقایسه با اجاره‌نشینان دو جدول ۱۶-۲-۵ و ۱۶-۲-۵ نشان می‌دهند که در جامعه اجاره‌نشینی توزیع مسکن، خوراک و پوشاک مناسب‌تر از سایرین است در حالی که برای سایر نوع سکونت هزینه حمل و نقل مناسب‌تر است.

### نیازمندان حمایت مسکن

در بخش گذشته کی جامعه شهرنشین را به سه زیرمجموعه مالک، اجاره‌نشین و سایرین تفکیک کردیم دو گروه اجاره‌نشین و سایرین که گروه اخیر خود شامل ساکنین مجانی یا سکونت در مقابل خدمت و سایر می‌شود به احتمال زیاد فاقد مسکن هستند. دلیل این که با قاطعیت کلیه خانوارهای فوق را، که ما تحت عنوان مشترک غیر مالک می‌خوانیم، بدون مسکن اعلان نمی‌کنیم وجود این احتمال است که بعضی از اجاره‌نشین‌ها یا حتی ساکنین در مقابل خدمت مالک مسکن باشند ولی خودشان محلی را اجاره کرده باشند یا به علت نوع شغل سکونت در مقابل خدمت را اختیار نموده باشند.

به هر صورت کل جامعه غیر مالک که شامل اجاره‌نشینان ۱۲/۹۳ درصد و سایرین ۱۱/۹۸ درصد از کل جامعه شهری هستند که همگی نیازمند کمک جهت تأمین مسکن یا حتی نیازمند مسکن نیستند. اصولاً چنین برداشتی که معتقد به مالک شدن کلیه خانوارهای شهرنشین باشد را نمی‌توان پذیرفت. در مرحله نخست بخشی از هر جامعه شهری متحرک است و خرید مسکن برای چنین خانوارهایی که شاید محل سکونت دائمی خود را هنوز نمی‌تواند پیش‌گویی کند معقول نیست. (مگر فقط جنبه سرمایه‌گذاری داشته باشد) و از آن گذشته بخشی از جامعه غیر مالک هستند که به علت هزینه فرصت بالای که دارایی‌های آنها

نسبت به بازده مسکن دارند اصولاً تعادل به خریداری مسکن ندارند و چه بسا توانایی خرید مسکن از یک محل سکونت را نیز داشته باشند. بالاخره گروه دیگری نیز هستند که ممکن است در حال حاضر توانایی خرید مسکن مورد علاقه خود را نداشته باشند. ولی به هیچ وجه نیازمند تلقی نمی شوند.

در نتیجه یک سؤال مهم مطرح می شود و آن تعیین درصدی از جامعه غیر مالک است که نیازمند حمایت برای تهیه مسکن خود هستند. در اینجا ما نیازمندان به کمک و حمایت دولت برای تأمین محل سکونت و سرپناه را کسانی تعریف می کنیم که زیر خط فقر قرار داشته باشند. هر چند که در این صورت شرایط ایجاد شده برای اجاره نشینان و سایرین متفاوت خواهد بود که توضیح خواهیم داد خط فقر که در این بخش تعریف می کنیم مشابه تعریفی است که در فصل های قبل داشتیم.

اجاره نشینان نیازمند کمک مسکن: برای استخراج خط فقر و تعیین درصد خانوارهای اجاره نشین زیر خط فقر، ابتدا ماتریس مقدار مصرف سرانه سالانه کالاهای خوراکی را که مسئول تأمین ارزش های غذایی اجاره نشینان شهری می باشند را تشکیل داده و سپس با استفاده از ماتریس ارزش های غذایی اجاره نشینان شهری می باشند را تشکیل داده و سپس با استفاده از ماتریس ارزش های غذایی ریز متغیرها مندرت به حل ماتریس ریز متغیرها براساس بیستک های هزینه ای می نماییم.\*

با توجه به بردار هزینه های بیستک های اجاره نشین شهری مراحل ساده زیر صورت می گیرند. اطلاعات و آمار اجاره نشینان از بدنه اصلی آمار بودجه خانوار سال ۱۳۷۴ تهیه شده است.

$$B_{\text{دوم}} = 2108$$

کالری دریافتی بیستک سوم

$$B_{\text{چهارم}} = 2280$$

کالری دریافتی بیستک چهارم

$$TCB_{\text{دوم}} = 580911 \text{ ریال}$$

هزینه کل بیستک سوم

$$TCB_{\text{چهارم}} = 684431 \text{ ریال}$$

هزینه کل بیستک چهارم

$$2280 - 2108 = 172$$

تفاوت کالری بیستک سوم و معیار کالری

$$2280 - 2108 - 3172$$

تفاوت کالری بیستک های سوم و دوم

$$\%2 = (5) \left( \frac{172}{172} \right) \text{ محل قرار گرفتن خط فقر بین بیستک های دوم و سوم}$$

$$\%15/5 = \%2 - \%17/5$$

درصد زیر خط فقر اجاره نشینان

پس از تعیین درصد زیر خط فقر اجاره نشینان خط فقر ریالی را محاسبه می کنیم.

$$PCALB_{\text{دوم}} \left( \frac{580911}{2108} \right) = 275 \text{ ریال}$$

قیمت هر کالری برای بیستک سوم

$$PCALB_{\text{چهارم}} \left( \frac{684431}{2280} \right) = 300 \text{ ریال}$$

قیمت هر کالری برای بیستک چهارم

$$20590 = 71(290) = \frac{300(3) + 275(2)}{5} \text{ ریال}$$

مازاد هزینه نسبت به خط فقر

$$PLUR = 684431 - 20590 = 663841 \text{ ریال}$$

خط فقر اجاره نشین شهری

از روش تناسب نیز برای تخمین خط فقر استفاده می کنیم

\* برای کسب اطلاعات بیشتر به فصل تعیین خط فقر و شکاف فقر در همین مطالعه مراجعه شود.

تفاوت هزینه بیستک‌های دوم و سوم

$$TCB_p - TCB_m = 6844331 - 5810911 = 1033420$$

$$\frac{1033420}{2} = 516710 \text{ ریال}$$

تخمین مستقیم خط فقر اجاره‌نشینان شهری

$$PLUR \text{ ریال} = 6844331 - 41408 = 6844323$$

با در نظر گرفتن این که گروه خانوارهای زیرخط فقر شهرنشینی در کل کشور حدود ۱۲/۹ درصد می‌باشد به نظر می‌رسد که فقرای اجاره‌نشین شهری حدود ۲/۶ درصد بیشتر هستند. هرچند که فقرای اجاره‌نشین شهری در کل جامعه شهری می‌باشند. ولی اختلاف در حدی نیست که اجاره‌نشین را به عنوان یک شاخص فقر معرفی نماییم.

با توجه به سرشماری جمعیت سال ۱۳۷۵ درصد خانوارهای مالک یا اجاره‌نشین و سایر به صورت زیر

استخراج می‌شود.

- ۱- مالکین ۶۷/۶ درصد
- ۲- اجاره‌نشین ۲۱ درصد
- ۳- سایرین ۱۱/۴ درصد

با پذیرش رقم ۲۱ درصد برای اجاره‌نشینان کل جامعه شهری که زیر خط فقر قرار دارند و این که

۲۱ درصد از جمعیت شهری اجاره‌نشین هستند، می‌توانیم درصد خانوارهای نیازمند به حمایت مسکن

بین اجاره‌نشینان به صورت زیر اعلام کنیم.

$$(15/5)(21)/100 = 3/25$$

درصد جامعه شهری که اجاره‌نشین و نیازمند حمایت مسکن هستند.

رقم بالا یعنی ۳/۲۵ درصد نیازمندان به حمایت مسکن را به واسطه اجاره‌نشینان نشان می‌دهد. حال اگر

رقم مشابه برای سایرین را نیز داشته باشیم، کل خانوارهای غیر مالک و نیازمند حمایت دولت را خواهیم داشت.

سایرین نیازمند کمک مسکن: اطلاع داریم که تحت عنوان سایرین سه گروه قرار می‌گیرند که شامل ساکنین مجانی، سکونت در مقابل خدمت و سایر است که مورد اخیر عمدتاً شامل سکونت رهنی و رهن و اجاره می‌شود. چنانچه قبلاً اشاره نمودیم، الزام‌گسانی که تحت عنوان‌های فوق مسکن را در اختیار دارند، نیازمند حمایت و کمک دولت برای مسکن نیستند. برای بررسی و شناخت گروه نیازمند به مسکن بین سایر انواع سکونت مددک به استخراج خط فقر و تعیین درصد خانوارهای زیر این خط می‌نماییم.

بدنه صبی‌آمار و اطلاعات و روش کار عیناً مشابه موارد قبل می‌باشد. فقط زیر مجموعه آماری که

ماتریس مقادیر کالاها را از آن استخراج می‌کنیم مربوط به سایر انواع سکونت شهری است. پس به دست

آوردن ماتریس ارزش‌های غذایی و استفاده از بردار هزینه‌های کل می‌توانیم بنویسیم.

مقدار کالری دهک اول

$$D_1 = 1772$$

مقدار کالری دهک دوم

$$D_2 = 2281$$

هزینه کل دهک اول

$$TCD_1 = 430393 \text{ ریال}$$

دهک دوم هزینه کل

$$TCD_2 = 726739 \text{ ریال}$$

تفاوت کالری دهک دوم و معیار

$$2281 - 1772 = 509$$

و دوم تفاوت کالری دهک اول

$$2281 - 1772 = 509$$

محل استقرار خط فقر بین دهک های اول و دوم

$$100 \left( \frac{72}{509} \right) = 14$$

درصد زیر خط فقر سایر انواع سکونت

$$15 - 14 = 1$$

$$PCALD_1 = \left( \frac{43.393}{1772} \right) = 243$$

$$PCALD_2 = \left( \frac{726739}{2281} \right) = 319$$

مازاد دهک دوم نسبت به خط فقر

$$72 \left( \frac{319(8.6) + 243(14)}{100} \right) = 72(30.8) = 22176$$

سایرین خط فقر شهر

$$PLUO = 726739 - 22176 = 704563$$

خط فقر برای سایرین را نیز مشابه اجاره نشینان به صور مستقیم هم تخمین می زنیم.

تفاوت هزینه دهک های اول و دوم

$$TCD_1 - TCD_2 = 726739 - 43.393 = 296346$$

مازاد بیستک سوم نسبت به خط فقر به روش مستقیم

$$296346 \left( \frac{14}{100} \right) = 41488$$

خط فقر شهر سایرین روش مستقیم

$$PLUO = 726739 - 41488 = 685251$$

به نظر می رسد که خط فقر سایرین به مقدار قابل توجهی بیشتر از اجاره نشینان است و در حالی که درصد زیر خط فقر آنها کمتر می باشد. برای تعیین درصد جمعیت شهری که در میان سایر انواع سکونت قرار داشته و نیازمند کمک هستند از آمار بودجه خانوار که درصد سایرین را از کل جامعه شهری مشخص می کند استفاده می نمایم.

$$100 = 1.55 + (13.6) + (11.4)$$

درصد از جامعه شهری که از گروه سایر نوع سکونت بوده و نیازمند حمایت هستند.

رقم فوق درصد نیازمندان به کمک مسکن را بر اساس معیار خط فقر از کل جامعه شهری نشان می دهد که

به گروه های مجانی نشین، سکونت در مقابل خدمت یا رهن و اجاره مربوط هستند.

با توجه به دو زیر گروه اجاره نشین و سایر که مجموع آنها جامعه شهری غیر مالک را تشکیل می دهند.

می توانیم درصد از کل جامعه شهری را تعیین کنیم که نیازمند حمایت مسکن هستند.

$$30.25 + 1.55 = 40.8$$

با توجه به درصد بالا می توان ادعا نمود که از کل خانوارهای شهری در سال ۱۳۷۴ حدود ۴۰.۸ درصد فاقد

مسکن و نیازمند حمایت می باشند. با توجه به سرشماری سال ۱۳۷۵ که تعداد خانوارهای شهری را ۷۹۳

هزار اعلام نموده است و پذیرش این عدد برای سال ۱۳۷۴ می توانیم تعداد مسکن مورد نیاز برای حمایت را

به دست آوریم.

$$793 \left( \frac{40.8}{100} \right) = 324$$

تعداد مسکن مورد نیاز حمایت

با توجه به یافته فوق می توان ادعا نمود که در مجموع کل جامعه شهری ۳۸۱۰۰۰ واحد مسکن برای

قشرهای آسیب پذیر مورد نیاز است که خود آنها توانایی تهیه آن را ندارند.

### چگونگی حمایت مسکن

مسئله مسکن از دو دیدگاه حائز اهمیت است. نخست سرپناه به عنوان یک خدمت بسیار ضروری در

محدوده سید کالاهای و خدمات خانوارها جایگاه بسیار مهم و ضروری را اشغال نموده است. از این روی اگر هر خانوار یافردی مسکن و سرپناه را در یکی از الویت‌های خود قرار داده و در تلاش دستیابی به یک سرپناه مناسب باشد، می‌تواند یک حق تلفی شود. نکته دیگر در مورد مسکن جایگاه امنیتی و تأمین آتی آن است که در بعضی از جوامع بسیار اهمیت دارد. در جامعه‌هایی که سیستم تأمین اجتماعی به صورت همه‌گیر و گسترده عمل نمی‌کنند و آینده افراد و خانوارها عمدتاً متکی به پس‌انداز و دارایی‌های خانوار می‌باشد، مسکن به عنوان یک دارایی مطمئن و یک وسیله برای تأمین آینده نقش بسیار مهمی پیدا می‌نماید. در چنین حوزه‌ی مسکن تنها یک سرپناه نیست بلکه شاید در درجه اول یک وسیله تأمین اجتماعی و بیمه تلفی می‌شود. این موضوع نقش و اثر بسیار مهمی در سیاست‌گذاری‌های دولت در امر مسکن و همچنین حمایت از گروه‌های فقیر دارد، که در ادامه این بخش به آن خواهیم پرداخت.

### شهرنشینی و مشکل مسکن

به‌طور کلی می‌توان ادعا نمود که مسکن یک مشکل در جامعه شهری است، هر چند که کیفیت مسکن در روستاهای ایران نیز مسئله‌ای بسیار مهم می‌باشد. با توجه به این که در جریان رشد و توسعه اقتصادی و مهاجرت روستاییان به شهرها جمعیت روستا کاهش می‌یابد عمدتاً در روستاها نیاز به ساخت مسکن جدید بسیار کمتر احساس می‌شود و موضوع اساسی بازسازی و تعمیر محل مسکونی مطرح می‌شود. اما یک نکته مهم در بحث اهمیت است که توجه به آن به خصوص از دیدگاه شهرسازی مهم جلوه خواهد نمود. هر چه که در طول زمان و توسعه اقتصادی روستاها خالی شده و جمعیت آن به سوی شهر مهاجرت می‌کنند، وقتی گاه این جمعیت مهاجر در حرکت به سوی شهرهای بزرگ در روستاهای اقماری این شهرها توقف نموده و به دلایلی چون ارزان‌تر بودن مسکن و آشنایی بیشتر با بافت روستایی آن در این روستاها ساکن می‌شوند. این روستاها به تدریج تبدیل به شهر شده و مسکن در این مناطق ساختار شهری پیدا می‌کند. به هر حال می‌توان پذیرفت که مسکن یک مشکل شهرنشینی است نه روستایی.

تقاضای مسکن در شهرها به دو صورت شکل می‌گیرد، یکی از سوی شهرنشینی که به دلیل تشکیل خانواده و تمایل به استقلال طالب مسکن مستقل هستند و دیگر تقاضای روستاییان مهاجر است که مورد اخیر گاه باعث یک فشار عمده در سمت تقاضای مسکن شهری می‌شود. مطالعه و بررسی آمار رشد جمعیت شهرنشینی فشار بالقوه فوق‌ارزون می‌کند. جدول ۱۷-۲-۵ در زیر جمعیت و رشد آن را برای چند شهر استان تهران که می‌توانند شهرهای اقماری شهر تهران محسوب شوند، نشان می‌دهد. آمار جمعیتی جدول ۱۷-۲-۵ به خوبی رشد مناطق اطراف شهر تهران را تصویر می‌کند.

اختلاف فاحش در رشد جمعیت بعضی از شهرهای جدول ۱۷-۲-۵ میانگین رشد جمعیت شهری می‌تواند تا حدی مسئله مهاجرت از شهرهای کوچک‌تر و دورتر را به شهر و استان تهران به عنوان یک قطب جذاب برای کار و زندگی نمایان سازد. به خصوص نرخ رشد جمعیت از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ نشان دهنده انفجار جمعیت در شهرهای اقماری تهران است.



جدول ۱۷-۲-۵- جمعیت و تغییرات آن برای چند شهر استان تهران

شهر	جمعیت ۶۵	جمعیت ۷۰	جمعیت ۷۵	تفاوت جمعیت ۷۰ و ۶۵	تفاوت جمعیت ۷۵ و ۷۰	نرخ رشد دوره ۷۰الی ۷۵ (درصد)	نرخ رشد دوره ۷۵الی ۷۵ سالانه (درصد)
دماوند	۱۵۳۰۹	۲۳۱۷۶	۹۹۴۳۸	۷۸۶۷	۷۶۲۶۲	۳۲۹.۰۵	۱۸.۷
شهریار	۲۲۴۳۳	۳۳۴۵۰	۸۵۴۶۴۷	۱۱۰۱۷	۸۲۱۱۹۷	۲۴۵۴.۹	۳۶.۴
ورامین	۵۸۳۱۱	۸۳۷۵۹	۵۶۴۶۲۸	۲۵۴۴۸	۴۸۰۸۶۹	۵۷۴.۱	۲۲.۷
کرج	۲۷۵۱۰۰	۳۸۴۳۲۶	۱۱۶۱۱۷۲	۱۰۹۲۲۶	۷۷۶۸۴۶	۲۰۲.۱	۱۴.۴
اسلامشهر	۲۱۵۱۲۹	۲۴۴۴۴۸	۴۰۲۱۰۲	۲۹۳۱۹	۱۵۷۶۵۴	۶۴.۵	۶.۲۵
تهران	۶۰۴۲۵۸۲	۶۶۲۰۴۶	۶۷۹۴۳۴۸	۵۷۷۸۷۹	۱۷۳۸۸۷	۲.۵	۱.۱۷

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

این در حالی است که رشد جمعیت در شهر تهران از سال ۱۳۶۵ به ۱۳۷۵ فقط ۱.۱۷ درصد بوده است. ستون آخر جدول شماره ۱۷-۲-۵ رشد سالانه جمعیت برای این شهرها را در فاصله ۱۳۶۵ به ۱۳۷۵ نشان می دهد.

#### نقش دولت در تأمین مسکن

چنانچه قبلاً مطرح نمودیم، رشد بالای جمعیت، مهاجرت از روستاها به سمت شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای اقماری و بزرگ در کشورهای در حال توسعه و من جمله ایران فشار قابل ملاحظه‌ای را در سمت تقاضای مسکن ایجاد می کنند. از سوی دیگر به عللی چون کم کشش بودن تولید از جمله نهادهای تولید مسکن، درآمد سرانه پایین که به واسطه توزیع نامناسب درآمد برای گروه فقیر بسیار پایین تر نیز می شود، تهیه مسکن برای قشر آسیب پذیر جامعه بسیار دشوار خواهد بود. این نکته مسئله تهیه مسکن برای قشرهای فقیر را در سرلوحه برنامه بسیاری از کشورهای جهان، به خصوص کشورهای در حال توسعه قرار داده است.

حال این سؤال مطرح می شود که چگونه دولت می تواند پاسخگوی نیاز مسکن گروه های مختلف جامعه و به خصوص فقرا باشد. آیا اصولاً دولت باید به بخش مسکن کمک نموده و یارانه باز بدهد یا بهتر است که فقط به مشکلات خانوارهای نیازمند حمایت بپردازد. پاسخ به سؤال اخیر را می توانیم به روشنی از یافته های بخش های قبی این فصل و توانایی های بالقوه دولت به دست آوریم. به طور کلی بسیاری از کشورهای در حال توسعه در دو دهه گذشته به این نتیجه رسیدند که قادر به تأمین نیاز متقاضیان نیازمند مسکن از طریق ساخت و تولید واحدهای جدید مسکن نیستند. البته این ناتوانی عمدتاً به علت کمبود منابع و نهادهای تولید در این کشورها می باشد که در نتیجه آن هر شوک به بازار مسکن و بازار نهادها افزایش سریع قیمت ها را به دنبال خود می آورد.

به هر حال با توجه به شرایط و نحوه سکونت مسکن در ایران که در بخش قبلی ملاحظه شد، این پاسخ تکمیل می شود. ما در تفکیک خانوارها از نقطه نظر نحوه سکونت به این طبقه بندی رسیدیم که خانوارها را

به سه گروه مالک، اجاره نشین و سایر تفکیک کنیم. در واقع دو گروه آخر غیر مالک تلقی می شوند که گروه سایر را عمدتاً ساکنین مجانی و در مقابل خدمت تشکیل می دهند. در نتیجه پاسخ بر این سؤال که گستردگی حمایت دولت چه قدر باید باشد به بررسی شرایط اقتصادی و رفاهی مجموعه گروه غیر مالک منتهی می شود. مادر بخش (نیازمندان به حمایت مسکن) مبادرت به استخراج خط فقر برای دو گروه اجاره نشین و سایر انواع سکونت نموده و در واقع نیازمندان به حمایت دولت را مشخص کردیم. براساس یافته های این بخش ۵ درصد از اجاره نشینان شهری و ۱۳/۶ درصد از خانوارهایی که به صورت های دیگری غیر از طریق مالکیت و اجاره شینی سکونت اختیار نموده اند زیر خط فقر قرار دارند.

با توجه به تعداد این خانوارها در کل جامعه و محاسبات انجام شده به طور کلی ۲۷۸ هزار خانوار غیر مالک نیازمند حمایت مسکن می باشند.

به نظر می رسد کسانی که فاقد مسکن ملکی هستند الزاماً همگی نیازمند حمایت دولت نیستند و در واقع تفاوت عمده ای از نقطه نظر فقر و درآمد با مالکین ندارند.

پس ضرورت ندارد که دولت از طریق بازارانه مستقیم و غیر مستقیم به نهادهای مسکن، مثل سیمان، آجر، آهن و غیره حمایت بازاری را اعمال نماید که بخش عمده آن متوجه افراد مرفه شهری می شود. بلکه می تواند مجموعه بودجه این گونه بازارانه ها را به طور هدفمند صرف تأمین مسکن نیازمندان بکند و شاید از این طریق بتواند حمایت مسکن را تبدیل به یک حیات کلی و به خصوص تغذیه ای برای گروه زیر خط فقر بنماید. این مهم را در دامه این بحث بیشتر مورد توجه قرار خواهیم داد.

سؤال مهم دیگر که در اینجا مطرح است، (چگونگی حمایت دولت) می باشد. به عبارت دیگر سؤال این است که آیا دولت باید برای نیازمندان مسکن جدید بسازد و به مالکیت آنها در آورد، مشارکت خانوارهای نیازمند را در ساخت یا پرداخت هزینه طلب کند، یا به صورت اجاره مسکن مورد نیاز را در اختیار این خانوارها قرار دهد.

نخست بهتر است در آماده سازی برای پاسخ به سؤال های بالا کمی به این مطلب پردازیم که مسکن علاوه بر سرپناه یک وسیله تأمین آتیه تنفی می شود. در آغاز این بخش اشاره نمودیم که مسکن به خصوص در جوامع در حال توسعه که سیستم تأمین اجتماعی گسترده و کارا را دارا نمی باشند یک نوع پس انداز برای دوران بازنشستگی و ز کارافتادگی عامل نان آور و شاید وسیله ای برای انتقال ثروت به نسل بعدی تلقی می شود. می توان ادعا کرد که در این جوامع خرید و ساخت مسکن یک هدف عمده و اولیه برای هر خانوار بوده و به خصوص خانوارهای فقیر و متوسط اجاره نشینی و نوع دیگر سکونت را در آرزو و تلاش برای تمکن مسکن می پذیرند. در نتیجه این خانوارها داوطلب اجاره نشینی برای تمام عمر نبوده و چیزی غیر از مالکیت مسکن آنها را ارضی نمی کند.

در واقع دلیل این که در جوامع اروپایی و به خصوص آن کشورهایی که سیستم بسیار کارا و گسترده تأمین اجتماعی دارند اجاره نشینی رواج داشته و درصد قابل توجهی از نحوه سکونت را اجاره نشینی تشکیل می دهد و در جوامع دیگر که تأمین اجتماعی گسترده نبوده و نگرانی برای آینده وجود دارد عمدتاً در تلاش تصرف مکی مسکن هستند و درصد مالکیت مسکن در آنجا غالب است (مثل ایالات متحده) همین نکته می باشد.

در جامعه ایران که تأمین اجتماعی فاقد گستردگی و کارایی لازم است نیز همین تمایل و قاعده حکمفرما

می باشد. به این صورت که خانوارهای فقیر و متوسط همیشه در آرزو و تلاش برای مالک شدن هستند و فقط از ناچاری و به صورت موقت اجاره نشینی می کنند. در نتیجه به نظر می رسد که یک حمایت یا برنامه گسترده از سوی دولت برای ساخت و اجاره دادن مسکن (بدون انتقال مالکیت آن در آینده) با استقبال خانوارها روبه رو نخواهد بود و چنین طراحی فقط می تواند به طور محدود و به عنوان یک دوره انتقال موفق باشد.

از آنجایی که خانوارهای جامعه شهری ایران به مسکن علاوه بر سریناه به عنوان یک دارایی و تأمین کننده امنیت آینده نگاه می کنند. آماده هرگونه مشارکت و حتی چشم پوشی از حفظ دارایی های دیگر در مقابل امکان تصرف و مالکیت مسکن هستند.

در گذشته و شاید امروز هم در مقابل یک حرکت و اعلام آمادگی معقول خانوارهای کم بضاعت دولت ها و شهرداری ها مبادرت به عمل خصمانه می کردند یا می کنند. مهاجرت به شهرهای بزرگ که امکان خرید مسکن مناسب در داخل شهر ندارند در اطراف این شهر با هزینه (هر چه قدر ناچیز) و عمدتاً عامل کار خود اقدام به ساخت منزل، آلونک و یا زاغه می کنند. حداقل در گذشته شهرداری ها در مقابل این اعلام مشارکت داوطلبانه، که شاید بتوان آن را جهت دار نمود، مبادرت به تخریب این اماکن نموده و زاغه نشینان را برای انجام حرکت مشابهی به سوی دیگر می راندند و مجدداً مکان ساخته شده دیگر به وسیله این گروه در جای دیگر تخریب شده و گاه این دور بیهوده ادامه می یافت. آیا نمی توان از این انگیزه بهره برداری مناسب نمود؟ قطعاً یکی از روش های اساسی برای حمایت مسکن قشر فقیر جلب مشارکت آنها و استفاده از پس اندازهای جزئی و دارایی های کم فایده تر آنها می باشد.

### چگونگی مشارکت نیازمندان حمایت مسکن

با توجه به اطلاعات و محاسبات انجام شده در بخش قبلی از کل ۷۹۳۰ هزار خانوار شهری حدود ۳۸۱ هزار نفر نیازمند حمایت دولت هستند. از این تعداد خانوار نیازمند حدود ۲۵۷ هزار خانوار اجاره نشین هستند و بقیه به صورت تهی و دیگر چون سکونت مجانی، در مقابل خدمت و سایر انواع مسکن ها نموده اند. در اینجا نخست به اجاره نشینان و بررسی امکان مشارکت آنها می پردازیم.

### اجاره نشینان نیازمند مسکن

به نظر می رسد که از کل ۳۸۱ هزار خانوار که نیازمند حمایت می باشند، حدود ۶۷ درصد یعنی ۲۵۷ هزار خانوار اجاره نشین هستند. جدول شماره ۱۸-۲-۵ هزینه کل، هزینه خوراک، هزینه مسکن و هزینه اجاره این دوره را بر حسب بیستک های هزینه ای نشان می دهد. در اینجا براساس دو راه حل به آثار و چگونگی حمایت مسکن دولت از این قشر می پردازیم. نخست در نظر می گیریم که دولت بدون انتظار مشارکت و انجام هزینه ایی از سوی گروه فقیر اجاره نشین که قاعدتاً و براساس استخراج خط فقر ۱۵/۵ درصد از آنها را تشکیل می دهد مبادرت به تأمین مسکن برای این قشر می نماید. از آنجا که به مجرد تهیه مسکن به وسیله دولت دیگر ضرورتی برای پرداخت هزینه های اجاره برای خانوارهای مورد حمایت وجود نخواهد داشت، آثار مستقیمی بر درصد خانوارهای زیر خط فقر و شکاف فقر ایجاد می شود.

جدول ۱۸-۲-۵- هزینه کل خوراک، مسکن و اجاره برای نشینان شهری در سال ۱۳۷۴

B1۰	B۹	B۸	B۷	B۶	B۵	B۴	B۳	B۲	B۱	AVG	
۱۳۱۳۶۸	۱۱۹۳۶۱	۱۰۸۱۹۴	۹۸۵۸۳۳	۸۸۹۰۲۷	۷۹۴۸۹۱	۶۸۴۴۳۲	۵۸۰۹۱۱	۴۸۴۶۸۶	۳۲۱۱۵۲	۱۹۶۷۸۹۲	هزینه کل هزینه خوراک
۵۷۳۷۶۷	۵۴۰۰۷۴	۴۹۳۱۵۱	۴۴۸۶۸۸	۳۹۶۸۵۲	۳۷۵۴۸۳	۳۲۶۶۲۰	۲۷۲۹۹۸	۲۲۸۰۶۰	۱۵۳۲۷۹	۶۹۷۹۱۱	هزینه مسکن
۳۳۰۰۶۴	۲۹۷۴۸۰	۲۹۲۴۸۶	۲۵۱۲۲۶	۲۵۱۰۹۴	۲۳۴۲۵۴	۱۹۵۶۸۹	۱۷۴۶۹۷	۱۵۰۱۶۰	۱۰۴۸۸۴	۲۶۹۵۱۱	هزینه اجاره
۲۸۲۲۰۲	۲۵۹۸۸۳	۲۶۴۴۳۶	۲۱۵۲۰۰	۲۰۹۷۰۳	۲۰۰۵۴۸	۱۶۷۲۸۳	۱۵۳۸۲۶	۱۳۱۴۹۵	۹۱۳۶۱	۲۱۳۵۱۲	
	BY۰	B۱۹	B۱۸	B۱۷	B۱۶	B۱۵	B۱۴	B۱۳	B۱۲	B۱۱	
	۸۵۷۱۴۲۵	۴۶۹۲۰۵۷	۳۵۷۴۳۷	۲۹۳۳۵۴۳	۲۴۹۱۴۰۸	۲۱۹۶۶۷۸	۱۹۲۲۳۲۲	۱۷۴۰۸۴۴	۱۵۶۸۲۸۵	۱۴۲۲۲۶۰	
	۱۹۸۹۵۲۶	۱۵۰۲۲۷۳	۱۱۶۳۰۷۶	۱۰۴۵۵۲۸	۹۳۶۵۷۲	۸۳۹۴۶۵	۷۲۲۹۲۳	۷۰۱۳۷۴	۶۵۶۰۰۷	۶۱۷۱۰۰	
	۱۷۰۳۹۸۱	۹۶۸۹۵۲	۷۹۰۶۰۸	۷۱۳۴۹۶	۶۵۳۹۲۸	۵۲۹۳۱۱	۴۹۶۵۳۰	۴۷۶۲۹۰	۴۱۹۱۲۶	۳۷۵۰۵۵	
	۱۵۶۲۲۲۲	۸۶۸۶۰۸	۷۰۲۵۱۵	۶۱۲۲۸۷	۵۵۲۲۹۷	۴۵۸۷۰۹	۴۳۴۹۶۵	۴۲۱۵۳۶	۳۶۷۵۷۵	۳۳۰۳۹۴	

جدول ۱۹-۲-۵- آثار سوبسید مسکن به قشر فقیر اجاره نشین ۱۳۷۴

بیستک	۱	۲	۳
هزینه کل	۳۲۱۱۵۲	۴۸۴۶۸۶	۵۸۰۹۱۱
خط فقر	۶۶۳۸۴۱	۶۶۳۸۴۱	۶۶۳۸۴۱
شکاف فقر	-۳۴۲۶۸۹	-۱۷۹۱۵۵	-۸۲۹۳۰
هزینه اجاره	۹۱۳۶۱	۱۳۱۴۹۵	۱۵۳۸۴۶
تعدیل در شکاف	-۲۵۱۳۲۸	-۴۷۶۶۰	+۷۰۹۱۶

منبع: محاسبات گروه تحقیق

جدول شماره ۱۹-۲-۵ برای نشان دادن آثار چنین سیاستی محاسبه شده است. این جدول فقط برای سه بیستک اول خانوارهای اجاره نشین استخراج شده و ردیف های آن به ترتیب هزینه کل، خط فقر اجاره نشینان، شکاف فقر، هزینه اجاره و بالاخره تعدیل در شکاف فقر را پس از پارانه مسکن دولت نشان می دهند. به عبارت دیگر اگر دولت به طور رایگان مسکن قشر فقیر اجاره نشین را تأمین کند ما در مرحله نخست بخشی از گروه زیر خط فقر این جامعه به بالا و روی این خط مستقل می شوند. چنانچه جدول ۱۹-۲-۵ نشان داده می گین بیستک سوم پس از این سیاست گذاری از زیر خط فقر به بالای آن جابه جا شده و درصد خانوارهای اجاره نشین زیر خط فقر کاسته می شود. مزیت چنین سیاستی در اینجا خاتمه نمی یابد، سکه برای کسانی که زیر خط فقر باقی می مانند نیز شکاف فقر با فاصله تا خط فقر کاسته می شود. ردیف آخر جدول ۱۹-۲-۵ این مهم را به خوبی تصویر می کند.

سیاست دومی که می تواند در اینجا اعمال شود، ثابت نگه داشتن وضعیت رفاهی خانوارها و استفاده از این هزینه آزاد شده (هزینه اجاره) برای مشارکت در امر تأمین مسکن است. اگر از کسانی که مورد حمایت دولت در امر مسکن هستند بخواهیم میزان مشارکت خود را به صورتی اعلان کنند که تغییری در شرایط مصرفی به خصوص تغذیه ای آنها رخ ندهد قطعاً هر خانوار حداقل می توان به مقدار اجاره ای که می پردازد در این امر شرکت کند. به عبارت دیگر وقتی که دولت برای این خانوارها مسکن را تأمین نمود، هزینه اجاره آنها آزاد خواهد شد. جدول ۱۹-۲-۵ را برای نشان دادن توان بالقوه خانوارهای اجاره نشینی در مشارکت برای تأمین مسکن محاسبه نموده ایم. براساس مقدار هزینه سرانه سالانه این جدول را برای ابعاد مختلف خانوارها از دو تا هفت نفر به دست آورده ایم. با استفاده از این جدول و تعیین سنوات لازم برای پرداخت اقساط می توانیم براساس چند سناریو چگونگی مشارکت گروه زیر حمایت اجاره نشینان را تعیین کنیم.

یکی از منابعی که معمولاً خانوارها در زمان خرید یا ساخت مسکن از آن استفاده می کنند فروش بعضی از دارایی ها مثل اتومبیل، تلویزیون و غیره می باشد. باید توجه نمود که قیمت بعضی از کالاهای بادوام خانگی کمتر از آن است که در تصمیم خرید منزل تأثیر عمده باقی بگذارد و اصولاً به علت ضرورت استفاده و نقش کم آن در تأمین مسکن خانوارها تمایل در استفاده از کالاهای خانگی غیر اتومبیل و شاید چند مورد دیگر مثل فروش نداشته باشند به هر صورت جدول ۱۹-۲-۵ را برای سه بیستک فقیر جامعه شهری اجاره نشینان استخراج نموده ایم که در آن درصد خانوارهایی را نشان می دهیم که صاحب تلویزیون رنگی، فریزر، یخچال، لباسشویی، اتومبیل و موتور هستند.

جدول ۲۰-۲-۵- بر خور داری سه بیستک فقیر اجاره نشینی

از وسایل منزل سال ۱۳۷۴

کالا	بیستک	۱	۲	۳
تلویزیون رنگی		۶/۹	۱۲/۲	۱۴/۵
فریژر		۰/۷	۱	صفر
یخچال		۵۶	۷۵	۷۱
لباسشویی		۳	۱۲	۱۱/۴
اتومبیل		۰/۷	صفر	۱
موتور		۷		۸

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق.

جدول بالا به خوبی توضیح می دهد که حداقل با توجه به وسایل منزل و اتومبیل و موتور، این خانوارها امکانات قابل توجهی ندارند. به عبارت دیگر کمتر از یک درصد خانوارهای بیستک اول مالک اتومبیل هستند و این رقم برای بیستک های دوم و سوم، نیز صفر و یک درصد بیشتر نیست. در نتیجه این گروه چیزی برای فروش و تبدیل به مسکن نخواهند داشت. غیر از یخچال که به نظر کالایی ضروری می آید و بیش از ۵۰ درصد خانوارهای اجاره نشین فقیر مالک آن هستند. در مورد دیگر وسایل وضعیت مالکیت این گروه مناسب نیست. در مجموع و با توجه به اطلاعات در دسترس این خانوارها عمدتاً از طریق صرفه جویی در پرداخت اجاره می توانند در تأمین مسکن مشارکت نمایند.

سایر انواع سکونت و نیاز به مسکن

با توجه به این که از کل نیاز حمایت مسکن که ۳۸۱ هزار واحد برای سال ۱۳۷۴ تخمین زده شده است حدود ۲۵۷ هزار آن مربوط به خانوارهای نیازمند اجاره نشین می شود، می توان نتیجه گرفت که تقریباً ۱۲۴ هزار واحد مسکونی مورد نیاز کسانی است که فقیر تلقی شده و به صورت در مقابل خدمت یا مجانی سکونت اختیار نموده اند. مطالعات قبلی ما نشان داده است که ۱۳/۶ درصد از خانوارهایی که سایر انواع سکونت را اختیار نموده اند زیر خط فقر قرار دارند که قاعدتاً ۱۲۴ هزار واحد مسکونی مورد نیاز این گروه قرار دارد. در زیر جدول شماره ۲۱-۲-۵ را برای بیستک های زیر خط فقر سایر انواع سکونت تنظیم می کنیم.

جدول ۲۱-۲-۵- اطلاعات و آمار بیستک های فقیر سایر

انواع سکونت ۱۳۷۴

عنوان	۱	۲	۳
هزینه کل	۳۱۹۹۳۱	۵۴۰۸۵۶	۶۷۲۸۶۷
خط فقر	۶۸۵۲۵۱	۶۸۵۲۵۱	۶۸۵۲۵۱
شکاف فقر	-۳۶۵۳۲۰	-۱۴۴۳۹۵	-۱۲۳۸۴
هزینه حاره	۱۰۵۰۹۰	۱۷۰۲۴۵	۱۷۹۴۸۵

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق.

اطلاعات جدول شماره ۵-۲-۲۱ مقایسه آن با جدول شماره ۵-۲-۱۹ نشان می‌دهد که شکاف فقر برای ۵۰ درصد فقیرترین جامعه شهری که به صورت مجانی و در مقابل خدمت سکونت می‌کنند نامناسب‌تر از ۵۰ درصد مشابه اجاره‌نشینان شهری است. در صورتی که وضعیت بیستک‌های دوم و سوم سایر انواع سکونت بهتر از گروه اجاره‌نشینان است.

نکته‌ای که در اینجا قابل توجه است این می‌باشد که برخلاف جدول شماره ۵-۲-۱۹ که برای اجاره‌نشینان با فرض سوبسیدی برابر هزینه اجاره آنها شکاف فقر را تعدیل نمودیم. برای سایر انواع سکونت شکاف فقر تعدیل نمی‌شود. علت این تفاوت در هزینه اجاره‌ای است که برای سایر انواع سکونت منظور شده است. آنچه که مادر ردیف هزینه اجاره جدول شماره ۵-۲-۲۱ نشان داده‌ایم هزینه فرصت محل سکونت این خانوارها می‌باشد نه رقم هزینه‌ای که آنها می‌پردازند. به عبارت دیگر این مبلغ واقعاً پرداخت نمی‌شود تا در صورت واگذاری مسکن به این خانوارها این رقم صرفه جویی شده و مشابه سوبسید تلقی شود. در نتیجه توان مشارکت بالقوه‌ای برای این گروه از خانوارهای نیازمند (به طور قطعی) به وجود نمی‌آید.

البته می‌توان این فرض را مورد نظر قرار داد که به هر حال محل سکونت فعلی آنها هزینه فرصتی دارد که با مالکیت مسکن یا انتقال این گروه به مسکن دیگر، قابل تبدیل به یک منبع مالی بالقوه خواهد شد. به هر حال مناسب است که در اینجا به نحوه مالکیت کالاهای بادوام و وسیله سه بیستک فقیر سایر انواع سکونت توجه کنیم. جدول شماره ۵-۲-۲۲ نشان می‌دهد که تقریباً خانوارهایی که به صورتی غیر از اجاره‌نشینی و مالکیت سکونت دارند نسبت به اجاره‌نشینان از دربی‌های بیشتری برخوردار هستند.

اگر این روند برای مالکیت طلا و فرش و دیگر انواع دارایی صدق نماید می‌توان ادعا نمود که این خانوارها اگر نمی‌توانند از محل صرفه جویی اجاره در تأمین مسکن مشارکت نمایند، ولی شاید از محل تبدیل دارایی‌های خود بیشتر از اجاره‌نشینان توان مشارکت داشته باشند.

جدول ۵-۲-۲۲ - برخورداری سه بیستک فقیر سایرین

از وسایل منزل ۱۳۷۴

کالا	۱	۲	۳
تلویزیون	۶,۶	۱۲	۱۵
فریزر	صفر	۳	۶
یخچال	۷۱	۸۱	۸۳
لباستویی	۷	۱۰	۱۶
اتومبیل	صفر	۲	۲
موتور	۵	۸	۹

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق.

### نتیجه گیری

مقایسه الگوی مصرف و شرایط توزیع هزینه بین گروه کالاهای عمده برای سه زیرگروه جامعه شهری یعنی

مالکین، اجاره‌نشینان و سایرین نشان دهنده نزدیکی و تشابه زیر است. هماهنگی در مقدار هزینه و الگوی مصرف خوراک برای این اقشار نزدیک‌تر از دیگر موارد می‌باشد. ولی به هر حال تفاوت‌هایی وجود دارد. مثلاً گروه اجاره‌نشین (غیر از دهک اول) درصد بیشتری از سایر گروه‌ها بابت هزینه خوراکی صرف می‌کنند، مادر حالی که سهم هزینه مسکن اجاره‌نشینان کمتر از دو گروه دیگر می‌باشد.\* جدول الف سهم هزینه خوراک افراد کم درآمد، درآمد متوسط و درآمد بالای سه گروه مالک، اجاره‌نشین و سایر را برای شهر و روستا نشان می‌دهد.

جدول الف - سهم هزینه خوراکی از کل هزینه در سال ۱۳۷۴

روستا	شهر		
	ثروتمند	متوسط	کم درآمد
مالک	۲۰	۳۲	۴۴
مستأجر	۲۳	۳۸	۵۹
سایر	۲۰	۳۳	۴۵

به طور کلی روستاییان نسبت به شهرنشینان سهم بیشتری از هزینه کل خود را صرف خوراک می‌کنند و با توجه به سطح پایین هزینه مسکن در روستاها این نکته کاملاً قابل توجیه است. در بین سه گروه مورد مطالعه در شهر و روستا پایین‌ترین سهم هزینه خوراک برای کم درآمد‌ها به سایر نوع سکونت در روستا مربوط می‌شود که در واقع گروه مجانی نشین روستایی هستند. در اینجا به نظر می‌رسد که علت ارزش اجباری محل سکونت رایگان این افراد است که الزاماً ارتباط کاملاً نزدیک با وضع معیشت آنها ندارد. به عبارت دیگر محل سکونت بهتری از وضع فقر خود در اختیار گرفته‌اند و در نتیجه سهم هزینه مسکن بسیار بالا (۴۹ درصد) و سهم هزینه خوراک پایین نشان داده می‌شوند.

مطالعات نشان می‌دهند که برعکس تصور عمومی بین مالکین نیز فقیر یافت می‌شود. به هر حال بین سه گروه مالک، اجاره‌نشین و سایر (مجانی) بیشترین درصد فقر در شهر به گروه اجاره‌نشینان مربوط می‌شود. در جدول ب درصد فقر و خط فقر شهر و روستا\*\* را برای سرگروه مورد مطالعه به همراه دو شاخص از توزیع درآمد یعنی ضریب جینی و نسبت هزینه کل دهک دهم به اول را نشان می‌دهیم.

در شهر کمترین درصد فقر را مالکین و بیشترین را اجاره‌نشینان دارند. همچنین شاخص‌های توزیع وضعیت مناسب‌تری را برای مالکین نشان می‌دهند. ولی برای روستاییان کمترین درصد فقر را اجاره‌نشینان در روستا دارا هستند. از آنجا که اصولاً در روستا کیفیت مسکن بیشتر از مالکیت آن اهمیت داشته و عمده اجاره‌نشینان را مأمورین دولتی یا کارکنان بخش خصوصی در روستاها تشکیل می‌دهند نتیجه به دست آمده قابل انتظار است.

\* این سهم در مورد مالکین در مورد ارزش اجاری ملک شخصی باشد و مناسب‌تر بودن نوع مسکن که به صورت رایگان و در مقابل اجاره‌نشینان و سایر اقشار محسوب می‌شود.  
 \*\* خط فقر در این مطالعه بر اساس معیار سکونت نوع روستا استخراج و در جدول درج شده‌اند، جهت جلوگیری از اتلاف وقت و تکرار از انعام عطیات و شرح آنجا که در متن آمده است.



جدول ب - شاخص های فقر و توزیع درآمد سه نوع سکونت برای شهر و روستا ۱۳۷۴

روستا	شهر			سایر	اجاره نشین	مالک	درصد فقر
	سایر	مالک	اجاره نشین				
۲۶	۱۹۵	۲۱۲	۱۳۰۶	۱۵۵	۱۰۹	۶۵۷.۸	خط فقر هزار ریال
۴۹۵.۷	۵۵۸.۱	۴۸۱.۷	۶۸۵.۲	۶۴۳	۰.۴۲۶	۰.۴۳۱	ضریب جینی
۰.۴۲	۰.۴۱۲	۰.۴۱۵	۰.۴۲۳	۰.۴۳۱	۰.۴۲۶	۱۵۶	$\frac{D_1}{D_0}$
۲۱۱	۱۶۱	۱۵۷	۱۶۰۶	۱۶۴	۱۵۶		$\frac{D_1}{D_0}$

به طور کمی بین سه گروه مالک، اجاره نشین و سایر نوع سکونت هیچ یک نیستند که یا به طور سببی عمده فقر را در خود داشته باشند یا درصد فقری آن قابل اغماض باشند. در واقع با در نظر گرفتن جمعیت هر یک از انواع سکونت تعداد فقرای مالک بیشتر از دیگر گروه‌ها می‌باشد. جدول ج این مسئله مهم را تصویر می‌کند. ردیف اول جدول مقدار خانوارها را بر حسب نوع سکونت و ردیف دوم تعداد خانوارهای زیر خط فقر برای هر گروه را نشان می‌دهد.

قابل مشاهده است که در هر دو جامعه شهری و روستایی تعداد مالکین زیر خط فقر بیشتر از تعداد دیگر گروه می‌باشد. در مجموع در سال ۱۳۷۴ حدود ۱,۳۴۷,۲۴۲ خانوار مالک زیر خط فقر در کشور وجود داشته در حالی که تعداد اجاره نشینان زیر خط فقر در کل کشور حدود ۳۰۲,۹۶۵ خانوار است. به عبارت دیگر در بین دو زیر جامعه مالک و مستأجر گروه مالکان حدود ۳۴۵ درصد بیشتر خانوار زیر خط فقر دارند. در اینجا است که به نظر می‌رسد سیاست گذاران بر اساس یک برداشت اشتباه از وضعیت رفاهی این دو گروه عمده سیاست‌های خود را در جهت مستأجرین قرار داده‌اند و رفاه و مالکان را به تصور این که به نسبت وضع بهتری دارند. کمتر مورد توجه قرار می‌دهند.

جدول ج - تعداد افراد زیر خط فقر شهری و روستایی بر حسب نوع سکونت سال ۱۳۷۴ خانوار

روستا	شهر			سایر	اجاره نشین	مالک	توضیح
	سایر	مالک	اجاره نشین				
۴۷۹,۸۱۴	۲۳۶,۶۱۶	۳,۶۳۴,۲۷۹	۹۸۱,۳۸۲	۱,۶۵۶,۹۳۶	۵,۲۹۱,۵۱۲	تعداد خانوارها	
۱۲۴,۷۵۲	۴۶,۱۴۰	۷۷۰,۴۶۷	۱۳۳,۴۶۸	۲۵۶,۸۲۵	۵۷۶,۷۷۵	تعداد خانوارهای فقیر	

### فصل سوم: بررسی رفتار اقتصادی خانوارها با سرپرست زن

#### مقدمه

یک تفاوت عمده بین موقعیت زنان نسبت به مردان وجود دارد. به صورت معمول در هر خانواده‌ای که شوهر یا حتی مرد صاحب درآمدی (مثل پسر یا برادر) وجود داشته باشد سرپرستی خانواده با مرد بوده و به خصوص تصمیمات اقتصادی به وسیله او گرفته می‌شود. در حالی که برای زنان وضعیت متفاوتی وجود

دارد. به این معنی که فقط در صورت نبود شوهر یا مرد صاحب درآمد در خانواده سرپرستی زن مطرح شده و تصمیمات اقتصادی به وسیله او صورت می‌گیرد در نتیجه زنان هر چند بالغ و بزرگ و صاحب درآمد در کنار شوهران و پدران، دیگر به عنوان سرپرست تلقی نمی‌شود این مهم سؤال‌هایی را مطرح می‌کند، آیا بین تصمیمات اقتصادی زنان و مردان سرپرست تفاوت وجود دارد؟ آیا اهمیتی که آنها به انواع کالاها و خدمات مصرفی می‌دهند فرقی می‌کند، آیا زنان سرپرست فقیرتر از مردان سرپرست هستند و... پاسخ به این سؤال‌ها که منتهی به شناخت رفتار و وضعیت اقتصادی مطالعات گروه خانوار با سرپرستی مرد و زن می‌تواند منبع اطلاعاتی سیر مهمی برای سیاست‌گذاران باشد.

انجام یک چنین مطالعه‌ای از طریق سرپرستی اطلاعات و آمار بودجه خانوار عملی است. اطلاعات و آمار بودجه خانوار که در اینجا مورد استفاده قرار گرفته است اطلاعات خام دریافت شده از مرکز آمار می‌باشد. گروه کارشناسی ابتدا پرسشنامه‌ها را براساس نوع سرپرست به دو گروه سرپرست مرد و سرپرست زن تفکیک نموده‌اند. چنانچه انتظار می‌رفت تعداد خانوارهایی که سرپرست مرد دارند بسیار بیشتر از خانوارهای با سرپرست زن است. این تفاوت در تعداد نمونه کاملاً نتیجه تفاوت در تعداد این دو گروه خانوار در جامعه می‌باشد. پس از این تفکیک هر گروه از این خانوارها را برحسب محل اصلی سکونت که در شهر است یا روستا مجزا نموده و برآزش آماری را براساس این تقسیم‌بندی‌ها و برای هر یک به طور مجزا انجام داده‌ایم. برآزش آماری مشابه بقیه موارد به صورت سرانه و تقسیم‌بندی‌های برابر هزینه‌ای مثل دهک و بیستک می‌باشد.

به علت اهمیت خانوارهای با سرپرست زن از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی، بررسی در شرایط اقتصادی و انگوی مصرف ایشان را یا تفسیر بیشتری انجام داده‌ایم که در زیر این موارد مطرح می‌شوند.

الف- بررسی رفتار اقتصادی زنان سرپرست در شهر

ب- بررسی رفتار اقتصادی زنان سرپرست روستا

ج- مقایسه وضعیت خانوارهای با سرپرست زن شهری و روستایی

د- مقایسه انگوی مصرف خانوارهای با سرپرست زن و مرد در شهر

ه- مقایسه انگوی خانوارهای با سرپرست زن و مرد در روستا

و- مقایسه فقر بین خانوارهای با سرپرست زن و مرد

### الف- بررسی رفتار اقتصادی زنان سرپرست (شهر)

آغاز این بخش از مطالعه به تجزیه و تحلیل و تعمق در تصمیمات اقتصادی زنان سرپرست می‌پردازد این سؤال در مرحله نخست باید پاسخ داده شود که سهم هزینه‌های خوراکی و انواع دیگر هزینه‌های مهم، مثل مسکن و پوشاک از کل هزینه این خانوارها چگونه است و چه طور در طول تقسیم‌بندی‌های درآمدی تغییر می‌کند. اصولاً زنان فقیر، ثروتمند و متوسط این جامعه چه تفاوت‌هایی را در اتخاذ تصمیمات مربوط به انجام انواع هزینه‌ها دارا می‌باشند.

مطالعاتی که در این مقاله صورت می‌گیرد براساس آمار مربوط به بودجه خانوار است که توسط مرکز آمار ایران هر ساله جمع‌آوری می‌کند. این آمار به صورت ازیر مجموعه کسی از مخارج کل خانوارها تقسیم‌بندی می‌شود که این ازیر مجموعه عبارتند از:

- ۱- کالاهای خوراکی؛
- ۲- پوشاک؛
- ۳- مسکن؛
- ۴- لوازم و وسایل منزل؛
- ۵- بهداشت و درمان؛
- ۶- حمل و نقل؛
- ۷- تفریحات و سرگرمی‌ها و تحصیل و آموزش؛
- ۸- هزینه‌های متفرقه.

در واقع فرد تمامی درآمد خود را به صورت انواع مخارج فوق هزینه می‌کند به عبارتی در این آمار تمامی هزینه‌های فرد وجود دارد و تنها پس‌انداز (اگر به صورت پول نگه‌داری شود چه در بانک یا نزد خود شخص) در این مجموعه نمی‌آید به این ترتیب ما می‌توانیم هزینه کل را جانشین درآمد فرد کنیم و از آن جهت که اقشار کم درآمد پس‌انداز نقدی بالایی ندارند، این جایگزینی بسیار مناسب تلقی می‌شود.

در ابتدا به بررسی جامعه شهری خانوارها با سرپرست زن می‌پردازیم جدول شماره ۱-۳-۵ مشخص می‌کند که حدود ۲۹ درصد از هزینه کل را هزینه‌های خوراکی به خود اختصاص می‌دهد. البته این رقم برای درصد کم درآمد جامعه بسیار بالاتر است به گونه‌ای که این افراد حدود ۳۵ درصد از هزینه کل خود را صرف هزینه‌های خوراکی می‌کنند و ۶۵ درصد را به کالاهای غیرخوراکی اختصاص می‌دهند این در حالی است که این نسبت برای اقشار پردرآمد پنج درصد بالای جامعه) به رقم ۲۱ درصد می‌رسید و سهم هزینه‌های غیرخوراکی آنها در حدود ۷۹ درصد است همان‌طور که ملاحظه می‌شود سهم هزینه‌های خوراکی از اقشار کم درآمد به ثروتمندان کاهش می‌یابد در واقع یک روند نزولی را طی می‌کند و این ضروری بودن این اقلام را بیان می‌دارد.

با توجه به جدول ۱-۳-۵ ملاحظه می‌شود که مسکن نیز حدود ۴۰ درصد از هزینه کل را به طور میانگین به خود اختصاص می‌دهد که بیش از یک‌سوم هزینه خانوارها را در بر می‌گیرد و ناشی از بالا بودن هزینه مسکن در شهرهاست. چنانچه وارد بیستک‌های درآمدی شویم ملاحظه می‌شود که این روند با افزایش درآمد سیر نزولی دارد در واقع برای پنج درصد پایین درآمدی ۵۰ درصد از هزینه کل به مسکن اختصاص دارد در حالی که این نسبت زن را بیان می‌دارد. پوشاک به طور متوسط ۸ درصد از هزینه کل را به خود اختصاص داده است که پس از مسکن در رده بعدی قرار دارد با توجه به جدول ۱-۳-۵ ملاحظه می‌شود که این سهم در بین بیستک‌های درآمدی بانوساناتی اندک روند به نسبت صعودی را طی کرده است و چنانچه این سهم برای بیستک پایین ۱۸ درصد از هزینه کل است و برای ۵۰ درصد بالای جامعه به حدود ۸ درصد می‌رسد.

لوازم منزل نیز سهمی حدود ۶ درصد از کل هزینه را در بر می‌گیرد و همانند پوشاک از روند به نسبت صعودی در بیستک‌های درآمدی برخوردار است و این نشان‌دهنده لوکس بودن کالا است که سهم هزینه با توجه به تغییر درآمد روند صعودی را طی می‌کند البته در مورد لوازم منزل این ثبات به مانند پوشاک نیست و درآمدهای بالا با روندی ملایم افزایش در سهم هزینه لوازم منزل را داریم.

بهداشت و درمان با توجه به اهمیت آن سهم کمی را در هزینه کل خانوارها دارا می‌باشد. این سهم که به طور میانگین حدود ۴ درصد از هزینه کل را به خود اختصاص می‌دهد در طول بیستک‌های درآمدی برای

۴۰ درصد پایین جامعه نسبت بالاتری را به خود اختصاص می‌دهد و هر چه که بالاتر می‌رویم این سهم کاهش می‌یابد البته این روند صعودی سهم بهداشت بسیار ملایم تغییر می‌کند و در تمامی بیستک‌های در حول و حوش میانگین نوسان دارند. این پایین بودن سهم بهداشت می‌تواند تا اندازه‌ای ناشی از سوبسید به کالاها و خدمات بهداشتی باشد.

حمل و نقل حدود ۶ درصد از هزینه کل را به خود اختصاص می‌دهد این نسبت در طول بیستک‌های درآمدی افزایش می‌یابد این سهم برای بیستک پایین حدود ۳ درصد است این رقم ملایمی افزایش می‌یابد تا بیستک ۱۹ که به رقم ۶ درصد می‌رسد اما ناگهان در بیستک آخر این نسبت به ۱۰ درصد از کل هزینه می‌رسد که بسیار بالاتر از روند این سهم در سایر بیستک‌هاست و در این بیستک پس از سهم مسکن این هزینه بالاترین سهم را در بین هزینه‌های غیرخوراکی دارا می‌باشد.

هزینه تحصیلات و تفریح حدود ۲ درصد در هزینه کل سهم دارند که کمترین نسبت در بین سایر اقلام است. اما این نسبت در بیستک پایین درآمدی حدود ۲ درصد از کل هزینه است که این سهم هرچه به بیستک‌های پردرآمد نزدیک می‌شویم که کوچک‌تر می‌گردد به طوری که برای بیستک بالا به رقم ۱ درصد می‌رسد. اما نکته مهم در این است که چنانچه این دو هزینه را تفکیک کرده و به آن پردازیم نقش هر یک به طور وضوح در سبد خانوارهای باسرپرست زن خود را نشان خواهد داد این تفکیک در قسمت بعدی این مقاله مطرح شده است و حتی می‌توان نشان داد که این تغییرات سهم به صورت کالای ضروری به دلیل هزینه تحصیلات در این هزینه است.

هزینه‌های متفرقه حدود ۱۰ درصد از کل هزینه را به خود اختصاص می‌دهد که این نسبت در طول بیستک‌های درآمدی افزایش سهم می‌دهد از آنجا که در بیستک پایین از رقم حدود ۳ درصد است و در بیستک بالا به ۷ درصد می‌رسد.

### کشش درآمدی (هزینه‌ای)

از شاخص‌های عمده اقتصادی برای بررسی رفتار خانوارها و اهمیت کالا در سبد خانوار محاسبه کشش‌های درآمدی است. کشش‌های درآمدی بیان می‌دارد که رفتار مصرفی خانوار چگونه با نوسانات میزان درآمد تغییر می‌کند در اینجا نیز بر اساس زیرمجموعه‌ای که قبلاً به آن اشاره شد کشش‌های درآمدی را برای ۸ زیرگروه کالاها به تفکیک، برای خانوارهای شهری باسرپرست زن محاسبه کرده و نتایج زیر به دست آمده است:

لازم به ذکر است همان‌طور که قبلاً نیز به آن اشاره شد هزینه کل را جانشین درآمد کرده‌ایم ۲

$$1) \text{Log} F = 0.36 + 0.86 \text{Log} TC \quad R^2 = 0.988 \text{ هزینه‌های خوراکی}$$

(۰.۰۳)(۰.۰۲)

$$2) \text{Log} P = -4.2 + 1.48 \text{Log} TC \quad R^2 = 0.94 \text{ پوشاک}$$

(۰.۱۴)(۰.۰۸)

$$3) \text{Log} H = 0.02 + 0.93 \text{Log} TC \quad R^2 = 0.99 \text{ مسکن}$$

(۰.۰۲)(۰.۰۱)

جدول ۱-۳-۵- جدول سهم هزینه‌های مختلف منست کالایی - جامعه شهری با سرپرست زن

B10	B9	B8	B7	B6	B5	B4	B3	B2	B1	AVG	هزینه
۰/۶۶	۰/۶۸	۰/۶۸	۰/۶۳	۰/۶۴	۰/۶۲	۰/۶۰	۰/۶۴	۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۷۱	غیرخوراکی کل
۰/۳۴	۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۳۷	۰/۳۶	۰/۳۸	۰/۴۰	۰/۳۶	۰/۳۵	۰/۳۵	۰/۲۹	خوراک کل
۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۸	پوشاک کل
۰/۴۴	۰/۴۴	۰/۴۲	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۴۵	۰/۴۷	۰/۵۰	۰/۴۰	مسکن کل
۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۶	لوازم منزل کل
۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۴	هدایات کل
۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۶	حمل و نقل کالا
۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	امورش و تفریحات کل
۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۵	خدمات متفرقه کل
B20	B19	B18	B17	B16	B15	B14	B13	B12	B11		
۰/۷۹	۰/۷۳	۰/۷۲	۰/۷۰	۰/۷۲	۰/۶۸	۰/۶۷	۰/۶۵	۰/۶۶	۰/۶۷	۰/۶۷	غیرخوراکی حل
۰/۲۱	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۳۰	۰/۲۸	۰/۳۲	۰/۳۳	۰/۳۵	۰/۳۴	۰/۳۳	۰/۳۳	خوراک حل
۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵	پوشاک حل
۰/۴۱	۰/۳۸	۰/۳۶	۰/۳۹	۰/۳۲	۰/۴۱	۰/۴۰	۰/۳۸	۰/۳۵	۰/۳۲	۰/۳۲	مسکن حل
۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۰۶	لوازم منزل حل
۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	هدایات حل
۰/۱۰	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۲	حمل و نقل حل
۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	امورش و تفریحات حل
۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	خدمات متفرقه حل

۴) $\text{LogD} = -2/68 + 1/22 \text{ Log TC}$ (۰/۰۶)(۰/۰۳)	$R^2 = 0.98$ لوازم منزل
۵) $\text{LogC} = -2/12 + 1/1 \text{ Log TC}$ (۰/۱۱)(۰/۰۶)	$R^2 = 0.94$ بهداشت و درمان
۶) $\text{LogT} = -3/58 + 1/24 \text{ Log TC}$ (۰/۰۷)(۰.۰۴)	$R^2 = 0.98$ حمل و نقل
۷) $\text{LogR\&E} = -1/7 + 0.99 \text{ Log TC}$ (۰/۱۰)(۰/۰۶)	$R^2 = 0.93$ تفریحات و تحصیل
۸) $\text{LogR} = -4/73 + 1/36 \text{ Log TC}$ (۰/۳)(۰/۱۸)	$R^2 = 0.76$ تفریح و سرگرمی
۹) $\text{LogE} = -1/28 + 0/91 \text{ Log TC}$ (۰/۱۱)(۰/۰۷)	$R^2 = 0.91$ تحصیلات
۱۰) $\text{LogS} = -3.32 + 1.3 \text{ Log TC}$ (۰/۱۱)(۰/۰۶)	$R^2 = 0.955$ متفرقه

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در بین کتشی‌های محاسبه شده کتشی کالاهای خوراکی از همه کمتر است که رقم ۰.۸۶ نشان می‌دهد این رقم بیان می‌دارد که کالاهای خوراکی در بین گروه کالاهای ضروری‌تر از سایرین می‌باشد و اهمیت بالایی را در بین کالاهای دارد و همان‌طور که ملاحظه می‌شود عرض از مبدأ تنها در هزینه‌های خوراکی مثبت است که بیان می‌کند چنانچه درآمد نیز صفر باشد باز هزینه‌ای روی کالاهای خوراکی صرف می‌گردد و آن به دلیل مهم بودن این نوع کالاها در سبد مصرفی خانوارهاست. در بین زیر مجموعه کالاها تحصیلات کمترین کتشی را بعد از هزینه‌های خوراکی دارا می‌باشند. کتشی این کالا چنانچه با سرگرمی‌ها و تفریحات تلفیق گردد رقم دیگری را نشان می‌دهد زیرا تفریحات یک کالای لوکس (با توجه به کتشی) تلقی می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین کتشی درآمدی مربوط به پوشاک است که رقم ۱/۴۸ را نشان می‌دهد این عدد بیان می‌کند چنانچه یک واحد به درآمد اضافه شود ۱.۴۸ واحد به هزینه‌های پوشاک افزوده می‌شود که بیانگر لوکس بودن این کالا است. در واقع پوشاک در بین خانوارهای با سرپرست زن یک کالای لوکسی تلقی می‌شود که با افزایش درآمد هزینه روی آن افزوده می‌شود.

بهداشت و درمان را با کتشی درآمدی حدود ۱/۱ می‌توان جزء کالاهای ضروری تلقی کرد در واقع با افزایش درآمد هزینه‌ای بهداشت و درمان متناسب با تغییرات درآمد افزایش می‌یابد شاید بهتر است آن را کالای نرمال در نظر گرفت.

کتشی درآمدی حمل و نقل با اندکی اختلاف از این رقم در هزینه پوشاک در رتبه دوم قرار دارد و می‌توان آن را به عنوان یکی از کالاهای لوکس در سبد خانوارها در نظر گرفت با افزایش واحد در درآمد هزینه حمل و نقل بیش از واحد تغییر می‌کند.

سایر رقم‌های کتشی نیز اهمیت و ضرورت هر یک از گروه‌های کالا را نشان می‌دهد و به وسیله آنها می‌توان وضعیت و نقش کالاها را در سبد مصرفی خانوارهای با سرپرست زن مشخص کرد.

جدول شماره ۲-۳-۵ سهم هر یک از کالاهای خوراکی عمده را نسبت به هزینه خوراکی را نشان می‌دهد همان‌طور که ملاحظه می‌شود بالاترین سهم در هزینه‌های خوراکی به طور میانگین متعلق به گوشت است

ته حدود ۶ درصد از کل هزینه‌های خوراکی را تشکیل می‌دهد و این در حالی است که بیستک اول ۹ درصد و بیستک آخر ۶ درصد از هزینه‌های خوراکی را به گوشت اختصاص می‌دهد در واقع سهم گوشت در سبد خوراکی خانوارهای با سرپرست زن با نوساناتی در طول بیستک‌های درآمدی حول و حوش میانگین متغیر است در حالی که اگر سهم هزینه میانگین را در نظر بگیریم خواهیم دید که تفاوت فاحشی بین سطوح مختلف درآمدی وجود دارد به قدرتی چنانچه میزان هزینه پرداختی هر بیستک نسبت به هزینه انجام شده روی کالای گوشتی را در نظر بگیریم خواهیم دید که این رقم برای بیستک پایین درآمدی ۰/۰۰۴ است در حالی که برای بیستک آخر حدود ۰/۱۶۶ می‌باشد به عبارتی ۵ درصد ثروتمند جامعه ۴/۱۵ برابر ۵ درصد فقیر هزینه گوشت انجام می‌دهد در حالی که اگر هزینه به نسبت میانگین مساوی باشد باید این رقم به ۰/۰۵ (۱/۴) نزدیک باشد.

هزینه برنج داخلی برای میانگین جامعه ۹ درصد از هزینه خوراکی است اما این سهم در پنج درصد کم درآمد خانوارهای با سرپرست زن بسیار اندک است در حالی که برای ۵ درصد بالای درآمدی ۱۱ درصد می‌رسد و این می‌تواند غیر ضروری بودن این کالا را بیان کند. در واقع برنج خارجی جانشین مناسبی برای این کالا خواهد بود به این منظور چنانچه سهم برنج خارجی را در هزینه خوراکی نگاه کنیم ملاحظه می‌شود که این رقم در میانگین پایین‌تر از سهم برنج داخلی است اما در اقشار کم درآمد و متوسط جامعه این نسبت سهم بالاتری را نشان می‌دهد و این حالت تا بیستک‌های میانی درآمدی خود را نشان می‌دهد اما در درآمدهای بالا عکس این وضعیت حاکم است به طوری که در بیستک آخر تنها ۴ درصد از هزینه خوراکی را به خرید اختصاص می‌دهد.

نار به عنوان عمده‌ترین کالا در سبد مصرفی خانوارهای کم درآمد همواره مطرح بوده است این کالا در هزینه خوراکی میانگین جامعه ۴ درصد سهم دارد هر چند که این رقم در مقایسه با سایر ارقام عدد بزرگی نیست اما در اقشار کم درآمد سهم بالایی را به خود اختصاص داده است در واقع حتی با پایین بودن قیمت نار در شهر (سوسید نار) این کالا حدود ۱۶ درصد از هزینه‌ها خوراکی پنج درصد فقیر جامعه را تشکیل می‌دهد که این بیانگر جایگاه مهم نار در سبد مصرفی افراد کم درآمد است هر چه بیستک‌های بالاتر نزدیک می‌شویم این سهم کاهش می‌یابد تا آنجا که در ۳ بیستک بالای درآمد تنها ۲ درصد از هزینه خوراکی صرف نار می‌شود. البته باید فراموش کرد که هزینه روی این کالا در افراد ثروتمند کم نمی‌شود بلکه تنها نسبت هزینه کاهش می‌یابد.

برای دقیق‌تر شدن در موضوع می‌توان از میزان هزینه هر بیستک نسبت به کل هزینه انجام شده روی کالای نار استفاده کرد به این ترتیب ارقام مورد نظر بیان دارد که با توجه به کم شدن سهم هزینه نار در افراد ثروتمند اما میزان هزینه آنها بالاتر از اقشار کم درآمد است چنانچه در تمام بیستک‌ها هزینه مناسب باشد باید رقم ۵ درصد رسید اما در پنج درصد پایین این رقم حدود ۰/۰۰۳ است در حالی که در بیستک پر درآمد حدود ۷۴ درصد می‌باشد و این نشان می‌دهد که بیستک آخر حدود ۳ برابر بیستک اول روی نار هزینه می‌کند.

هزینه مرغ به طور متوسط ۷ درصد از هزینه خوراکی را به خود اختصاص می‌دهد که در بیستک‌های پایین این سهم حدود ۳ درصد و در بیستک‌های بالا این رقم به ۱۰ درصد رسیده است که این بیانگر لوکس بودن این کالا برای مصرف کنندگان است. با این که قیمت مرغ در مقایسه با گوشت قرمز پایین است اما هیچ‌گاه نتوانسته در سبد مصرفی خانواده‌ها جانشین گوشت گردد و این به دلیل سلیقه و فرهنگ غذایی ماست که همواره گوشت کالای عمده‌تری نسبت به مرغ می‌باشد.





در میان سایر کالاهای می توان به روغن اشاره کرد که سهم عمده‌ای را در هزینه خوراکی افراد فقیر دارا می‌باشد به طوری که سهم این کالاها در میانگین جامعه حدود ۶ درصد است اما برای اقشار کم درآمد سهم بالاتر از میانگین می‌باشد به گونه‌ای که پنج درصد پایین حدوداً ۹ درصد هزینه خوراکی خود را صرف هزینه روغن می‌کنند البته میزان هزینه صرف شده روی هر یک از این کالاها مشخصاً در بیستک‌های بالای درآمدی بالاتر از اقشار کم درآمد است اما باز به نسبت سایر کالاها (جز نان) نقش مناسبی را در سبد مصرفی خانوارهای کم درآمد ایفا می‌کند.

نکته حائز اهمیت سهم هزینه‌های لبنیات (شیر و فراورده‌های آن و تخم مرغ) است که به طور میانگین ۱۳ درصد از هزینه‌های خوراکی را در بر می‌گیرد این نسبت‌ها برای اقشار فقیر جامعه سهم عمده‌ای را در بر می‌گیرد که نشان می‌دهد هر اد کم درآمد از این طریق به دلیل پایین بودن قیمت نیازهای غذایی خود را تأمین می‌کنند.

### کشش‌های درآمدی برای کالاهای خوراکی

با توجه به اهمیتی که هزینه‌ها خوراکی در ۸ گروه کالایی دارا می‌باشند به طور جداگانه کشش‌های درآمدی آنها را به تفکیک محاسبه کرده‌ایم این کشش‌ها بر اساس جایگزینی هزینه کل به جای درآمد و مقادیر کالاهای خوراکی مصرف شده به دست آمده است. لازم به یادآوری است که این کشش‌ها برای خانوارهای با سرپرست زن در شهر محاسبه گردیده است:

$\text{LogDr} = -8/79 + 1.51 \text{ Log TC}$ (0.25)(0.15)	$R^2 = 0.85$ برنج داخلی
$\text{LogLr} = -1/41 + 0.43 \text{ Log TC}$ (0.08)(0.05)	$R^2 = 0.80$ برنج خارجی
$\text{LogBr} = 1/78 + 0.07 \text{ Log TC}$ (0.04)(0.02)	$R^2 = 0.37$ نان
$\text{LogMe} = -4/58 + 0.89 \text{ Log TC}$ (0.09)(0.05)	$R^2 = 0.94$ گوشت
$\text{LogCh} = -5/63 + 1.06 \text{ Log TC}$ (0.1)(0.05)	$R^2 = 0.94$ مرغ
$\text{LogMi} = -1/71 + 0.56 \text{ Log TC}$ (0.04)(0.02)	$R^2 = 0.96$ شیر
$\text{LogDp} = -1/89 + 0.53 \text{ Log TC}$ (0.04)(0.03)	$R^2 = 0.95$ لبنیات
$\text{LogEg} = -2/15 + 0.49 \text{ Log TC}$ (0.05)(0.03)	$R^2 = 0.93$ تخم مرغ

$$\text{LogOil} = -1.97 + 0.28 \text{Log TC} \quad R^2 = 0.97 \text{ روغن}$$

(0.03) (0.02)

$$\text{LogSh} = -1.03 + 0.37 \text{Log TC} \quad R^2 = 0.91 \text{ قند و شکر}$$

(0.04) (0.02)

$$\text{LogTea} = -2.1 + 0.4 \text{Log TC} \quad R^2 = 0.93 \text{ چای}$$

(0.04) (0.02)

$$\text{LogSm} = -2.08 + 0.69 \text{Log TC} \quad R^2 = 0.82 \text{ دخانیات}$$

(0.18) (0.01)

با توجه به کشتش های درآمدی کالاهای خوراکی ملاحظه می شود که در بین این اقلام نان با کشتش ۷ درصد کمترین رقم را دارا می باشد و این ناشی از ضروری بودن کالای نان است همان طور که ملاحظه می گردد عرض مبدأ نیز در این کالا بزرگ تر از سایر کالاهاست (مثبت) در واقع چنانچه درآمد خانوار صفر نیز باشد میزان مصرف نان همواره وجود خواهد داشت.

پس از نان می توان قند و شکر را به عنوان ضروری ترین کالا در سبد خانوارهای سرپرست زن دانست. به عبارتی میزان مصرف قند و شکر با افزایش درآمد تغییر چندانی نمی کند.

برنج داخلی با کشتش درآمدی حدود ۱۵۱ بالاترین رقم را به خود اختصاص می دهد که بیان دارد افزایش درآمد میزان مصرف برنج را بیشتر از تغییرات درآمد افزایش می دهد و این دلیل آنکس بودن برنج داخلی است. در مقابل برنج خارجی با کشتش ۰.۴۳ یک کالای ضروری در سبد مصرفی این خانوارهاست. گوشت و مرغ نیز هر یک با کشتش های ۰.۸۹ و ۱.۰۶ در سبد خانوارها قرار دارند و چنانچه ملاحظه می شود با توجه به بالا بودن قیمت گوشت در مقایسه با مرغ، کشتش گوشت پایین تر از مرغ است و نشان دهنده ضروری تر بودن گوشت به مرغ است دلیل این تفاوت در اوایل این مقاله اشاره نمودیم.

کشتش سایر اقلام نیز می تواند ضروری بودن کالا را در سبد مصرفی خانوارها نشان دهد چنانچه می توان ترتیب این کالاها را از ضروری به لوکس از طریق ارقام کشتش های کوچک به بزرگ مرتبه بندی کرد در واقع هر چه کشتش درآمدی کوچک تر باشد کالا ضروری تر خواهد بود و بالعکس.

حال اگر همین بررسی را در ارتباط با هزینه های غیر خوراکی این خانوارها انجام دهیم می توانیم سهم هر یک از اقلام غیر خوراکی را در جدول شماره ۳-۳-۵ ملاحظه کنیم.

همان طور که جدول شماره ۳-۳-۵ بیان می دارد سهم مسکن در مقایسه با سایر اقلام هزینه ای بالاترین سهم را در هزینه های غیر خوراکی دارا می باشد این سهم به گونه ای است که بیش از نیمی از هزینه های غیر خوراکی خانوار به طور متوسط صرف مسکن می شود اگر بخواهیم سهم مسکن را برای کل هزینه های خانوارها بسنجیم ملاحظه می شود که سهم مسکن بیش از سهم کل هزینه خوراکی است که نسبت بسیار بالایی است در خانوار ۴۰ درصد درآمد خود را صرف هزینه مسکن و ۳۰ درصد را صرف هزینه خوراکی و بقیه آن را صرف سایر هزینه های غیر خوراکی می شود این می تواند بخش عمده مسکن را در سبد مصرفی خانوارها بیان دارد این سهم برای افراد کم درآمد ۷۸ درصد از هزینه خوراکی را تشکیل می دهد که برای اقشار پر درآمد ۵۲ درصد می رسد میزان هزینه پرداختی هر بیستک نسبت به هزینه انجام شده روی کالای مسکن نیز نشان می دهد که اقشار پر درآمد رقم بالایی را برای مسکن در مقایسه با فقیر پرداخت می کنند.

سهام پوشاک در خانوارهای با سرپرست زن ۱۰ درصد از هزینه خوراک را به خود اختصاص می‌دهد که مقایسه با سایر اقلام پس از مسکن در رده دوم قرار می‌گیرد. تغییرات سهم پوشاک به گونه‌ای است که در بیستک کم درآمد حدود ۲ درصد و در بیستک آخر تقریباً ۱۰ درصد غیرخوراکی را دارا می‌باشد و این به دلیل لوکس بودن این کالا برای خانوارهای با سرپرست زن است.

لوازم منزل حدود ۹ درصد از کل هزینه غیرخوراکی را به خود اختصاص می‌دهد و هر چه به سمت بیستک‌های بالای درآمدی پیش می‌رویم روند نزولی پیدا می‌کند و این به علت پایین بودن هزینه‌های غیرخوراکی در افراد کم درآمد است که سهم را در آن بالاتر نشان می‌دهد در تأیید این گفته می‌توان میزان هزینه پرداختی هر بیستک نسبت به هزینه انجام شده روی کالای لوازم منزل را ملاحظه کرد که در اقشار کم درآمد رقم پایینی را در مقایسه با ثروتمندان نشان می‌دهد.

حمل و نقل در هزینه‌های غیرخوراکی سهمی حدود ۸ درصد را به خود اختصاص داده است این سهم که در بیستک‌های مختلف روندی ثابت را دنبال می‌کند اما در بیستک آخر ۱۲ درصد از هزینه غیرخوراکی را صرف خود می‌کند که رقم قابل توجهی است در واقع این زمانی بیشتر معنا پیدا می‌کند که این سهم از هزینه کل رقم ۱۰ درصد نشان می‌دهد که این سهم در بین اقلام غیرخوراکی پس از مسکن در این بیستک بالاترین سهم را به خود مربوط کرده است و آن را می‌توان ناشی از هزینه‌های تهیه بلیط هواپیما- کشتی و... داشت این روند را در میزان هزینه پرداختی هر بیستک نسبت به هزینه انجام داده است رقم بسیار بالایی است.

هزینه بهداشت و درمان به طور متوسط ۶ درصد از هزینه غیرخوراکی را به خود اختصاص می‌دهد که با توجه به اهمیت بهداشت سهم ناچیزی در سبد مصرفی خانوارها دارا می‌باشد البته این تا اندازه‌ای می‌تواند مربوط به سوبسیدهای پرداختی به بهداشت و درمان باشد این سهم در بیستک‌های درآمدی روندی به نسبت نزولی را طی می‌کند که این به دلیل بالا بودن هزینه غیرخوراکی افراد پر درآمد و پایین بودن هزینه در اقشار کم درآمد است که در بالا نیز به آن اشاره شد. میزان هزینه پرداختی هر بیستک نسبت به هزینه انجام شده روی بهداشت و درمان مبین این مطلب است به گونه‌ای که بیستک بالای درآمدی چندین برابر بیستک پایین درآمدی هزینه می‌کند.

هزینه‌های مربوط به تحصیل و تفریحات را اگر با هم در نظر بگیریم روند معنی داری را به ما نمی‌دهد اما چنانچه این دو هزینه را از هم تفکیک کنیم خواهیم دید که هزینه تفریحات به تنهایی داری را به ما نمی‌دهد اما چنانچه این دو هزینه را از هم تفکیک کنیم خواهیم دید که هزینه تفریحات به تنهایی رقم قابل ملاحظه را در سر نمی‌گیرد. به خصوص برای بیستک پایین درآمدی این رقم بسیار ناچیز است سهم هزینه تفریحات از هزینه غیرخوراکی حدود ۱ درصد است که این سهم با تفاوت‌های اندک در بیستک‌های مختلف بسیار ناچیز است البته میزان هزینه پرداختی هر بیستک نسبت به هزینه انجام شده روی تفریحات بیان می‌دارد که حتی این سهم اندک بر بیستک‌های درآمدی مختلف هزینه‌های متفاوتی دارد.

#### ب- بررسی رفتار اقتصادی زنان سرپرست (روستا)

در ادامه مطالعه رفتار اقتصادی خانوارهای با سرپرست زن جامعه روستا را مورد بررسی قرار می‌دهیم با توجه به تقسیم‌بندی که برای شهر انجام داده بودیم در اینجا نیز از همان گروه کالاها استفاده می‌کنیم و ابتدا به زیرمجموعه کالای سبد مصرفی خانوارها می‌پردازیم.

جدول ۳-۳-۵- سهم هزینه‌های مختلف کالاهای غیرخوراکی - جامعه شهری با سرپرست زن

B10	B9	B8	B7	B6	B5	B4	B3	B2	B1	AVG	هزینه
۰۰۹	۰۱۱	۰۱۱	۰۱۰	۰۱۱	۰/۰۶	۰۰۶	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۲	۰۱۱	پوشاک غیرخوراکی
۰۰۶	۰۶۵	۰۶۲	۰۶۵	۰۶۵	۰۶۶	۰۶۸	۰۷۱	۰/۷۳	۰/۷۸	۰۵۷	مسکن غیرخوراکی
۰۰۷	۰۰۷	۰۰۷	۰۰۷	۰۰۶	۰۱۰	۰۰۸	۰۰۶	۰/۰۷	۰/۰۵	۰۰۹	لوازم منزل غیرخوراکی
۰۰۴	۰۰۴	۰۰۸	۰۰۷	۰۰۵	۰۰۶	۰۰۶	۰۰۶	۰/۰۵	۰/۰۳	۰۰۶	هدايت و درمان غيرخوراكي
۰۰۵	۰۰۵	۰۰۶	۰۰۶	۰/۰۴	۰/۰۵	۰۰۵	۰۰۴	۰۰۴	۰/۰۵	۰۰۸	حمل و نقل غيرخوراكي
۰۰۴	۰۰۳	۰۰۲	۰۰۲	۰۰۳	۰۰۳	۰۰۳	۰۰۲	۰۰۳	۰۰۳	۰۰۲	آموزش و تفریحات غیرخوراکی
۰۰۴	۰۰۶	۰/۰۵	۰۰۴	۰۰۵	۰۰۵	۰۰۴	۰۰۴	۰۰۴	۰۰۵	۰۰۷	سایر غیرخوراکی
B20	B19	B18	B17	B16	B15	B14	B13	B12	B11		
۰۱۰	۰۱۳	۰۱۱	۰۱۳	۰۱۳	۰/۱۲	۰۱۵	۰۱۲	۰/۰۸	۰/۰۸		مجموع خوراکی کل
۵۲	۵۲	۴۹	۵۵	۵۸	۰۶۰	۰۵۹	۰۵۹	۰/۶۷	۰/۶۳		پوشاک کل
۰۰۸	۰۱۰	۰۱۱	۰۱۰	۰/۰۸	۰/۱۲	۰۰۷	۰۰۹	۰/۰۷	۰/۰۹		مسکن کل
۰۰۷	۰۰۴	۰۰۷	۰۰۶	۰۰۶	۰۰۳	۰۰۴	۰۰۵	۰۰۶	۰۰۶		لوازم منزل کل
۰۱۳	۰۰۹	۰۰۹	۰۰۷	۰۰۷	۰۰۵	۰۰۶	۰۰۸	۰۰۵	۰/۰۵		هدايت کل
۰۰۱	۰۰۴	۰۰۲	۰۰۳	۰۰۲	۰۰۱	۰۰۳	۰۰۳	۰۰۳	۰۰۳		حمل و نقل کل
۰۰۹	۰۰۸	۰/۰۱۱	۰۰۶	۰۰۶	۰۰۶	۰۰۵	۰۰۴	۰۰۳	۰۰۷		آموزش و تفریحات کل

جدول ۴-۳-۲ سهم هزینه‌های هر گروه از کالاها را به هزینه کل برای خانوارهای با سرپرست زن نشان می‌دهد همان‌طور که ملاحظه می‌شود به طور کلی ۵۱ درصد از سهم هزینه کل را هزینه‌های غیرخوراکی به خود اختصاص می‌دهد که این سهم در طی بیست‌های درآمدی روندی نزولی دارد و از ۶۹ درصد بیستک پایین به ۵۵ درصد در بیستک بالایی درآمدی رسیده است.

هزینه‌های خوراکی در مقایسه با هزینه‌های غیرخوراکی به طور متوسط ۴۹ درصد در هزینه کل سهم دارد به عبارت خانوارهای با سرپرست زن در روستا به طور متوسط حدود نیمی از مخارج خود را صرف هزینه‌های خوراکی می‌کنند این نسبت در بیست‌های درآمدی روند صعودی دارد به طوری که در بیستک پایین درآمدی ۳۱ درصد از کل هزینه‌ها صرف هزینه خوراکی می‌شود در حالی که برای شروتمندان این نسبت به حدود ۴۵ درصد می‌رسد.

پوشاک به طور میانگین ۱۰ درصد از کل هزینه را صرف می‌کند که حدود ۱۱٪ از هزینه کل است این سهم در بیست‌های درآمدی به صورت ملایمی افزایش می‌یابد به طوری که در اقصای پایین جامعه این سهم بسیار اندک است و برای ۵۵ درصد بالای جامعه تقریباً ۱۲ درصد از هزینه کل را در بر می‌گیرد این افزایش با تغییر درآمد نشان می‌دهد که این کالا برای جامعه روستایی مایک کالای لوکس تلقی می‌شود.

هزینه مسکن در بین خوارهای روستایی با سرپرست زن تنها ۱۷ درصد کل را به خود اختصاص می‌دهد که بیانگر فشار کمتر هزینه مسکن در روستا است، به عبارتی در روستا مشکل مسکن همانند شهرها اهمیت چندانی ندارد همان‌طور که ملاحظه می‌شود در روستا سهم هزینه مسکن در بیست‌های درآمدی روند نزولی دارد به عبارتی با افزایش درآمد سهم مسکن کاهش می‌یابد در حالی که اگر به سهم هزینه پرداختی هر بیستک نسبت به هزینه کل پرداختی روی کالای مسکن توجه کنیم خواهیم دید که با افزایش درآمد هزینه روی مسکن نیز افزایش داشته اما این به شدت سایر کالاها نیست.

لوازم منزل در سبد مصرفی این خانوارها متوسط سهمی حدود ۷ درصد را به خود اختصاص می‌دهد سهم در بین گروه‌های درآمدی با نوسانات روند صعودی داشته است به طوری که در بیستک پایین این نسبت حدود ۴ درصد است و در بیستک آخر به رقم ۸ درصد می‌رسید و این روند بیان می‌دارد که با افزایش درآمد در خانوارهای روستایی با سرپرست زن سهم هزینه لوازم منزل افزوده می‌شود که لوکس بودن این کالا را در سبد مصرفی این خانوارها نشان می‌دهد. البته این نکته را در سهم پرداختی هر بیستک به هزینه کل پرداختی روی این کالا نیز می‌توان مشاهده کرد.

با این که بهداشت و درمان از مهم‌ترین کالاهای خانوار محسوب می‌شوند اما تنها ۵ درصد از کل هزینه را به طور میانگین به خود اختصاص می‌دهند. این سهم در گروه‌های درآمدی با افزایش درآمد افزایش می‌یابد و روند صعودی را طی می‌کند و از ۱ درصد در درآمد پایین به ۸ درصد در بیستک بالا رسیده است چنانچه ملاحظه می‌شود می‌توان این کالا را در طبقه کالاهای لوکس جا داد، به گونه‌ای که هزینه پرداختی بیستک اول نسبت به کل هزینه روی بهداشت و درمان بسیار ناچیز است در حالی که این سهم برای بیستک بالا افزایش می‌یابد.

جدول ۴-۳-۵- سهم هزینه‌های مختلف هشت کالایی - جامعه شهری با سرپرستی زن

B10	B9	B8	B7	B6	B5	B4	B3	B2	B1	AVG	هزینه
۰.۴۸	۰.۵۰	۰.۴۶	۰.۴۷	۰.۴۵	۰.۴۷	۰.۴۹	۰.۴۹	۰.۵۹	۰.۶۹	۰.۵۱	غیرخوراکی/کل
۰.۵۲	۰.۵۰	۰.۵۴	۰.۵۳	۰.۵۵	۰.۵۳	۰.۵۱	۰.۵۱	۰.۴۱	۰.۳۱	۰.۴۹	خوراک/کل
۰.۰۸	۰.۰۷	۰.۰۴	۰.۰۵	۰.۰۴	۰.۰۶	۰.۰۳	۰.۰۰	۰.۰۲	۰.۰۰	۰.۱۰	بوشاک کل
۰.۲۵	۰.۲۷	۰.۲۶	۰.۲۶	۰.۲۵	۰.۲۵	۰.۳۰	۰.۳۲	۰.۴۱	۰.۵۹	۰.۱۷	مسکن کل
۰.۰۰	۰.۰۶	۰.۰۵	۰.۰۲	۰.۰۶	۰.۰۵	۰.۰۵	۰.۰۵	۰.۰۵	۰.۰۴	۰.۰۷	توارم مبرل کل
۰.۰۲	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۳	۰.۰۳	۰.۰۳	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۲	۰.۰۱	۰.۰۵	بهداشت/کل
۰.۰۳	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۳	۰.۰۳	۰.۰۴	۰.۰۲	۰.۰۴	۰.۰۲	۰.۰۴	حمل و نقل/کل
۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۰۲	۰.۰۲	۰.۰۲	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۰۲	۰.۰۱	۰.۰۱	آموزش و تفریحات/کل
۰.۰۳	۰.۰۲	۰.۰۲	۰.۰۳	۰.۰۳	۰.۰۳	۰.۰۲	۰.۰۲	۰.۰۲	۰.۰۱	۰.۰۵	خدمات متفرقه/کل
B20	B19	B18	B17	B16	B15	B14	B13	B12	B11		
۰.۵۵	۰.۵۲	۰.۵۴	۰.۵۱	۰.۵۰	۰.۴۹	۰.۴۹	۰.۴۶	۰.۴۹	۰.۴۴		غیرخوراکی
۰.۲۵	۰.۴۸	۰.۴۶	۰.۴۹	۰.۵۰	۰.۵۱	۰.۵۱	۰.۵۲	۰.۵۱	۰.۵۶		خوراک کل
۰.۱۲	۰.۱۳	۰.۱۲	۰.۱۴	۰.۱۱	۰.۰۹	۰.۰۹	۰.۰۸	۰.۰۵	۰.۰۸		بوشاک کل
۰.۰۴	۰.۱۵	۰.۱۴	۰.۱۷	۰.۱۶	۰.۲۰	۰.۲۰	۰.۱۹	۰.۲۵	۰.۲۰		مسکن کل
۰.۱۰	۰.۰۸	۰.۰۹	۰.۰۸	۰.۰۷	۰.۰۷	۰.۰۷	۰.۰۷	۰.۰۵	۰.۰۴		توارم مبرل کل
۰.۰۸	۰.۰۴	۰.۰۹	۰.۰۳	۰.۰۵	۰.۰۵	۰.۰۴	۰.۰۳	۰.۰۴	۰.۰۴		بهداشت کل
۰.۰۶	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۳	۰.۰۴	۰.۰۵	۰.۰۴	۰.۰۳		حمل و نقل کل
۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۰۲	۰.۰۱	۰.۰۲	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۰۱		آموزش و تفریحات کل
۰.۰۹	۰.۰۷	۰.۰۷	۰.۰۳	۰.۰۶	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۳	۰.۰۳		خدمات متفرقه کل

هزینه حمل و نقل به طور متوسط ۶ درصد در کل هزینه را به خود اختصاص می دهد این سهم در بیستک های درآمدی با نوساناتی به طور ملایه با بیستک ۱۹ افزایش می یابد اما این رقم برای بیستک آخر ناگهان ۶ درصد از کل هزینه را صرف حمل و نقل می کند که این جهش می تواند ناشی از تفاوت هزینه حمل و نقل، موتور، مینی بوس و... در مقابل ماشین شخصی باشد این روند را نیز می توان در سهم پراختی هر بیستک نسبت به کل هزینه حمل و نقل به وضوح مشاهده کرد.

هزینه های مربوط به تحصیل و آموزش و تفریحات سرگرمی به طور متوسط حدود ۱ درصد از کل هزینه را در بر می گیرند و در گروه های درآمدی سهم این کالا با روندی به نسبت ملایه کاهش می یابد. اما چنانچه این دو گروه کالا را که لحاظ ماهیت با هم تفاوت دارند از هم تفکیک کنیم به نتایج بهتری می رسیم سهم تفریحات رقم بسیار ناچیزی از هزینه کل را در بر می گیرد به عبارتی خانوارهای روستایی با سرپرست زن سهم بسیار اندکی از هزینه های کل خود را صرف تفریحات می کنند و این روند در طی بیستک های درآمد نیز به همین ناچیزی است به خصوص در فراد کم درآمد کمتر از میانگین نیز خود را نشان می دهد. به طوری که حتی با ناچیز بودن آنها می توان نسبت لوکس بودن را به تفریحات داد.

اما سهم تحصیل و آموزش در کل هزینه به طور میانگین حدود ۱ درصد است هر چند که این نسبت سهم کوچکی از هزینه های کل را در بر می گیرد اما این نسبت در بین گروه های درآمدی با افزایش درآمد کاهش می یابد و ماهیت ضروری بودن خود را نشان می دهد به گونه ای که این سهم برای بیستک پایین حدود ۲ درصد و برای بیستک آخر به ۱ درصد می رسد.

با توجه به حدود ۳-۴-۵ سهم کالاهای متفرقه حدود ۱۰ درصد از کل هزینه ها را در بر دارد و این نسبت برای بیستک های مختلف درآمدی از پایین به بالا افزایش می یابد به طوری که این سهم از ۱ درصد بیستک پایین به ۳ درصد در بیستک بالا می رسد و نشان می دهد که با افزایش درآمد خانوارهای با سرپرست زن روستایی هزینه متفرقه خود را افزایش می دهد این نکته می تواند بیان کننده لوکس بودن این کالا باشد.

### کشش های درآمدی (هزینه ای)

در این قسمت همانند شهر برای درک بهتر اهمیت کالاها در سبد مصرفی خانوارهای با سرپرست زن در روستا به کشش های درآمدی ۸ گروه عمده کالایی می پردازیم تا بتوانیم درجه ضرورت آنها را دریابیم برای این منظور کشش هزینه ای (درآمدی) روی کالاها را با در نظر گرفتن هزینه روی هر کالا به جای متغیر وابسته به دست می آوریم که نتایج زیر حاصل شده است.

$$\text{LogFd} = -0.58 + 1.047 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.986 \text{ خوراکی}$$

$$(0.105)(0.103)$$

$$\text{LogP} = -0.13 + 1.997 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.91 \text{ پوشاک}$$

$$(0.26)(0.14)$$

$$\text{LogH} = 1.85 + 0.57 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.97 \text{ مسکن}$$

$$(0.02)(0.04)$$

$$\text{LogD} = -2.55 + 1.23 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.98 \text{ اثاث منزل}$$

$$(0.05)(0.03)$$

$$\text{LogFc} = -3/63 + 1/37 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.95 \text{ بهداشت و درمان}$$

$$(0/13)(0/07)$$

$$\text{LogT} = -2/63 + 1/2 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.97 \text{ حمل و نقل}$$

$$(0/09)(0/05)$$

$$\text{LogR\&E} = -1/82 + 0/99 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0/92 \text{ تحصیل و آموزش، تفریحات و سرگرمی‌ها}$$

$$(0/12)(0/07)$$

$$\text{LogR} = -7/78 + 1/88 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0/93 \text{ تفریح و سرگرمی‌ها}$$

$$(0/43)(0/24)$$

$$\text{LogE} = -1/21 + 0/86 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.90 \text{ تحصیل و آموزش}$$

$$(0/12)(0.06)$$

$$\text{LogS} = -4/31 + 1/48 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0/98 \text{ متفرقه}$$

$$(0/09)(0.05)$$

با توجه به کشش‌های به دست آمده ملاحظه می‌شود که در بین ۸ گروه عمده کالایی مسکن کمترین میزان کشش را نشان می‌دهد. این واقعیت برای روستاییان کالای ضروری می‌شود این می‌تواند به دلیل عدم تنوع مسکن در روستاها و افزایش هزینه روی آن تغییر نمی‌کند.

پس از مسکن، تحصیل و آموزش از کمترین کشش برخوردار است در واقع با تفکیک این کالا از تفریح و سرگرمی معهود شده که در سبد مصرفی خانوار روستایی تحصیلات به عنوان یک کالای ضروری و تفریح به عنوان یک کالای لوکس تلقی می‌شود.

کشش درآمدی خوراک در بین اقلام مختلف دارای کشش تقریباً برابر یک است که نشان‌دهنده نرمال بودن این کالا در سبد مصرفی خانوار روستایی با سرپرست زن است و بیان می‌دارد که هزینه روی خوراک متناسب با افزایش درآمد زب می‌شود.

در این میان پوشاک با کشش بسیار بزرگ به عنوان یک کالای لوکس در سبد مصرفی این خانوارها محسوب می‌شود.

سایر کشش‌های درآمدی نیز نشان‌دهنده موقعیت و جایگاه هر کالا در سبد مصرفی خانوار است. اما مطلب مهم و وضعیت بهداشت و درمان در روستاهاست که با توجه به اهمیت و ضرورت این کالا، در سبد مصرفی خانوار به عنوان یک کالای لوکس شناخته شده و با افزایش درآمد هزینه روی آن زیاد می‌شود این می‌تواند ناشی از کمبود بهداشت و درمان در روستاها باشد که خانوارها را ناگزیر از هزینه بیشتر و آمدن به شهر می‌کند.

جدول شماره ۵-۳-۵ سهم هر یک از اقلام هزینه خوراکی را نسبت به هزینه خوراکی برای خانوارهای روستایی با سرپرست زن نشان می‌دهد همان‌طور که ملاحظه می‌شود بالاترین سهم در هزینه‌های خوراکی به طور میانگین مربوط به گوشت است که در بین هزینه‌های خوراکی ۱۴ درصد سهم دارد که رقم به نسبت بالایی را به خود اختصاص می‌دهد. این سهم در بیستک‌های درآمدی روندی به نسبت صعودی را طی می‌کند اما در بیستک اول و فزاینده جمعاً این سهم بسیار پایین و حدود ۱ درصد است برای دقیق‌تر شدن در



موضوع می توان از میزان هزینه هر بیستک نسبت به کل هزینه انجام شده روی کالاهای گوشت استفاده کرد این رقم برای بیستک پایین تنها ۰/۰۰۱ است در حالی که برای بیستک بالا رقم ۰/۲۰۸ می باشد. این بیان می دارد که بیستک پایین هزینه بسیار پایینی برای گوشت صرف می کند.

پس از گوشت، برنج در مرتبه بعدی قرار دارد کل برنج حدود ۱۵ درصد از کل هزینه های خوراکی را به خود اختصاص می دهد که سهم برنج داخلی ۷ درصد و برنج خارجی ۸ درصد از هزینه های خوراکی را شامل می شود سهم برنج داخلی در بیستک های درآمدی روندی صعودی دارد در بیستک های پایین سهم بسیار ناچیزی دارد و نزدیک به صفر است اما وقتی به بیستک های بالای نگاه کنیم این سهم به مراتب بیشتر می شود و برای بیستک ثروتمند به حدود ۱۶ درصد می رسد این روند نشان می دهد که با افزایش درآمد سهم هزینه برنج داخلی زیاده می شود و می توان این کالا را به عنوان یک کالای لوکس معرفی کرد.

برنج خارجی به طور متوسط ۸ درصد از هزینه خوراکی را به خود اختصاص می دهد. این سهم در بیستک های درآمدی نیز همانند برنج داخلی روند صعودی دارد اما این افزایش در سهم به صورت ملایمی در برنج خارجی صورت می گیرد به این صورت که در بیستک های پایین این سهم حدود ۵ درصد است در حالی که در بیستک های بالا به ۹ درصد می رسد در واقع سهم برنج خارجی در بین بیستک های میانی تفاوت زیادی با بیستک های بالا ندارد.

با توجه به جدول ۵-۳-۵ مشخص می شود که سهم آرد در سبد خانوارهای روستایی با سرپرست زن حدود ۹ درصد از کل هزینه های خوراکی را به خود اختصاص می دهد این سهم رقم به نسبت بالایی را در هزینه کل دارا می باشد و این می تواند به دلیل زن بودن سرپرست باشد که ترجیحاً برای پخت نان از آرد بیشتر استفاده می کند تا خرید نان در بیستک های درآمدی این سهم به صورت کاهشی روندی نزولی را طی می کند در بیستک پایین درآمدی این سهم رقم ۱۴ درصد از هزینه کل خوراک را نشان می دهد که نشان دهنده اهمیت این کالا در سبد خانوارهای فقیر روستایی، سرپرست زن را نشان می دهد این سهم در بیستک های بالای درآمدی به ۱۱ درصد در کل هزینه خوراک می رسد البته این سهم نباید این توهم را به وجود آورد که میزان مصرف خانوارهای فقیر کمتر از خانوارهای فقیر است بلکه تنها سهم نسبت به هزینه کل را نشان می دهد که به دلیل بالا بودن هزینه کل در افراد پر درآمد این نسبت رقم کوچک تری را نشان می دهد.

وضعیت نان نیز برای این خانوارها همانند آرد است سهم این کالا در هزینه خوراکی به طور متوسط ۳ درصد است. این سهم برای افراد فقیر رقم ۱۵ درصد از کل هزینه خوراکی را نشان می دهد که هر چه به سمت بیستک های بالای درآمدی حرکت می کنیم این سهم کمتر و کمتر می شود به صورتی که افراد پر درآمد تنها ۱ درصد از مخارج خوراکی خود را صرف نان می کنند این سهم ضرورت کالای نان را برای خانوارهای روستایی با سرپرست زن نشان می دهد، البته باز لازم به ذکر است که این رقم تنها سهم هزینه ای را نشان می دهد نه میزان مصرف نان را.

مرغ در سبد مصرفی خانوار حدود ۷ درصد از کل هزینه خوراکی را به خود اختصاص می دهد این سهم برای بیستک های درآمدی با نوسانات اندکی روندی به نسبت صعودی را طی می کند اما چنانچه به میزان هزینه هر بیستک نسبت به کل هزینه انجام شده روی این کالا بپردازیم خواهیم دید که تفاوت فاحشی بین بیستک پایین (۰/۰۰۱) با بیستک بالا (۰/۲۷۸) وجود دارد که حدوداً ۲۷۰ برابر بیستک پایین هزینه صرف مصرف مرغ شده است و این بیانگر لوکس بودن مرغ برای این خانوارهاست.

جدول ۵-۳-۵- سهم هزینه‌های مختلف کالاهای خوراکی - جامعه شهری با سرپرست زن

میزه	B20	B19	B18	B17	B16	B15	B14	B13	B12	B11	B10	B9	B8	B7	B6	B5	B4	B3	B2	B1	AVG
ارز خوراکی	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۱۰	۰/۰۱۱	۰/۰۵	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۰۶
سهم از میانگین	۰/۰۴۹	۰/۰۳۳	۰/۰۴	۰/۰۲۹	۰/۰۳۲	۰/۰۲۶	۰/۰۱۵	۰/۰۲۱	۰/۰۲۲	۰/۰۲۵	۰/۰۱۶	۰/۰۱۰	۰/۰۱۴	۰/۰۱۰	۰/۰۱۴	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
برنج داخلی/ خوراکی	۰/۱۶	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
سهم از میانگین	۰/۵۲۳	۰/۱۳۷	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱۷	۰/۰۱۳	۰/۰۰۶	۰/۰۱۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
برنج خارجی/ خوراکی	۰/۰۸	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۱۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۸
سهم از میانگین	۰/۱۸	۰/۰۱۳	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳۸	۰/۰۳۱	۰/۰۲۶	۰/۰۲۰	۰/۰۲۰	۰/۰۱۶	۰/۰۱۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
نان/ خوراکی	۰/۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۹	۰/۰۱۲	۰/۰۱۰	۰/۰۱۵	۰/۰۰۳
سهم از میانگین	۰/۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵۹	۰/۰۶۰	۰/۰۵۳	۰/۰۵۲	۰/۰۴۹	۰/۰۳۷	۰/۰۲۰	۰/۰۲۵	۰/۰۲۲	۰/۰۱۱	۰/۰۱۴
گوشت/ خوراکی	۰/۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۱۱	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	۰/۰۱۶	۰/۰۱۴	۰/۰۱۳	۰/۰۱۶	۰/۰۱۵	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	۰/۰۱۵	۰/۰۱۵	۰/۰۱۶	۰/۰۱۸	۰/۰۱۳	۰/۰۱۱	۰/۰۱۳	۰/۰۰۵	۰/۰۱۴
سهم از میانگین	۰/۲۱	۰/۰۱۱	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳۳	۰/۰۲۷	۰/۰۳۲	۰/۰۲۸	۰/۰۱۶	۰/۰۱۸	۰/۰۱۵	۰/۰۱۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۷
مرغ/ خوراکی	۰/۰۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳
سهم از میانگین	۰/۲۸	۰/۰۱۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳
شیر/ خوراکی	۰/۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
سهم از میانگین	۰/۱۱	۰/۰۱۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲
لبنیات/ خوراکی	۰/۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
سهم از میانگین	۰/۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
تخم مرغ/ خوراکی	۰/۰۹	۰/۰۰۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۸	۰/۰۰۳
سهم از میانگین	۰/۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۸	۰/۰۰۳
روغن/ خوراکی	۰/۱۶	۰/۰۱۰	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۷
سهم از میانگین	۰/۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۷
قند و شکر/ خوراکی	۰/۱۲	۰/۰۰۹	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۱۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲
سهم از میانگین	۰/۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۱۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲
سایر خوراکی	۰/۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
سهم از میانگین	۰/۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲

با توجه به جدول ۵-۳-۲ ملاحظه می شود که سهم روغن و قند و شکر به ترتیب ۷ درصد و ۴ درصد به طور متوسط در هزینه خوراک سهم دارند این سهم در بیستک های درآمدی هم نشان و آرد در سبد مصرفی خانوارهای فقیر بسیار بزرگتر از سایر کالاهاست به طوری که برای بیستک پایین سهم روغن ۱۶ درصد از کل هزینه خوراک و بری قند و شکر ۱۳ درصد از کل هزینه خوراک را در بر دارد که سهم بالایی را نشان می دهد. در حالی که بیستک های بالای درآمدی سهم روغن ۶ درصد و قند و شکر ۳ درصد خوراک را به خود اختصاص می دهند این رقم می تواند ضروری بودن این دو کالا برای خانوارهای روستایی ناسرپرست را نشان دهد.

همان طور که جدول ۵-۳-۲ بیان می دارد سهم کالاهای لبی شیر، نیبات و تخم مرغ در کل ۱۳ درصد از هزینه های خوراکی خانوار را به خود اختصاص می دهد این سهم در مورد تخم مرغ و نیبات یک سیر نزولی را طی می کند.

جای و دخالیات نیز به طور متوسط به ترتیب ۵ درصد و ۲ درصد در هزینه خوراکی سهم دارند این دو کالا در بیستک های درآمدی بدون توجه به درآمد نوساناتی را در سهم هر یک از دو کالا در طول این بیستک ها طی می کنند البته چنانچه به میزان هزینه پرداختی هر بیستک نسبت به کل هزینه انجام شده روی کالا را نگاه کنیم خواهیم دید که میزان هزینه صرف شده روی کالا به فریبش درآمد زیاد می شود.

#### کشش های درآمدی (مقداری) کالاهای خوراکی

با توجه به اهمیتی که کالاهای خوراکی در سبد مصرفی خانوارهای روستایی ناسرپرست را دارند در اینجا کشش درآمدی بین کالاها را به تفکیک محاسبه کرده و مطرح می کنیم لازم به ذکر است که در این محاسبات هزینه کل را به عنوان درآمد حدی کمین کرده ایم و کالاها بر اساس مقدار مصرف در نظر گرفته شده است:

$$\text{LogFl\&Br} = -0.58 + 0.49 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.89 \text{ نان آرد}$$

(0.07)(0.03)

$$\text{LogFl} = -1/94 + 0.68 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.88 \text{ آرد}$$

(0.1)(0.05)

$$\text{LogDr} = -8/16 + 1.5 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.94 \text{ برنج داخلی}$$

(0.15)(0.08)

$$\text{LogLr} = 3/595 + 0.82 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.93 \text{ برنج خارجی}$$

(0.09)(0.05)

$$\text{LogBr} = 0/41 + 0.25 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.45 \text{ نان}$$

(0.12)(0.06)

$$\text{LogT} = -6/91 + 1.31 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.93 \text{ گوشت}$$

(0.15)(0.08)

$$\text{LogCH} = -7/03 + 1.32 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.95 \text{ مرغ}$$

(0.13)(0.07)

$$\text{LogMi} = -4/34 + 0.98 \text{ Log TC} \quad R^2 = 0.89 \text{ شیر}$$

(0.15)(0.08)

$\text{LogDP} = -3/75 + 0/83 \text{ Log TC}$ (0/15)(0/08)	$R^2 = 0.84$ تنبیات
$\text{LogDr} = -2/9 + 0/62 \text{ Log TC}$ (0/13)(0/06)	$R^2 = 0.86$ تخم مرغ
$\text{LogOil} = -2/35 + 0/57 \text{ Log TC}$ (0/04)(0/02)	$R^2 = 0.98$ روغن
$\text{LogSh} = -1/64 + 0/499 \text{ Log TC}$ (0/03)(0/02)	$R^2 = 0.97$ قند و شکر
$\text{LogTea} = -3/53 + 0/66 \text{ Log TC}$ (0/12)(0/07)	$R^2 = 0.84$ چای
$\text{LogSm} = -3/99 + 1/3 \text{ Log TC}$ (0/28)(0/16)	$R^2 = 0.78$ دخانیات

با توجه به ارقام فوق ملاحظه می شود که کشت در آمدی نان نسبت به سایر اقلام بسیار پایین تر است این ضروری بودن کالای نان را نشان می دهد همچنین عرض از مبدأ مثبت آن بیان می دارد که با صفر بودن درآمد نیر خانوار باز مقدار مصرف آن مثبت است و همین طور  $R^2$  پایین در نان بیان می دارد که تغییرات درآمد تأثیر چندانی در میزان مصرف آن ندارد.

از آنجایی که این کشت های خانوارهای با سرپرست زن در روستا محاسبه شده است میزان مصرف آرد و کشت آن نیز آورده شده است همان طور که ملاحظه می شود این کالا با کشتی حدود 0/68 کالایی به نسبت ضروری است اما توجه به این که در روستا سوئید به نان و آرد تعمق نمی گیرد ما این دو کالا را با هم تلفیق کرده و کشت آن دو را با هم حساب کرد و به رقمی حدود 49 درصد رسیده ایم که نشان می دهد این رقم برای خانوارهای روستایی با سرپرست زن نشانگر ضروری بودن این کالا در سبد مصرفی آنها می باشد.

در بین اقلام خوراکی عمده برنج داخلی با کشت 1/5 بالاترین رقم را به خود اختصاص داده که نشانگر نوکس بودن این کالا در سبد مصرفی خانوارهای روستایی با سرپرست زن است در عوض برنج خارجی با کشت کمتر از یک 0/83 به عنوان یک کالای ضروری جانشین مناسبی برای برنج داخلی بوده است.

مرغ و گوشت نیز با کشتی نزدیک به هم به عنوان یک کالای تقریباً نوکس در سبد این خانوارها معرفی می شوند اما قند و شکر و روغن همان طور که در سهم هزینه ها نیز دیده شد کالاهای ضروری برای این مصرف کنندگان هستند و خانوارهای فقیر سهم بالایی از هزینه های خود را صرف این دو گروه کالایی می کنند.

### ج- مقایسه وضعیت خانوارهای با سرپرست زن روستا با شهر

در ادامه بحث می توان به مقایسه بین این دو جامعه با یکدیگر و تفاوت ها و تشابهات آنان پرداخت البته با توجه به این که هدف اصلی این پژوهش در روستاها و تفاوت آنان با جامعه شهری مقایسه این دو با هم نمی تواند در حد خود فصلی مناسب باشد. برای مثال هزینه های خوراکی در شهر 49 درصد از مخارج کل را به خود اختصاص می دهد در حالی که این سهم برای روستاییان به حدود 50 درصد می رسد و این به دلیل بالا بودن

هزینه‌های غیر خوراک شهر شبستان می‌باشد یا وضعیت مسکن در شهر و روستا که در جامعه شهری مسکن ۴۰ درصد مخارج کل خانوار را به خود مربوط می‌کند در عوض در روستا این نسبت تنها ۱۱ درصد از هزینه کل است.

پس ملاحظه می‌شود که این مقایسه نمی‌تواند پایه‌های مشترک قوی داشته باشد به این منظور دو جامعه روستا شاخص‌های یکسان کننده دیگر مقایسه می‌کنیم ضریب جینی، توزیع درآمد، هزینه‌ها در جامعه‌های مختلف بدون توجه به نوع بافت و سطح رفاهی هر یک بررسی می‌کند. در اینجا نیز ما از این شاخص برای مطالعه حیرت‌کمک گرفته ایم.

جدول ۶-۳-۵ ضریب جینی برای اقلام عمده مصرفی خانوار شهری و روستایی را مطرح می‌کند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود ضریب جینی کل برای شهر و روستا شبیه به هم است و این می‌تواند توزیع مناسب و یکساخت را در شهر و روستا بیان کند. اما هزینه‌های خوراکی در روستا توزیع مناسب‌تری را نسبت به شهر نشان می‌دهند که این دلیل است که با افزایش درآمد هزینه روی این کالا بسیار زیاد می‌شود. اما ضریب جینی مسکن همان‌طور که انتظار می‌رفت در روستا به مراتب کمتر از شهر است و این به دلیل عمده نبودن مشکل در روستا است در واقع در شهر مشکل مسکن بسیار شدید است اما در روستا چنین نیست. هزینه پوشاک به عکس مسکن در روستا از ضریب بالاتری برخوردار است که پس عدم توزیع مناسب را در این جامعه نشان می‌دهد.

جدول ۶-۳-۵ نحوه توزیع هزینه‌ها در شهر و روستا

دهک ۱ دهک ۱۰	سهم ۲۰ درصد ثروتمند	سهم ۴۰ درصد	سهم ۴۰ درصد اول	ضریب جینی	اقلام عمده کالا	
۲۱/۸	۵۱.۳	۳۵.۷	۱۳	۰.۴۵۴	هزینه کل	شهری
۱۴/۴	۴۴	۳۹.۸	۱۶/۲	۰.۳۸	هزینه خوراک	
۸۳/۳	۵۵.۵	۳۵.۶	۸/۹	۰.۵۲۴	هزینه پوشاک	
۱۷/۹۷	۴۹.۷	۳۶.۵	۱۳/۸	۰.۴۳۷	هزینه مسکن	
۶۷/۸	۶۸.۱	۳۴.۸	۷/۱	۰.۶۱۵	هزینه حمل و نقل	
۳۶.۸	۵۰.۸	۳۶.۵	۱۲/۷	۰.۴۵۴	هزینه کل	روستایی
۸/۷	۳۲.۶	۴۹.۹	۱۷/۴	۰.۲۹۳	هزینه خوراک	
۱۸۹/۷	۶۳/۶	۳۱/۸	۴/۶	۰.۵۹۸	هزینه پوشاک	
۶/۰۵	۳۵/۶	۴۳/۲	۲۱/۲	۰.۲۷۸	هزینه مسکن	
۴۶/۶	۵۸/۲	۳۱.۵	۱۰.۳	۰.۵۲۳	هزینه حمل و نقل	

منابع: محاسبات گروه تحقیق<sup>۱۰</sup>

د- مقایسه الگوی مصرفی خانوارهای باسرپرست زن با خانوارهای با سرپرست مرد در شهر همان‌طور که در فصل گذشته ملاحظه شد سهم اقلام مختلف مصرفی در الگوی خانوارهای باسرپرست زن

<sup>۱۰</sup> محاسبات گروه تحقیق بر اساس سرجه برده خانوار مرکز آمار ایران صورت گرفته است

متفاوت است در اینجا می‌خواهیم این سبد مصرفی را با توجه به سهم هر یک در مخارج کل و جایگاه و اهمیت هر کدام را با الگوی مصرفی خانوارهای باسرپرست مرد مقایسه کنیم در واقع در این قسمت می‌خواهیم تفاوت‌های الگوی مصرفی این دو گروه خانوار را بر اساس نوع سرپرستی آنان بررسی کنیم. جدول زیر جایگاه و اهمیت هر یک از ۸ گروه کالایی را برای دو خانوار باسرپرست مرد و زن مطرح می‌کند:

جدول شماره ۷-۳-۵- مقایسه شاخص‌های عمده خانوارهای با سرپرست زن با خانوارهای با سرپرست مرد در جامعه شهری

سرپرست		اقتدار فقیر		میانگین جامعه		اقتدار غنی		کشش درآمدی		ضرایب جینی	
هزینه‌ها		مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
خوراک		۳۵	۴۶	۲۹	۳۳	۲۱	۲۰	۸۶	۷۶	۳۸۰	۳۱۲
پوشاک		۱	۴	۸	۹	۸	۹	۹	۱۳۴	۵۲۴	۴۸۴
مسکن		۵۰	۳۴	۴۰	۲۹	۴۱	۲۳	۹۳	۸۹	۴۳۷	۳۶۸
نوازه منزل		۳	۴	۶	۷	۷	۷	۷	۱۱۹	۵۲۹	۴۷۱
بهداشت و درمان		۲	۳	۴	۵	۶	۸	۱۱	۱۱۸	۵۰۲	۵۳۰
حمل و نقل		۳	۳	۶	۱۱	۱۰	۲۴	۱۳۴	۱۵۷	۶۱۵	۶۶۸
آمورس و تفریحات		۲	۲	۲	۳	۱	۳	۹۹	۱۱۷	۲۳۹	۴۸
سایر		۳	۳	۵	۵	۷	۶	۱۳	۱۲۷	۵۹۸	۵۲۹

مصدر: محاسبات نویسنده محقق

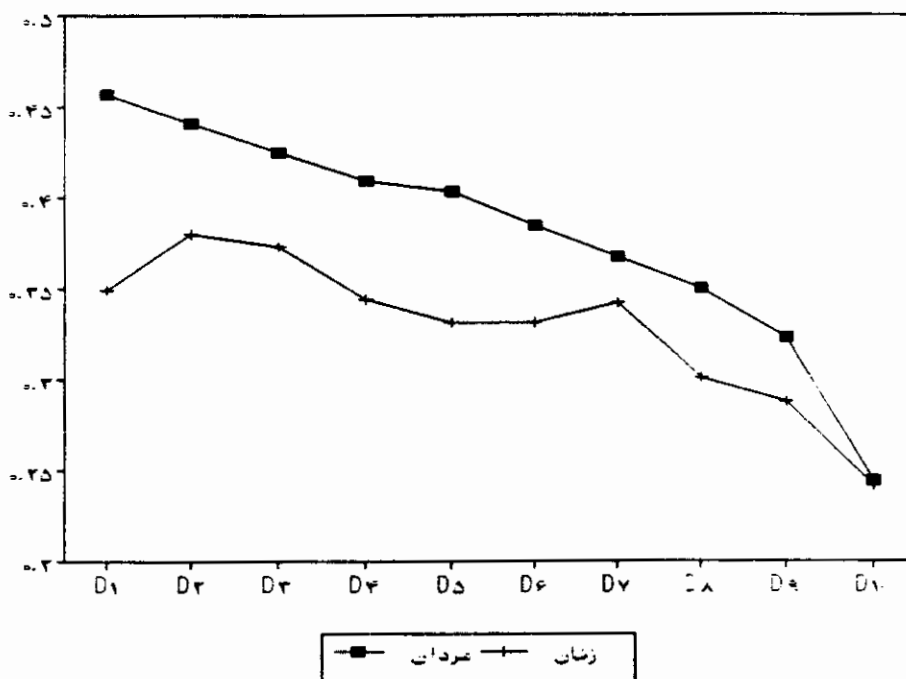
همان‌طور که در جدول شماره ۷-۳-۵ ملاحظه می‌شود هزینه‌های خوراک در خانوارهای باسرپرست زن میانگین کمتر از مردان است که البته این سهم در اقشار غنی زنان بسیار به هم نزدیک است. برای مقایسه بهتر این هزینه در سبد مصرفی خانوارهای باسرپرست زن و مرد نمودار ۱-۳-۵ به خوبی وضعیت خوراک را نشان می‌دهد همان‌طور که مشاهده می‌گردد سهم هزینه خوراکی در بین زنان جز در دهک آخر همواره در زیر این سهم در خانوارهای باسرپرست مرد قرار دارد به عبارتی خانوارهای باسرپرست زن سهم کمتری از مخارج خود را صرف خوراک می‌کنند البته کشش درآمد نشان می‌دهد که زنان سرپرست با افزایش درآمد تغییرات بیشتری را نسبت به مردان سرپرست روی هزینه خوراک انجام می‌دهند. همچنین ضرایب جینی نیز بیان می‌دارند که توزیع هزینه خوراک در بین مردان بهتر از زنان است در واقع تأیید می‌کند که در دهک‌های بالای درآمدی میزان توزیع هزینه خوراک در بین سرپرستان زن نامناسب‌تر از سرپرستان مرد می‌باشد.

هزینه پوشاک در بین خانوارهای باسرپرست مرد همواره سهم بالاتری را نسبت به خانوارهای باسرپرست مرد دارا می‌باشد. این نکته درباره تمامی خانوارها با درآمدهای مختلف صدق می‌کند چه در بین ثروتمندان و چه فقرا این مطلب را می‌توان در نمودار ۲-۳-۵ به خوبی مشاهده کرد که سهم پوشاک خانوارهای باسرپرست مرد همواره با یک شیفت در بالای خانوارهای باسرپرست زن است. این نکته را می‌توان با توجه به کشش درآمدی این کالا برای این دو گروه خانوار باسرپرست مرد و زن بیان کرد که رقم بزرگ‌تری را نسبت به سرپرستان مرد نشان می‌دهد و این کالا را در سبد مصرفی خانوارهای باسرپرست زن لوکس‌تری می‌کند در واقع با افزایش درآمد هزینه روی آن بسیار سریع‌تر تغییر می‌کند با توجه به جدول ۱-۳-۵ ملاحظه می‌شود که ضریب جینی نیز برای خانوارهای باسرپرست مرد توزیع مناسب‌تری را نشان می‌دهد.

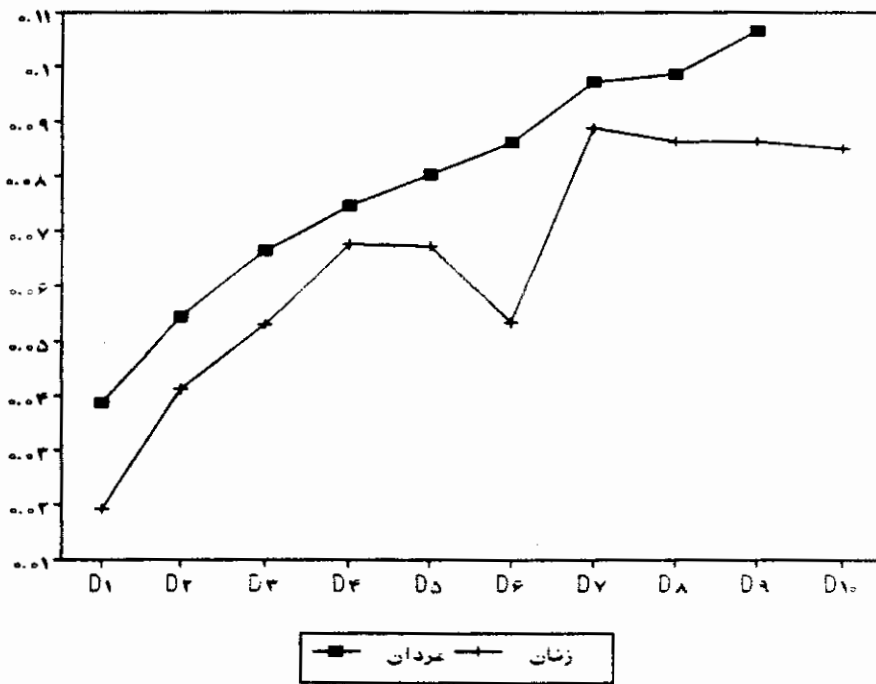
مسکن تری خانوارهای - سرپرست زن از اهمیت بسیاری برخوردار است در مقایسه با خانوارهای - سرپرست مرد سهم هزینه‌ی بیشتری را در مخارج کل این خانوار به خود اختصاص می‌دهد تنها تفاوت در این است که بین فاصله در دهک‌های بالای درآمدی بیشتر می‌شود و در اقشار که درآمد به هم نزدیک می‌شود جدول شماره ۷-۳-۵ نشان می‌دهد که این سهم برای ۱۰ درصد فقیر زنان ۵۰ درصد است که سهم بسیار عمده‌ی را در مخارج کل این خانوارها دارا می‌باشد و هرچه درآمد افزایش می‌یابد این سهم با روندی ملایم کاهش می‌یابد. به طوری که میانگین جامعه سرپرستان زن ۴۰ درصد مخارج خود را صرف مسکن می‌کنند اما سرپرستان مرد تنها ۲۹ درصد هزینه کل را به مسکن اختصاص می‌دهند برای روشن‌تر شدن این مطلب می‌توان نمودار ۳-۳-۵ را مشاهده کرد. ملاحظه می‌شود که در همه دهک‌های درآمدی این سهم در خانوارهای سرپرست زن همواره بالاتر از مردان بوده و با افزایش درآمد این فاصله بیشتر می‌گردد. کشتن درآمدی بین کارگری دو جامعه فوق می‌تواند اهمیت مسکن را برای خانوار با سرپرست زن نشان دهد. همچنین صریح‌تر جیمی مناسب‌تر بودن توزیع را در خانوارهای با سرپرست زن نشان می‌دهد که این نکته را در نمودار مشاهده می‌کنیم.

نوازم منزل - توجه به جدول شماره ۷-۳-۵ برای خانوارهای ثروتمند سهم مساوی را دارا می‌باشند. در دهک‌های دیگر این تساوی دچار نوسان می‌شود در واقع در طول دهک‌های درآمدی روند ثابتی را نمی‌کنند. کشتن درآمدی بین می‌دارد که نوازم منزل با تغییرات درآمد برای خانوارهای با سرپرست مرد افزایش بیشتری می‌کند.

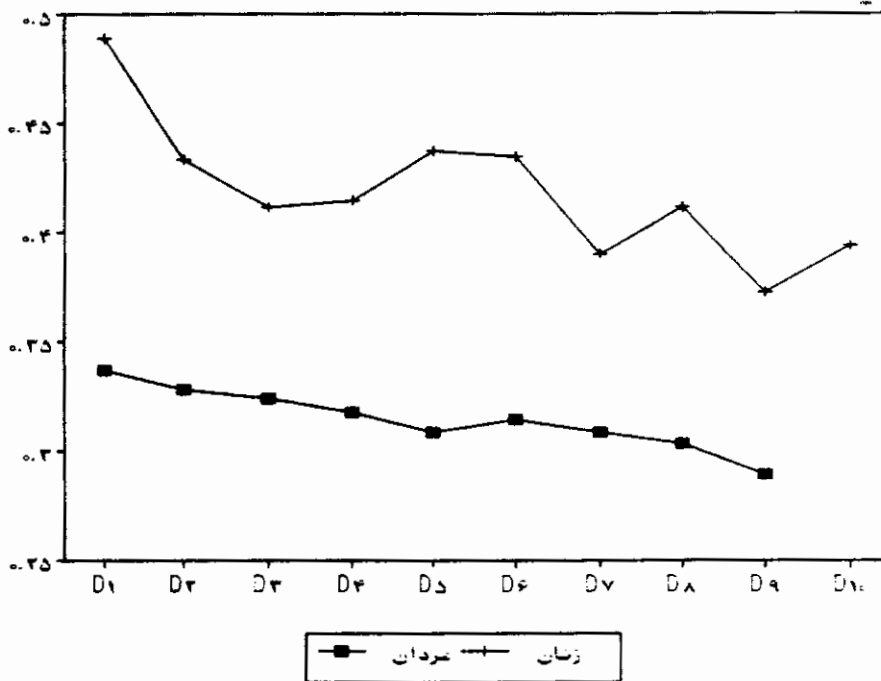
نمودار ۱-۳-۵- سهم هزینه خوراک از کل هزینه‌ها جامعه شهری



نمودار ۲-۳-۵- سهم هزینه پوشاک از کل هزینه‌ها جامعه شهری



نمودار ۳-۳-۵- سهم هزینه مسکن از کل هزینه‌ها جامعه شهری





بهداشت و درمان - افزایش درآمد روند صعودی را طی می‌کند اما این شیب برای سرپرستان مرد بیش از سرپرستان زن است به طوری که در ۵ درصد ثروتمند جامعه سرپرستان مرد این سهم به ۸ درصد می‌رسد. کسب درآمدی نیز بیان می‌دارد که هزینه روی بهداشت با افزایش درآمد برای خانوارهای با سرپرست زن تغییر زیادی نمی‌کند و ما برای سرپرستان مرد تغییرات هزینه بیش از تغییرات درآمد است.

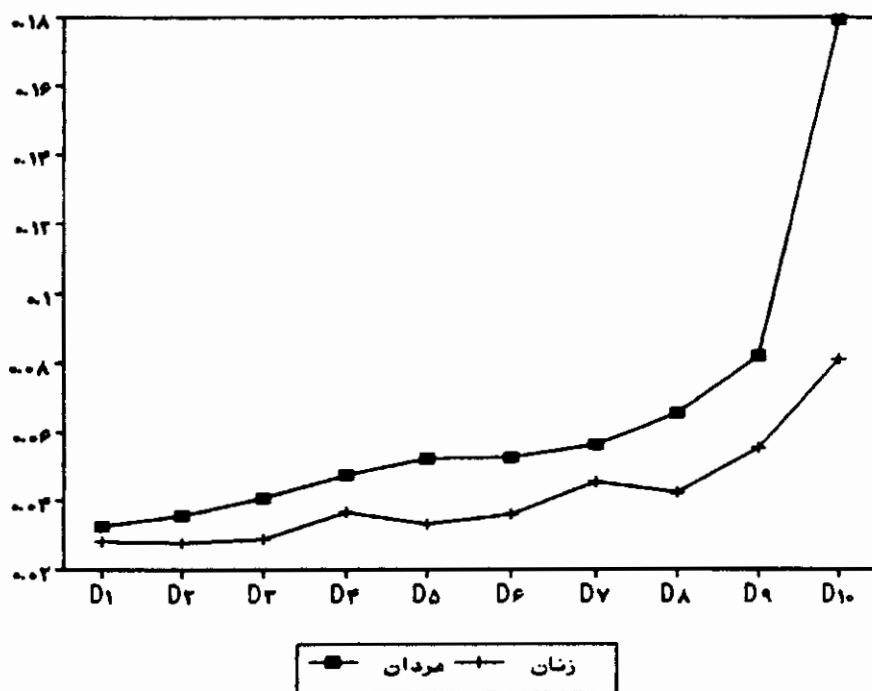
سهم هزینه‌های حمل و نقل در سبد مصرفی خانوار روند صعودی داد. به گونه‌ای که خانوارهای با سرپرست مرد غنی ۲۴ درصد هزینه کل خود را صرف حمل و نقل می‌کنند که این سهم قابل توجهی است به عبارت دیگر خانوار ثروتمند با سرپرست مرد حدود ۱۰ درصد درآمد خود را به حمل و نقل اختصاص می‌دهد این در حالی است که خانوارهای با سرپرست زن سهم کمتری را به این کالا اختصاص می‌دهند. برای مشاهده بهتر این سهم در سبد مصرفی خانوار نمودار ۴-۳-۵ را رسم کرده‌ایم با توجه به این شکل ملاحظه می‌شود که در دهک‌های پایین درآمدی این سهم در گروه خانوارها به هم نزدیک است اما در دهک‌های بالا این فاصله بیشتر می‌شود اما نکته جالب در این است که همواره سهم خانوارهای با سرپرست مرد بالاتر از این سهم در خانوارهای با سرپرست زن می‌باشد که این می‌تواند اهمیت این کالا را در سبد مصرفی سرپرستان مرد نشان دهد. البته این نکته می‌تواند به دلیل داشتن خودرو و شخصی بیشتر در نزد مردان باشد که لاجرم هزینه‌های مربوط به حمل و نقل را افزایش می‌دهد که کسب درآمدی این کالا بیان می‌دارد که با افزایش درآمد هزینه روی حمل و نقل در بین سرپرستان مرد تغییر بیشتری خواهد کرد به عبارتی این کالا برای خانوارهای با سرپرست مرد لوکس‌تر از سرپرستان زن است. ضرایب جینی نیز تأکید می‌کند که در خانوارهای با سرپرست مرد توزیع نامناسب‌تر این هزینه را داریم.

با توجه به جدول ۷-۳-۵ ملاحظه می‌شود که هزینه آموزش و تفریحات برای اقشار کم درآمد در هر دو خانوار ۲ درصد از مخارج کل را به خود اختصاص می‌دهد اما هر چه به سمت دهک‌های بالای درآمدی حرکت می‌کنیم این سهم در بین سرپرستان زن کم می‌شود اما در بین سرپرستان مرد در همان حول و حوش نوسان دارد.

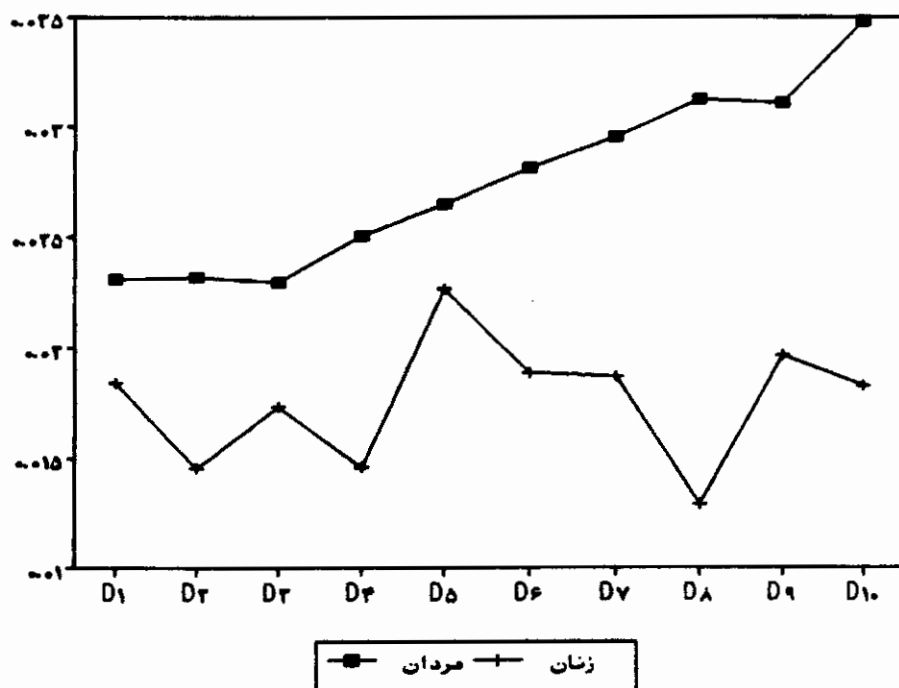
نمودار ۵-۳-۵ وضعیت این کالا را در سبد مصرفی خانوارهای با سرپرستان زن و مرد نمایش می‌دهد همان‌طور که ملاحظه می‌شود در تمامی دهک‌ها همواره سهم خانوارهای با سرپرست مرد بالاتر از سرپرستان زن است البته باید اشاره کرد که این سهم در سبد مصرفی خانوار بسیار کوچک است اما با این حال در همین سهم اندک نیز زنان بهره کمتری می‌برند. کسب درآمدی هم بیانگر این نکته است که در خانوارهای با سرپرست مرد با افزایش درآمد هزینه روی آنها همان نسبت تغییر می‌کند اما در خانوارهای با سرپرست زن این تغییر هزینه روی آموزش و تحصیلات کمتر است.

سایر هزینه‌های خانوار نیز همان‌طور که در جدول ۷-۳-۵ مشاهده می‌شود سهم به نسبت اندکی را دارا می‌باشد اما همین سهم اندک در بین زنان غنی سرپرست بیش از سرپرستان مرد است البته کسب درآمدی برای خانوارهای با سرپرست مرد بیش از سرپرستان زن است و این بیانگر این مطلب است که با افزایش درآمد هزینه روی این کالا برای سرپرستان زن افزایش بیشتری می‌یابد اما ضریب جینی بالای برای زنان سرپرست عده توزیع مناسب این هزینه را بیان می‌کند.

نمودار ۴-۳-۵- سهم هزینه حمل و نقل از کل هزینه‌ها جامعه شهری



نمودار ۵-۳-۵- سهم هزینه آموزش و تفریح از کل هزینه‌ها جامعه شهری

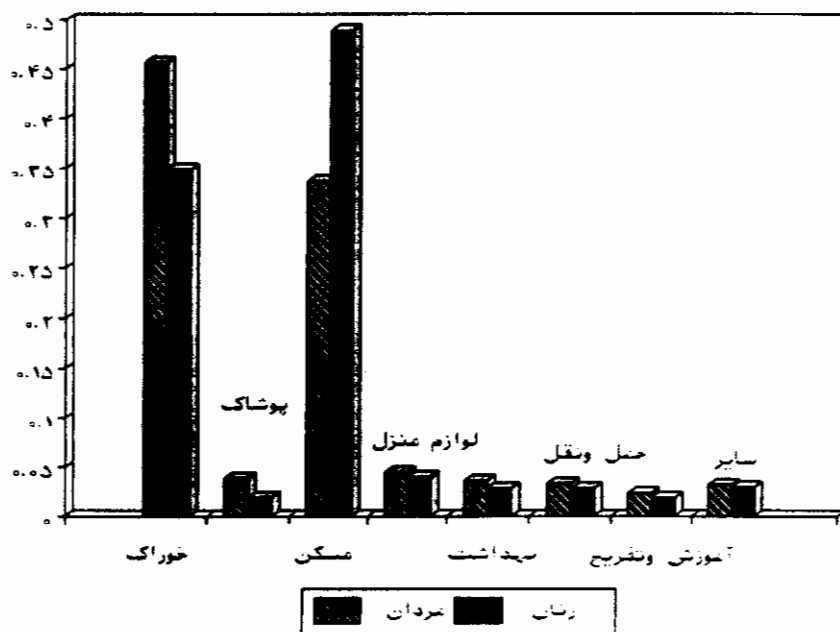


در مقایسه ی دیگر سهم هزینه ها را بری اقشار کم درآمد، متوسط و پر درآمد به صورت نمودارهایی رسم گردید که به ترتیب نمودار ۶-۳-۵ برای اقشار کم درآمد جامعه شهری، ۷ برای اقشار پر درآمد جامعه شهری و نمودار ۸ را برای میانگین جامعه شهری رسم کرده ایم. این نمودارها به خوبی می توانند سبب مصرفی این سه گروه درآمدی را نشان دهند.

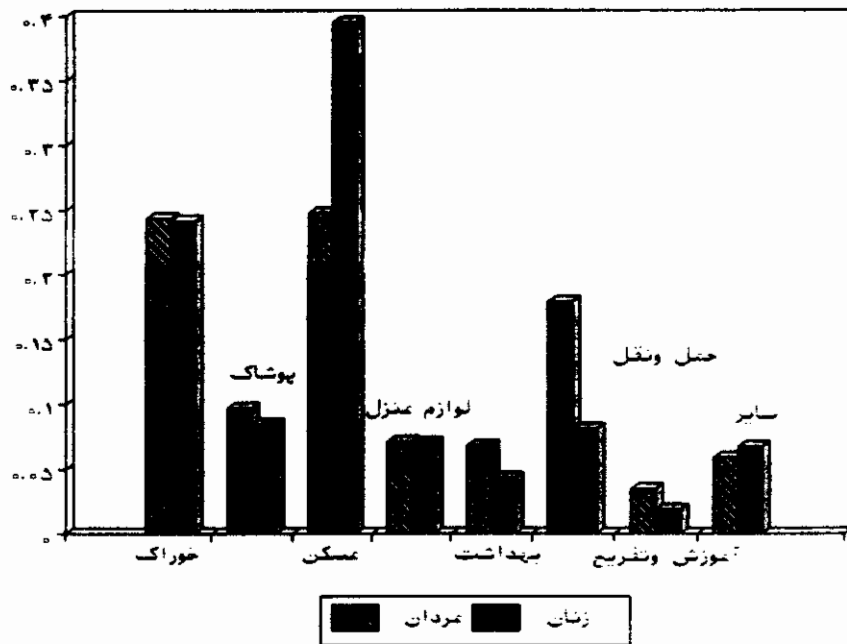
نمودارهای ۶-۳-۵ بیان می دارد که بری اقشار کم درآمد به طور تقریبی سبب مصرف خانوارها تفاوت عمده ای ندارد در واقع خانوارهای فقیر بدون توجه به سرپرست خانوار از یک الگوی مصرفی شبیه به هم تبعیت می کنند. تنها در مورد مسکن زنان سرپرست سهم بیشتری را از مخارج خود به این کالا اختصاص می دهند. البته سهم خوراک، پوشاک و لوازم منزل برای مردان بیشتر از زنان است که چون اندک است در اینجا به آن توجه زیادی نشده است.

نمودار ۷-۳-۵ سهم هزینه ها را برای اقشار پر درآمد جامعه شهری مطرح می کند. همان طور که ملاحظه می شود تفاوت عمده مربوط به هزینه مسکن است که در بین سرپرستان زن سهم بسیار بالاتری را نسبت به مردان سرپرست در می باشد این نشان می دهد که در اقشار پر درآمد مسکن عمده ترین سهم را برای سرپرستان زن ایفا می کند. این می تواند به دلیل حضور بیشتر زنان در منزل باشد که مسکن بهتر و در نتیجه هزینه بیشتر را آن سوی صرف می کنند. البته باز در این قشر نیز زنان از سهم پوشاک پایین تری برخوردار هستند و این میزان اهمیت این کالا برای مردان را بیشتر نشان می دهد. خوراک نیز برای ۵۰ درصد شروتمند جامعه برای زنان سهم بالاتری را دارد البته در قبل اشاره شد که این بالاتر بودن سهم خوراک برای زنان تنها در بالاترین دهک است و در سایر دهک ها همواره سهم هزینه خوراک مردان بیش از زنان است که این مسئله را در میانگین نیز خواهیم دید.

نمودار ۶-۳-۵- مقایسه سهم اقلام مختلف در هزینه کل اقشار کم درآمد جامعه شهری



نمودار ۷-۳-۵- مقایسه سهم اقلام مختلف در هزینه کل اقشار پردرآمد جامعه شهری



سهم حمل و نقل در سبد مصرفی خانوار با سرپرست مرد رقم بالایی را به خود اختصاص داده و همچنین این سهم تفاوت عمده‌ای با خانوارهای با سرپرست زن دارد و در واقع سهم حمل و نقل در اقشار پردرآمد با سرپرست مرد و زن تفاوت چشمگیری دارد از این نوع می‌توان هزینه بهداشت و درمان و همچنین آموزش و تفریحات را نام برد.

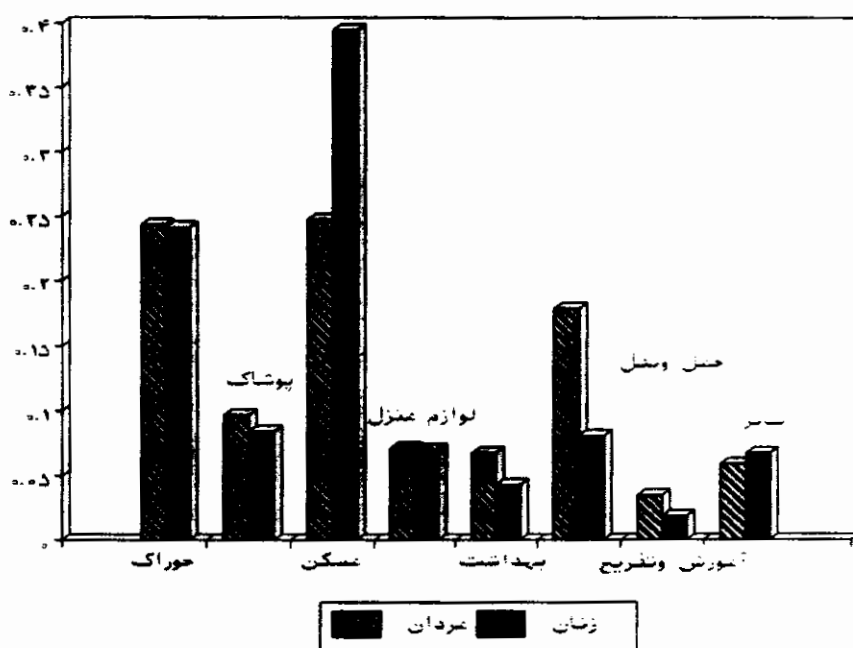
نمودار ۸-۳-۵ همانند نمودار قبل سهم هزینه‌های مختلف را از هزینه کل برای متوسط جامعه شهری نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود خوراک سهم بیشتری را در سرپرستان مرد دارا می‌باشد و این نکته را در نمودار قبل نیز توضیح دادیم. پوشاک همانند سایر اقشار درآمدی که گفته شد برای زنان از سهم بالاتری برخوردار است در واقع در هر قشری زنان به پوشاک اهمیت خاصی می‌دهند. مسکن نیز همانند پوشاک در بین زنان سرپرست سهم بیشتری را نسبت به سرپرستان مرد دارا می‌باشد. البته این تفاوت سهم در درآمدهای بالاتر بیشتر به چشم می‌خورد.

در سبد مصرفی مردان سرپرست همواره سهم حمل و نقل از رقم بالایی برخوردار است و در این نمودار می‌توان به وضوح این نکته را مشاهده کرد. البته همان‌طور که اشاره شد این می‌تواند ناشی از دشمن خودرو شخصی و هزینه‌های مربوط به آن باشد. بهداشت و درمان و همچنین آموزش و تفریح از کالاهایی هستند که سهم بیشتری را در خانوارهای با سرپرست مرد دارا می‌باشند.

### هزینه خوراک در بین خانوارهای با سرپرست مرد و زن جامعه شهری

اهمیت و حیاتی کالاهای خوراکی در بین خانوارها ما را ایجاب می‌کند که به صورت مجزای بخشی را به مقایسه این قلام اختصاص دهیم. همین منظور همانند جدول ۷-۳-۵ شاخص‌های خود را درباره کالاهای خوراکی در جدول شماره ۸-۳-۵ برای خانوارهای با سرپرست مرد و زن می‌آوریم در واقع می‌خواهیم نگوییم مصرف خوراکی این دو گروه خانوار را با هم مقایسه کنیم و تفاوت‌ها و تشابهات آن را بازگو کنیم.

نمودار ۸-۳-۵- مقایسه سهم اقلام مختلف در هزینه کل میانگین جامعه شهری



جدول شماره ۸-۳-۵ نشان می‌دهد که برنج در بین اقلام خوراکی خانوارهای با سرپرست مرد و زن جایگاه ویژه‌ای دارد و در واقع به طور میانگین بالاترین سهم را دارا می‌باشد اما نکته جالب در این است که در اقشار فقیر سهم هزینه برنج سرپرستان مرد بیش از سرپرستان زن است در حالی که این نکته دهک‌های پایین درآمدی تفاوت دارد در واقع در اقشار فقیر سرپرستان زن و مرد سهم مساوی از مخارج خود را به برنج اختصاص می‌دهند.

نان در سبد مصرفی اقشار فقیر جایگاه عمده‌ای دارد اما این سهم در سرپرستان زن بیش از مردان سرپرست است با توجه به این که برنج در اقشار فقیر سرپرست زن سهم کمتری داشت ولی در عوض نان در این گروه خانوارها سهم عمده‌تری را دارا می‌باشد در واقع می‌توان گفت که خانوارهای فقیر با سرپرست زن به نان جای بیشتری نسبت به برنج می‌دهند البته در بخش‌های بعد خواهیم دید که از این طریق می‌توانند انرژی بیشتری را با قیمت کمتری به دست آورند و شاید به این دلیل درصد کمتری در زیر خط فقیر قرار می‌گیرند. اما در درآمدهای بالاتر این سهم کمتر و کمتر می‌شود ولی همواره سرپرستان زن نسبت به مردان

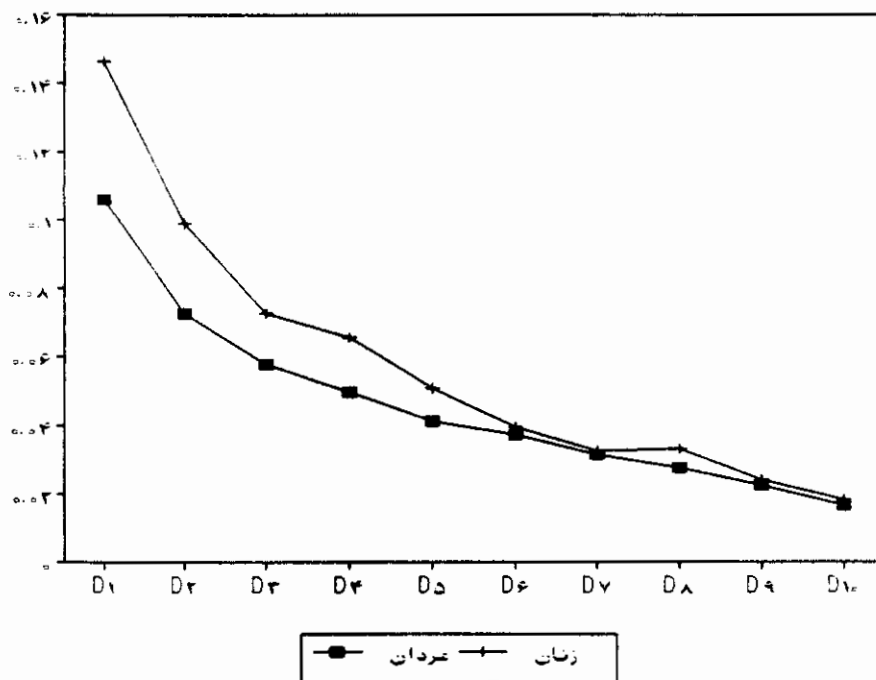
سرپرست سهم بیشتری را به نان اختصاص می دهند نمودار ۵-۳-۹ می تواند تغییرات سهم نان در دهک های درآمدی نشان دهد همان طور که ملاحظه می شود این سهم روندی نزولی دارد اما در خانوارهای با سرپرست زن شیب بیشتری را دارا می باشد.

جدول ۵-۳-۸- مقایسه اقلام خوراکی خانوارهای با سرپرست مرد و زن

سرپرست		اقشار فقیر		میانگین جامعه		اقشار غنی		کشش درآمدی		هزینه ها
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
		۹	۹	۱۷	۱۵	۳۰	۱۵			برنج
		۱۲	۱۶	۳	۴	۱	۲	۰.۰۲	۰.۰۷	نان
		۱۰	۹	۱۵	۱۶	۱۶	۱۶	۰.۸۱	۰.۸۹	گوشت
		۶	۳	۷	۷	۷	۱۰	۰.۸	۱.۰۶	میوه
		۱۳	۱۵	۱۰	۱۱	۸	۹	۰.۳۷	۰.۵۴	لبنیات
		۷	۹	۵	۶	۴	۵	۰.۳۵	۰.۴۸	روغن
		۵	۶	۲.۷	۲.۸	۲	۲	۰.۲۸	۰.۳۷	قند و شکر
		۴	۴	۴	۴	۳	۴	۰.۵۱	۰.۴۱	چای
		۵	۱	۴	۲	۴	۲	۰.۵۱	۰.۱	دخانیتات

سازمان محاسبات و تحقیق

نمودار ۵-۳-۹- سهم هزینه نان از کل هزینه خوراکی جامعه شهری



گوشت - سهمی حدود ۵ درصد به طور میانگین از مخارج خوراکی خانوار را دارا می باشد این سهم در اقشار که درآمد، همواره محدودتری با سرپرست زن کمتر از مردان سرپرست است سهم مرغ با توجه به این که در میانگین جامعه مسدود است اما زنان سرپرست فقیر سهم کمتری از مخارج خوراکی خود را صرف مرغ می کنند در حالی که بزرگترین پردرآمدان سهم زنان سرپرست بیشتر می گردد. این نکته می تواند تأییدی بر کاهش درآمدی بالاتر مرغ در بین زنان سرپرست می شود.

سهم لبنیات در اقشار که درآمد جامعه و در هر دو گروه خانوارها رقم به نسبت بزرگی را به خود اختصاص داده است. در این نسبت برای خانوارهای با سرپرست زن بیش از مردان سرپرست است. اما هرچه به سمت قشر پردرآمد جامعه پیش می رویم این اختلاف سهم کاهش می یابد.

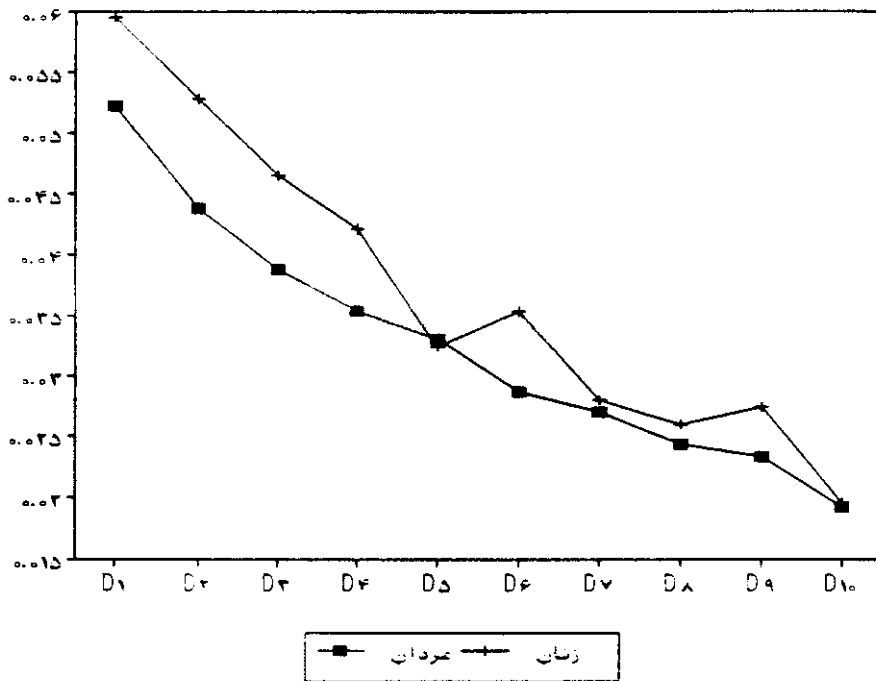
روغن به طور متوسط ۵ درصد از مخارج خوراکی را برای خانواده های با سرپرست مرد به خود اختصاص می دهد. این سهم برای قشر فقیر جامعه با سرپرست زن بیش از مردان سرپرست است و بالاتر بودن سرپرستان زن در برده ثروت و تمندان نیز صادق است در واقع زنان سرپرست در اغلب موارد سهم بیشتری را به روغن می دهند. سهم قند و شکر در سبد مصرفی با سرپرست زن به طور متوسط ۲۸ درصد از مخارج خوراکی را به خود اختصاص می دهد این سهم در مخارج خانوارهای با سرپرست مرد به طور متوسط ۲۷ است هر چند که در میانگین به هم بسیار نزدیک هستند اما با توجه به نمودار ۱۰-۳-۵ ملاحظه می شود که این نسبت در زنان سرپرست همواره بالاتر از سرپرستان مرد است جز در دهک ۶ و دهک ۱۰ در واقع زنان سرپرست نسبت سهم بیشتری را به قند و شکر و در هزینه های خوراکی نسبت به سرپرستان مرد می دهند. چای در سبد مصرفی خانوارها با نوساناتی اندک حول و حوش ۴۰ درصد از مخارج خوراکی را به خود مربوط می کند که این نسبت در طول دهک های درآمدی در همین دامنه تغییر می کند.

دخانیات در هزینه های خوراکی خانوار با سرپرست مرد به طور متوسط ۴ درصد سهم دارد در حالی که برای زنان سرپرست این رقم تنها ۲ درصد از مخارج خوراکی را به خود اختصاص می دهد به عبارت دیگر مرد سرپرست ۳ برابر سرپرستان زن سهم هزینه دخانیات می کنند. که این رقم بزرگی را می توان شامل کرد. این روند در قشر غنی و حتی که درآمد نیز مشاهده می شود در واقع مردان سرپرست همواره سهم هزینه ای که برای دخانیات اختصاص می دهند بیش از سرپرستان زن است برای مشاهده بهتر نمودار ۱۱-۳-۵ این نکته را نشان می دهد. همان طور که ملاحظه می شود زنان سرپرست سهمی به مراتب پایین تری را برای دخانیات اختصاص می دهند. که بودن سهم دخانیات می تواند به زنان سرپرست این امکان را بدهد که سهم بیشتری را به سایر کالاها خوراکی بدهند و از این طریق میزان کالری بیشتری را به خانواده خود برسانند.

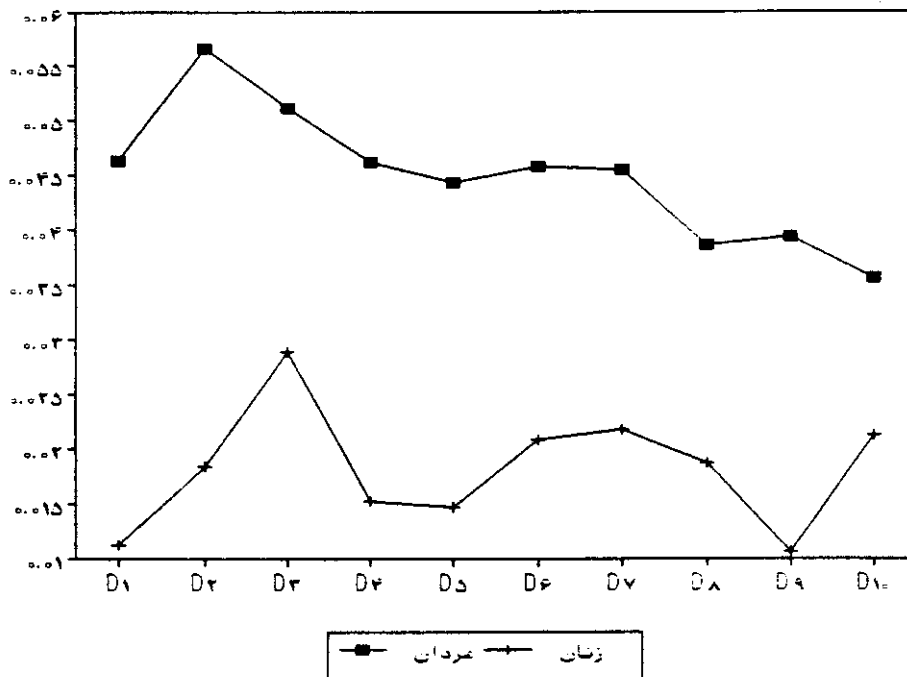
برای بررسی بهتر در الگوی مصرفی خانوارهای با سرپرست زن و مرد در اقشار مختلف درآمدی نمودارهای ۱۲-۳-۵ تا ۱۴-۳-۵ را رسم کردیم که هر یک از این نمودارها، تصویری از سبد مصرفی خوراکی اقشار مختلف درآمدی را بیان می دارد.

نمودار ۱۲-۳-۵ سهم اقلام خوراکی در هزینه خوراک را برای اقشار که درآمد جامعه شهری نشان می دهد. همان طور که ملاحظه می شود زنان سرپرست سهم زیادتری به نان و لبنیات می دهد در حالی که سرپرستان مرد - هزینه مرغ و گوشت مخارج خود را صرف می کنند. البته مشاهده می شود که دخانیات سهم بسیار - لاابری را در سرپرستان مرد دارا می باشد.

نمودار ۱۰-۳-۵- سهم هزینه قند و شکر از کل هزینه خوراکی جامعه شهری



نمودار ۱۱-۳-۵- سهم هزینه دخانیات از کل هزینه خوراکی جامعه شهری





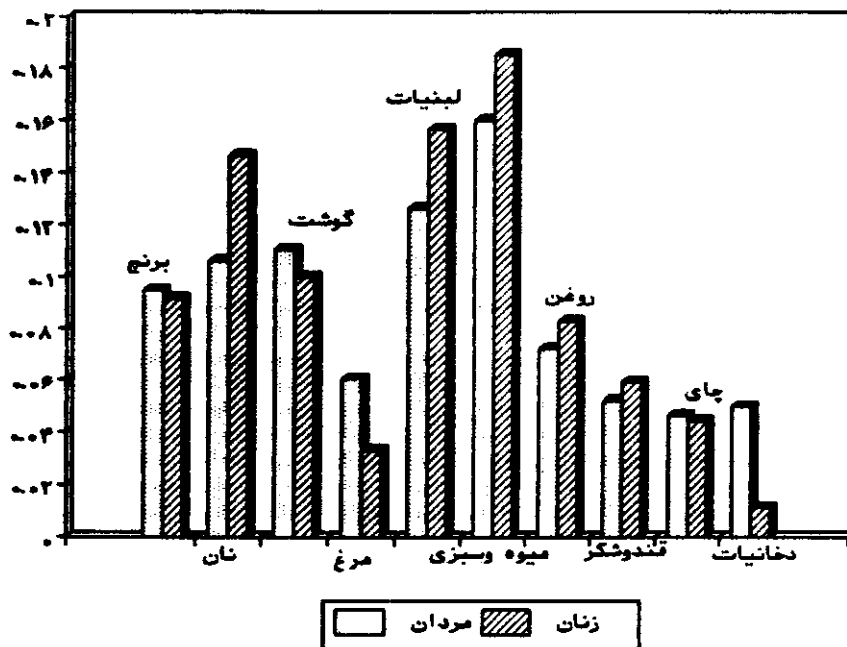
نمودار ۱۳-۳-۵ همپس سهم بربری فشار بر درآمد جامعه شهری مطرح می‌کند در این نمودار ملاحظه می‌شود که الگوی مصرفی با کمی تفاوت در دو خانوار با سرپرست مرد و زن تقریباً به هم شباهت دارند تنها سهم برنج تفاوت عمده را نشان می‌دهد که زنان سرپرست سهم کمتری را در مخارج خود به برنج اختصاص می‌دهند. اما باز دخانیات در بین مردان سرپرست سهم بالاتری را دارد.

نمودار ۱۴-۳-۵ میانگین جامعه را ارائه می‌دهد که در آن زنان سرپرست سهم بیشتری در تمامی کالاها جز برنج و دخانیات دارند می‌باشند. البته مرغ سهم بسیار نزدیکی را در دو گروه دارد اما سهم دخانیات در مردان سرپرست تفاوت عمده‌ای را با سرپرستان زن بیشتر می‌دهد.

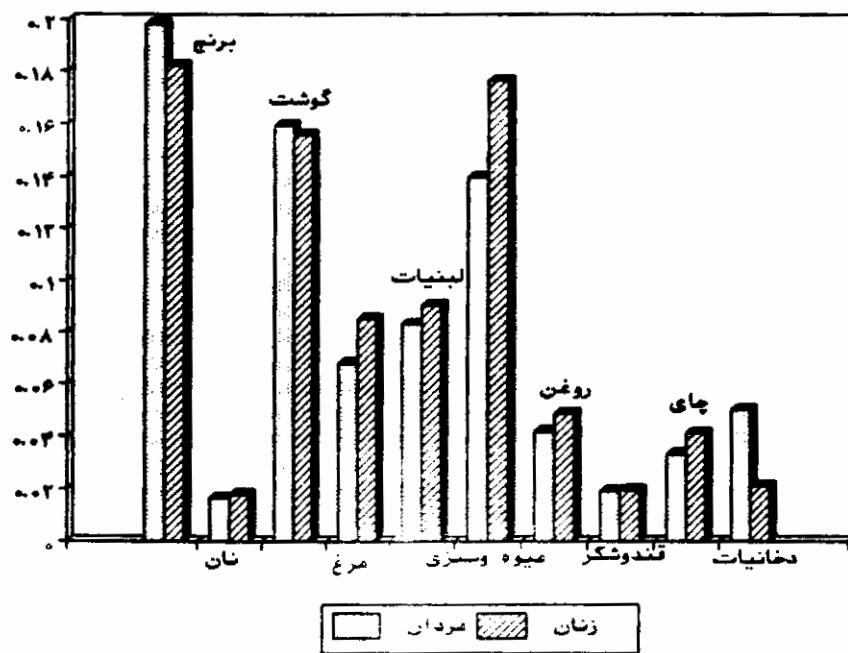
رسانه نمودار فوق می‌توان نتیجه گرفت که زنان سرپرست در اقشار کم درآمد برای جبران کالری مورد نیاز زن و لبنیات را بیشتر از سایر کالاها در سبد مصرفی خود می‌آورند و شاید یکی از دلایل ارزان‌تر بودن کالری بری آنان در همین نکته باشد.

در ادامه بحث فوق می‌توان این نکته را بیان داشت که با توجه به همین آمار بودجه خانوار زنان سرپرست مقدار کالری مورد نیاز خود را ارزان‌تر از مردان سرپرست تهیه می‌کنند در واقع در جدول زیر قیمت کالری بری خانوارهای با سرپرست مرد و زن به تفکیک آمده است در این جدول یک بار میزان انرژی دریافتی را بر هزینه‌های خوراکی و دخانی تقسیم کردیم و یک بار بر هزینه خوراکی به تنهایی به دست آورده‌ایم:

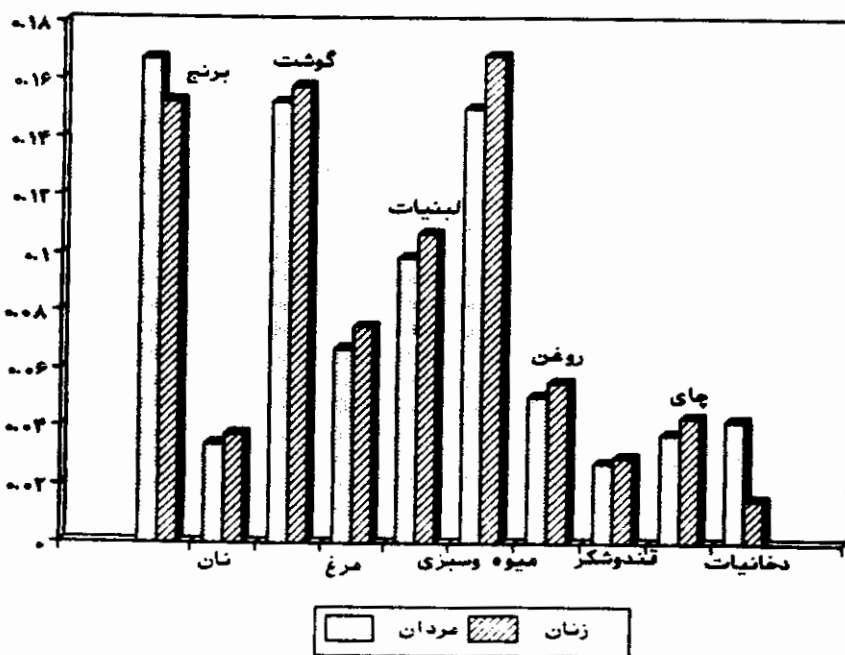
نمودار ۱۲-۳-۵- مقایسه سهم اقلام مختلف در هزینه خوراکی اقشار کم درآمد جامعه شهری - ۱۳۷۴



نمودار ۱۳-۳-۵- مقایسه سهم اقلام مختلف در هزینه خوراکی انتشار بردرآمد درآمد جامعه شهری ۱۳۷۴



نمودار ۱۴-۳-۵- مقایسه سهم اقلام مختلف در هزینه خوراکی میانگین جامعه شهری - ۱۳۷۴



جدول ۹-۳-۵- قیمت هر کالری برای خانوارهای با سرپرست مرد وزن جامعه شهری - ۱۳۷۴

دهک	AV	D1	D2	D3	D4	D5	D6	D7	D8	D9	10
مردان	۲۳۵	۱۰۵	۱۳۷	۱۵۷	۱۷۹	۲۰۱	۲۱۹	۲۴۰	۲۶۸	۳۰۱	۳۸۰
دختری	۲۲۱	۷۴	۱۰۵	۱۳۷	۱۴۷	۱۸۱	۱۹۲	۲۳۷	۲۴۹	۲۸۰	۲۷۲
مردان	۲۲۵	۱۰۰	۱۳۰	۱۴۸	۱۷۰	۱۹۱	۲۰۹	۲۳۰	۲۵۷	۲۸۹	۳۶۶
مردان	۲۱۷	۷۲	۱۰۴	۱۳۴	۱۴۳	۱۷۶	۱۸۹	۲۲۴	۲۴۵	۲۷۵	۳۶۵

محد محاسبات دوره تحسین

آمار جدول فوق به این صورت به دست آمده است که ابتدا از ضریب میزان کالری هر کالا بودجه خانوار و میزان مصرف حدوداها مقدار کالری مصرفی هر فرد را محاسبه کرده ایم و سپس هزینه های خوراکی و دخانی را بر میزان انرژی مصرفی تقسیم کرده ایم که این قیمت را در سطرهای اول و دوم جدول ذکر شده و یک بار هزینه خوراکی را به تنهایی بر میزان کالری مصرفی بخش کردیم که در دو سطر ۳ و ۴ آمده است همان طریقی که ملاحظه می شود زنان همواره با قیمت کمتری کالری مورد نظر را دریافت می کنند.

دو سطر اول این جدول بیان می دارد که خانوارها هر کالری را به چه قیمتی تهیه می کنند در واقع اگر دقت کنیم ملاحظه می شود که مردان ۶ درصد بیشتر باید بپردازند تا یک کالری تهیه کنند این درصد درباره دهک اول به ۲۶ درصد می رسد در واقع سرپرستان زن فقیر ۲۶ درصد کمتر از مردان برای هر کالری هزینه می کنند. این درصد برای قشر غنی اده درصد بالا ۱۵ درصد است. در عبارت دیگر مردان سرپرست تنها ۵ درصد بیشتر از مردان سرپرست برای هر کالری هزینه صرف می کنند این نشان می دهد که در درآمدهای بالا تفاوت کمتری وجود دارد. به هر حال همواره زنان کالری را ارزان تر تهیه می کنند که این می تواند به دو دلیل باشد که یکی آنست که سهم بیشتر هزینه دخانیات در بین مردان سرپرست می باشد. برای این منظور قسمت بعدی جدول را تهیه کردیم در این جا هزینه دخانیات را از هزینه خوراکی خارج نمودیم اما باز مردان درصد بیشتری را برای تهیه کالری هزینه می کنند در اینجا نیز بیشترین اختلاف مربوط به اقشار کم درآمد زنان سرپرست است که ۲۱ درصد کمتر از مردان برای تهیه کالری هزینه صرف می کنند باید ذکر کنیم که با اضافه کردن دخانیات نیز زنان فقیر تنها ۳۱ درصد بیشتر به قیمت کالری شان افزوده می شود و این می تواند بیانگر مصرف که دخانیات در این قشر باشد.

سرپرستان مرد در درآمد تنها ۱۰ بیشتر از زنان برای کالری می پردازند که این نشان دهنده شباهت الگوی مصرفی آنان در درآمدهای بالا به یکدیگر است نتیجه گیری مهم از بررسی بالا توانایی بیشتر زنان از تأمین کالری ارزان تر است که به دلیل مصرف کالاهای مغذی تر نسبت به سرپرستان مرد می باشد در واقع زنان سرپرست توانایی بهتری در استفاده بهینه از درآمد خود را دارند.

#### ه- مقایسه خانوارهای سرپرست زن روستایی با خانوارهای سرپرست مرد روستایی

در بخش قبل مشاهده کردیم که تفاوتی در رفتار مصرفی خانوارهای با سرپرست زن و مرد در شهر حاکم است حال به بررسی این وضعیت در خانوارهای روستایی می پردازیم. به این منظور جایگاه ۸ گروه عمده

کالایی را در جدول زیر مشاهده خواهید کرد:

جدول ۱۰-۳-۵- مقایسه شاخص های عمده خانوارهای با سرپرست زن و مرد در جامعه روستایی سال ۱۳۷۴

هزینه‌ها	سرپرست		اقتدار فقیر		میانگین جامعه		اقتدار غنی		کشش درآمدی		ضرایب جینی	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
خوراک	۵۵	۳۱	۴۹	۴۹	۴۵	۳۸	۱۰۴۷	۰/۸۹	۰/۲۹۳	۰/۳۵۱	۰/۲۹۳	۰/۳۵۱
پوشاک	۴	۰	۱۰	۱۲	۱۳	۱۲	۱۹۹۷	۱/۴۹	۰/۵۹۸	۰/۵۱۳	۰/۵۹۸	۰/۵۱۳
مسکن	۲۶	۲۹	۱۷	۱۲	۸	۸	۰/۵۷	۰/۶۸	۰/۲۷۸	۰/۲۸۷	۰/۲۷۸	۰/۲۸۷
توازم منزل	۵	۴	۷	۸	۱۰	۱۰	۱/۲۳	۱/۲۳	۰/۵۴۹	۰/۴۹۱	۰/۵۴۹	۰/۴۹۱
بهداشت و درمان	۳	۱	۵	۵	۹	۸	۱/۲۹	۱/۲۹	۰/۵۷۱	۰/۵۴۸	۰/۵۷۱	۰/۵۴۸
حمل و نقل	۴	۲	۴	۶	۱۳	۱۳	۱/۲۶	۱/۲۶	۰/۵۲۳	۰/۵۶۵	۰/۵۲۳	۰/۵۶۵
آموزش و تفریحات	۲	۱	۱	۲	۱	۱	۰/۹۹	۰/۸۷	۰/۴۵۲	۰/۳۶۱	۰/۴۵۲	۰/۳۶۱
سایر	۳	۱	۵	۵	۷	۹	۱/۴۸	۱/۳۳	۰/۶۳۶	۰/۵۴۱	۰/۶۳۶	۰/۵۴۱

ماخذ: محاسبات گروه تحقیق

با توجه به جدول فوق، سرپرست خانوار که سهم عمده‌ای را در سبد مصرفی خانوارها دارا می‌باشد اما این سهم در بین اقشار فقیر جامعه بسیار کمتر است در اقتدار فقیر جامعه زن سرپرست سهم کمتری را به نسبت مردان سرپرست به هزینه خوراک می‌دهند در حالی که در ثروتمندان جامعه سرپرستان زن سهم عمده‌ای را به هزینه‌های خوراک اختصاص می‌دهند و در واقع در میانگین جامعه این نسبت به هم نزدیک می‌شود. کشش درآمدی نشان می‌دهد که سرپرستان با افزایش درآمد هزینه بیشتری را روی خوراک صرف می‌کنند. برای مشاهده بهتر جایگاه خوراک را در بین دو گروه خانوار سرپرست زن و مرد در روستا نمودار ۱۵-۳-۵ می‌تواند سهم مصرفی هر یک از دهک‌های مختلف درآمدی را نشان دهد همان‌طور که ملاحظه می‌شود مردان همواره سهم بیشتری را به هزینه‌های خوراک می‌دهند و در واقع در تمامی دهک‌های درآمدی جز دهک آخر سرپرستان مرد سهم بیشتری را به خوراک می‌دهند.

سهم پوشاک در بین اقشار فقیر جامعه روستایی با سرپرست زن سهم بسیار اندکی از هزینه‌های آنان را شامل می‌شود. اما به طور متوسط در خانوارهای با سرپرست زن روستایی حدود ۱۰ درصد از هزینه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد که کمتر از مردان است این تفاوت در سهم در اقشار غنی جامعه روستایی نیز مشاهده می‌گردد. چنانچه به نمودار ۱۶-۳-۵ توجه کنیم. مشاهده می‌شود که پوشاک همواره در بین سرپرستان مرد روستایی از سهم بیشتری برخوردار است در واقع مردان سرپرست به پوشاک اهمیت زیادی می‌دهند کشش درآمدی نیز نشان می‌دهد که این کالا به عنوان یک کالای لوکس در سبد مصرفی خانوارها تلقی می‌شود.

با توجه به سهم مسکن در خانوارهای روستایی ملاحظه می‌شود که سرپرستان زنان روستایی در مقایسه با مردان سرپرست سهم بیشتری را به طور متوسط به مسکن اختصاص می‌دهند این نکته را می‌توان در اقتدار متوسط و غنی جامعه سرپرستان زن مشاهده کرد ما نکته جالب سهم عمده خانوارهای زن سرپرست روستایی است که حدود ۵۹ درصد را شامل می‌شود و می‌توان آن را ناشی از پیدا کردن امنیت بیشتر دانست.

نمودار ۱۷-۳-۵ نیز نکته را به وضوح نمایش می دهد. همان طوری که ملاحظه می شود، افزایش درآمد در طول دهک های درآمدی نمودار با شیب نزولی پیدا می کند اما در تمامی مراحل سرپرستان زن در بالای مردان سرپرست قرار دارند.

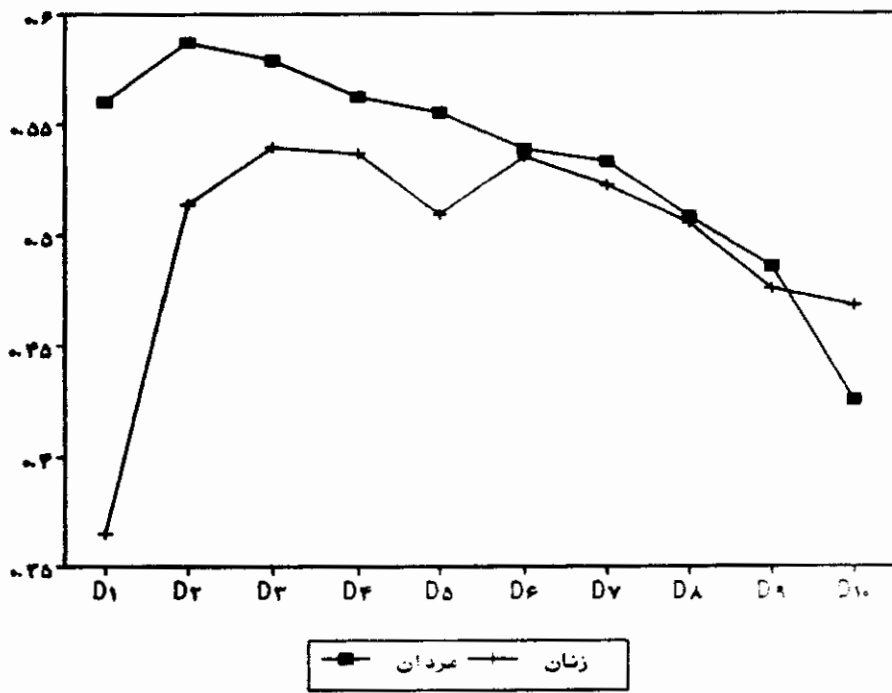
لوازم منزل در خانوارهای روستایی سهم اندکی را دارد اما این سهم در بین خانوارهای باسرپرست زن و مرد قابل مقایسه است و همواره مردان سرپرست سهم بیشتری را به این کالا می دهند و با افزایش درآمد سهم هزینه ای روی این کالا بیشتر می گردد در واقع کاهش درآمدی لوازم منزل نوکس بودن این کالا را بیان می کند اما نشان می دهد که با افزایش درآمد مردان سرپرست هزینه بیشتری را به هزینه های جاری می دهد و در واقع در تمامی دهک های درآمدی جز دهک آخر سرپرستان مرد سهم بیشتری را به خوراک می دهند.

سهم پوشاک در بین اقشار فقیر جامعه روستایی با سرپرست زن سهم بسیار اندکی از هزینه های آنان را شامل می شود. اما به طور متوسط در خانوارهای باسرپرست زن روستایی حدود ۱۰ درصد از هزینه ها را به خود اختصاص می دهد که کمتر از مردان است این تفاوت در سهم در اقشار غنی جامعه روستایی نیز مشاهده می گردد. چنانچه به نمودار ۱۶-۳-۵ توجه کنیم مشاهده می شود که پوشاک اهمیت زیادی سرپرستان مرد روستایی از سهم بیشتری برخوردار است در واقع مردان سرپرست به پوشاک اهمیت زیادی می دهند کاهش درآمدی نیز نشان می دهد که این کالا به عنوان یک کالای نوکس در سده مصرفی خانوارها تلقی می شود.

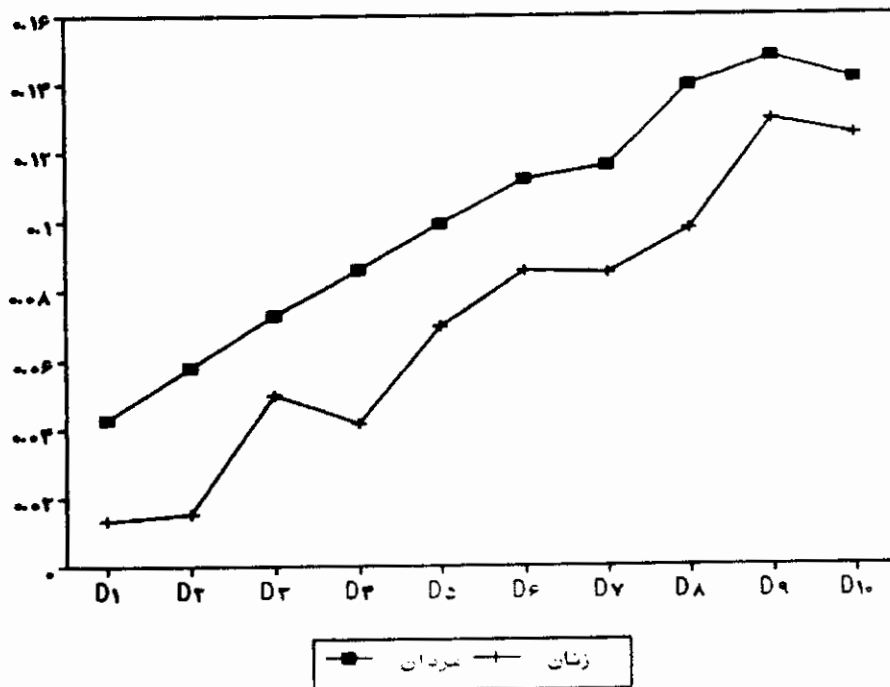
با توجه به سهم مسکن در خانوارهای روستایی ملاحظه می شود که سرپرستان زن روستایی در مقایسه با مردان سرپرست سهم بیشتری را به طور متوسط به مسکن اختصاص می دهند پس نکته می توان در اقشار متوسط و غنی جامعه سرپرستان زن مشاهده کرد اما نکته جالب سهم عمده خانوارهای زن سرپرست روستایی است که حدود ۵۹ درصد را شامل می شود و می توان آن را ناشی از پیدا کردن امنیت بیشتر دانست. نمودارهای ۱۷-۳-۱۵ این نکته را به وضوح نمایش می دهد. همان طور که ملاحظه می شود با افزایش درآمد در طول دهک های درآمدی نمودار با شیب نزولی پیدا می کند اما در تمامی مراحل سرپرستان زن در بالای مردان سرپرست قرار دارند.

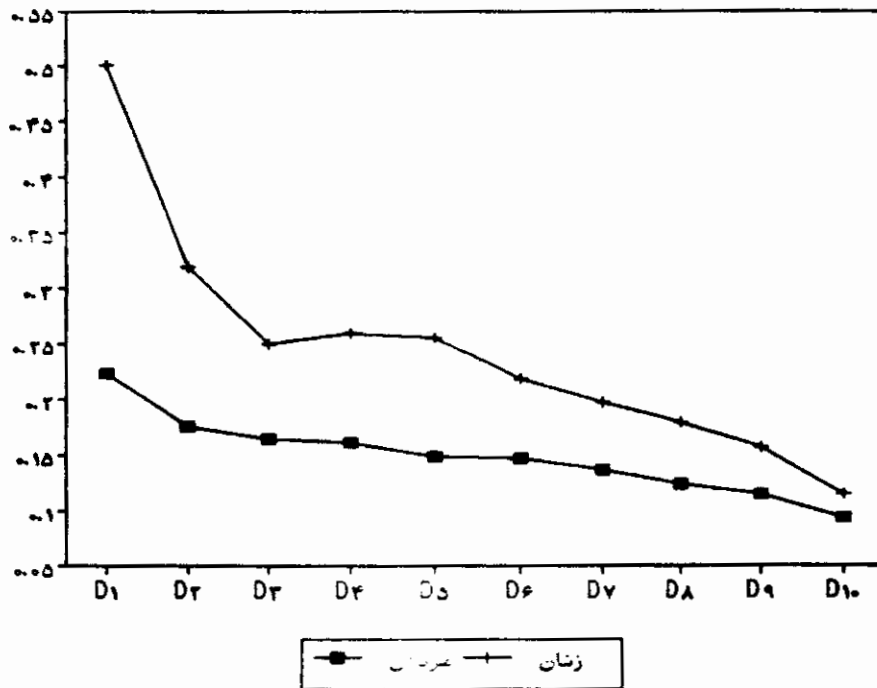
لوازم منزل در خانوارهای روستایی سهم اندکی را دارد اما این سهم در بین خانوارهای باسرپرست زن و مرد قابل مقایسه است و همواره مردان سرپرست سهم بیشتری را به این کالاها می دهند و با افزایش درآمد سهم هزینه ای روی این کالا بیشتر می گردد در واقع کاهش درآمدی لوازم منزل نوکس بودن این کالا را بیان می کند اما نشان می دهد که با افزایش درآمد مردان باسرپرست هزینه بیشتری سوی این کالا انجام می دهند. سهم بهداشت و درمان در میانگین جامعه روستایی به طور تقریبی نسبت کمی از هزینه کل آنان را شامل می شود و سهم اندکی را در مخارج خانوار دارد این سهم در اقشار فقیر جامعه برای زنان سرپرست تنها ۱۰ درصد از هزینه را به خود مربوط می کند و برای ثروتمندان جامعه به خصوص مردان سرپرست افزایش می یابد اما نکته حائز اهمیت بالاتر بودن سهم مردان نسبت به زنان سرپرست است نمودار ۱۸-۳-۵ به خوبی این مطلب را نشان می دهد که در طول دهک های درآمدی همواره سهم مردان سرپرست بیش از سرپرستان زن بوده است.

نمودار ۱۵-۳-۵- سهم هزینه خوراک از کل هزینه‌ها جامعه روستایی



نمودار ۱۶-۳-۵- سهم هزینه پوشاک از کل هزینه‌ها جامعه روستایی





حمل و نقل در سبد مصرفی خانوارهای روستایی سهم به نسبت اندکی دارد. البته در اقشار ثروتمند این سهم رقم بزرگتری را به خود اختصاص می‌دهد به طوری که در افراد غنی با سرپرست مرد این نسبت به ۱۳ درصد و برای زن سرپرست به ۶ درصد می‌رسد اما در روستائیز همانند شهر سهم حمل و نقل همواره در خانوارهای با سرپرست مرد بالاتر از زنان سرپرست است این نکته در نمودار ۱۹-۳-۵ به خوبی ملاحظه می‌شود همان‌طور که ملاحظه می‌گردد در تمامی دهک‌های درآمدی سهم مردان سرپرست همواره بالاتر از سرپرستان زن بوده است.

آموزش و تفریحات در خانوارهای روستایی سهم کمی را دارا می‌باشد و در رنج کوچکی تغییر می‌کند ما همواره سهم مردان بیش از زنان سرپرست بوده است و این می‌تواند به دلیل سهم هزینه آموزش در روستا باشد که به دلیل توجه بیشتر به مردان برای تحصیل و آموزش این سهم این گروه بالاتر رفته و در حالی که زنان همواره از نعمت تحصیل در روستاها تا حد زیادی بی‌بهره بوده‌اند نمودار ۲۰-۳-۵ بیانگر مطلب است. سایر هزینه‌های خانوار نیز با افزایش درآمد سهمش بیشتر می‌گردد و در دهک‌های بالای درآمدی برای زنان و مردان سرپرست به هم نزدیک می‌گردد. کسش درآمدی بالای آن بیانگر لوکس بودن این گروه از کالاها برای خانوار روستایی است.

برای بررسی بهتر الگوی مصرف خانوار روستایی و مقایسه سرپرستان مرد و زن با یکدیگر نمودار ۲۱-۳-۵ را مطرح کرده‌ایم در این شکل سهم اقلام مختلف در هزینه کل برای میانگین جامعه مطرح شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود سهم مسکن در بین خانوارهای با سرپرست زن بالاتر از سهم مردان

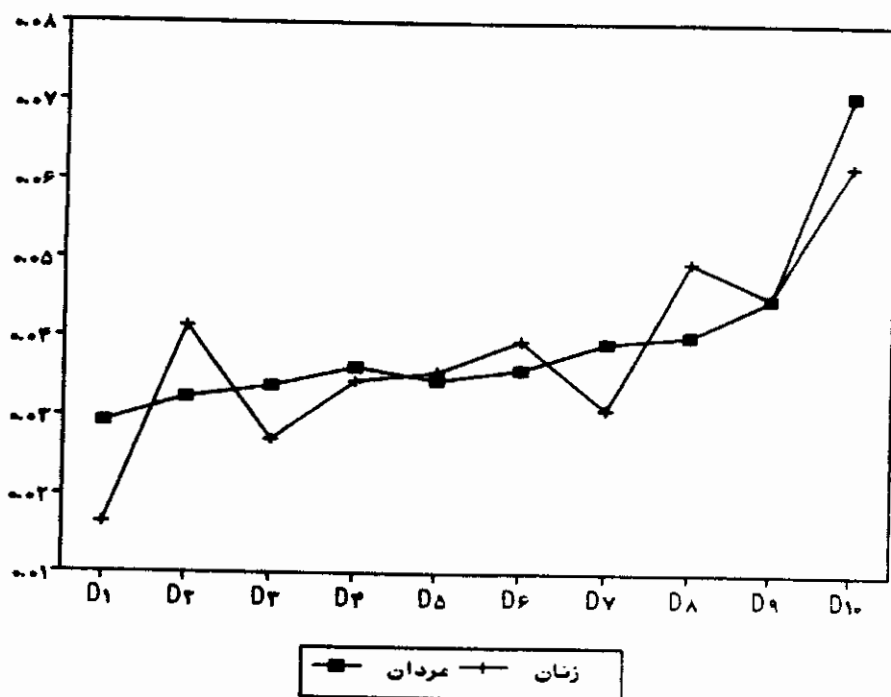
سرپرست است اما در مورد خوراک و پوشاک و حمل و نقل این مقایسه به عکس است. این نکته‌ای است که در شهر تبریز به آن برخورد کردیم.

نمودارهای ۲۲-۳-۵ و ۲۳-۳-۵ نیز همین سهم را نشان می‌دهند اما برای اقشار فقیر و ثروتمند جامعه روستایی مشاهده می‌گردد در نمودار ۸ که برای اقشار فقیر جامعه روستایی است خانوارهای با سرپرست مرد هزینه خوراک بیشتری را نسبت به سرپرستان زن به خود اختصاص می‌دهند. اما سهم مسکن زنان سرپرست به مراتب بیشتر از سرپرستان مرد است و این می‌تواند به دلیل تفکر داشتن امنیت بیشتر با مسکن بهتر برای خانوار سرپرست زن باشد.

در نمودار ۲۳-۳-۵ مشاهده می‌شود که اقشار غنی سهم خوراک تقریباً یکسانی را بدون توجه به نوع سرپرست خانوار در بر می‌باشند و تفاوت عمده در هزینه حمل و نقل است که مردان سرپرست سهم بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند. مردان در پوشاک و بهداشت سهم بیشتری را دارند در ضمن سهم مسکن نمودار ۱۷-۳-۵ نشان می‌دهد که زنان سرپرست با افزایش درآمد همچنان سهم بیشتری را به مسکن اختصاص می‌دهند.

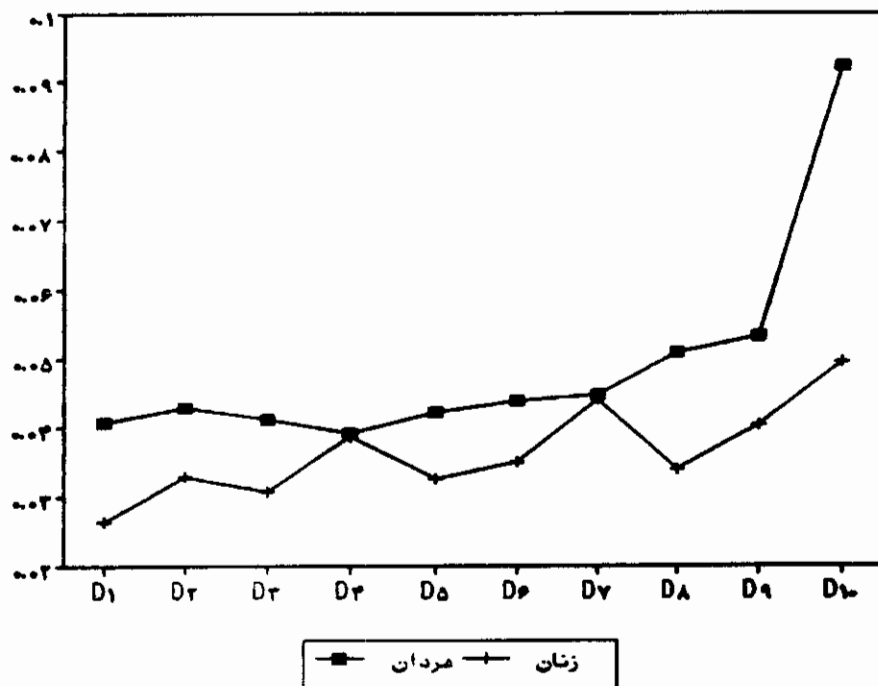
چنانچه همانند جامعه شهری الگوی خوراکی جامعه روستایی را مطالعه کنیم نتایجی جالب خواهیم داشت. نمودار ۲۴-۳-۵ میانگین جامعه روستایی را نشان می‌دهد که سهم‌های هزینه‌ای را بیان می‌کند و مشاهده می‌شود که بالاترین سهم مربوط به برنج است که زنان سرپرست نیز بیش از مردان سرپرست است و سرپرست سهم کربست و نسبت در سه مصرفی خانوارهای روستایی نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند.

نمودار ۱۸-۳-۵- سهم هزینه بهداشت و درمان از کل هزینه‌ها جامعه روستایی

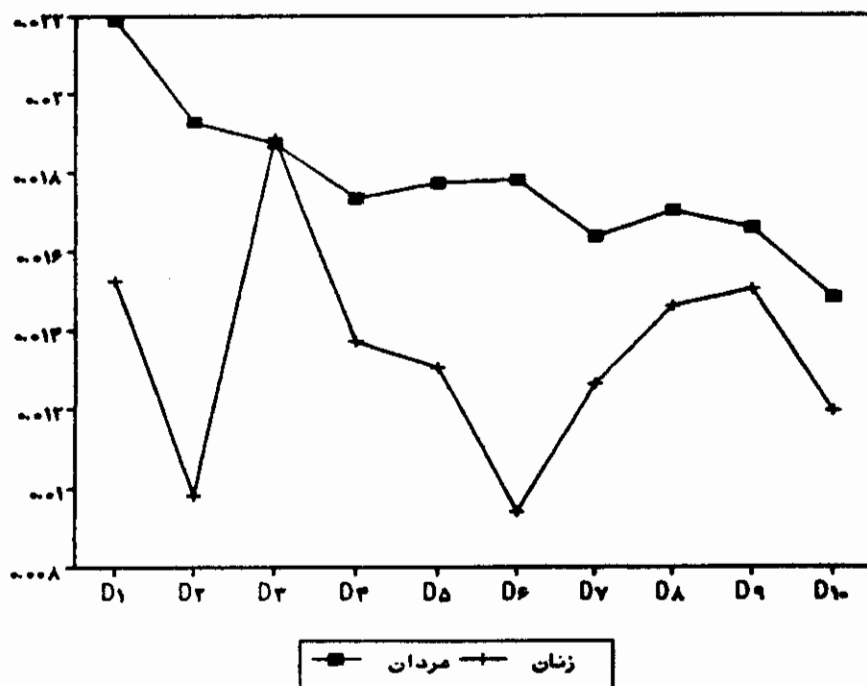




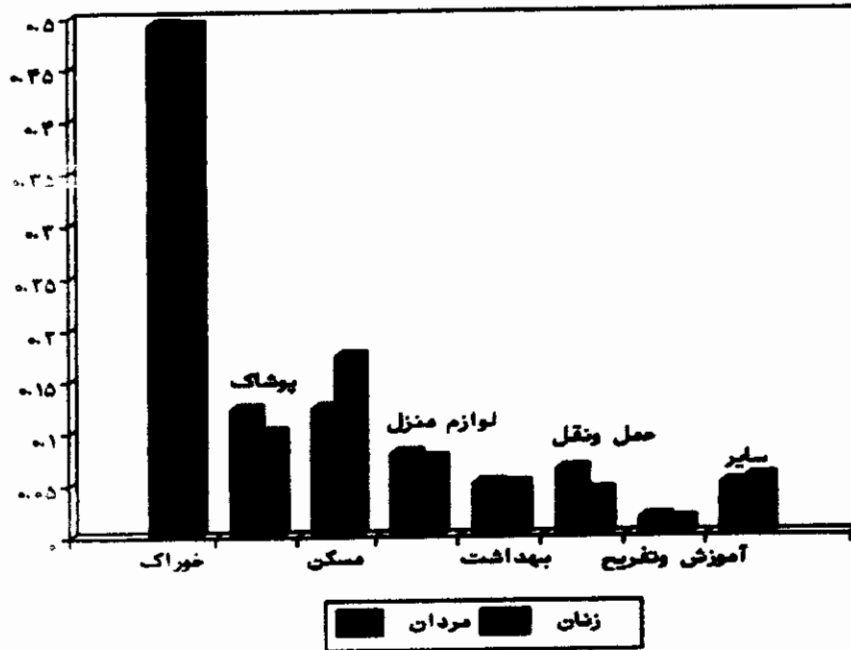
نمودار ۱۹-۳-۵- سهم هزینه حمل و نقل از کل هزینه جامعه روستایی



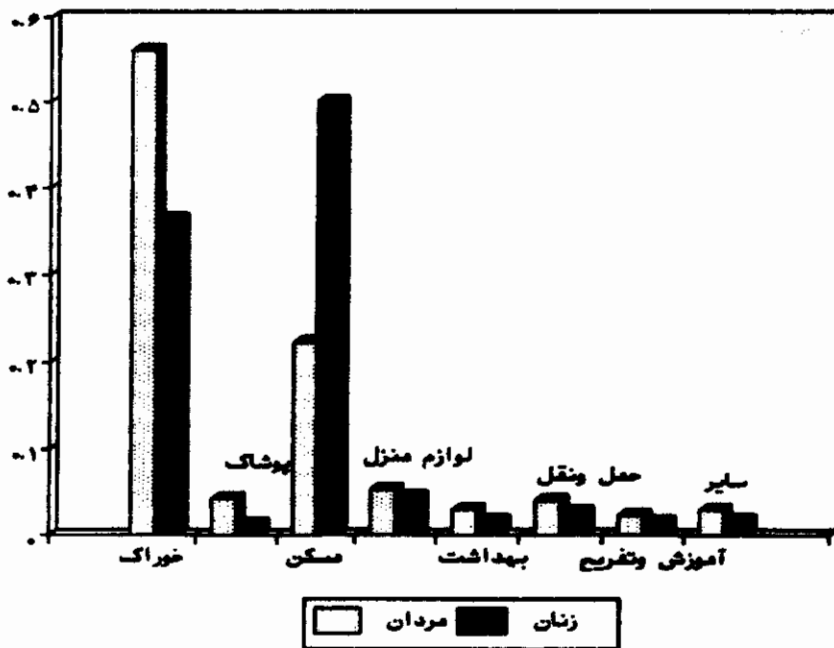
نمودار ۲۰-۳-۵- سهم هزینه آموزش و تفریح از کل هزینه‌ها جامعه روستایی



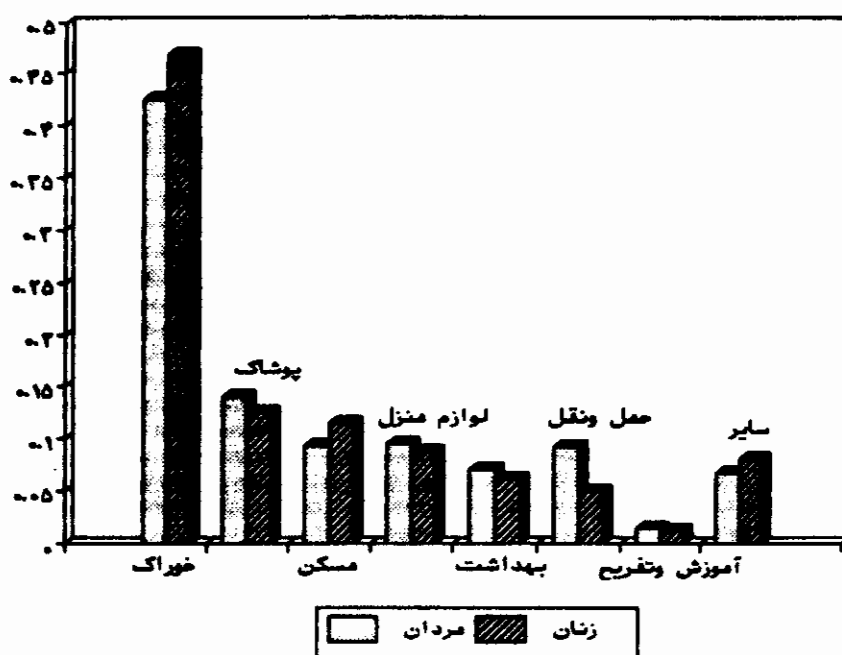
نمودار ۵-۳-۲۱- مقایسه سهم اقلام مختلف در هزینه کل میانگین جامعه روستایی



نمودار ۵-۳-۲۲- مقایسه سهم اقلام مختلف در هزینه کل اقشار کم درآمد جامعه روستایی



نمودار ۲۳-۳-۵- مقایسه سهم اقلام مختلف در هزینه کل اقشار پردرآمد جامعه روستایی



اگر در اقشار فقیر جامعه روستایی توجه کنیم در نمودار ۲۵-۳-۵ ملاحظه می‌شود که الگوی مصرفی بین سرپرستان مرد و زن تفاوت عمده‌ای ندارد تنها زنان سرپرست سهم روغن و نان بسیار بالایی را در سبد مصرفی خود دارند در حالی که برای سرپرستان مرد لیبیات عمده‌ترین سهم را دارد و پس از آن روغن و قند و شکر و گوشت سهم‌های بعدی را دارند.

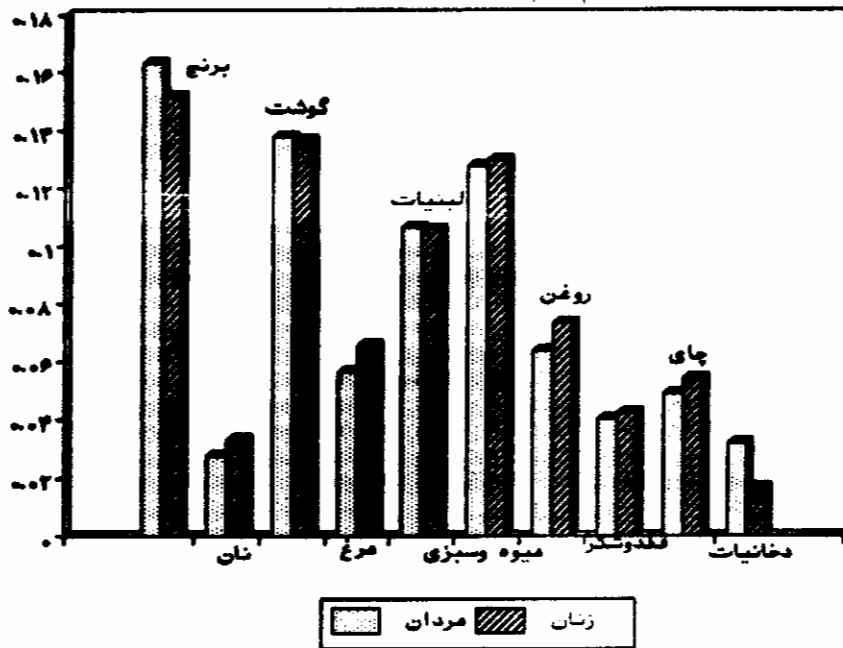
این در حالی است که اقشار غنی از یک الگوی مصرف تبعیت می‌کنند نمودار ۲۶-۳-۵ بیان می‌دارد که با اندکی اختلاف سبد مصرفی خانوارهای ثروتمند روستایی همواره یکسان است تنها این تفاوت وجود دارد که زنان سرپرست در این قشر جامعه برنج و مرغ را جایگزین گوشت و لیبیات می‌کنند.

اما نکته مهم در تمامی این نمودارها بالا بودن سهم دخانیات در خانوارهای با سرپرست مرد است که این در تمامی اقشار جامعه از فقیر تا غنی از این نکته تبعیت می‌کند. برای مشاهده بهتر ۲۷-۳-۵ سهم هزینه دخانیات از کل هزینه‌های خوراکی را نشان می‌دهد که در طول دهک‌های درآمدی همواره برتری خانوارهای با سرپرست مرد را نمایش می‌دهد. ما این مطلب را در جامعه شهری نیز مشاهده نمودیم که مردان سهم بیشتری از هزینه‌های خود را به دخانیات اختصاص می‌دهند.

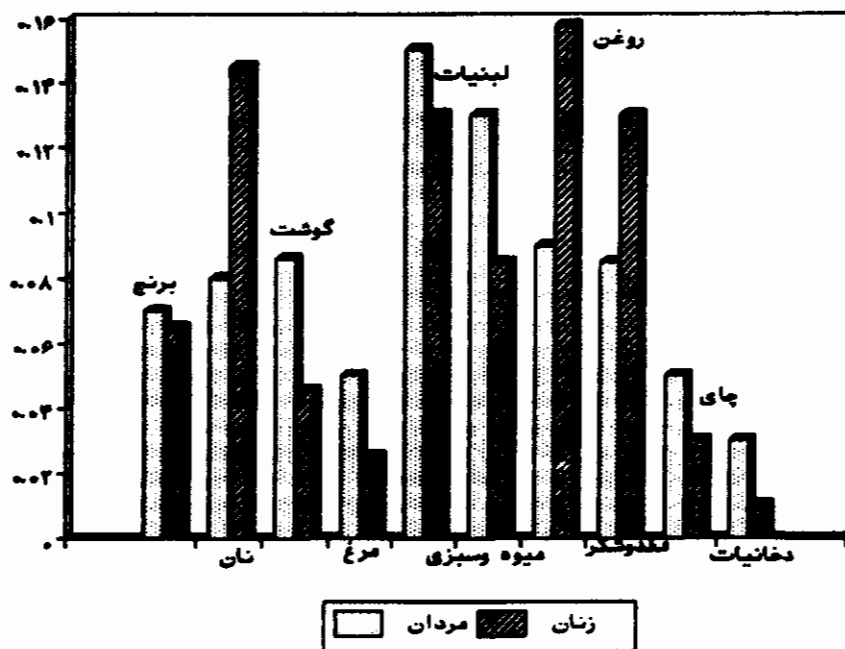
همانند شهر برای روستا نیز می‌توان هزینه روی هر کالری را در طول دهک‌های درآمدی بین خانوارهای با سرپرست مرد و زن مقایسه کرد بر طبق جدول شماره ۱۱-۳-۵ در زیر ملاحظه می‌شود که ما یک بار قیمت کالری را از کل هزینه خوراکی و دخانی حساب کردیم و یک بار با کسر هزینه دخانیات از

هزینه‌های خوراکی رقم ریالی هر کالری ربه دست آوریم:

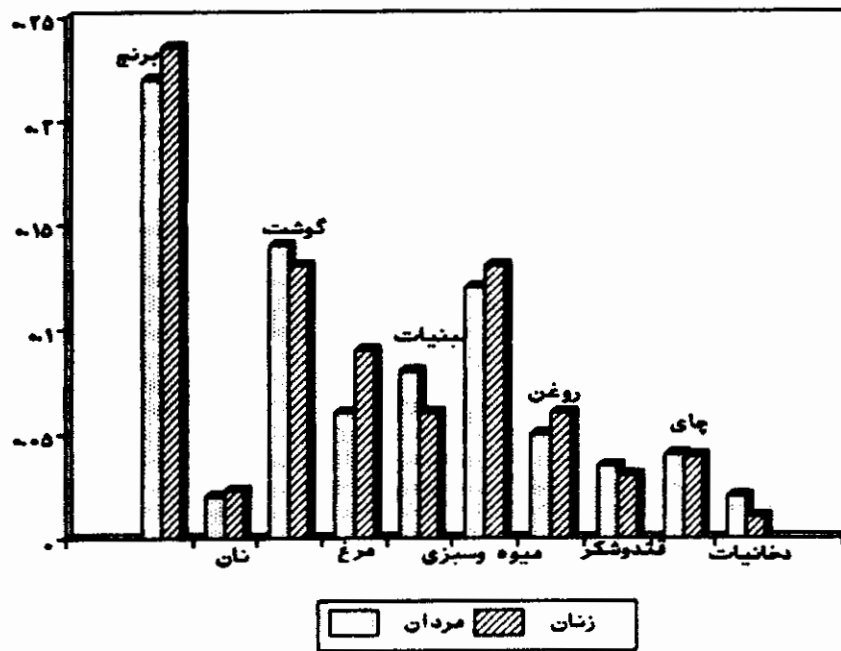
نمودار ۲۴-۳-۵- مقایسه سهم اقلام مختلف در هزینه خوراکی میانگین جامعه روستایی



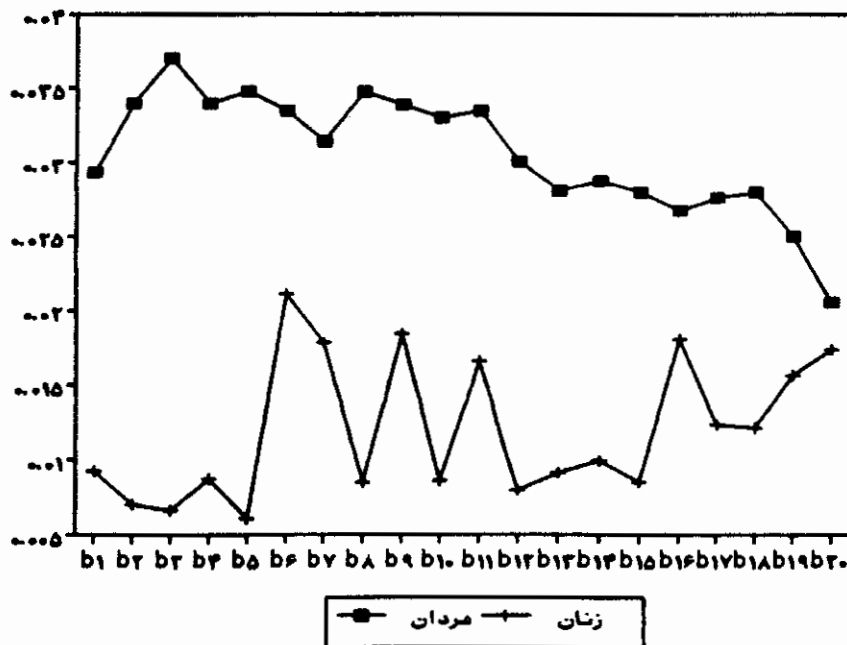
نمودار ۲۵-۳-۵- مقایسه سهم اقلام مختلف در هزینه خوراکی اقشار کم درآمد جامعه روستایی



نمودار ۲۶-۳-۵- مقایسه سهم اقلام مختلف در هزینه خوراکی اقشار پردرآمد جامعه روستایی



نمودار ۲۷-۳-۵- سهم هزینه دخانیات از کل هزینه خوراکی جامعه روستایی



جدول ۱۱-۳-۵- قیمت هر کالری برای دهک‌های مختلف درآمدی در جامعه روستایی

هزینه	سرپرست	میانگین	دهک ۱	دهک ۲	دهک ۳	دهک ۴	دهک ۵	دهک ۶	دهک ۷	دهک ۸	دهک ۹	دهک ۱۰
کل خوراکی	زنان	۱۵۰	۵۵	۷۸	۹۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۳۲	۱۳۷	۱۵۹	۱۶۲	۲۱۹
ودخانی	مردان	۱۶۸	۹۲	۱۱۷	۱۳۳	۱۳۹	۱۵۵	۱۵۳	۱۷۰	۱۷۸	۱۸۹	۲۰۶
هزینه خوراک	زنان	۱۴۸	۵۴	۷۷	۹۹	۱۱۸	۱۱۴	۱۲۸	۱۳۶	۱۵۷	۱۵۹	۲۱۵
	مردان	۱۶۲	۸۸	۱۱۲	۱۲۷	۱۳۳	۱۴۹	۱۴۷	۱۵۳	۱۶۳	۱۶۳	۲۰۰

منبع: محاسبات گروه تحقیق

با توجه به جدول فوق ملاحظه می‌شود که قیمت کالری برای زنان سرپرست در تمامی دهک‌های درآمدی پایین‌تر از مردان سرپرست است در واقع زنان کالری را ارزان‌تر از مردان تهیه می‌کنند نکته جالب تفاوت بین دو قیمت با یکدیگر است به عبارتی وقتی که هزینه دخانیات را از هزینه‌های خوراکی بیرون می‌کشیم فاصله قیمت کالری برای زنان و مردان سرپرست کمتر می‌شود. البته باز در این حالت نیز زنان بهتر از مردان می‌توانند کالری مورد نیاز را تهیه کنند اما می‌توان گفت که مردان سرپرست هزینه دخانی بیشتری را نسبت به زنان سرپرست انجام می‌دهند. به عبارت دیگر همانند شهر می‌توان در اینجا نیز این نتیجه را گرفت که قیمت کالری برای زنان سرپرست در روستا پایین‌تر از مردان سرپرست است و این می‌تواند ناشی از دو دلیل عمده باشد:

- ۱- هزینه بالای مردان سرپرست روی کالاهای دخانی؛
- ۲- تخصیص بهینه درآمد روی کالری مورد نیاز در زنان سرپرست روستایی.

#### و- بررسی وضعیت فقر در خانوارهای با سرپرست زن و مقایسه آن با مردان سرپرست

باور عمومی همواره بر این بوده است که در تمامی جوامع خانوارهای با سرپرست زن از وضعیت رفاهی پایینی برخوردارند و بخش قابل توجهی از این خانوارها از فقیرترین خانوارها می‌باشد و در تمامی کشورهای دنیا این خانوارها در گروه افراد لازم‌الحمايه قرار می‌گیرند در کشور ما نیز سازمان‌های مختلفی از قبیل بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی و... این مسئولیت را به عهده دارند برای مثال در سال ۱۳۷۴ حدود ۵۴٫۹ درصد از خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی را خانوارهای با سرپرست زن تشکیل می‌دهند و این حدود ۲۲۷۹۱۶ خانوار را شامل می‌شود که در واقع حدود ۲۲ درصد از خانوارهای با سرپرست زن را در بر می‌گیرد.<sup>۹</sup> سازمان بهزیستی نیز در سال ۱۳۷۴ حدود ۵۷۷۲۹۰ خانوار با سرپرست زن را در شهر و حدود ۸۳۴۲۵ خانوار را در روستا مورد حمایت قرار داده است البته لازم به ذکر است که این آمارها براساس کمک‌های موردی و مستمر محاسبه شده است.

با توجه به مطالب فوق معلوم می‌شود که خانوارهای با سرپرست زن همواره در تمامی جوامع به خصوص ایران مورد توجه سازمان‌های حمایتی بوده‌اند برای بررسی بهتر این خانوارها می‌توان وضعیت فقر را در این گروه مشاهده کرد روشی که در اینجا مورد استفاده قرار گرفته است براساس روش پیشنهادی

۹- سازمان بهزیستی، گزارش سالانه ۱۳۷۵، محاسبه شده است.

فرد در دسترس روس نه از طریق سد مصرفی خانوارها صورت می‌گیرد. میزان مصرف کالاهای خوراکی را محاسبه کرده و براساس ارزش غذایی هر یک از کالاها مقدار ریز مغذی‌های دریافتی فرد محاسبه می‌شود که در این میان انرژی دریافتی بهترین پارامتر موجود است در واقع فوادی که انرژی مورد نیاز خود را دریافت کرده باشد سایر ریز مغذی‌ها را نیز (فسفر، پروتئین و...) تأمین نموده است.

در روش فوق ابتدا از طریق ۴۰ کالای اساسی که تمامی مصارف خوراکی خانوار را در بر می‌گیرد مقدار مصرفی هر فرد شاخص از خانوار را محاسبه می‌کنیم با توجه به این که بر ارزش این اطلاعات به صورت دهک یا بیستک باشد به یک ماتریس  $10 \times 40$  یا  $20 \times 40$  دسترسی خواهیم یافت لازم به ذکر است که این دهک یا بیستک‌ها در واقع تقسیم‌بندی براساس هزینه‌های خانوار صورت می‌گیرد.

پس از این ماتریس دیگری مورد نیاز است که ارزش‌های غذایی (انرژی، پروتئین، فسفر، آهن و کلسیم) هر یک از کالاهای ۴۰ گانه در آن مطرح شده است در واقع این ماتریس یک ماتریس  $5 \times 40$  است که سطرهای آن ارزش‌های غذایی و ستون‌های آن را کالاهای مورد نظر تشکیل می‌دهد.

حال اگر این دو ماتریس را در هم ضرب کنیم ارزش‌های غذایی دریافتی هر یک از افراد واقع شده در دهک‌ها یا بیستک‌های درآمدی را خواهیم داشت که چنانچه براساس استانداردهای انستیتو تغذیه یک شاخصی را برای میزان دریافتی ارزش‌های غذایی داشته باشیم می‌توانیم درصد افرادی را که در زیر این شاخص قرار می‌گیرند را محاسبه کنیم.

با توجه به توضیحات فوق می‌توان برای زنان سرپرست شهرنشین درصد زیر خط فقر را محاسبه کرد:

$$B_7 = 2090 \text{ کالری} \quad B_7 = 2396 \text{ کالری} \quad B_7 = 2396 - 2090 = 306 \text{ کالری}$$

کمبود کالری بیستک سوم  $119 = 2209 - 2090 = 119$  کالری - کالری استاندارد ۲۲۰۹ کالری استاندارد

$$\text{درصد زیر خط فقر} = 1.9 = 1.9 + 0.7 = 2.6$$

$$\text{قیمت هر کالری در بیستک دوم} = 227 = \frac{474906}{2090}$$

$$\text{قیمت هر کالری در بیستک سوم} = 249 = \frac{596291}{2396}$$

$$\text{کمبود هزینه بیستک دوم} = 119(235) = 28008 = \frac{119 \cdot 249(1/9) + 227(3/1)}{5}$$

$$\text{خط فقر ریالی سرپرستان زن شهرنشین} \quad PL = 474960 + 28008 = 502914$$

ملاحظه می‌شود که حدود ۹.۴ درصد از زنان سرپرست زیر خط فقر قرار می‌گیرند برای بررسی بهتر می‌توان شکاف فقر را نیز برای آنان محاسبه کرد:

$$\text{ریال} \quad PG = (502914 - 281920)5 + (502914 - 474906)4 = 1228205$$

حال برای مقایسه جامعه مردان سرپرست و زنان سرپرست، وضعیت فقر را برای سرپرستان مرد نیز محاسبه می‌کنیم:

$$B_7 = 2053$$

$$B_7 = 2268 \text{ کالری} \quad B_7 = 2268 - 2053 = 215 \text{ کالری}$$

مازاد کالری بیستک پنجم  $59 = 2268 - 2209 =$  کالری استاندارد -  $B_0$  کالری  $2209$  کالری استاندارد

$$\frac{59}{215} = 0.274$$

$$B_0 = 541346 \text{ هزینه کل}$$

$$B_0 = 661662 \text{ هزینه کل}$$

درصد زیر خط فقر  $11.1 = 1.4 = 12.5\%$

$$\frac{541346}{2053} = 264 \text{ در بیستک دوم}$$

$$\frac{661662}{2268} = 292 \text{ در بیستک سوم}$$

$$\text{مازاد هزینه بیستک سوم} = 59(284) = 16756 = \frac{59(292(3.6) + 264(1.4))}{5}$$

$$PL = 661662 - 16756 = 644906 \text{ ریال}$$

خط فقر ریالی سرپرستان مرد شهر نشین

و اگر شکاف فقر مردان سرپرست نیز محاسبه کنیم:

$$PG = (644906 - 352597) + (644906 - 541346) \cdot 0.5 + (644906 - 601504) \cdot 0.5 = 2022087 \text{ ریال}$$

با توجه به ارقام فوق اگر جدولی را به صورت زیر رسم کنیم می توانیم مقایسه بهتری از فقر در دو گروه خانوارهای با سرپرست زن و مرد داشته باشیم:

سرپرست	درصد زیر فقر	خط فقر ریالی	شکاف فقر
زن	9.4	502914	1328205
مرد	11.1	644906	2022087

جدول اخیر نشان می دهد که - توجه به این که زنان نسبت به مردان از دستمزد پایین تری برخوردارند و دسترسی آنان به بازارهای کار سیر کمتر از مردان است اما زنان سرپرست درصد کمتری را در فقر دارا می باشند به عبارتی با توجه به این که امکان اشغال برای مردان بیش از زنان است و مردن در انتخاب شغل از آزادی بیشتری برخوردارند اما بر درصد بیشتری از سرپرستان مرد نسبت به زنان سرپرست در زیر خط فقر قرار دارند. با توجه به خط فقر ریالی مشاهده می شود که زنان با هزینه کمتری می توانند تخصیص بهتری را نسبت به مردان انجام دهند در واقع زنان سرپرست بهتر می توانند درآمد خود را به صورت بهینه مصرف کنند در حالی که این توانایی در سرپرستان مرد کمتر مشاهده می گردد.

### فقر در جامعه روستایی

همانند جامعه شهری برای روستاییان نیز می توان فقر را محاسبه کرد. روش کار همانند محاسبه خط فقر شهری می باشد به این ترتیب می توان درصد خانوارهای روستایی به تفکیک سرپرست زن و مرد را در زیر خط فقر قرار دارند محاسبه نمود:

$$B_0 = 2049 \text{ کالری}$$

$$B_0 = 2248 \text{ کالری}$$

$$B_0 = 2248 - 2049 = 199 \text{ کالری}$$

$$\text{مازاد کالری بیستک پنجم} = 39 = 2248 - 2209 = \text{کالری استاندارد} - B_0 \text{ کالری}$$



درصد زیر خط فقر ۱۰ = ۲۱.۵ - ۲۲.۵

$$\frac{35}{199} \Delta = 0.176 = 17.6\%$$

$$B_0 = 313081 \text{ هزینه کل}$$

$$\frac{313081}{2049} = 153 \text{ در بیستک چهارم}$$

$$B_0 = 376316 \text{ هزینه کل}$$

$$\frac{376316}{2248} = 167 \text{ در بیستک پنجم}$$

$$\text{مازاد هزینه بیستک پنجم} = 39(167(4) - 153) = 39(164) = 6396$$

$$PL = 376316 - 6396 = 369920 \text{ ریال سرپرستان زن روستایی}$$

$$PG = (369920 - 117250) \Delta + (369920 - 111865) \Delta + (369920 - 255134) \Delta + (369920 - 313081) \Delta$$

$$\Delta + (369920 - 344698) \Delta = 327720.8 \text{ ریال}$$

حال چنانچه این ارقام را برای مردان محاسبه کنیم خواهیم داشت:

$$B_0 = 2101$$

$$B_0 = 2263 \text{ کالری}$$

$$B_0 = 2263 - 2101 = 162 \text{ کالری}$$

مازاد کالری بیستک پنجم  $54 = 2263 - 2209$  کالری استاندارد  $B_0 = 2209$  کالری استاندارد

$$\left(\frac{54}{162}\right) (5) = 1.67$$

درصد زیر خط فقر  $21 = 20.9 = 22.5 - 1.6$

$$B_0 = 447093 \text{ هزینه کل}$$

$$\frac{447093}{2101} = 213 \text{ در بیستک چهارم}$$

$$B_0 = 510312 \text{ هزینه کل}$$

$$\frac{510312}{2263} = 225 \text{ در بیستک پنجم}$$

$$\text{مازاد هزینه بیستک پنجم} = 54(225(3.4) - 213(1.6)) = 54(221) = 11934$$

$$PL = 510312 - 11934 = 498378 \text{ ریال سرپرستان مرد روستایی}$$

$$PG = 498378 - 188091) \Delta + (498378 - 308063) \Delta + (498378 - 281340) \Delta + (498378 - 447093) \Delta$$

$$\Delta + (498378 - 447093) \Delta + (498378 - 478702) \Delta = 336430.1 \text{ ریال}$$

حال برای مقایسه بهتر می توانیم ارقام فوق را در جدول بیاوریم:

سرپرست	درصد زیر فقر	خط فقر ریالی	شکاف فقر
زن	۱۶/۵	۳۶۹۹۲۰	۳۲۷۷۲۰.۸
مرد	۲۱	۴۹۸۳۷۸	۳۳۶۴۳۰.۱

جدول فوق نشان می دهد که وضعیت زنان سرپرست در روستا از نظر فقر بهتر از خانوارهایی با سرپرست مرد است. این نکته ای بود که در شهر نیز به آن رسیدیم و ملاحظه می شود که زنان سرپرست همواره در هر جامعه ای می توانند تخصیص بهتری را به درآمدهای خانوار بدهند در واقع با هزینه کمتر تخصیص منابع بهتری را می دهند.

\* میانگین بیستک های قبل و بعد از خط فقر

## نتیجه گیری

وقتی که زنان به تنهایی برای انگوی مصرف و رفتار اقتصادی خانوار تصمیم می گیرند تفاوت هایی با زمانی دارد که آنها در کنار مردان هستند و بیشتر تصمیمات تحت تأثیر مرد است. هر چند که تفاوت ها در بین گروه های مشابه کم درآمد، درآمد متوسط و درآمد بالا فرق می کند، ولی عمدتاً هزینه های خوراک، پوشاک و مسکن زنان سرپرست و مردان سرپرست متفاوت است. کلاً در شهر برای خانوارهایی که سرپرست مرد دارند سهم هزینه خوراک و پوشاک بیشتر از سهم های مشابه برای خانوارهای با سرپرست زن می باشد. به خصوص مورد پوشاک به نظر قابل توجه می رسد. در حالی که زنان سرپرست خانوار شهری سهم بیشتری را صرف هزینه مسکن می کنند. از آنجایی که به هر حال زنان وقت بیشتری نسبت به مردان در خانه می گذرانند و نیاز به امنیت مالی و حمایت را بیشتر احساس می کنند، این نتیجه قابل پیشگویی و قبول می تواند باشد. شرایطی مشابه شهرنشینان برای زنان سرپرست خانوار و مردان سرپرست خانوار روستایی نیز مشاهده می شود. فقط بایک تفاوت جزئی در سهم هزینه خوراک دهک ثروتمند زنان و مردان سرپرست روستایی. برای شهرنشینان بین سهم هزینه خوراک مردان و زنان سرپرست تفاوت دیده نمی شود. در حالی که برای دهک دوم خانوارهای روستایی سهم هزینه خوراک مردان سرپرست کمتر از زنان سرپرست می شود و اصولاً برای دهک های بالای درآمدی تفاوت ها کمتر هستند.

به طور مشهوری خدمات حمل و نقل برای خانوارهای با سرپرست مرد سهم بیشتری دریافت را دریافت نموده و به خصوص با افزایش درآمد آنها این فاصله به مراتب بیشتر می شود. سهم هزینه حمل و نقل زنان و مردان سرپرست خانوار شهری و روستایی را برای اقشار کم درآمد، درآمد متوسط و درآمد بالا را در جدول الف مشاهده می کنیم.

جدول الف - مقایسه سهم هزینه حمل و نقل زنان و مردان سرپرست - شهر و روستا - سال ۱۳۷۴

روستا		شهر			زنان و مردان سرپرست	
درآمد بالا	درآمد متوسط	کم درآمد	درآمد بالا	درآمد متوسط		کم درآمد
۶	۴	۲	۱۰	۶	۳	سهم هزینه حمل و نقل زنان سرپرست
۱۳	۶	۴	۲۴	۱۱	۳	سهم هزینه حمل و نقل مردان سرپرست

ارقاء این جدول به روشنی تفاوت در الگوی مصرف زنان و مردان سرپرست را در مورد حمل و نقل نشان می دهد. به نظر می رسد که تفاوت عمده برای گروه با درآمد بالا بیشتر مربوط به هزینه های سرمایه گذاری روی خود روی شخصی می باشد تا هزینه جابه جایی و کرایه ماشین. به هر حال زنان نیز با حرکت به سمت درآمدهای بالاتر سهم بیشتری به هزینه حمل و نقل تخصیص می دهند.

چنانچه قابل پیشگویی است سهم هزینه های دخانیات خانوارهای با مرد سرپرست به مراتب بیشتر از همان سهم برای خانوارهای با سرپرست زن است. اصولاً به نظر می رسد که در شرایطی که زن ها سرپرستی را به عهده دارند، بهتر از زمانی که تحت تأثیر مردان خانواده هستند، سبب خوراکی را تشکیل می دهند، با هزینه کمتری کالری را تهیه می کنند و ترکیب مناسب تری از کالاهای خوراکی را از نظر تغذیه تشکیل می دهند.

بالاخره به نظر می‌رسد که در مورد درجه فقر زنان سرپرست نیز حرکت کوچکی شده است به عبارت دیگر

جدول ب- مقایسه درصد فقر، خط فقر ریالی و شکاف فقر برای زنان و مردان سرپرست

سرپرستان مرد		زنان سرپرست		نوع
روستا	شهر	روستا	شهر	
	۱۱/۱	۲۱/۵	۹/۴	درصد فقر
	۶۴۴۹۰۶	۳۶۹۹۲۰	۵۰۲۹۱۴	خط فقر ریالی
	۲۰۲۲۰۸۷	۳۲۲۷۷۲۰۸	۱۲۲۸۲۰۵	شکاف فقر ریالی

### حمایت خاصی برای زنان سرپرست

معمولاً نیمی از جمعیت در هر جامعه‌ای را زنان تشکیل می‌دهند. این گروه با توجه به تخصص‌ها و توانایی‌های خود قادر هستند که به عنوان یک بخش قابل توجه از عامل کار در فرایند تولید و توسعه جامعه نقش اساسی ایفا نمایند. با این وجود تقریباً در کلیه کشورهای جهان درصد زنان شاغل کمتر از مردان می‌باشد. در ایران براساس آمار سرشماری سال ۱۳۷۵ تنها ۸ درصد از کل جمعیت زنان شاغل می‌باشند. که ظاهراً نشان دهنده مشارکت کمتر این گروه در چرخش اقتصاد است. در واقع ارقامی که درصد اشتغال زنان را در جامعه ایران و دیگر جوامع نشان می‌دهد به هیچ وجه نمی‌تواند تصویر مناسبی از اشتراک زنان در رشد و توسعه ملی را منعکس نماید. در واقع کلیه زنانی که تشکیل خانواده داده‌اند در حال گرداندن چرخ‌هایی هستند که مجموعه اقتصاد به گردش این چرخ‌ها مرتبط می‌شود.

زنان در تمامی طول شبانه‌روز در حال تولید کالاها و خدماتی هستند که مزد و حقوق به آن تعلق نگرفته و در محاسبات درآمد ملی منظور نمی‌شوند. تولید غذا در منزل، نگه‌داری و آموزش کودکان، نظافت و شستشو و... همه تولیداتی هستند که اگر زنان انجام ندهند خانواده باید برای بر خورداری از فواید آنها کسی یا کسانی را با مزد و حقوق استخدام نماید تا مبادرت به تولیداتی کالاها و خدمات نمایند. به عبارت دیگر کلیه زنان در ایران شاغل هستند و ۸ درصد آنها حداقل دو شغل دارند. ولی به علت عدم محاسبه فعالیت‌های تولیدی زنان در منزل نقش این گروه بسیار کم برآورد می‌شود.

از جمله تولیداتی که زنان در خانه به آن اشتغال دارند و هیچ‌گاه در محاسبات منظور نمی‌شود طبخ غذا در منزل است این فعالیت را اگر از جنبه اقتصادی به آن بنگریم ملاحظه می‌کنیم که غذا یک کالای ترکیبی است که از خرید کالاهای مختلفی در بازار تولید می‌شود در واقع می‌توان گفت کالای ترکیبی، کالاهای تولیدی هستند که با ترکیب و استفاده از کالاهای مختلف و صرف زمان حاصل می‌شود و می‌توان نوشت:

$$C_i = C_i(X_1, X_2, \dots, X_n, T_i) \quad i=1, \dots, m$$

به عبارت دیگر غذای مصرفی خانوار را نمی‌توان به صورت خام مصرف کرد بلکه پس از خریداری باید یک پروسه تولیدی را طی کند برای مثال گوشتی که از قصابی تهیه می‌گردد باید تمیز شده، قطعه قطعه گردد و با برخی مواد دیگر پخت شود تا قابلیت مصرف خانوار را پیدا کند به این ترتیب ملاحظه می‌شود که طبخ غذا یک سیکل تولیدی است که زنان خانه با مدیریت کامل آن را تولید می‌کنند.

بر این اساس می‌توان به تحقیقی<sup>۵</sup> اشاره کرد که با استفاده از مدل کالاهای ترکیبی قسمتی از خدمات زنان خانه‌درا محاسبه نموده است تا بتواند بخشی فعالیت‌های زنان را با درآمد ملی کشور مقایسه کند این مطالعه تنها ارزش افزوده طبخ غذا در منزل را در سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۷۳ نشان می‌دهد و سایر خدمات زنانه خانه‌دار منظور نشده است براساس این بررسی در سال ۱۳۷۲، ۱۱/۳۲۴ میلیارد ریال ارزش افزوده از طبخ غذا در منزل بوده است که این رقم ۱۱ درصد GDP کل کشور بوده و در سال ۱۳۷۳ این رقم ۱۵۰۵۶۶ میلیارد ریال بوده که حدود ۱۱،۸۸ درصد GDP است که این ارقام هیچ‌گاه در محاسبات منظور نمی‌گردد. به این ترتیب ۶۰ درصد از هزینه‌های نامرئی اقتصاد به دست آنان به حرکت در می‌آید اما هیچ‌گاه نامی از آنها برده نمی‌شود.

در اینجا می‌توان تولید دیگر زنان اشاره نمود و آن ترتیب جامعه از طریق مادران است در واقع کودکان تا سن پیش از مدرسه و حتی در طول دوران تحصیلی به دلیل اشتغال پدر از سمت مادر آموزش می‌بینند به عبارتی ارائه مادران در کنار آموزش رسمی می‌تواند نقش عمده‌ای را در ارتقاء سطح سرمایه انسانی ایفاء کند حال اگر مادران از توان عمومی بالایی برخوردار باشند. این افزایش سطح بیشتری می‌گردد. برای این منظور می‌توان تابع تولید سرمایه انسانی را در نظر گرفت، نهاده‌های این تابع عبارتند از:

$$HC=f(X,T,E_M)$$

بردار X نشان‌دهنده کالاهای آموزشی است که برای تربیت نیروی انسانی استفاده می‌شود در واقع می‌توان کالاهایی نظیر کامپیوتر و لوازم آزمایشگاهی و... را در نظر گرفت. T برداری است که هزینه زمان صرف شده روی سرمایه انسانی را در نظر می‌گیرد.

E میزان تحصیلات رسمی و آموزش افراد است که در پیشبرد سطح عمومی نیروی انسانی مؤثر است.  $E_M$  میزان توانایی عمومی مادران است که در کنار آموزش رسمی به فرزندان خود تعلیم و تربیت می‌دهند. این تابع نشان می‌دهد که با افزایش درجه آموزشی و توانایی عمومی زنان می‌توان سطح توانایی نیروی کار را ارتقا بخشید و سرمایه انسانی را افزایش داد به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که با آموزش زنان و دختران، می‌توان جامعه را نیز آموزش داد و به سطح بهتری از بهره‌وری سوق داد.

همانند دو مضرب قبل می‌توان در زمینه بهداشت نیز نقش مادران را مورد بررسی قرار داد. در واقع زنان خانه‌دار با نظافت و شستشوی منزل و رعایت بهداشت فردی خانوار و اطفال نقش عمده‌ای را در جامعه ایفاء می‌کنند به عبارتی با داشتن بهداشت مناسب موجب عدم ابتلاء خانواده به بیماری‌های مختلف می‌شوند و هزینه‌های زیادی را از دوش جامعه برمی‌دارند همچنین رعایت بهداشت تغذیه‌ای نیز می‌تواند رشد بهتر افراد را منجر شود و به جامعه افراد مناسب و دارای توان کاری تحویل دهد. در غیر این صورت با جامعه‌ای غلیل و ناتوان مواجه خواهیم بود که مسئولیت هر یک از آنان نیز بر دوش جامعه خواهد بود.

با توجه به مطالب فوق می‌توان به نقش عمده اقتصادی و اجتماعی زنان در جامعه و همچنین موقعیت خاص آنان به عنوان هسته اصلی انسجام دهنده در درون خانوار پی‌برد و با توجه به مسئولیت عظیمی که در بردارند باید برای حمایت این قشر از جامعه تدابیری را اندیشید. این حمایت‌ها باید به گونه‌ای باشد که با دادن امتیازاتی به آنان وضعیت آنها را در جامعه تثبیت نماید برای این منظور می‌توان سازمان حمایتی تأسیس کرد. این سازمان باید بتواند به عنوان چتر حمایتی قشر عظیمی از زنان به خصوص زنان بی‌سرپرست

را تحت پوشش خود قرار دهد. همچنین باید برای زنان نوعی استقلال شغلی و درآمدی ایجاد کند تا پس قشر فقیر جامعه را از فقر و تنگدستی بیرون بکشد و برای آنان تأمین در اجتماع ایجاد نماید. حمایت‌ها می‌توانند به صورت‌های مختلف باشد: گاه حمایت‌ها می‌توانند از طریق انتقال کالاها و خدمات خاص صورت پذیرد (مثل آموزش که با توجه به پیامدهای خارجی مثبت آن می‌تواند مورد توجه باشد) نوع دیگر حمایت در مواردی است که حالت‌های خاصی پیش می‌آید (مثل بارداری و پس از آن) حمایت بیمه‌ای (مثل تأمین اجتماعی) و نوع دیگر حمایت از طریق صندوق است تمامی این حمایت‌ها یا تلفیقی از آنان می‌تواند برای جامعه مفید باشد و دارای پیامد مثبت خارجی باشد.

### انواع برنامه‌های حمایتی برای زنان

زنان نیز به طور عمده به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف- زنان فقیر که سرپرستی خانوار را برعهده دارند؛

ب- زنانی که در خانوارهای فقیر به سر می‌برند.

الف- در اینجا ما ابتدا به زنان فقیر که سرپرستی خانوار را دارند می‌پردازیم و پیشنهادات موردنظر را برای این گروه از اقشار زنان مطرح می‌کنیم. خانوارهایی با سرپرست زن فقیر در واقع خانوارهایی هستند که زن به‌عنوان نان‌آور محسوب می‌شود و هیچ مرد دیگری (اعم از شوهر، برادر و پسر) وجود ندارد که مزدبگیر باشد یا در خانواده درآمدی داشته باشد به این ترتیب این گروه از زنان هم مسئولیت خانواده‌ای را برعهده دارند هم در فقر به سر می‌برند. کمک‌هایی که این برنامه حمایتی می‌تواند به این گروه از زنان داشته باشد به قرار زیر است:

#### ۱- ایجاد مهدکودک رایگان

تشکل یک چنین محیطی برای خانوارهایی که سرپرست زن هستند می‌تواند دو مزیت عمده را در برداشته باشد اول نیروی کار را آزاد می‌کند و زن سرپرست می‌تواند زمان بیشتری را برای کار در بیرون از منزل داشته باشد همچنین مهدکودک می‌تواند تغذیه‌ای مناسب را برای این اطفال تأمین کند. در واقع وجود شرایط مناسب تغذیه‌ای در این مکان برای فرزندان این خانوارها، خود می‌تواند از دو طریق به خانوار کمک کند. یکی این که می‌تواند تغذیه مناسبی را به کودکان ارائه دهد و آنان را از فقر تغذیه‌ای نجات دهد دوم این که از طریق تأمین غذا یک کمک خرج به خانوار است به این صورت که فرزندان کوچک خانواده یک وعده را در بیرون از منزل غذا صرف می‌کنند و هزینه‌ای روی آن صرف نخواهد شد.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که ایجاد مهدکودک رایگان برای این قشر از جامعه از چند جهت می‌تواند به این خانوارها کمک کند اولاً این که زن نتواند بدون هیچ‌گونه دغدغه خاطر در بیرون از منزل به کار بپردازد. خود کمک بزرگی به اقتصاد خانواده است. ثانیاً با داشتن تغذیه مناسب اطفال حتی در یک وعده می‌تواند این گروه از کودکان را از عوارضی همانند سوء تغذیه و فقر غذایی نجات دهد و جامعه‌ای سالم‌تر را برای آینده به وجود آورد. ثالثاً هزینه یک وعده خوراک کودکان که به صورت رایگان در اختیار آنان قرار می‌گیرد می‌تواند به‌عنوان یک پس‌انداز به خانوار کمک نماید.

## ۲- ایجاد شغل

داشتن شغل برای زنان می تواند نوعی استقلال به وی بدهد به این گونه که اگر هر اتفاقی برای خانوار پیش می آید او به نوعی می تواند به خود متکی باشد و از کسی کمکی نخواهد اگر زنان فقیر بتوانند شغل مناسبی را برای خود اختیار کنند قادر خواهند بود که خود را از فقر و تنگدستی تا حدی بیرون کنند. اما چنانچه آنان متکی به حقوق شوهران (از محل بازماندگی) خود باشند یا از دولت کمکی بگیرند این ارقام معمولاً بسیار اندک و برای زندگی آنان با توجه به شرایط مختلف کافی نیست به این ترتیب چنانچه این برنامه حمایتی بتواند شغل های مناسبی را برای زنان ایجاد کند هم از نظر درآمدی به این خانوارها کمک می کند و هم می تواند قسمتی از نیروی کار غیر فعال جامعه را فعال نموده و به اقتصاد کشور کمک نماید.

این مهم می تواند از طرق مختلف صورت پذیرد به این گونه که اگر فردی مهارت لازم را در کارهای نظیر خیاطی، گلدوزی، آشپزی و... داشته باشد این برنامه حمایتی می تواند از طریق ایجاد بنگاه هایی همانند تعمیرات لباس، پخت غذاهای محلی و خانگی، ایجاد کارگاه های خیاطی و گلدوزی و... برای آنان شغل هایی را فراهم نماید. از طرفی برای زنانی که مهارت خاصی ندارند کلاس های آموزشی ایجاد نمایند که بتواند مهارت لازم را در زمینه های مختلف به آنان آموزش دهد این فسون و مهارت ها می تواند شامل کلاس هایی نظیر خیاطی، بافندگی، آشپزی، قالی بافی، گلدوزی و صنایع دستی مختلف باشد که افراد را برای تحویل به بازار کار آماده کند.

## ۳- ایجاد مسکن

برنامه های حمایتی این سازمان می تواند از طریق خانه های اجاری ارزان قیمت مسکن این گروه از خانوارها را تأمین نماید یا در واقع می توان با بررسی بیشتر میزان هزینه ای که خانوارها (به خصوص اجاره نشینان) قادر به پرداخت آن هستند را در نظر بگیرند و براساس آن هزینه ای را از خانوارها دریافت کنند که در بلندمدت به صورت قسط های خانه پرداخت شده و باعث تأمین مسکن آنان می شود. در ایجاد ساخت مسکن برای زنان سرپرست باید به این نکته توجه کرد که این خانه ها در مکان هایی بنا شود که از نظر امنیتی مناسب و بدون اشکال باشد.

## ۴- تغذیه

با توجه به اهمیت تغذیه در جامعه و خانوارها ایجاد تسهیلاتی که خانوارها بتوانند میزان غذای مورد نیاز بدن خود را دریافت کنند می تواند کمک بزرگی را به جامعه دهد در واقع جامعه را از خطر سوء تغذیه برای اقشار فقیر سرپرست زن نجات دهد این تغذیه مناسب می تواند از طریق پراخت سوبسید به این خانوارها به صورت کوپن یا کمک جنسی و انتقال کالا و خدمات باشد همان طور که می دانید پرداخت سوبسید به صورت باز هزینه بسیار بالایی را برای دولت در بر دارد در حالی که اگر این پرداخت به صورت هدفمند باشد می تواند قشر مورد نظر را پوشش دهد و هزینه کمتری را نیز در بر می گیرد.

## ۵- بهداشت و درمان

داشتن تأمین بهداشتی و درمانی برای گروه از اقشار فقیر بسیار ضروری است زیرا اکثر زنانی که سرپرست

خانوار هستند به دلیل نبود شوهر یا داشتن بیمه تأمین اجتماعی یا بیمه خدمات درمانی بی بهره هستند در حالی که داشتن یک تأمین برای مسائل بهداشتی و درمانی در جامعه برای خانوارها می تواند آنان را از خطرهای مختلف و بیماری ها نجات دهد و این برای خود جامعه قطعاً پیامدهای مثبت را به دنبال خواهد داشت به این دلیل می توان به تمامی این افراد بیمه تعلق گیرد. به عبارتی یکی از دو سازمان تأمین اجتماعی یا خدمات درمانی این گروه از افراد را تحت پوشش خود قرار دهند.

ب- زنانی که در خانوارهای فقیر به سر می برند: این بند به زنانی مربوط می شود که در خانوارهایی زندگی می کنند که سرپرست مرد وجود دارد اما کل خانوار در زیر خط فقر قرار دارند در واقع درآمد خانوار کفاف مخارج خانه را ندارد. برنامه حمایتی می تواند برای این گروه از زنان کمک هایی داشته باشد که به قرار زیر است. البته لازم به ذکر است که حمایت از اقشار آسیب پذیر جامعه و خانوارهای فقیر تحت برنامه و طرح های حمایتی دیگری صورت می پذیرد و در اینجا تنها به زنان توجه شده است و وضعیت این اقشار را در خانواده ملاحظه می کند.

#### ۱- ایجاد امکانات ویژه برای زنانهای بارداری و زایمان و پس از آن

زنان در زمان بارداری و پس از آن از فیزیک جسمی ضعیفی برخوردار هستند و در این شرایط اگر وضعیت تغذیه ای مناسبی را نداشته باشند هم به مادر و هم به نوزاد آسیب های جدی وارد می شود با توجه به این که در خانوارهایی فقیر دسترسی به مواد مغذی و مناسب رشد کم می باشد کمک های حمایتی برای این گروه می تواند به گونه ای باشد که زنان باردار در خانوارهای فقیر، تا زایمان و پس از آن (شیردهی) را تحت پوشش قرار دهند. انتقال کمک های جنسی، زیرپوشش بردن این زنان از نظر تأمین بهداشت و درمان و پس از زایمان تا یک سالگی مادر و فرزند را در زیر چتر حمایتی خود قرار می دهد.

کمک های جنسی باید به گونه ای باشد که تمامی مواد مغذی لازم برای افراد (باردار- نوزاد) را در برداشته باشد همچنین نوع کمک ها باید چنان باشد که قابلیت تعویض در بازار برای خانوارها هزینه بالایی را داشته باشد تا فرد تصمیم به تعویض این اجناس نداشته باشد این کار را می توان از طریق تفاوت دادن کالاهای ارانه شده با اجناس مشابه برای این منظور می توان در رنگ کالا، نوع بسته بندی، مکان عرضه و... تفاوت هایی حاصل کرد تا اجناس به مصرف این گروه برسد در حالی که اگر کمک به صورت مالی به فرد تعلق گیرد احتمال تبدیل آن به سایر کالا زیاد خواهد بود) مطلب دیگر در ارتباط با تأمین بهداشتی و درمانی این اقشار است که برای زنان باردار سیستمی را طراحی کنند که زنان را برای قبل، بعد و خود زایمان تحت پوشش خود قرار دهد و فرزندان آنان را تا سن یک سالگی از نظر درمانی تأمین نماید.

لازم به ذکر است که این گونه کمک ها خود می تواند نوعی پیامد خارجی مثبت داشته باشد قرار گرفتن زنان باردار در چتر پوشش حمایتی می تواند فرزندان سالمی را به جامعه تحویل دهد و چنانچه زنان باردار از نظر تغذیه ای در شرایط نامناسبی باشند کودکانی خواهند داشت که از نظر جسمانی ضعیف و ناتوان هستند و خود به نوعی هزینه ای را بر دوش جامعه تحمیل می کنند سایر کمک ها نیز همانند کمک تغذیه ای چنین پیامدهای مثبتی را در بر دارد.

## ۲- ایجاد مهارت‌های خانگی

فنون و مهارت‌های خانگی نظیر: خیاطی، گندوزی، قالی‌بافی، بافندگی و سایر صنایع دستی می‌تواند به نوعی برخی از احتیاجات خانواده‌ها را برطرف سازد اما از طرف دیگر می‌تواند خود کمک خرجی برای خانوار محسوب گردد. چنانچه این برنامه حمایتی بتواند برخی از این مهارت‌ها را زنان آموزش داده و امکانات تولید برای همین فعالیت‌های ساده را فراهم سازد می‌تواند به نوعی کمک هزینه برای خانوار را ایجاد نماید.

## ۳- ایجاد مهدکودک‌های رایگان برای زنان شاغل در این گروه

تشکیل مهدکودک رایگان برای مادران شاغل در خانوارهای فقیر می‌تواند از چند جنبه برای خانوار و به تبع آن جامعه آثار مفید و مؤثری داشته باشد. چنین محیطی از طرفی نیروی کار زیادی را آزاد می‌کند که این اثر را می‌توان در جامعه دید از جهت دیگر درآمد این زنان می‌تواند به درآمد خانوار کمک کند و آنان را از فقر تا حدی برهاند و جنبه دیگر آن این که کودکان که در این مهدهای کودک پذیرفته می‌شوند یک وعده غذایی مناسب را دریافت می‌کنند که می‌تواند از نظر تغذیه‌ای کمک شایانی به این اطفال نماید و همچنین با صرف یک وعده غذا در بیرون از منزل، خانوار می‌تواند هزینه آن را پس‌انداز کند. ملاحظه می‌شود که ایجاد چنین مهدکودک‌هایی تا چه اندازه می‌تواند برای خانوار فقیر مفید باشد البته باید توجه داشت که این مراکز تنها از عدل حاکم رهای فقیر نگه‌داری می‌کند و نمی‌تواند به سایرین نیز سرویس دهد.

## فصل چهارم: بررسی وضعیت اقتصادی و شرایط فقر بازنشستگان و بیمه‌شدگان در شهر و روستا

شکایت بازنشستگان از اوضاع و احوال اقتصادی و گله آنها در مورد کاهش سطح رفاه خودشان گاه در حدی پیش می‌رود که ادعای می‌شود عمده بازنشستگان زیرخط فقر قرار دارند. به هر حال نباید نادیده گرفت که سالمندان و بزرگان سنی جامعه که یک عمر فعال محور را صرف تولید و توسعه جامعه نموده‌اند. استحقاق یک زندگی شرافتمندانه و قابل قبول را دارند. ولی آیا به طور مطلق عمدتاً زیرخط فقر هستند. یا این که به طور نسبی فقیر شده‌اند و چنین تصور می‌کنند که به زیر خط حداقل معیشت منتقل شده‌اند. اگر واقع درست باشد که عمده بازنشستگان زیر خط فقر باشند، یک بخش از مشکل شناسایی با توجه به علائم مثبت حل خواهد شد. یعنی سیاست‌گذاران درخواهند یافت که با زیر پوشش قرار دادن این قشر بازنشستگان، که امکان اثبات آن نیز وجود داشته و نیست همه آنها ثبت شده است، می‌توانند بخش قابل توجهی از فقر را مورد حمایت قرار دهند.

لذا مطالعه شرایط اقتصادی و رفاهی خانوارهایی که سرپرست آنها بازنشسته است و استخراج درصد فقرای این قشر می‌تواند راه‌گشای مهمی در امر شناسایی گروه فقر باشد. این مطالعه که منتهی به شناخت بیشتر یکی از زیرگروه‌های جامعه شهری و روستایی می‌شود می‌تواند تصویر شفاف‌تری از اوضاع و شرایط این قشر را فراهم کند. بررسی وضعیت و الگوی مصرف این قشر به تفکیک گروه‌های درآمدی و مقایسه آن با کل جامعه نیز به مجموعه اطلاعات لازم را برای سیاست‌گذاری‌های حمایتی می‌افزاید. در این فصل سعی می‌شود که در حد امکان به سئوال‌های فوق پاسخ داده شود.

در بسیاری از موارد توسعه رفاهی و رفاهی صحیح از افراد زیر پوشش بیمه‌ای می‌شود تقریباً بخش غالب



آن جامعه را در بر می‌گیرد. ولی به علت پوشش ناکافی بیمه‌ای در ایران، این گروه کمی بیشتر از نصف جامعه شهری هستند. به هر حال مطالعه شرایط اقتصادی، رفاهی و فقر افرادی که زیر پوشش بیمه قرار دارند نسبت به کسانی که خارج این پوشش هستند نیز می‌تواند راه‌گشای امر شناسایی افراد فقیر باشد. آیا کسانی که زیر پوشش بیمه‌ای قرار دارند در مقابل فشارهای اقتصادی مقاوم‌تر بوده و کمتر آسیب‌پذیر می‌باشند؟ الگوی مصرف این قشر چه تفاوتی با بقیه جامعه دارد؟ هرگونه شناختی از وضعیت افراد تحت پوشش بیمه نسبت به غیر بیمه‌ای‌ها می‌تواند مفید و مؤثر در سیاست‌گذاری‌ها باشد.

### بررسی وضعیت و شرایط فقر بازنشستگان و بیمه‌شدگان

در انجام مطالعات این فصل نیز مشابه بسیار دیگر فصول از اطلاعات و آمار خام بودجه خانوار مرکز آمار ایران استفاده شده ولی کتبه استخراج‌های آماری به وسیله گروه آماری تحقیق صورت گرفته است. در مورد بازنشستگان با توجه به اطلاعات پرسشنامه کسانی که سرپرست آنها بازنشسته بوده از غیر بازنشسته‌ها جدا شده و به تفکیک مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. با توجه به کد پرداخت حق فقر بیمه نیز گروه افراد زیر پوشش بیمه را از کسانی که تحت بیمه‌های مختلف قرار ندارند مجزا نموده‌ایم. به هر حال این تفکیک‌ها و شکستن جامعه آماری هزینه‌ای را در بر داشته است. هرگونه تفکیک پرسشنامه‌ای می‌تواند کفایت آماری را متأثر نموده و درصد اطمینان را تغییر دهد. ولی به هر حال برای چنین مطالعه‌ای چاره دیگری وجود نداشته است. به هر حال گروه آماری سعی در ملایم کردن و حذف موارد غیر طبیعی و اختلاف‌ها نموده است. در ضمن به علت کفایت نیز آماری و در ضمن موجود بودن این آمار به عنوان آخرین آمار روز در آغاز تحقیق از اطلاعات بودجه خانوار سال ۱۳۷۴ استفاده شده است. این فصل به بخش‌های اطلاعاتی زیر تفکیک می‌شود:

الف - بررسی اقتصادی بازنشستگان و بیمه‌شدگان در شهر؛

الف - ۱ - مقایسه وضعیت اقتصادی بازنشستگان و کل کشور سال ۱۳۷۴ - جامعه شهری.

الف - ۲ - تأثیر بیمه بر روی رفتار اقتصادی خانوارهای شهری - سال ۱۳۷۴

ب - بررسی اقتصادی بازنشستگان و بیمه‌شدگان در روستا

ب - ۱ - مقایسه وضعیت اقتصادی بازنشستگان در کل کشور سال ۱۳۷۴ - جامعه روستایی

ب - ۲ - تأثیر بیمه بر روی رفتار اقتصادی خانوارهای روستایی سال ۱۳۷۴

### الف - بررسی اقتصادی بازنشستگان و بیمه‌شدگان در شهر

در این بخش به بررسی تفاوت‌ها و تشابهات در هزینه‌ها، نحوه توزیع خط فقر و درصد افراد زیر خط فقر میان بازنشستگان و کل کشور و همچنین بیمه‌شدگان و کسانی که پرداختی بابت بیمه در هزینه خانوار نموده‌اند می‌پردازیم. در قسمت نخست به مطالعات شرایط اقتصادی رفاهی و فقر بازنشستگان پرداخته و با کل کشور مقایسه می‌کنیم. سپس در قسمت دوم به مطالعه وضعیت اقتصادی و الگوی مصرف بیمه‌شدگان و غیر بیمه‌شدگان می‌پردازیم. استخراج درصد فقرا و مقایسه آنها نیز در این مطالعه قرار دارد.

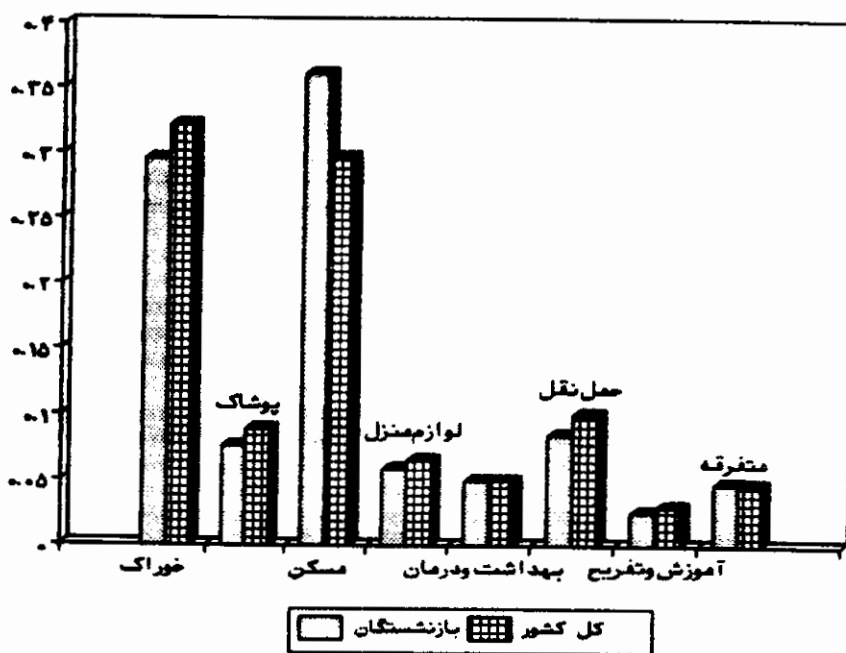
الف - مقایسه کلی وضعیت اقتصادی بازنشستگان و کل کشور سال ۱۳۷۴ - جامعه شهری

بر طبق تعریف مرکز آمار ایران بازنشسته کسی است که شاغل، بیکار و محصل نبوده و در هفت روز پیش از

مراجعه مأمور به بررسی درای حقوق بازنشستگی یا حقوق وظیفه بوده است. بازنشستگان شهری در مجموع ۱۲ درصد از کل نمونه را در سال ۱۳۷۴ تشکیل می دهند.

در مرحله اول مقایسه، یعنی بررسی هزینه های عمده سه گروه درآمدی فقیر، متوسط و غنی میان بازنشستگان شهری و شهرنشینان کل کشور با توجه به نمودارهای ۱-۴-۵ متوجه می شویم که تفاوت های عمده ای میان هزینه های خوراک و پوشاک و حمل و نقل این دو گروه وجود ندارد و فقط در مورد هزینه های مسکن مشاهده می شود که هزینه مسکن بازنشستگان شهری در مقایسه با شهرنشینان کل کشور بالاتر است به عنوان مثال متوسط هزینه مسکن از هزینه کل گروه بازنشستگان ۳۶ درصد است در حالی که این نسبت برای شهرنشینان کل کشور ۳۰ درصد است.

نمودار ۱-۴-۵- مقایسه هزینه های عمده بازنشستگان و کل کشور میانگین جامعه شهری - ۱۳۷۴



نکته بعدی در مورد نحوه توزیع هزینه هاست. با توجه به ضریب جینی ۰/۴۲۲۱ برای هزینه یا درآمد کل برای شهرنشینان کل کشور و ضریب جینی ۰/۴۰۷۴ برای هزینه کل بازنشستگان شهری، متوجه می شویم که توزیع درآمد در میان گروه بازنشستگان در مقایسه با کل کشور مناسب تر است این مسئله همچنین در مورد هزینه های مسکن نیز صادق است به طوری که ضریب جینی مسکن برای بازنشستگان شهری ۰/۲۵۹۱ و برای شهرنشینان کل کشور ۰/۳۸۰۱ است. البته در مورد هزینه های خوراک و پوشاک وضعیت کاملاً برعکس است به طوری که توزیع این دو گروه هزینه در شهرنشینان کل کشور مناسب تر است.

در مورد شناسایی هزینه‌های تغذیه‌ای بین این دو گروه وجود ندارد به طوری که برای هر دو گروه خوراک و مسکن جزو اقلام ضروری و پوشاک و حمل و نقل باکشی‌های درآمدی بزرگ‌تر از ۱ جزو اقلام لوکس هزینه‌ای هستند. به عنوان مثال کشتش درآمدی خوراک برای بازنشستگان شهری و شهرنشینان کل کشور به ترتیب ۷۸ و ۷۷ است و این مسئله نشان از ضروری بودن این قلم هزینه‌ای دارد.

مورد مقایسه‌ای بعدی، در مورد هزینه‌های خوراکی این دو گروه است در این میان چند قلم عمده خوراکی را مورد توجه قرار داده براساس جدول شماره ۱-۴-۵ یک از کل هزینه خوراک را برای دو گروه مقایسه می‌کنیم:

۱- کل برنج: متوسط سهم هزینه برنج از کل هزینه خوراکی برای دو گروه یکسان و مساوی ۱۷ درصد است در مورد ۱۰ درصد غنی سهم برنج از هزینه خوراک برای بازنشستگان شهری ۱۶ درصد و در مورد شهرنشینان کل کشور ۹ درصد است بدین ترتیب متوجه می‌شویم که سهم این قلم خوراکی در سبد بازنشستگان شهری نسبت به کل کشور کمتر است.

۲- نان: در مورد نان سهم و هزینه‌های ۱۰ درصد فقیر دو گروه است که با یکدیگر متفاوت است به طوری که این سهم برای شهرنشینان کل کشور ۱۳ درصد و برای بازنشستگان شهری ۱۰ درصد است.

۳- گوشت: در مورد گوشت از کل هزینه خوراکی ۱۰ درصد فقیر جامعه جامعه بازنشستگان شهری ۱۷ درصد است در حالی که این سهم برای شهرنشینان کل کشور ۱۰ درصد است و این تنها موردی از هزینه‌های خوراکی است که مصرف بازنشستگان تقریباً در طول همه بیستک‌ها از مصرف کل کشور بیشتر است به خصوص در بیستک‌های پایین‌تر تفاوت‌های بیشتری به چشم می‌خورد.

۴- لبنیات و روغن: در مورد این دو قسم خوراکی تفاوت‌های عمده‌ای مشاهده نمی‌شود. در این وضعیت می‌توان برای مشاهده بیشتر تفاوت‌ها به کشتش‌های مقداری این اقلام خوراکی برای دو گروه، توجه کرد. با توجه به کشتش‌های ملاحظه می‌شود که در مورد کتبه اقلام مورد بررسی هیچ‌گونه تفاوتی میان نوع درآمدی دو گروه وجود ندارد به طوری که برای هر دو گروه برنج داخلی جزو اقلام لوکس مصرفی است و قیه کلاه که شامل کل برنج، نان، گوشت، روغن و قند و شکر است جزو اقلام ضروری هستند.

جدول ۱-۴-۵- سهم هزینه کالاهای خوراکی جامعه شهری (درصد)

بازنشستگان	فقیر	متوسط	غنی
برنج	۸	۱۷	۱۶
نان	۱۰	۳	۱
گوشت	۱۷	۱۶	۱۵
مرغ	۵	۷	۸
لبنیات	۱۴	۱۰	۸
روغن	۷	۵	۴

(درصد)

کل کشور	فقر	متوسط	غنی
برنج	۹	۱۷	۱۹
نان	۱۳	۳	۱
گوشت	۱۱	۱۵	۱۶
مرغ	۶	۷	۷
سبزیجات	۱۳	۱۰	۱
روغن	۷	۵	۴

ماخذ محاسبات گروه تحفیز\*

مورد بعدی مقایسه خط فقر و خط فقر ریالی این دو گروه است. با توجه به محاسبات انجام شده براساس ماتریس ارزش های غذایی ریز معذی ها و معیار کالری لازم سرانه روزانه و بیستک های هزینه ای به این نتایج دست یافتیم که: تنها ۶.۷ درصد بازنشستگان شهری زیر خط فقر هستند و خط فقر ریالی آنها ۷۴۲۹۳۰ ریالی است در حالی که برای شهرنشینان کل کشور حدود ۱۳ درصد زیر خط فقر داریم و خط فقر ریالی نیز ۶۸۳۱۳۸ ریالی است بدین ترتیب می توان دریافت کرد که با توجه به معیارهای فقر، وضعیت گروه بازنشستگان شهری در مقایسه با شهرنشینان کل کشور بهتر است.

مقایسه وضعیت اقتصادی و معیشتی بازنشستگان برای سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ در شهر به منظور بررسی وضعیت اقتصادی و معیشتی بازنشستگان در فاصله زمانی ده ساله ۶۴ و ۷۴ برای شهر از یک سری شاخص ها و هزینه های عمده استفاده می کنیم.

در این بررسی علاوه بر هزینه های عمده ای که توسط این گروه پرداخت شده است روی وضعیت خوراک و مقدار مصرف این گروه در دو سال مورد نظر از کالاهای عمده خوراکی بررسی خواهیم داشت. جدول ۲-۴-۵ هزینه سرانه سالانه برای بازنشستگان شهری را در دو سال مورد بررسی نشان می دهد.

جدول ۲-۴-۵ هزینه کل سرانه سالانه بازنشستگان در شهر ریالی

گروه غنی	متوسط	گروه فقیر	هزینه کل سرانه سالانه
۸۹۴۱۶۳	۳۸۶۴۹۱	۷۶۹۶۳	۱۳۶۴
۵۸۷۰۷۵۰	۲۸۰۰۳۵۰	۶۲۸۹۰۳	۱۳۷۴ (جاری)
۶۰۵۳۶۲	۲۸۸۷۵۸	۶۴۸۴۹	۱۳۶۴ (ثابت)
۵۵۶۰۵	۶۲۴۰۵	۷۱۷۰۱	تفاوت جاری
-۳۲۰۳	-۲۵۰۳	-۱۵۰۷	تفاوت ثابت

ماخذ محاسبات گروه تحفیز

در بحث در دسترس گروه‌های فقیر و غنی ده درصد فقیرترین و ثروتمندترین جامعه هستند. براساس قیمت‌های جاری، هزینه سرانه متوسط سالانه برای یک بازنشسته شهری حدوداً برابر افزایش را نشان می‌دهد برای گروه‌های فقیر افزایش بیشتر و در گروه‌های غنی افزایش کمتر است. اما چنانچه هزینه‌های را با توجه به شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی سال ۱۳۶۴ به قیمت‌های ثابت این سال حقیقی کنیم وضعیت ذکرکون می‌شود ملاحظه می‌کنید که برای گروه فقیر ۱۵/۷ درصد کاهش در هزینه سرانه سالانه داریم این تفاوت برای گروه متوسط ۲۵/۳ درصد و برای گروه غنی ۳۲/۳ درصد کاهش در هزینه‌هاست. یعنی تقریباً طی ده ساله ۷۴ تا ۶۴ درصد هزینه سرانه سالانه یک فرد بازنشسته که در گروه ثروتمندان جای می‌گرفته است ۰/۳ برابر کاهش پیدا کرده است.

جدول ۳-۴-۵- سهم هزینه‌های کالاهای عمده برای گروه متوسط  
بازنشستگان شهری

سال ۱۳۷۴	سال ۱۳۶۴	گروه‌های عمده کالایی
۰/۳۰	۰/۳۲	خوراک
۰/۰۸	۰/۰۶	پوشاک
۰/۳۶	۰/۳۹	مسکن
۰/۰۶	۰/۰۵	توازم منزل
۰/۰۵	۰/۰۴	بهداشت و درمان
۰/۰۸	۰/۰۷	حمل و نقل
۰/۰۳	۰/۰۱	تفریح و تفریح
۰/۰۵	۰/۰۶	سایر

منبع: محاسبات گروه تحقیق

جدول ۵-۴-۳ سهم‌های هزینه‌ای برای هشت گروه کالایی اساسی را برای گروه متوسط شهری بازنشسته در دو سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ را نشان می‌دهد. مسکن در هر دو سال بالاترین سهم هزینه‌ای را به خود اختصاص داده است که بیانگر اهمیت این گروه کالایی برای بازنشستگان است بعد از مسکن خوراک قرار می‌گیرد و سایر اقلام کالایی با اختلاف قابل توجهی نسبت به این دو گروه در رده‌های بعد هستند ملاحظه می‌شود که تفاوت سهم در مقایسه دو سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ چندان قابل توجه نیست.

در شهر هزینه‌های مربوط به بهداشت و درمان و تفریحات و سرگرمی کمتر از حد انتظار است به طوری که این دو گروه کالایی روی هم در سال ۱۳۶۴ تنها ۵ درصد هزینه سرانه سالانه را به خود اختصاص داده‌اند و این سهم در سال ۱۳۷۴ به ۸ درصد رسیده است.

در این قسمت می‌خواهیم وضعیت مقدار مصرف کالاهای مهم خوراکی و قیمت‌های ضمنی آنها را برای شهر در دو سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ مورد بررسی قرار دهیم و تغییر مصرف بازنشستگان را طی ده سال مورد بررسی روشن‌تر کنیم.

جدول ۶-۱ نشان می‌دهد که مقدار برنج در شهر افزایش یافته است. در مورد نان با یک افزایش

۱۹ درصدی در مصرف شهر نشینان مواجه هستیم

مقدار مصرف گوشت و مرغ کاهش چشمگیری در شهر دارد. مقدار مصرف قند و شکر برای شهر افزایش نشان می دهد.

جدول ۴-۴-۵- مقدار مصرف کالاهای اساسی خوراکی در شهر

کالاهای مهم خوراکی	برنج	نان	گوشت و مرغ	روغن	قند و شکر
سال ۱۳۶۴	۴۱۵	۲۲۴۹	۴۲۲	۷۴	۱۴۸
سال ۱۳۷۴	۶۴۴	۲۶۶۱	۲۹	۱۳۰۴	۲۰۰۵
Kg تفاوت	۴۹	۳۱۰۲	-۱۳۰۲	۶	۵۷

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

قیمت های ضمنی شاخص دیگری است که می تواند تغییر در سبد مصرفی خوراکی را طی دو ساله ۱۳۶۴-۱۳۷۴ نشان دهد. جدول زیر برای کالاهای مهمی که درباره مقادیر مصرف آنها بحث کردیم قیمت های ضمنی را آورده است.

جدول ۴-۴-۵- قیمت های ضمنی برای کالاهای خوراکی شهر نشینان باز نشده

کالاهای مهم خوراکی	برنج	نان	گوشت و مرغ	روغن	قند و شکر
سال ۱۳۶۴	۲۶۰	۴۰	۴۷۷	۲۶۴	۵۹
سال ۱۳۷۴	۲۹۹۹	۱۵۱	۶۵۶۲	۲۹۵۷	۱۰۳۱
تفاوت (برابر)	۱۱۵	+۳۰۶	+۱۳۰۷	+۱۱۰۲	+۱۴۰۴

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

جدول بالا نشان می دهد که برای کلیه کالاهای اساسی و قیمت های ضمنی طی ده ساله ۱۳۶۴-۱۳۷۴ افزایش قابل ملاحظه ای یافته اند.

کمترین افزایش قیمت ها مربوط به نان است که حدود ۳۰۷ برابر افزایش قیمت داشته و بیشترین افزایش قیمت در شهر برای گوشت و مرغ می باشد.

همان طور که در جدول ۲-۴-۵ ملاحظه شد هزینه کل به قیمت ثابت به جای کلیه گروه های درآمدی در ده ساله مورد بررسی کاهش یافته است. لذا برای پاسخ به این پرسش که کاهش کدام یک از هزینه ها منجر به کاهش در هزینه کل (به قیمت های ثابت) شده است.

در جدول شماره ۶-۴-۵ هزینه های خوراکی و غیر خوراکی برای سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۴) و درصد تفاوت آنها آورده شده است.

جدول ۶-۴-۵- هزینه خوراکی و غیرخوراکی برای شهرنشینان

ریال

بازنشسته ۱۳۶۴-۱۳۷۴

هزینه ها	گروه فقیر	متوسط	گروه غنی
خوراک ۱۳۶۴	۲۴۹۱۰	۱۲۳۴۳۱	۳۶۸۷۹۰
خوراک ۱۳۷۴ به ثابت ۱۳۶۴	۲۴۶۵۱	۸۷۰۹۶	۱۹۳۳۳۲
تفاوت	-۱۰۰۵	-۲۹۰۴	-۴۷۰۶
غیرخوراک ۱۳۶۴	۵۲۰۵۳	۲۶۳۰۶۰	۵۲۵۳۷۳
غیرخوراک ۱۳۷۴ به ثابت ۱۳۶۴	۴۰۱۹۸	۲۰۱۶۶۲	۴۱۲۰۴۰
تفاوت	-۲۲۰۷	-۲۳۰۳	-۲۱۰۵

محد. محاسبات گروه تحقیق

جدول بالا هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی دو سال ۱۳۷۴ و ۱۳۶۴ را برای شهرنشینان بازنشسته نشان می‌دهد و هزینه‌های سال ۱۳۷۴ را به قیمت ثابت ۱۳۶۴، آن مقایسه می‌کند. مشخص است که برای گروه فقیر با توجه به ضروری بودن خوراک کاهش ناچیزی در هزینه‌های آن داریم. هر چه قدر که سهم آن برای گروه فقیر آن قدر بالا هست که کاهش قابل ملاحظه‌ای را در هزینه کل به دنبال داشته باشد. اما هر چه قدر به سمت گروه‌های بالاتر درآمدی حرکت می‌کنیم تفاوت در هزینه خوراک دو سال بیشتر می‌شود. بر گونه‌ای که برای ده درصد ثروتمند جامعه شهری - بازنشسته هزینه خوراک حدوداً نصف کاهش پیدا کرده است که مسماً بخش عمده‌ای از کاهش ۳۲۳ درصدی هزینه کل این گروه را شامل می‌شود. کاهش هزینه‌های غیرخوراکی تقریباً برای تمام گروه‌ها یکسان است. در مجموع وضعیت شهرنشینان بازنشسته بدتر شده است. برای شهرنشینان در گروه‌های میانی و بالا کاهش چشمگیری در هزینه‌های خوراکی و مقدار مصرف بعضی از کالاهای خوراکی به خصوص کبریت و مرغ دریایی و به طور متوسط ۳۰ درصد از هزینه‌های غیرخوراکی نیز کاهش یافته است. همچنین قیمت نم‌می کالاهای در شهر تقریباً به اندازه ۲ برابر افزایش یافته است.

بررسی وضعیت بازنشستگان در دو سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ از نظر تسهیلات زندگی

در ادامه مقایسه وضعیت اقتصادی و معیشتی بازنشستگان در دو سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ و به منظور ارائه بهتر تغییرات در زندگی آنان در این قسمت وضعیت این گروه را از نظر تسهیلات زندگی بررسی می‌کنیم. منظور از تسهیلات زندگی چند قلم کالای مصرفی عمده می‌باشد که استفاده از آنها موجبات رفاه و مطلوبیت را فراهم می‌کند در سال ۱۳۷۴ پرسشنامه‌های بودجه خانوار کامل شده است به گونه‌ای که بعضی از کدها نسبت به سال ۱۳۶۴ اضافه شده است. جدول ۷-۴-۵ که آشنی‌خانه است.

جدول ۷-۴-۵ مشخصاً نشان می‌دهد که وضعیت تسهیلات زندگی به طور قابل توجهی بهتر شده است. جدای از امکانات اولیه زندگی مانند آب لوله‌کشی و برق که در سال ۱۳۶۴ نیز در حد مضمونی بوده است. امکاناتی مانند حمام، گاز و تلفن نیز در سال ۱۳۷۴ در مقایسه با ۱۳۶۴ وضعیت مناسب‌تری پیدا کرده‌اند. مثلاً ۶۲ درصد از خانوارهای بازنشسته دارای تلفن شده‌اند یا ۵۳/۰٪ از آنان لوله‌کشی گاز بهره‌مند شده‌اند.

جدول ۷-۴-۵- تسهیلات زندگی برای بازنشستگان

شهری ۱۳۶۴-۱۳۷۴

عنوان	۱۳۶۴	۱۳۷۴
آب نوله کشی	۰/۹۸	۱
برق	۱	۱
گاز	۰/۱۴	۰/۵۳
حمه	۰/۶۹	۰/۸۶
کولر	۰/۴۹	۰/۵۸
تلفن	۰/۳۷	۰/۶۲
آشپزخانه		۰/۹۳
اتومبیل	۰/۲۱	۰/۱۸
تلویزیون رنگی	۰/۱۶	۰/۴۸
فریزر	۰/۲۳	۰/۳۱
یخچال	۰/۹۷	۰/۹۹
ماشین لباسشویی	۰/۴۴	۰/۵۵
موتور سیکلت	۰/۰۱	۰/۰۸

ماخذ: محاسبات گروه تحقیق

جدول ۸-۴-۵- وضعیت رفاهی مسکن بازنشستگان شهری در

دو سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ را نشان می دهد.

عنوان	۱۳۶۴	۱۳۷۴
بعد خانوار	۴/۵۱	۴/۰۱
تعداد سرانه اتاق	۰/۸۱	۱/۰۳
سطح زیرینا (سرانه) به متر در مورد نوع مصالح ساحت مسکن	۲۳/۹۷	۲۸/۵۳
ر-م	۰/۳۵	۰/۱۱
سخت	۰/۶۵	۰/۸۹

ماخذ: محاسبات گروه تحقیق

همان طور که مشخص است وضعیت رفاهی مسکن بهبود یافته است به طوری که سطح سرانه زیرینا حدود ۵۰ متر افزایش نشان می دهد و نوع مصالح به کار رفته در ساختمان ها مشخصاً به سمت مصالح نوع سخت رفته است در مقایسه با کل کشور نیز وضعیت بازنشستگان شهری در سال ۱۳۷۴ از نظر رفاهی مسکن بهتر می باشد. علاوه بر این مشخص است که بعد خانوار طی ده سال مورد بررسی کاهش داشته است.



الف-۲- تاثیر بیمه بر روی رفتار اقتصادی خانوارها - شهر ۱۳۷۴

در این بخش از تحقیق به بررسی وضعیت بهداشتی درمسی خانوارهای شهری می پردازیم و هدف عمده در این قسمت است که ببینیم نقش بیمه در بین میان چیست بدین منظور و با توجه به آمار بودجه خانوار دو گروه از خانوارها را مشخص می کنیم. گروه اول شامل خانوارهایی می شود که تحت پوشش بیمه هستند البته این خانوارها هزینه های بهداشتی درمانی نیز دارند چون همان طور که می دانیم بعضی از هزینه های درمانی تحت پوشش بیمه نیستند و گروه دوم شامل خانوارهایی است که تحت پوشش بیمه نیستند و کلیه هزینه های درمانی و بهداشتی را خودشان متقبل می شوند.

بر اساس نمونه گیری بودجه خانوار کشوری در سال ۱۳۷۴، در مجموع ۵۱.۱ درصد از کل تعداد نمونه شهری تحت پوشش بیمه هستند و ۴۸.۸ درصد باقیمانده تحت پوشش بیمه نیستند. با توجه به اطلاعات جدول ۹-۴-۵ ملاحظه می شود که در شهرهای کشور به طور متوسط تفاوت چندانی میان سهم هزینه های ۸ گروه عمده در بین خانوارهایی که تحت پوشش بیمه هستند و گروهی که تحت پوشش بیمه نیستند وجود ندارد به عنوان مثال هر دو گروه ۳۰ درصد هزینه های خود را به مسکن اختصاص می دهند و به طور متوسط گروه اول ۳۱ درصد و گروه دوم ۳۳ درصد از کل هزینه های خود را به خوراک اختصاص می دهند. در مورد ده درصد فقیر جامعه نیز وضعیت تقریباً به همین منوال است.

جدول ۹-۴-۵- سهم هزینه ۸ گروه کالای اساسی - شهر ۱۳۷۴

گروهی که تحت پوشش بیمه هستند (درصد)	گروهی که تحت پوشش بیمه نیستند (درصد)		
	فقیر (۱۰٪)	متوسط	غنی (۱۰٪)
خوراک	۴۳	۳۱	۲۴
پوشاک	۴	۹	۱۰
مسکن	۳۴	۳۰	۳۰
لوازم منزل	۵	۷	۷
بهداشت و درمان	۵	۵	۶
حمل و نقل	۴	۱۰	۱۷
آموزش و تفریح	۳	۳	۳
متفرقه	۳	۵	۶

مأخذ: محاسبات کرده تحقیق

با توجه به جدول فوق همچنین متوجه می شویم که به طور متوسط هر دو گروه ۵۰ درصد از هزینه های خود را به بهداشت و درمان اختصاص می دهند البته در طول دهک های درآمدی تفاوت هایی میان هزینه های بهداشت و درمان دو گروه دیده می شود که این مسئله با بررسی مقادیر مطلق هزینه های سرانه گروه های مختلف به طور دقیق تر مورد ارزیابی قرار می گیرد.

در جدول ۱۰-۴-۵ هزینه سرانه سالانه بهداشت و درمان برای دو گروه مورد بررسی به تفکیک زیر بخش های آن آمده است.

جدول ۱۰-۲-۵- کل هزینه های بهداشتی و درمانی وزیربخش های آن شهر - ۱۳۷۴

گروهی که تحت پوشش بیمه هستند (درصد)			گروهی که تحت پوشش بیمه نیستند			
فقر (٪۱۰)	متوسط	غنی (٪۱۰)	فقر (٪۱۰)	متوسط	غنی (٪۱۰)	
۲۶۸۱۱	۱۱۰۷۹۲	۴۶۱۱۰۵	۱۰۷۶۱	۹۶۷۵۵	۵۱۳۷۵۸	کل هزینه های بهداشتی
۱۲۳۱۸	۸۱۶۶۲	۴۳۲۰۶۰	۱۰۷۶۱	۹۶۷۵۵	۵۱۳۷۵۸	هزینه های بهداشتی و درمانی
۵۲۵۸	۱۵۷۵۳	۳۴۸۴۳	۶۰۰۵	۱۹۳۳۵	۴۶۱۶۷	هزینه دارویی و لوازم طبی و درمانی
۵۱۶	۵۷۱۷	۲۲۱۹۸	۲۳۷	۳۴۶۰	۱۳۴۹۹	لوازم و وسایل طبی شخصی
۴۷۵۰	۳۵۶۳۷	۱۵۳۰۷۳	۳۵۶۴	۳۱۰۷۷	۱۳۷۸۷۶	هزینه خوراک پزشکی
۱۷۹۳	۳۱۵۵۵	۲۲۱۹۴۸	۹۵۶	۴۲۸۸۲	۳۱۶۲۱۶	سایر هزینه های بهداشتی و درمان
۱۴۴۹۳	۲۲۱۳۰	۲۹۰۳۶	-	-	-	هزینه بیمه درمانی اجتماعی و حوادث

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

با توجه به جدول ۱۰-۲-۵ ملاحظه می شود که به طور متوسط کل هزینه های بهداشتی خانواده هایی که تحت پوشش بیمه هستند نسبت به گروهی که تحت پوشش بیمه نیستند بیشتر است که حدود ۲۰ درصد آن مربوط به هزینه بیمه درمانی اجتماعی و حوادث است.

به هنگام بررسی ریس زیر شاخه کل هزینه های بهداشتی یعنی هزینه های بهداشتی درمانی متوجه می شویم که حدود ۲۰ درصدی که تحت پوشش بیمه نیستند به طور سر به سالانه هزینه بیشتر را نسبت به گروهی که تحت پوشش بیمه هستند می پردازند این مسئله در مورد ده درصد غنی این دو گروه نیز صدق می کند و در مورد ۱۰ درصد فقیر قضیه برعکس است. یعنی گروهی که تحت پوشش بیمه هستند هزینه سرانه سالانه بهداشتی و درمانی بیشتری می پردازند.

حال در این قسمت از بحث با بررسی درصد خانوارهای زیر خط فقر، نقش بیمه و خدمات درمانی را در شهرها مورد بررسی قرار می دهیم محاسبه خط فقر با استفاده از ضرایب بودجه خانوار و ارزش های غذایی مواد خوراکی و معیار استاندارد کالری مورد نیاز افراد یعنی ۲۲۰۹ کالری به طور سرانه روزانه صورت گرفته است. به طور کلی در شهرهای کشور ۸ درصد از خانوارهایی که تحت پوشش بیمه هستند زیر خط فقر قرار دارند در حالی که خانوارهایی که تحت پوشش بیمه خدمات درمانی نیستند ۱۶٫۲ درصدشان زیر خط فقر هستند. البته این وضعیت بیشتر بر می گردد به این که خانوارهایی که زیر پوشش بیمه نیستند عموماً خانوارهایی با مشاغل آزاد می باشند که آن گروهی که خودش را بیمه نکرده است باشد به نوعی جزو گروه فقیر محسوب شوند.

برای بررسی دقیق تر این مسئله به بررسی چگونگی توزیع درآمد در میان این گروه خانوار می پردازیم. بدین منظور ضرایب توزیع درآمد را برای سه گروه هزینه کل (درآمد کل) هزینه خوراک و هزینه بهداشت محاسبه کرده و مورد مقایسه قرار می دهیم در واقع هدف از این بحث این است که می خواهیم ببینیم آیا بیمه خدمات درمانی توسعه یافته است وضعیت توزیع درآمدی خانوارها را بهبود بخشد یا خیر.

ضرایب	ضریب جینی	اتکینسون ۵	اتکینسون ۱۰	اتکینسون ۱۵	اتکینسون ۲۰	تایل
هزینه کل	۰.۳۹۹۰	۰.۳۱۸۸	۰.۳۸۹۳	۰.۴۴۷۲	۰.۴۹۵۰	۰.۲۷۷۹
خوراک	۰.۲۹۸۷	۰.۱۹۸۴	۰.۲۵۵۰	۰.۳۰۶۱	۰.۳۵۱۸	۰.۱۴۳۹
بهداشت	۰.۴۷۸۱	۰.۴۰۱۲	۰.۴۶۰۸	۰.۵۰۵۷	۰.۵۴۱۱	۰.۴۶۰۵
هزینه کل	۰.۴۵۱۰	۰.۳۹۲۶	۰.۴۷۱۱	۰.۵۳۳۷	۰.۵۸۳۹	۰.۳۶۷۱
خوراک	۰.۳۳۶۸	۰.۲۵۴۹	۰.۳۲۷۵	۰.۳۹۲۶	۰.۴۴۹۴	۰.۱۸۴۳
بهداشت	۰.۶۰۰۱	۰.۵۹۰۷	۰.۶۶۴۱	۰.۷۱۸۲	۰.۷۵۹۱	۰.۷۷۲۳

ماخذ: محاسبات گروه تحقیق

با توجه به جدول ۱۱-۴-۵ ملاحظه می شود که گروهی که بیمه نشده اند ضرایب جینی بزرگ تری دارند نسبت به گروه بیمه شدگان و این شاید ناشی از ضیف وسیع افراد در این گروه در مقبل بیمه شدگان باشد. به طوری که ضریب جینی به عنوان معیاری از توزیع درآمد برای هزینه کل برای گروهی که تحت پوشش بیمه هستند ۰.۳۹۹ و برای خانوارهایی که تحت پوشش بیمه نیستند ۰.۳۵۱ است بدین ترتیب ملاحظه می شود که توزیع درآمد در میان گروه های درآمدی گروه اول نسبت به گروه دوم مناسب تر است. در مورد هزینه های بهداشت و درمان هم همین مسئله صادق است به خصوص در مورد این رقم هزینه تفاوت های زیادی مشاهده می شود. بدین ترتیب که وضعیت توزیعی هزینه بهداشت و درمان برای گروهی که تحت پوشش بیمه نیستند بسیار نامناسب است.

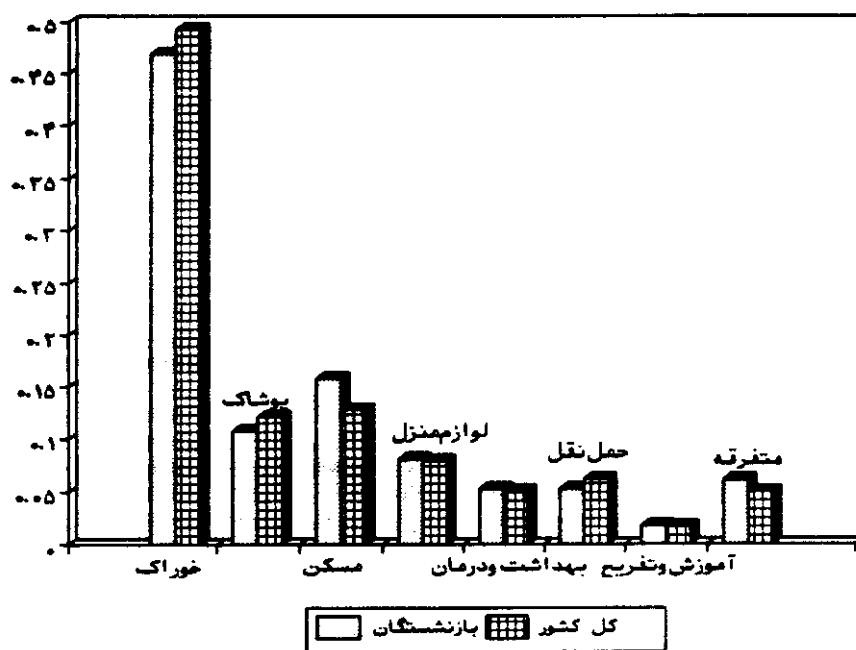
**بررسی وضعیت اقتصادی بازنشستگان و بیمه شدگان بر اساس آمار بودجه خانوار - روستا**  
در این بخش به بررسی تفاوت در هزینه ها، نحوه توزیع، خط فقر و درصد فقر در زیر خط فقر میان بازنشستگان و کل کشور و از سوی دیگر بیمه شدگان و کسانی که پرد حتی باست بیمه در هزینه های خانوار ندارند با توجه به نتایج آمارگیری بودجه خانوار می پردازیم. به همین دلیل نتایج آمارگیری بودجه خانوار به دو گروه تفکیک شده است. در تحلیل اول گروه بازنشستگان و نتایج بررسی آن با کل کشور مقایسه شده است و در تحلیل دوم گروه پرداخت کننده بیمه از کسانی که پرداخت بیمه نداشته مورد مقایسه قرار گرفته است.

### مقایسه وضعیت اقتصادی بازنشستگان و کل کشور سال ۱۳۷۴ - جامعه روستایی

برای مقایسه وضعیت این دو گروه ابتدا به بررسی هزینه های عمده گروه های درآمدی فقیر، متوسط و غنی می پردازیم. در نمودار شماره ۲-۴-۵ متوسط سهم هزینه بهداشت، درمان، پوشاک و حمل و نقل این دو گروه تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد و فقط در مورد هزینه مسکن است که تفاوت کمی دیده می شود به طوری که سهم هزینه مسکن برای متوسط جامعه روستایی کل کشور ۱۳ درصد و برای بازنشستگان روستایی ۱۶ درصد است. در مورد درصد فقیر جامعه تفاوت ها مربوط به سهم هزینه خوراک و مسکن است به طوری که سهم هزینه خوراک برای بازنشستگان روستایی ۱۶ درصد از کل هزینه هاست در حالی که

این سهم برای روستاییان کل کشور ۱۵ درصد است در مورد هزینه مسکن وضعیت متفاوت است یعنی سهم هزینه مسکن برای بازنشستگان روستایی ۳۵ درصد است، در حالی که برای روستاییان کل کشور ۳۰ درصد است. در مورد خدمت نیز تفاوت عمده فقط در مورد هزینه‌های خوراکی است به طوری که سهم هزینه خوراک برای بازنشستگان روستایی ۴۸ درصد و برای روستاییان شروتمند کل کشور ۳۹ درصد است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در مجموع سهم هزینه خوراک برای بازنشستگان روستایی در مقایسه با روستاییان کل کشور بیشتر است.

نمودار ۲-۴-۵- مقایسه هزینه‌های عمده بازنشستگان و کل کشور میانگین جامعه روستایی - ۱۳۷۴



نکته بعدی در مورد نحوه توزیع هزینه‌هاست با توجه به ضریب جینی ۰.۴۱۱ برای هزینه کل روستاییان کل کشور و ضریب جینی ۰.۴۰۶۲ برای کل بازنشستگان روستایی متوجه شدیم که توزیع درآمد در میان گروه بازنشستگان روستایی در مقایسه با کل کشور مناسب‌تر است در مورد هزینه خوراک و پوشاک نیز چنین وضعیتی ملاحظه می‌شود. در حالی که در مورد هزینه مسکن وضعیت کاملاً متفاوت است یعنی ضریب جینی مسکن برای بازنشستگان روستایی ۰/۳۷۷۹ است در حالی که برای روستاییان کل کشور ۰.۲۸۳۵ است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که توزیع این هزینه در میان روستاییان کل کشور مناسب‌تر است در مورد کسب‌های هزینه‌ای تفاوتی بین این دو گروه وجود ندارد به طوری که برای هر دو گروه خوراک و مسکن جزء اقلام ضروری و پوشاک و حمل و نقل با کسب‌های درآمدی بزرگ‌تر جزو اقلام لوکس هزینه‌ای هستند.

مقایسه بعدی در مورد هزینه‌های خوراکی بین دو گروه است - تراز به حدود ۱۲-۶-۲-۱-۲ ملاحظه می‌شود که در میان متوسط جامعه بازنشستگان روستایی و روستاییان کل کشور تفاوت عمده مربوط به برنج داخلی است به طوری که سهم هزینه برنج داخلی در کل هزینه خوراک برای روستاییان ۱۳ درصد است. در حالی که این نسبت برای روستاییان کل کشور ۸ درصد است در مورد درصد فقیر جامعه روستایی نیز تفاوت عمده در مصرف کل برنج است. به طوری که سهم هزینه کل برنج فقیران بازنشستگان ۱۳ درصد است. در حالی که این سهم برای روستاییان فقیر حدود نصف یعنی ۷ درصد است. در مورد ثروتمندان نیز تنها تفاوت در مورد سهم هزینه گوشت در هزینه‌های خوراکی است به طوری که سهم هزینه گوشت برای روستاییان بازنشسته ۱۰ درصد است در صورتی که این سهم برای روستاییان کل کشور ۱۰ درصد است. البته می‌توان برای بررسی بیشتر کشش‌های مقداری کالاهای اساسی را مورد توجه قرار داد بدین ترتیب نیز ملاحظه می‌شود که تفاوت عمده‌ای بین این دو گروه مشاهده نمی‌شود یعنی در اینجا برنج داخلی جزو اقلام لوکس و بقیه کالاهای مورد بررسی جزو اقلام ضروری هستند.

جدول ۱۲-۴-۵- سهم هزینه کالاهای خوراکی جامعه روستایی

درصد وکل کشور- ۱۳۷۳

بازنشستگان	فقیر	متوسط	غنی
برنج	۱۰	۱۸	۲۳
نان	۹	۳	۲
گوشت	۱۰	۱۵	۱۳
مرغ	۵	۷	۹
لبنیات	۱۷	۱۰	۹
روغن	۶	۶	۵

ماخذ: محاسبات گروه تحقیق

کل کشور	فقیر	متوسط	غنی
برنج	۷	۱۶	۲۲
نان	۸	۳	۱
گوشت	۹	۱۴	۱۵
مرغ	۵	۶	۶
لبنیات	۱۵	۱۱	۵
روغن	۹	۶	۶

ماخذ: محاسبات گروه تحقیق

مورد مقایسه بعدی به درصد زیر خط فقر و خط فقر ریالی این دو گروه است. روش محاسبه در این جا نیز مشابه حالت‌های قبل است و نتایج به دست آمده این چنین است که حدود ۳-۲۲ درصد از بازنشستگان

روستایی زیرخط فقر هستند. این رقم برای روستاییان کل کشور ۵ درصد است بدین ترتیب ملاحظه می شود که تفاوت زیادی بین این دو گروه وجود ندارد. البته خط فقر ریالی بازنشستگان روستایی اختلاف زیادی با روستاییان کل کشور دارد به طوری که خط فقر ریالی بازنشستگان ۶۸۱۰۸۹ ریال است در حالی که برای روستاییان کل کشور این رقم ۴۹۰۵۳۶ ریال است.

#### مقایسه وضعیت اقتصادی و معیشتی بازنشستگان برای سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ در روستا

در ابتدا هزینه کل برای سه گروه فقیر، متوسط و غنی را برای دو سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ به قیمت های جاری و به قیمت های ثابت می آوریم. منظور از هزینه کل، جمع هزینه هشت گروه کالای اساسی در سبد مصرفی خانوارهاست که عبارتند از: خوراک، پوشاک، مسکن، لوازم منزل، بهداشت و درمان، حمل و نقل، آموزش و تفریحات و سایر. علاوه بر این گروه فقیر یعنی ده درصد فقیرترین جامعه و گروه غنی ده درصد ثروتمندترین جامعه می باشند.

جدول ۱۳-۴-۵- هزینه کل سرانه سالانه بازنشستگان روستایی

هزینه کل سرانه سالانه	گروه فقیر	متوسط	گروه غنی
۱۳۶۴	۵۳۳۲۱	۲۳۶۹۰	۷۴۱۵۹۱
۱۳۷۴ (جاری)	۳۵۳۴۹۸	۱۴۸۶۶۲۷	۴۸۷۹۵۱۹
۱۳۷۴ (ثابت ۰۶۴)	۳۹۸۴۷	۱۶۶۱۵۸	۵۵۰۰۲۸
تفاوت جاری	۵۶۳۶	۵۲۷۳	۵۵۸
تفاوت ثابت	-۲۵۰۲	-۲۹۰۳	-۲۵۰۸

محد محاسبات گروه تحفین

جدول بالا نشان می دهد که چنانچه قیمت های جاری را در نظر بگیریم به طور متوسط ۵/۶ برابر به هزینه کل سرانه سالانه بازنشستگان روستایی افزوده شده است. اما چنانچه خواهیم تورم و افزایش قیمت را در نظر بگیریم و هزینه کل را با استفاده از شاخص قیمت های کالاها و خدمات معرفی به قیمت های ثابت سال ۱۳۶۴ تبدیل کنیم و سینه بتوانیم هزینه واقعی سال ۱۳۷۴ را با سال ۱۳۶۴ مقایسه کنیم متوجه می شویم که برای گروه متوسط ۲۹/۳ درصد کاهش در هزینه کل را داریم یا به تعبیری درآمد دائمی گروه متوسط بازنشستگان روستایی ۰/۳ برابر کمتر شده است. این تغییر برای گروه فقیر ۲۵/۲ درصد و برای گروه ثروتمند ۲۵/۸ درصد می باشد. ملاحظه می شود که تفاوت در کاهش هزینه کل برای سه گروه درآمدی نزدیک به هم می باشد هر چند که در متوسط جامعه با کاهش بیشتری مواجه هستیم. در بخش های بعد بررسی خواهیم کرد این کاهش هزینه کل تا چه اندازه مربوط به کاهش در هزینه های خوراک و غیر خوراک می باشد.

به منظور بررسی اهمیت هر یک از گروه کالاها عمده در سبد مصرفی خانوارها و سهم هر کدام از هزینه کل، جدول زیر را آورده ایم که برای بازنشستگان روستایی سهم هر یک از هشت گروه کالای عمده را از هزینه کل در دو سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ نشان می دهد.

جدول ۱۴-۴-۵- سهم هزینه‌های کالاهای عمده: برزی

گروه متوسط بازنشستگان روستایی

گروه‌های عمده کالایی	۱۳۶۴	۱۳۷۴
خوراک	۰.۳۹	۰.۴۷
پوشاک	۰.۰۷	۰.۱۱
مسکن	۰.۲۹	۰.۱۶
نوازم منزل	۰.۰۶	۰.۰۸
بهداشت و درمان	۰.۰۴	۰.۰۵
حمل و نقل	۰.۰۵	۰.۰۵
آموزش و تفریح	۰.۰۰۷	۰.۰۲
سایر	۰.۰۶	۰.۰۶

محد. محاسبات گروه تحقیق

همان‌گونه که از جدول بالا ملاحظه می‌شود در هر دو سال مورد بررسی خوراک بالاترین سهم هزینه‌ای را با اختلاف قابل توجهی نسبت به سایر هزینه‌ها داشته است. همچنین برای هر دو سال مورد بررسی آموزش و تفریحات کمترین سهم هزینه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند در صورتی که جدای از آموزش، تفریح و سرگرمی برای سنین گروه بازنشستگان قاعداً تا باید سهم بالایی را به خود اختصاص دهد ولی به نظر می‌رسد که هزینه‌های بالایی که برای خوراک، پوشاک و مسکن پرداخت شده است جای برای سرگرمی و تفریح باقی نگذاشته است به گونه‌ای که در سال ۱۳۶۴ فقط ۰.۷ درصد از کل هزینه‌ها صرف تفریحات شده است و در سال ۱۳۷۴ با اندکی افزایش به ۲ درصد از کل هزینه‌ها می‌رسد. انتظار می‌رفت که سهم هزینه بهداشت و درمان برای گروه بازنشستگان بالا باشد ولی درصد قابل فیزی از جمعیت بازنشسته روستایی هزینه‌چندانی برای درمان نداشته‌اند و تنها در دهک‌های بالای درآمدی است که اندکی به این سهم افزوده می‌شود و تا حد ۸ درصد از کل هزینه‌ها می‌رسد در مجموع تفاوت قابل توجه در سهم‌ها علاوه بر تفریحات و سرگرمی، شامل مسکن نیز می‌شود که از ۲۹ درصد سال ۶۴ به ۱۶ درصد سال ۱۳۷۴ رسیده است. در این قسمت می‌خواهیم وضعیت مصرف کالاهای مهم خوراکی و قیمت‌های ضمنی آنها را برای روستا در دو سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ مورد بررسی قرار دهیم و تغییر مصرف بازنشستگان راضی ده سال مورد بررسی روشن‌تر نماییم.

جدول زیر نشان می‌دهد به غیر از نان که بایک کاهش ۴۴ درصدی در مصرف آن روبه‌رو هستیم. مصرف سایر اقلام خوراکی طی این ۱۰ سال افزایش یافته است. مصرف روغن نیز برای روستا افزایش حدود ۲۰ درصد را نشان می‌دهد. مصرف قند و شکر هم برای روستا افزایش نشان می‌دهد. قیمت‌های ضمنی شاخص دیگری است که می‌تواند تغییر در سید مصرفی خوراکی راضی ده ساله ۱۳۶۴-۱۳۷۴ نشان دهند. در جدول زیر برای کالاهای مهمی که درباره مقادیر مصرف آنها بحث کردیم قیمت‌های ضمنی آورده شده است.

جدول ۱۵-۳-۵- مصرف کالاهای اساسی خوراکی در روستا

کالاهای مهم خوراکی	برنج	نان	گوشت و مرغ	روغن	قند و شکر
سال ۱۳۶۴	۳۹۲	۲۰۵/۷	۲۵/۵	۷/۲	۱۵/۷
سال ۱۳۷۴	۵۷۹	۱۱۶	۳۰	۱۲۳	۲۳/۱
Kg تفاوت	۱۸۷	-۸۹۷	۴/۵	۵۱	۷/۴

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

جدول ۱۶-۳-۵- قیمت‌های ضمنی برای کالاهای خوراکی شهرنشینان و روستاییان بازنشسته ریال

کالاهای مهم خوراکی	برنج	نان	گوشت و مرغ	روغن	قند و شکر
سال ۱۳۶۴	۲۴۷	۵۱	۸۶۳	۱۶۴	۳۸
سال ۱۳۷۴	۲۲۸۴	۱۹۰	۴۸۸۶	۳۱۸۹	۱۰۳۷
تفاوت برابر	۹۲	۳۷	۵/۷	۱۹۴	۲۷/۲

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

جدول بالا نشان می‌دهد که برای کتبه کالاهای اساسی قیمت‌های ضمنی عسی ده ساله ۱۳۶۴-۱۳۷۴ افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته‌اند و افزایش قیمت کالاها در روستاها در سال می‌دهد کمترین افزایش قیمت‌ها مربوط به نان است که در روستا ۳۷ برابر افزایش قیمت داشته و بیشترین افزایش قیمت در روستا مربوط به قند و شکر می‌باشد.

برای پاسخ به این پرسش که کاهش کدام یک از هزینه‌ها منجر به کاهش در هزینه کل اینه قیمت‌های ثابت شده است. در جدول ۱۴ هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی برای سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۴) و درصد تفاوت آنها برای روستا آورده شده است.

جدول ۱۷-۴-۵- هزینه‌های خوراک و غیرخوراک برای

ریال

روستاییان بازنشسته

هزینه‌ها	گروه فقیر	متوسط	گروه ثروتمند
خوراک ۱۳۶۴	۲۴۳۶۲	۹۴۳۰۸	۲۶۸۹۷۵
خوراک ۱۳۷۴ به ثابت ۱۳۶۴	۲۲۶۱۴	۸۲۰۸۱	۲۶۳۱۰۸
تفاوت	-۷۱۷	-۱۲۹	-۲۱۸
غیرخوراک ۱۳۶۴	۲۸۹۵۹	۱۴۲۶۶۳	۴۷۲۶۱۶
غیرخوراک ۱۳۷۴ به ثابت ۱۳۶۴	۱۷۲۳۴	۸۵۴۹۹	۲۸۶۹۱۹
تفاوت	-۴۰۵	-۴۰	-۳۹۰۲

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

مشخص است که تغییرات در هزینه‌های خوراک چندان زیاد نمی‌باشد به خصوص برای گروه‌های بسیار فقیر و بسیار ثروتمند روستایی این تغییر کمتر است و برای گروه متوسط جامعه کاهش خوراک چشمگیرتر می‌باشد. اما با توجه به سهم ۴۷ درصدی هزینه خوراک از هزینه کل در سال ۱۳۷۴ بین کاهش در



هزینه خوراک موجب کاهش قابل توجهی در هزینه کل می‌شود. قسمت دوم بررسی‌ها به هزینه‌های غیرخوراک است که در صد کاهش آن چشمگیر است به گونه‌ای که برای کبک گروه‌های درآمدی هزینه‌های غیرخوراکی حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است.

در مجموع وضعیت روستاییان بازنشسته بدتر شده است. برای روستاییان کاهش قابل توجهی در هزینه‌های غیرخوراکی داریم و هزینه‌های خوراکی چندان کاهش نیافته است. همچنین قیمت تمامی کالاها در روستا تقریباً به اندازه ۲ برابری افزایش یافته است.

#### مقایسه وضعیت بازنشستگان روستایی در دو سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ از نظر تسهیلات زندگی

در ادامه مقایسه وضعیت اقتصادی و معیشتی بازنشستگان در دو سال ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ در این قیمت وضعیت این گروه در روستا را از نظر تسهیلات زندگی مورد مقایسه و بررسی قرار می‌دهیم. در این جا منظور ما از تسهیلات زندگی چند قلم کالای مصرفی عمده است که استفاده از آنها موجب رفاه بیشتر خانوار خواهد بود. البته در سال ۱۳۷۴ پرسشنامه‌ها کامل‌تر شده است به گونه‌ای که بعضی از کدهای مطرح شده در پرسشنامه سال ۱۳۷۴ در سال ۱۳۶۴ وجود نداشته است که به آن اشاره خواهد شد. در ابتدا مقایسه‌ای را برای میانگین خانوارهای بازنشسته روستایی در مورد تسهیلات ضروری زندگی خواهیم داشت.

جدول ۱۸-۴-۵- تسهیلات زندگی برای بازنشستگان روستایی

عنوان	۱۳۶۴	۱۳۷۴
آب لوله کشی	۰.۷۲	۰.۸۱
برق	۰.۸۹	۰.۹۸
گاز	۰.۲	۰.۰۷
حمام	۰.۲۷	۰.۴۴
کولر	۰.۲۴	۰.۲۲
تلفن	-	۰.۱۶
آشپزخانه	-	۰.۶۹
اتومبیل	۰.۱۱	۰.۰۶
تلویزیون رنگی	-	۰.۱۵
فریزر	-	۰.۰۵
یخچال	۰.۸۱	۰.۹۱
ماشین لباسشویی	-	۰.۲۰
موتور سیکلت	-	۰.۱۸

محد محاسبات گروه تحقیق

جدول شماره ۱۸-۴-۵ نشان می‌دهد در مورد امکاناتی نظیر آب لوله کشی، برق، گاز و حمام وضعیت

رفاهی به مراتب بهتر شده است. به طوری که در بیستک‌های متوسط به بالای درآمدی ۱۰۰ درصد خانوارهای بازنشسته روستایی برق دارند و بیش از نیمی از خانوارهای بازنشسته حمام شخصی برای خود دارند. در مورد اتومبیل به نظر می‌رسد که موتور سیکلت و اتومبیل در سال ۱۳۶۴ مشترکاً در نظر گرفته شده است که باعث بالا رفتن درصد دارندگان خودرو (اتومبیل) شده است یا اتومبیل‌های بیشتری از زده خارج شده است. تسهیلاتی مانند آشپزخانه، تلفن، کولر، تلویزیون رنگی و ماشین لباسشویی در سال ۱۳۷۴ مورد پرسش قرار گرفته‌اند که در سال ۱۳۶۴ نبوده‌اند. به طور میانگین در سال ۱۳۷۴، ۶۹ درصد از خانوارهای بازنشسته روستایی دارای آشپزخانه هستند که در مقایسه با کل کشور در همین سال که رقم ۵۲ درصد برای میانگین روستایان نشان می‌دهد درصد تقریباً مناسبی است این برای بیستک‌های بالای درآمدی اضافه می‌شود و به ۸۰ درصد می‌رسد. به طور کلی در مقایسه با میانگین کل کشور جامعه روستایی، بازنشستگان از وضعیت مناسب‌تری از نظر دسترسی به تسهیلات زندگی برخوردار هستند که این جای تأمل دارد.

از نظر وضعیت مسکن نیز می‌توان وضعیت رفاهی بازنشستگان روستایی را مورد بررسی قرار داد.

#### جدول ۱۹-۴-۵- بررسی وضعیت امکانات رفاهی

##### مسکن - بازنشستگان روستایی

عنوان	۱۳۶۴	۱۳۷۴
بعد خانوار	۴.۶	۴.۸
تعداد سرانه اتاق	۰.۶۶	۰.۸۱
سطح زیربنا (سرانه) به متر	-	۲۰.۵۶
درصد نوع مصالح ساخت مسکن		
نرم	۰.۴۹	۰.۴۵
سخت	۰.۵۱	۰.۵۵

محد: محاسبات گروه تحقیق

جدول بالا نشان می‌دهد که تعداد سرانه اتاق افزایش یافته است و مصالح به کار رفته در ساخت مسکن بازنشستگان بیشتر به سمت مصالح سخت رفته است. به طور موردی در سال ۱۳۷۴، سطح سرانه زیربنا برای گروه میانگین ۲۰.۵۶ متر است که در مقایسه با کل کشور حدود ۶ متر بیشتر است در مجموع می‌توان گفت که بعد خانوار برای گروه بازنشستگان روستایی کمتر از میانگین کل کشور است که امری بدیهی به نظر می‌رسد و هرچه به سمت بیستک‌های بالاتر درآمدی پیش می‌رویم از بعد خانوار کاسته می‌شود به طوری که در بیستک آخر درآمدی بعد خانوار ۲.۸ می‌باشد که کاهش بعد روی افزایش سرانه اتاق و سرانه زیربنا اثر مثبت داشته است.

در کل می‌توان نتیجه گرفت که از نظر وضعیت مسکن و تسهیلات زندگی وضعیت بازنشستگان روستایی از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۴ اندکی بهتر شده است و وضعیت بازنشستگان روستایی در مقایسه با کل کشور (خانوارهای روستایی) به مراتب بهتر می‌باشد.

### تأثیر بیمه بر روی رفتار اقتصادی خانوارها، روستا- ۱۳۷۴

در این بخش از تحقیق به بررسی وضعیت بهداشتی درمانی خانوارهای روستایی می‌پردازیم و هدف عمده در این قسمت این است که ببینیم نقش بیمه در این میان چیست. بدین منظور با توجه به آمار بودجه خانوار، دو گروه از خانوارها را مشخص می‌کنیم گروه اول شامل خانوارهایی می‌شود که تحت پوشش بیمه هستند البته این خانوارها هزینه‌های بهداشتی درمانی نیز دارند چون همان‌طور که می‌دانیم بعضی از هزینه‌های درمانی تحت پوشش بیمه نیستند و گروه دوم شامل خانواده‌هایی است که تحت پوشش بیمه نیستند و کلیه هزینه‌های درمانی و بهداشتی را خودشان متقبل می‌شوند.

با توجه به اطلاعات به دست آمده از نمونه‌گیری بودجه خانوار از سال ۱۳۷۴، در مجموع در کل تعداد نمونه‌های روستایی ۳۲۶۷ عدد (۸۲۴ درصد) مربوط به خانوارهایی است که تحت پوشش بیمه هستند و ۷۵۰۲ درصد بقیه تحت پوشش بیمه نیستند. با توجه به جدول شماره ۲۰-۴-۵ ملاحظه می‌شود که به‌طور متوسط خانوارهایی که تحت پوشش بیمه نیستند هزینه بیشتری را به خوراک اختصاص می‌دهند نسبت به گروه اول و بی در همین حال سهم هزینه مسکن گروه اول نسبت به گروه دوم بیشتر است در مورد سایر هزینه‌ها به‌طور متوسط تغییرات چشمگیری ملاحظه نمی‌شود. در مورد ۱۰ درصد فقیر این دو گروه در روستاها وضعیت کاملاً متفاوت است به‌طوری که ۱۰ درصد فقیر خانوارهایی که تحت پوشش بیمه هستند ۵۶ درصد از کل هزینه‌های خود را به خوراک اختصاص می‌دهد در حالی که این سهم برای ۱۰ درصد فقیر گروه دوم ۵۳ درصد است در مورد هزینه‌های مسکن روند کاملاً عکس ملاحظه می‌شود. تفاوت عمده در میان هزینه‌های ۱۰ درصد غنی روستایی در مورد هزینه‌های خوراک است.

در مورد هزینه‌های بهداشتی درمانی دو گروه در روستاها در مورد متوسط جامعه تفاوت عمده‌ای مشاهده نمی‌شود و بی در طول گروه‌های درآمدی تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود البته بررسی دقیق‌تر هزینه‌های بهداشتی درمانی در گروه در روستاها نتایج دقیق‌تری را به ما می‌دهد.

جدول ۲۰-۴-۵- سهم هزینه ۸ گروه کالای اساسی - روستا ۱۳۷۴

	گروهی که تحت پوشش بیمه هستند (درصد)			گروهی که تحت پوشش بیمه نیستند (درصد)		
	فقیر (۱۰٪)	متوسط	غنی (۱۰٪)	فقیر (۱۰٪)	متوسط	غنی (۱۰٪)
خوراک	۵۶	۴۵	۳۹	۵۳	۵۱	۴۴
پوشاک	۴	۱۲	۱۳	۳	۱۲	۱۴
مسکن	۱۹	۱۴	۱۰	۲۷	۱۲	۹
نوازم منزل	۵	۶	۱۱	۵	۸	۶
بهداشت و درمان	۵	۵	۶	۳	۵	۷
حمل و نقل	۵	۸	۱۲	۴	۶	۸
آموزش و تفریح	۲	۲	۲	۲	۱	۱
متفرقه	۳	۵	۷	۳	۵	۷

ساخته محاسبات گروه تحقیق

با توجه به جدول شماره ۲۰-۴-۵ ملاحظه می‌شود که به‌طور متوسط کل هزینه سرانه سالانه بهداشت و

درمان خانوارهایی که تحت پوشش بیمه هستند بیشتر است که بیش از ۳۲ درصد این هزینه‌ها مربوط به هزینه بیمه درمانی، اجتماعی و حوادث است. به هنگام بررسی اولین زیرشاخه این هزینه کل بهداشت درمان یعنی هزینه‌های بهداشتی درمانی که شامل هزینه‌های دارویی و لوازم طبی و درمانی، لوازم و وسایل طبی شخصی، هزینه خدمات پزشکی و سایر هزینه‌های بهداشتی و درمانی است، متوجه می‌شویم که خانواده‌هایی که تحت پوشش بیمه هستند به طور سرانه سالانه به طور متوسط و در طول تمام گروه‌های درآمدی هزینه‌های کمتری را نسبت به گروهی که تحت پوشش بیمه نیستند می‌پردازند و این مسئله بدین معنی است که سهم به نسبت قابل توجهی از هزینه‌ها توسط سازمان‌های بیمه پرداخت می‌شود به عنوان مثال هزینه‌های دارویی و لوازم طبی و درمانی گروه اول ۲۵۳۳ ریال به طور سالانه است در حالی که همین هزینه برای گروه دوم ۱۴۸۲۴ ریال (سرانه سالانه) است. چنین تفاوت‌هایی در مورد گروه‌های درآمدی فقیر و غنی کاملاً مشهود است به طوری که با توجه به جدول ۲۱-۴-۵ ملاحظه می‌شود که هزینه‌های بهداشتی درمانی ۱۰ درصد فقیر گروهی که تحت پوشش هستند ۴۹۹۶ ریال (سرانه سالانه) است، در حالی که همین رقم برای گروه دوم ۱۷۶ ریال (سرانه سالانه) است در مورد ۱۰ درصد غنی جامعه نیز به عنوان مثال هزینه‌های بهداشتی درمانی گروه دوم ۲۵ درصد بیشتر از هزینه‌های ثروتمندان گروه اول است.

جدول ۲۱-۴-۵- کل هزینه‌های بهداشتی و زیربخش‌های آن - روستا ۱۳۷۴

گروهی که تحت پوشش بیمه نیستند			گروهی که تحت پوشش بیمه هستند (درصد)			
غنی (۱۰٪)	متوسط	فقیر (۱۰٪)	غنی (۱۰٪)	متوسط	فقیر (۱۰٪)	
۲۸۹۵۶۱	۵۷۲۸۳	۶۱۷۰	۲۵۷۸۳۰	۶۹۴۱۲	۱۵۷۲۲	کل هزینه‌های بهداشتی
۲۸۹۵۶۱	۵۷۲۸۳	۶۱۷۰	۲۱۶۵۸۰	۴۷۱۷۰	۴۹۹۶	هزینه‌های بهداشتی و درمانی
۳۵۴۷۳	۱۴۸۲۴	۳۶۷۱	۴۰۳۱۶	۱۲۵۳۳	۲۸۹۴	هزینه دارویی و لوازم طبی و درمانی
۵۵۰۸	۱۰۱۳	۲۲	۵۶۶۹	۱۷۱۰	۰	لوازم و وسایل طبی شخصی
۴۷۶۶۲	۱۳۴۲۸	۱۹۷۰	۴۹۴۴۱	۱۴۹۶۰	۱۹۷۲	هزینه خدمات پزشکی
۲۰۰۹۱۹	۲۸۰۱۷	۵۰۶	۱۲۱۱۵۵	۱۷۹۶۷	۱۳۰	سایر هزینه‌های بهداشتی و درمان
-	-	-	۴۱۲۵۰	۲۲۲۴۲	۱۰۷۲۶	هزینه بیمه درمانی اجتماعی و حوادث

ماخذ: محاسبات گروه تحقیق.

بعد از بررسی وضعیت اقتصادی این دو گروه خانوار روستایی، در این بخش از تحقیق با بررسی درصد خانوارهای فقیر، نقش بیمه و خدمات درمانی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. با استفاده از آمار و اطلاعات بودجه خانوار و روش محاسبه خط فقر براساس معیار استاندارد کالری مورد نیاز افراد (۲۲۰۹ کالری سرانه روزانه) نتایج زیر به دست آمده است.

به طور کلی در روستاهای کشور ۱۵،۴ درصد از خانوارهایی که تحت پوشش بیمه هستند و انواع شرکت‌های بیمه و سازمان‌های دولتی بخشی از هزینه‌های درمانی آنها را پرداخت می‌کند زیر خط فقر هستند در حالی که در میان خانوارهایی که تحت پوشش خدمات بیمه‌ای نیستند این رقم به ۲۱،۷ درصد می‌رسد یعنی در واقع از کل مجموع این گروه در روستا ۲۱،۷ درصد آنها زیر خط فقر قرار دارند بدین

ترتیب در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که در واقع بیمه‌ت حدودی توانسته است در بهبود وضعیت اقتصادی خانوارها سهمیه باشد و به بهبود وضعیت فقر در میان این گروه خانوارها بپردازد. برای بررسی دقیق‌تر این موضوع با استفاده از ضرایب توزیعی به وضعیت توزیع هزینه کل (درآمدی کل) هزینه خوراک و هزینه بهداشت و درمان این دو گروه خانوار روستایی می‌پردازیم. هدف از این بحث نیز بررسی اثرات خدمات بیمه بر وضعیت توزیعی خانوارهاست.

جدول ۲۲-۴-۵- ضرایب توزیعی - روستا ۱۳۷۴

تایل	اتکینسون ۲۰	اتکینسون ۱۵	اتکینسون ۱۰	اتکینسون ۵	ضریب جینی	ضرایب	
۰.۲۶۴۸	۰.۴۹۴۱	۰.۴۴۳۴	۰.۳۸۲۹	۰.۳۱۰۹	۰.۳۹۰۰	هزینه کل	گروهی که
۰.۱۸۴۲	۰.۴۰۰۶	۰.۳۵۲۳	۰.۲۹۷۵	۰.۲۳۵۵	۰.۳۳۰۷	خوراک	تحت پوشش
۰.۳۶۶۵	۰.۵۲۰۲	۰.۴۷۵۴	۰.۴۲۱۵	۰.۳۵۵۵	۰.۴۳۰۰	بهداشت	بیمه هستند
۰.۳۰۶۴	۰.۵۸۴۶	۰.۵۲۵۹	۰.۴۵۳۹	۰.۳۶۷۳	۰.۴۳۰۷	هزینه کل	گروهی که
۰.۲۲۷۰	۰.۵۵۹۰	۰.۴۸۹۷	۰.۴۰۷۵	۰.۳۱۵۴	۰.۳۶۹۴	خوراک	تحت پوشش
۰.۷۳۶۵	۰.۷۹۱۱	۰.۷۴۵۱	۰.۶۸۲۸	۰.۵۹۹۳	۰.۵۹۵۷	بهداشت	بیمه نیستند

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

با توجه به اطلاعات جدول ۲۲-۴-۵ مشخص می‌شود که بیمه و خدمات مربوط به آن نقش بسزایی در بهبود هزینه‌ها در خانوارهای روستایی دارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود که ضریب جینی برای هزینه کل (درآمد) کل خانوارهای روستایی که تحت پوشش خدمات بیمه‌های اجتماعی درمانی و حوادث هستند ۰.۳۹۰۰ و برای گروهی از خانوارها که تحت پوشش بیمه نیستند، ۰.۴۲۰۷ است. چنین تفاوتی در مورد نحوه توزیع هزینه‌های خوراک نیز ملاحظه می‌شود بدین ترتیب خانوارهایی که تحت پوشش بیمه هستند از توزیع مناسب‌تری در هزینه‌های خوراکی برخوردارند نسبت به خانوارهایی که تحت پوشش بیمه نیستند در مورد هزینه‌های بهداشتی نیز این مسئله صدق می‌کند و با توجه به ضرایب توزیعی به دست آمده مشاهده می‌شود هزینه‌های بهداشتی و درمانی برای خانوارهای روستایی که تحت پوشش بیمه نیستند بسیار نامناسب است.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

بازنشستگان: در نگاه اول به نظر می‌رسد که تمام گلایه و شکایت خانوارهای بازنشسته در مورد شرایط اقتصادی که دارند صحیح است. به صورت نسبی وضعیت بازنشستگان شهری و روستایی از نظر اقتصادی بدتر شده است. به عبارت دیگر دچار فقر نسبی هستند. شاخصی که در این مورد کمک می‌کند مقایسه ده ساله هزینه این خانوارها به قیمت‌های ثابت است. این مقایسه در دو مقطع سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ صورت گرفته است. جدول زیر در صد کاهش از هزینه خانوارهای شهری و روستایی را به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۴ و به تفکیک برای سه گروه که درآمد، درآمد متوسط، درآمد بالا نشان می‌دهد.

جدول الف - مقایسه هزینه کل خانوارهای بازنشسته در یک دوره

ده ساله ۱۳۶۴-۱۳۷۴ - شهر وروستا

مقایسه هزینه‌ها به قیمت ثابت	کم درآمد	درآمد متوسط	درآمد بالا
درصد تفاوت سال ۱۳۷۴ نسبت به ۱۳۶۴ (شهر)	-۱۵.۷	-۲۵.۳	-۳۲.۳
درصد تفاوت سال ۱۳۷۴ نسبت به ۱۳۶۴ (روستا)	-۲۵.۲	-۲۹.۳	-۲۵.۸

جدول الف به طور آشکار در درآمد دائمی واقعی بازنشستگان شهری و روستایی را نشان می‌دهد: در مورد شهرنشینان فقر نسبی به تدریج از گروه کم درآمد به درآمد متوسط و درآمد بالا افزایش می‌یابد و در مورد روستاییان بازنشسته گروه درآمد متوسط است که بیشترین فقر نسبی را تجربه می‌کنند. بدون شک این آمار و ارقام حتی با در نظر گرفتن خطاهای نسبی شکستن آمار تأییدی بر فقر نسبی بازنشستگان شهری و روستایی دارد.

تصویری بهتر از وقوع فقر نسبی خانوارهای بازنشسته را می‌توان از هزینه واقعی آنها روی کالاهای خوراکی و غیرخوراکی جستجو کرد. از زمانی که انگل با طرح اهمیت نسبی کالاهای در سبد خانوارها و توضیح در مورد کشتش درآمدی این کالاهای مسئله ضروری بودن کالاهای را به طور سببی شفاف نمود، این سهم‌ها هزینه‌ای و تغییرات آنها علائم مناسبی برای درک ضرورت کالاهای و مقاومت خانوارها در مقابل کاهش درآمد واقعی آشکار نمود. جدول شماره ب را در تصویر این مهم در زیر نشان می‌دهیم:

جدول ب - مقایسه هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی بازنشسته در

دوره ده ساله ۱۳۶۴-۱۳۷۴ - شهر وروستا

مقایسه مقطعی سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴	کم درآمد	درآمد متوسط	درآمد بالا
درصد تغییرات هزینه‌های واقعی خوراکی (شهر)	-۱۰.۵	-۲۹.۴	-۴۷.۶
درصد تغییرات هزینه‌های واقعی غیرخوراکی (شهر)	-۲۲.۷	-۲۳.۳	-۲۱.۵
درصد تغییرات هزینه‌های واقعی خوراکی (روستا)	-۷.۱۷	-۱۲.۹	-۲.۲
درصد تغییرات هزینه‌های واقعی غیرخوراکی (روستا)	-۴۰/۵	-۴۰	-۳۹.۲

خانوارهای کم درآمد بازنشسته شهری با کاهش قابل توجه (۲۲.۷ درصد) در هزینه‌های واقعی غیرخوراکی خود در سال ۱۳۷۴ نسبت به سال ۱۳۶۴ موفق به حفظ نسبی هزینه واقعی خوراکی خود شده‌اند. این مهم به خوبی درجه ضرورت هزینه‌های خوراکی این گروه را نشان می‌دهد. آنها توان این که کمتر بخورند را نداشتند.

در حالی که گروه ثروتمند بازنشسته مقدار بسیار قابل توجهی در هزینه‌های واقعی خوراکی خود کاهش داده‌اند، ولی درصد کاهش در هزینه‌های غیرخوراکی آنها حتی از گروه کم درآمد نیز کمتر است. در مورد روستائینان گروه کم درآمد با تفاوتی در در صد های رفتاری مشابه گروه کم درآمد شهری داشته‌اند. به این صورت که با کاهش قابل توجه از هزینه‌های واقعی غیرخوراکی (۴۰/۵ درصد) موفق شده‌اند که با کاهش حدود ۷/۲ درصد در هزینه‌های واقعی خوراکی تا حدودی سطح تغذیه خود را حفظ کنند. در اینجا نکته

در این توجیه مربوط به گروه ۲ درآمد بالای بازنشسته روستایی است که یا کاهش در هزینه‌های غیرخوراکی خود به مقدار ۲۳۹ درصد نخواسته‌اند بیشتر از ۲/۲ درصد در هزینه‌های خوراکی خود کاهش دهند. این می‌تواند به غمی<sup>۳</sup> مثل توجه خاصی روستاییان به کالاهای خوراکی و مصرف باشد که در آمارهای دیگر مربوط به روستاییان نشان داده می‌شوند.

به هر حال نکته مهم شاید اصح انجام این تحقیق بررسی درصد فقرای بین بازنشستگان می‌باشد. برای بهتر تصویر نمودن این نکته جدول ج را در زیر برای نشان دادن درصد افراد زیرخط فقر و مقایسه آن با کل کشور تشکیل می‌دهیم:

جدول ج - مقایسه وضعیت فقر برای بازنشستگان و کل کشور - شهر

روستا		شهر		شاخص های فقر
کل کشور	بازنشسته	کل کشور	بازنشسته	
۲۱.۵	۲۲.۳	۱۳	۶.۷	درصد زیرخط فقر
۴۹۰۵۳۶	۶۸۱۰۸۹	۶۸۳۱۳۸	۷۴۲۹۳۰	خط فقر ریالی

رد نظریه‌ای که بخش عمده بازنشستگان را زیرخط فقر مطلق می‌داند از جدول ج آشکار است. در شهر از نظر درصد زیرخط فقر، وضعیت بازنشستگان به مراتب بهتر از کل شهرنشینان است. ولی در روستا به تعداد جزئی حدود ۸ درصد، درصد افراد زیر خط فقر روستایی بازنشسته بیشتر نشان می‌دهد. جدول ج نشان می‌دهد که اصولاً بازنشستگان با مبلغ‌های ریالی بالاتری می‌توانند خود را به بالای خط فقر منتقل کنند. این می‌تواند به دو علت اختلاف در بردار قیمت‌ها یا تفاوت در ترکیب سبد مصرفی این خانوارها باشد. بیمه شدگان آیا زیر پوشش بیمه قرار گرفتن می‌تواند تضمین کند که کسی یا خانواری زیرخط فقر مطلق قرار نگیرد؟ یا این که اصولاً بیمه تا چه حدی بر کاهش فقر می‌تواند مؤثر باشد. به هر حال باید در بررسی این مهم به یک نکته اساسی باید توجه نمود. آن تورش داشتن این بررسی است. به عبارت دیگر پس از تفکیک کل جامعه به دو گروه بیمه شدگان و غیربیمه شدگان، دو جامعه مشابه از نظر شرایط اقتصادی، اجتماعی به خصوص شغلی نداریم. در جامعه ایران بیمه عمدتاً شامل بیمه تأمین اجتماعی، بیمه درمانی، بازنشستگی و صندوق‌های مستقل می‌شود و افراد تحت پوشش آن نیز کارکنان دولت و دستمزد و حقوق بگیران بخش خصوصی هستند. بخشی عمده مشاغل آزاد و بیکاران و کارکنان فصلی و فامیلی خارج از پوشش بیمه قرار می‌گیرند. با توجه به این مهم در زیر به بررسی و مقایسه فقر مطلق بیمه شدگان و غیربیمه شدگان در شهرها می‌پردازیم.

جدول د- در زیر به مقایسه درصد افراد زیرخط فقر بیمه شدگان و غیربیمه شدگان در شهر و روستا می‌پردازد. همچنین جهت شفاف شدن شرایط این دو گروه نحوه توزیع درآمد بین هر یک از گروه‌های مورد مطالعه را نیز با استفاده از شاخص تایللی و ضریب جینی نشان می‌دهیم:

<sup>۳</sup> که می‌تواند به علت تعداد کم بازنشستگان در روستاها و تعداد گروه ۲ درآمد بالا به عدم کیفیت آماری نیز مربوط شود

جدول د- مقایسه درصد فقر و نحوه توزیع بین بیمه‌شدگان و غیربیمه‌شدگان

در شهر و روستا- ۱۳۷۴

توضیحات	شهر		روستا	
	بیمه‌شدگان	غیربیمه‌شدگان	بیمه‌شدگان	غیربیمه‌شدگان
درصد افراد زیرخط فقر	۸	۱۶.۲	۱۵.۴	۲۱.۷
ضریب جینی	۰.۳۹۹	۰.۴۵۱	۰.۳۹۰	۰.۴۲۱
شاخص تین	۰.۳۷۱	۰.۳۶۷	۰.۳۵۵	۰.۳۰۶

می‌توان نخست این نتیجه را قبول نمود که به هر حال بیمه نمی‌تواند ضامن خروج از فقر مطلق باشد. چون در هر روز جامعه بیمه‌شدگان شهری و روستایی فقیر وجود دارد. ولی به هر حال نباید نادیده گرفت که به خصوص در شهر بیمه‌شدگان در سطح بسیار پایین تری از درصد فقر قرار دارند. ولی این سؤال بدون پاسخ است که آیا این پوشش بیمه است که در کاهش فقر مؤثر بوده یا ساختار این دو جامعه بیمه‌شدگان و غیربیمه‌شدگان دولت که چنین نتیجه‌ی را می‌دهد.<sup>۵</sup>

شاخص‌های توزیع در همه موارد و در هر دو جامعه شهری و روستایی نحوه توزیع هزینه کل را برای بیمه‌شدگان بهتر از غیربیمه‌شدگان نشان می‌دهد. با توجه به گروه‌های تشکیل دهنده دو زیرجامعه بیمه‌شدگان و غیربیمه‌شدگان این فیل نظر است. اصولاً جامعه بیمه‌شدگان شرایط اقتصادی نزدیک تری نسبت به دیگر گروه دارند. در بین غیربیمه‌شدگان از بیکار و کارکن فصلی تا صاحبان مشاغل آزاد و پردرآمد وجود دارند.

فهرست منابع جلد پنجم

- آمار و اطلاعات بودجه نوار مرکز آمار ایران.

- سالنامه‌های آماری سال‌های مختلف، مرکز آمار ایران.

- Atkinson A.B "Poverty and Social Security", Harvester Wheatsheaf, 1989
- Atkinson A.B "Social Justice and Public", Harvester Wheatsheaf, 1983.
- Becker, G.S "The Economic Approach to Human Behavior, the University at Chicago Press 1976
- Bowley, A.L. "Working - Class House Holds In Readingox of the Royal Statistical Society Vol. 36, 1913.
- Deatonma, and MtLberj "Economics and Consumer Behavior" combridge University Press, 1994

<sup>۵</sup> پاسخ به این سئوال در کتاب «توزیع درآمد و فقر» مرکز آمار ایران، سال ۱۳۷۴، جلد پنجم، ص ۱۰۰-۱۰۱.